



اتحاد بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

جایگاه اقتصاد بخش خصوصی از نگاه مقام معظم رهبری و الزامات تحقق آن

اندیشکده دیپلماسی اقتصادی

دکتر مهدی صادقی شاهدانی

تاریخ انتشار

۱۴۰۳/۱۱/۲۰



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

گزارش حاضر به سفارش و حمایت مالی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران انجام شده است. مالکیت معنوی گزارش متعلق به اتاق تهران بوده و هرگونه بازتولید یا ارائه نتایج طرح منوط به موافقت این اتاق است.

شناسنامه طرح پژوهشی

عنوان: جایگاه اقتصاد بخش خصوصی از نگاه مقام معظم رهبری و الزامات تحقق آن

مجری: اندیشکده دیپلماسی اقتصادی به نمایندگی از دکتر مهدی صادقی شاهدانی

ناظر: معاونت مطالعات اقتصادی و آینده پژوهی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

همکاران: رضا توکلی، امیر حسین عرب پور، امیر محمد رئیسیان، محمد حسین بدیعی خمسه فرد، رستم ضیایی، سعید

سیدحسین زاده

تاریخ: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷

چکیده

اقتصاد بخش خصوصی و نسبت دولت با آن از مناقشه‌برانگیزترین مباحث اقتصاد سیاسی است که متأثر از مکاتب فکری مختلفی در سیاستگذاری و الگوهای حکمرانی کشورها بروز می‌یابد. این مهم پس از انقلاب اسلامی ایران نیز در طول ادوار دولت‌های موفق به کسب آرای مردمی، محل چالش جدی بوده و تاکنون خطومشی مشخصی را نداشته است. علی‌رغم وجود سیاست‌های کلی متنوع از جمله سیاست‌های کلی اصل 44 و اقتصاد مقاومتی به عنوان زیربنای اصلی بحث، هنوز با اهداف و نتایج مورد انتظار فاصله داریم.

از آنجا که امروزه بخش خصوصی و فعالان این بخش نقش اساسی و مهم در کشورهای جهان جهت اقتصاد پیشرفته دارند، در این پژوهش به دنبال تبیین بیانات و سیاست‌های ابلاغی رهبری معظم انقلاب پیرامون جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد ایران خواهیم بود تا ضمن بررسی‌های کتابخانه‌ای و فیش برداری از منویات ایشان، با برگزاری جلسات سخنرانی علمی (پنل نخبگانی) توسط نظریه پردازان و نخبگان مطرح این حوزه موضوعی گام موثری جهت تحقق این مهم برداشته شود و علاوه بر تولید یک اثر علمی، به گفتمان سازی و جریان سازی تقویت بخش خصوصی در اقتصاد و تجارت کشور نایل گردد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای با تمرکز بر پیش‌برد اهداف اقتصادی به جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد ایران دیدگاهی ممتاز داشته‌اند. سیر بحث ایشان در ضمن بیانات و ابلاغ اسناد رسمی بالادستی می‌تواند تا حد قابل توجهی به چارچوب مبانی پایه‌ای و میانی و همچنین اهداف مطلوب از سوی ایشان در رابطه با نقش بخش خصوصی در اقتصاد ایران اشاره نماید. تحلیل صورت گرفته بر روی این اطلاعات کتابخانه‌ای با روش تحلیل مضمون پس از یک دوره مرور بر ادبیات رایج و تجربیات موفق اقتصاد بخش خصوصی در کشورهای پیشرفته صورت پذیرفته است. این تحلیل نشان می‌دهد که از دیدگاه ایشان:

۱- لازم است تا همه امکانات قانونی، مالی و آموزش عمومی کشور در ارتقای بخش خصوصی برای تحقق اهداف ملی بسیج شود.

۲- از تصدی‌گری و نقش رقابتی دولت با بخش خصوصی پرهیز شود و بر نقش نظارتی آن تأکید گردد. هرچند ماهیت تولید، توزیع و مصرف برخی کالاها و خدمات معدود، نه مطلوب و نه ممکن برای عملکرد بخش خصوصی است.

۳- اجرای اصل 44 قانون اساسی همچنان باید مبنای توسعه جایگاه اقتصاد خصوصی با حفظ شاخص عدالت و مبارزه با فساد قرار گیرد.

۴- نقشی مکمل برای اقتصاد مردمی و اقتصاد تعاونی با اقتصاد بخش خصوصی تعریف شود.

انجام مصاحبه‌های نخبگانی با دیدگاه نظریه‌پردازان اقتصاد اسلامی و مدیران با تجربه سیاستگذاری در اقتصاد ایران نیز اهم الزامات قابل طرح در تحقق چارچوب بالادستی مرتبط با اقتصاد بخش خصوصی (چنانکه در نظر رهبر معظم انقلاب است) را با تأکید بر سه سطح زیر توضیح داده‌اند:

۱- ادراکی: بخش مهمی از توفیق در پیاده سازی منویات رهبر انقلاب در احیای نقش بخش خصوصی در اقتصاد ایران به باز تعریف ماهیت اقتصاد اسلامی و ترویج پذیرش انگیزه‌های مادی ضابطه‌مند در آن برمی‌گردد. در چنین دیدگاهی بخش خصوصی بازیگری مولد و پیش‌تاز در توسعه ملی است.

۲- سیاستگذاری: دولت در نظام اقتصادی اسلام، عدالت را به معنای اعطای حقوق تمامی کنش‌گران ذی‌حق در صدر اهداف برنامه ریزی‌های ملی قرار می‌دهد. در چنین برداشتی از حدود اختیارات و تکالیف دولت، باید نقشی هادی، حامی و ناجی را ایفا کند. هدایت و تنظیم‌گری در طراحی زمین بازی ذی‌نفعان دولتی و خصوصی اولین وظیفه مسلم دولت‌هاست. علاوه بر آن نقش حمایت‌گرایانه دولت از راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای غیر دولتی و حقوق کنش‌گران فعال در بازار (اعم از کارفرمایان، کارگران و مصرف‌کنندگان داخلی و خارجی) مورد انتظار است. همچنین دولت‌ها باید شرایط کافی در مدیریت بحران‌های اقتصادی را بدست گیرند زیرا اینگونه شرایط و برخی بازارهای محدود که از اثرات سیاسی و امنیتی نیز برخوردار می‌شوند از قوانین اولیه رقابت خارج هستند.

۳- رفتاری: مشارکت بخش خصوصی در تنظیم مقررات دولتی مرتبط با فعالیت این بخش در اقتصاد و مبارزه با فعالیت‌های اقتصادی غیرمولد از این جمله‌اند.



فصل 1) ادبیات نظری جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد و تجربه کشورهای منتخب

مقدمه

بخش خصوصی یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه اقتصادی و اجتماعی در هر جامعه‌ای است. این بخش با ایجاد اشتغال، تولید ثروت و نوآوری، نقشی اساسی در تقویت پویایی اقتصادی و بهبود رفاه عمومی ایفا می‌کند. اهمیت و ضرورت بررسی جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد به دو دلیل اساسی برجسته است. نخست، درک جایگاه این بخش در نظام‌های مختلف اقتصادی به ما امکان می‌دهد تا از تجارب موفق و شکست‌های گذشته درس بگیریم و چارچوب‌های کارآمدتری برای سیاست‌گذاری اقتصادی طراحی کنیم. دوم، در دنیای امروز که جهانی‌سازی، پیشرفت‌های فناورانه، و چالش‌های زیست‌محیطی به طور مداوم ماهیت اقتصاد را تغییر می‌دهند، تحلیل نقش و جایگاه بخش خصوصی می‌تواند به دولت‌ها کمک کند تا راهبردهای پایدارتری برای توسعه اقتصادی ارائه دهند.

بخش خصوصی را می‌توان به‌طور کلی به‌عنوان تمام فعالیت‌های اقتصادی تعریف کرد که توسط افراد، شرکت‌ها، و نهادهای غیر دولتی مدیریت و اداره می‌شود. این تعریف شامل طیف وسیعی از نهادهای، از شرکت‌های بزرگ چندملیتی گرفته تا کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و حتی استارت‌آپ‌ها می‌شود. ویژگی‌های بارز بخش خصوصی شامل مالکیت خصوصی دارایی‌ها، سودآوری به‌عنوان هدف اصلی، و استقلال در تصمیم‌گیری است. اما این استقلال در بسیاری از نظام‌های اقتصادی مطلق نیست و بستگی به میزان دستوری بودن اقتصاد و مداخله دولت دارد.

جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد به‌شدت به نوع نظام اقتصادی و الگوهای حاکم بر آن وابسته است. نظام‌های اقتصادی مختلف، از سرمایه‌داری لیبرال تا سرمایه‌داری دولتی، تعامل‌های متفاوتی با بخش خصوصی دارند. برای مثال، در مدل سرمایه‌داری لیبرال که در کشورهایی مانند ایالات متحده و بریتانیا رواج دارد، آزادی اقتصادی و رقابت بازار محوریت دارند و دولت نقشی حداقلی در هدایت اقتصاد ایفا می‌کند. در مقابل، در مدل سرمایه‌داری اجتماعی که در کشورهایی مانند آلمان دیده می‌شود، دولت و بخش خصوصی در یک تعامل نزدیک برای تأمین رفاه عمومی و حفظ تعادل اقتصادی همکاری می‌کنند. در مدل سرمایه‌داری دولتی، مانند آنچه در چین وجود دارد، دولت نه تنها به‌عنوان تنظیم‌کننده بلکه به‌عنوان هدایتگر اصلی اقتصاد عمل می‌کند و بخش خصوصی موظف است در چارچوب سیاست‌های کلان دولتی فعالیت کند. در مدل سوسیال دموکراتیک که در کشورهای اسکاندیناوی مشاهده می‌شود، دولت نقش بسیار فعالی در تأمین رفاه عمومی دارد و بخش خصوصی در چارچوب قوانین اجتماعی و زیست‌محیطی به فعالیت می‌پردازد.

بررسی جایگاه بخش خصوصی همچنین به ما امکان می‌دهد تا نحوه تعامل این بخش با دولت را در نظام‌های مختلف اقتصادی تحلیل کنیم. این تعامل، به‌ویژه در شرایط بحرانی مانند رکودهای اقتصادی یا تغییرات ساختاری،

اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. برای مثال، در بحران مالی ۲۰۰۸، دولت آمریکا با ارائه بسته‌های نجات مالی به شرکت‌های خصوصی تلاش کرد تا از فروپاشی اقتصادی جلوگیری کند. در مقابل، در کشورهای اسکاندیناوی، این تعامل بیشتر در حوزه تأمین رفاه عمومی و پایداری زیست‌محیطی تعریف شده است.

علاوه بر این، تحلیل جایگاه بخش خصوصی از منظر تطبیقی و مطالعه تجربیات کشورها می‌تواند در طراحی سیاست‌های اقتصادی بسیار مؤثر باشد. برای مثال، آلمان با تکیه بر شرکت‌های کوچک و متوسط که به آن‌ها *Mittelstadt* گفته می‌شود، توانسته است اقتصادی پایدار و متوازن ایجاد کند. این شرکت‌ها با حمایت دولت و در عین حال برخورداری از آزادی عمل در تصمیم‌گیری، ستون فقرات اقتصاد آلمان را تشکیل می‌دهند. در مقابل، ایالات متحده با تمرکز بر شرکت‌های بزرگ چندملیتی و آزادی کامل بازار، مدلی مبتنی بر نوآوری و رقابت ارائه داده است. در چین، تعامل هدایت‌شده میان دولت و بخش خصوصی باعث شده تا این کشور به یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان تبدیل شود، هرچند چالش‌هایی مانند محدودیت آزادی اقتصادی و خطر فساد همچنان پابرجاست. در سوئد، مدل سوسیال دموکراتیک با تأکید بر عدالت اجتماعی و توسعه پایدار، تجربه‌ای موفق از تعامل نزدیک میان دولت و بخش خصوصی ارائه کرده است.

هدف از این پژوهش، بررسی جامع جایگاه بخش خصوصی در نظام‌های مختلف اقتصادی و تحلیل تجارب کشورهای منتخب است. این پژوهش به دنبال پاسخ به چند سؤال کلیدی است: بخش خصوصی در الگوهای مختلف نظام سرمایه‌داری چه نقشی ایفا می‌کند؟ تعامل میان دولت و بخش خصوصی چگونه بر توسعه اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد؟ چه درس‌هایی می‌توان از تجربه کشورهای پیشرو در مدیریت و هدایت بخش خصوصی آموخت؟

در این پژوهش، ابتدا به بررسی ادبیات نظری مربوط به الگوهای عملیاتی نظام سرمایه‌داری پرداخته می‌شود. این بخش شامل تحلیل مدل‌های مختلف سرمایه‌داری از جمله لیبرال، اجتماعی، دولتی، و سوسیال دموکراتیک است. سپس، جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد و تعامل آن با دولت در این الگوها بررسی خواهد شد. در بخش بعدی، تجربیات کشورهای منتخب از جمله آلمان، آمریکا، کره جنوبی و ترکیه مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در نحوه مدیریت بخش خصوصی در این کشورها مشخص شود. در نهایت، این گزارش با جمع‌بندی و ارائه الگوهایی برای جانمایی جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد پایان می‌یابد.

ادبیات نظری و چارچوب مفهومی موضوع

تعریف بخش خصوصی

بخش خصوصی شامل بخشی از فعالیت‌های اقتصادی می‌شود که در تملک دولت نیست. بخش خصوصی به مجموعه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهایی اطلاق می‌شود که با انگیزه کسب سود و بر مبنای مالکیت،

مدیریت و عملکرد با ماهیت غیرعمومی و غیردولتی با پیروی از نظم بازار و در عرصه بازار و در چارچوب قوانین، قواعد و مقررات موضوعه به فعالیت های تولید و عرضه کالاها و خدمات و توزیع و بازرگانی می پردازند (صدیقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

در جای دیگری بخش خصوصی را سازمان هایی که به فعالیت های سودآور مشغول اند و دارای اکثریت مالکیت خصوصی بوده و تحت مالکیت و اداره مستقیم دولت نیستند و هیچ بودجه ای از دولت نمیگیرند، تعریف نموده است. این تعریف موسساتی نظیر مؤسسات مالی و واسطه ها، شرکت های چندملیتی، شرکت های کوچک و متوسط، تعاونی ها، فعالین بخش کشاورزی، به استثنای مؤسسات غیرانتفاعی همانند صندوق های خصوصی و سازمان های اجتماعی شامل می شود (نجفی خواه، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

در تعریف جامع تری، این بخش بدین نحو تعریف شده است: بخش خصوصی بخشی از اقتصاد است که در آن منابع مالکیت بر کالا و خدمت خصوصی و یا عمومی از محل ثروت و یا تعهد خصوصی تأمین شده، هدف آن بیشینه کردن منافع خود از طریق ارائه ی کالا و خدمات به اشخاص در بازارهای رقابتی است و قدرت کنترل کامل اعم از اجبابی و سلبی بر دارایی خود داشته باشد. در مورد انحصارات طبیعی، فعالیت بخش خصوصی در بازارهای تنظیم یافته براساس قانون صورت خواهد گرفت. بازار و رقابت محرک و تنظیم کننده روابط بین اشخاص در این بخش است و هزینه های مخاطره های اقتصادی ورشکستگی به طور مستقیم و یا با چند واسطه، به طور کلی و یا جزئی به هیچ وجه قابل انتقال به منابع عمومی و یا منابع در کنترل حاکمیت نیست (آخوندی، ۱۳۹۱).

به طور کلی می توان گفت خصوصی سازی عبارت است از تغییر تعادل میان حکومت و بازار در حیات اقتصادی یک کشور به نفع بازار، که از طریق انتقال مالکیت یا کنترل دارایی ها یا خدمات از بخش عمومی به بخش خصوصی تحقق می پذیرد. در واقع حوزه فعالیت های دولت در نتیجه خصوصی سازی کاهش می یابد و نقش دولت محدود به نقش مدیریتی و نظارتی می شود (نصیرزاده، ۱۳۸۳).

زمینه های تاریخی خصوصی سازی

بعد از جنگ جهانی اول، لیبرالیسم به مفهوم دخالت دولت در امور اقتصادی به مرحله عمل درآمد و با گسترش تقاضا، بهبود خدمات عمومی و رفاهی و از بین رفتن بیکاری و ایجاد تحرک در زمینه های بالقوه اقتصادی موفقیت چشمگیری حاصل شد. به این ترتیب حوزه مالکیت دولت گسترش یافت و بسیاری از صنایع و فعالیت های اقتصادی در اروپا ملی اعلام گردید. به طوری که در ایتالیا بسیاری از بانک های سرمایه گذاری و صنایع وابسته، در انگلستان بانک ها، صنایع ذغال سنگی، راه آهن، هواپیمایی و گاز و در فرانسه مؤسسه های بیمه، بانک، اسلحه سازی و هواپیماسازی و غیره ملی اعلام شدند. به این ترتیب طی سال های پس از جنگ، کشورهای اروپایی تجارب

کاملی از اداره شرکت های دولتی و انحصارات ملی به دست آوردند. حاصل این تجارب که عدم کارایی شرکت های دولتی بود باعث شدت شعارهای ملی کردن به ضد ملی کردن تبدیل شود. لیبرالیسم جدید این بار خشنود از فعالیت دولت، پدیده شکست دولت را مطرح ساخت و خصوصی سازی را به عنوان استراتژی مطلوب به جهان عرضه می کرد و موج جدید خصوصی سازی به پیش گامی انگلستان سرتاسر جهان را فرا گرفت. از روش مذاکره و یا مزایده می توان برای خصوصی سازی آن گروه از شرکت های کوچک و متوسط دولتی استفاده کرد که به دلیل وضعیت نامناسب مالی سوء مدیریت عملکرد مناسبی ندارند. در انگلستان زمانی که مارگارت تاچر در سال ۱۹۷۹ به قدرت رسید، نزدیک به ۵/۱۱ درصد از تولید ناخالص داخلی مربوط به شرکت های دولتی بود. در زمان سومین پیروزی او در سال ۱۹۸۷ این سهم به ۵/۷ درصد رسید و در جریان این تحول بیش از ۵۰۰ هزار کارگر به بخش خصوصی انتقال یافتند و ۹۰ درصد از آنها صاحب سهام کارخانه شدند. گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) نشان می دهد در سال ۱۹۹۶ دولت ها ۸۸ میلیارد دلار از طریق خصوصی سازی درآمد کسب کردند. در همین حال در کشورهای در حال توسعه و غیرعضو (OECD) نیز در زمینه خصوصی سازی گسترش یافتند به طوری که در سال ۱۹۹۰ سهم این کشورها در مجموع درآمدهای ناشی از خصوصی سازی فقط ۱۷ درصد یعنی ۴ میلیارد دلار بود که این سهم در سال های گذشته به ۲۲ درصد یعنی ۱۹ میلیارد دلار رسیده است.

مشارکت بخش خصوصی

اقداماتی که هدف آن توسعه بخشی خصوصی با جلب مشارکت فعال این بخش است. این تعریف تعمدا وسیع بوده تا شرایط برای جلب بخش خصوصی درخصوص همکاری های توسعه ای را شامل شود. این تعریف در مورد چگونگی توسعه همکاری ها به کار می رود، مشارکت بخش خصوصی می تواند در هر بخش یا هر زمینه اتفاق افتد (همانند سلامت، آموزش، توسعه بخش خصوصی، انرژی تجدیدپذیر، حاکمیت و غیره). از طریق مشارکت بخش خصوصی، بخش خصوصی و دیگر مشارکت کنندگان می توانند از دارایی ها، ارتباطات، خلاقیت یا تخصص یکدیگر جهت دستیابی به نتایج سودآور متقابل، منفعت ببرند.

به طور کلی بخش خصوصی ارتباط نزدیکی با مفهوم مالکیت خصوصی دارد. مالکیت خصوصی یعنی استفاده، کنترل، مالکیت و قابلیت دور انداختن یا اهدا کردن زمین، سرمایه و دیگر اشکال مالکیت توسط افراد قانونی و شرکت های تحت مالکیت خصوصی است. مالکیت خصوصی از مالکیت عمومی و اشتراکی - که به منابع در تملک حکومت، جامعه یا دولت اشاره دارد و نه افراد حقیقی و یا بنگاه اقتصادی - قابل تمایز است؛ بنابراین، مالکیت عبارت است از اسناد یک دارایی (یا توانایی) به شخصی حقیقی یا حقوقی در یک دوره زمانی معین. مالکیت منشأ اختیارات و حقوقی برای مالک است که ازجمله می توان به اختیارات و حقوق ناشی از مالکیت

برای اعمال مدیریت، اختصاص و انحصار منافع و درآمدها و انتقال و مبادله دارایی اشاره کرد. حدود و ثغور این حقوق و کیفیت اعمال آن را دولت تعریف و تضمین می‌کند (رنانی، ۱۳۷۶).

سبک های مختلف نظام های سرمایه داری

نظام سرمایه داری با سه ویژگی اصلی تعریف می‌شود: اول مالکیت خصوصی، دوم سود شخصی و حداکثرسازی سود به عنوان انگیزه افراد فعال در اقتصاد و سوم هماهنگی بازارها و سیستم قیمت به عنوان ابزار هماهنگی در مقابل برنامه ریزی مرکزی. شیوه‌ها و روش‌های مختلف عملکرد اقتصاد سیاسی ملی را می‌توان سبک^۱ نامید. بر اساس طبقه‌بندی‌ای که توسط گروهی از فیلسوفان، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و مورخان انجام شده است (گودین و همکاران، ۱۹۹۹: صص ۳۹-۸۰)، سبک‌هایی که می‌توان الگوی سرمایه‌داری را به کار گرفت حداقل به سه دسته تقسیم می‌شوند: سرمایه داری لیبرال، سرمایه داری اجتماعی (شرکتی) و نظام سرمایه داری سوسیال دموکراتیک. با این حال یک «الگوی کنفوسیوسی» یا به تعبیری نظام سرمایه داری دولتی نیز وجود دارد که با توجه تسلط مداوم فلسفه سیاسی اروپایی بر بازار ایده‌ها، کمتر جلوه داشته است.

سرمایه داری لیبرال^۲ (آنگلوساکسون)

این سبک در چارچوب نظام سرمایه‌داری و یا به عبارت دیگر در اقتصاد بازار که آزادی اصلی‌ترین ارزش آن است، نهادینه شده است. در این نوع سبک، فضای مانور قابل ملاحظه‌ای برای سیاست‌های لیبرال و اقتصاد سرمایه‌داری وجود دارد و فضای محدودی برای سیاست‌های اجتماعی باقی مانده است. سبک لیبرال به دولت در رابطه با «رفاه اجتماعی»^۳ نقشی حاشیه‌ای می‌دهد. با توجه به اینکه ارزش شماره یک این سبک آزادی است، بنابراین دولت بی‌طرفی خود را در برابر تمام سبک‌های ایده‌آل زندگی شهروندان اعلام می‌کند. ویژگی اصلی این سبک با عنوان «سیاست رفاه اجتماعی لیبرال» در مقایسه با سایر الگوها این است که کسانی را که واقعاً «قادر»^۴ به انجام کار مؤثر نیستند از کسانی که «مایل»^۵ به انجام این کار نیستند جدا کنند. به نظر می‌رسد که این مدل «برنده-بازنده»^۶ از نظر فرهنگی نشانی از عدم مهربانی سیستم نسبت به کسانی است که قادر به انجام کار نیستند. اما با این وجود جنبه‌ای از عدالت در مورد کسانی که بی‌انگیزگی آن‌ها را از کار بازار می‌دارد وجود دارد. دولت در نظام سرمایه‌داری به سبک لیبرال سیاست‌های اجتماعی را به کار نمی‌گیرد، بلکه مؤسسات خیریه^۷ را برای نجات افراد فقیر به کار می‌گیرد. به عنوان مثال یکی از قوانین اصلی که هنوز در ایالات متحده معتبر است، قانون «فقیر جدید» است و بر اساس این قانون صلاحیت افراد برای واجد شرایط بودن برای تأمین رفاه به عنوان یک گزینه

¹ styles

² Liberal Style

³ social welfare

⁴ unable

⁵ unwilling

⁶ winner-loser

⁷ charity

نامطلوب بیان می‌شود و فقط کسانی که در آن زمان هیچ انتخاب دیگری ندارند، تصمیم می‌گیرند برچسب اجتماعی یا وضعیت حقوقی «فقیر» را بپذیرید و از دیگر مزایای اجتماعی محروم شوند (گودین و همکاران، 1999: صص 40-45).

از سوی دیگر «پویایی اقتصادی» مزیت اصلی این سبک است و الگویی است که برای کسب مقام پیشروی در مقایسه با سایر الگوها طراحی شده است، زیرا امکان تحقق میل به موفقیت بر اساس ترس عمیق از شکست ناشی می‌شود، اما مطمئناً هزینه‌های اجتماعی بالایی برای «بازندگان» دارد. نقطه ضعف این الگو طبقه اجتماعی در حال ظهوری است که موفق نمی‌شوند و با ناامیدی از رقابت اجتماعی کنار می‌روند. یکی دیگر از معایب مهم این الگو ترس از دست دادن شغل یا کسب‌وکار است که میل به آرامش و ثبات افراد در زندگی را از بین می‌برد. در کشورهایی که الگوی آنگلو ساکسون در سبک‌های لیبرال استفاده می‌شود (مانند ایالات متحده، کانادا، استرالیا و بریتانیا)، امور اجتماعی و خیریه عمدتاً توسط سازمان‌های غیردولتی، مؤسسات خیریه خصوصی و انجمن‌های مسیحی و نه در واقع توسط دولت انجام می‌شود (میورسان، 2014: صص 130-131).

سرمایه داری سوسیال - دموکراتیک¹

این سبک، که در آن می‌توان اقتصادهای سرمایه‌داری را اداره کرد دارای نقطه تمرکز متفاوتی است و علایق متفاوتی در مقایسه با سبک لیبرال دارد. این سبک ریشه در یک چارچوب اجتماعی و اقتصادی با گرایش‌های سوسیالیستی دارد و به دولت نقش مهمی در توزیع مجدد درآمد می‌دهد و ارزش اصلی آن دستیابی به «برابری اجتماعی»² است. راه دستیابی به برابری، راه کلاسیک سوسیال دموکراتیک است. این سبک در کشورهای شمال اروپا، هلند و اسکاندیناوی به ویژه در جایی که سوسیال دموکرات‌ها از سال 1945 کم و بیش در دولت غالب هستند، جاری است. نکته اساسی این است که همه‌ی شهروندان از نظر جامعه و از نظر دولت و قانون‌گذار برابر هستند. مشارکت همه شهروندان در زندگی اجتماعی از جمله در زندگی سیاسی و اقتصادی یک اصل پایه‌ای است و پایه و اساس سیاست‌های اقتصادی در این سبک است. هدف این است که قواعدی برای سهم‌بری افراد از تولیدات اقتصاد ملی طراحی شود تا برابری اجتماعی محقق شود. در این جامعه دولت با استفاده از سیاست‌های توزیع مجدد، خدماتی را اداره کرده و سعی می‌کند وسایل لازم را برای همه شهروندان خود برای مشارکت در زندگی اجتماعی فراهم کند. اگر سبک سوسیال دموکراتیک در هلند را با سبک سرمایه داری اجتماعی در آلمان و با سبک لیبرال در ایالات متحده مقایسه کنیم تفاوت‌ها آشکار خواهد شد. در حالی که طی 10 سال، هر شهروند هلندی از نوعی از وجوه عمومی به عنوان مزایای اجتماعی (به غیر از کمک هزینه فرزند یا مزایای بازنشستگی) استفاده کرده است، فقط کمی بیش از نیمی از آلمانی‌ها و آمریکایی‌ها از آن استفاده کردند، اما این سخاوت در پرداخت مزایای اجتماعی ممکن است با حرص و طمع کسانی تهدید شود که ممکن است ادعا کنند بی‌کار هستند در حالی که آماده کار هستند، اما تمایلی به کار ندارند (گودین و همکاران، 1999: ص 46). جنبه کلیدی سبک

¹ Social-Democratic Style

² social equality

سوسیال دموکراتیک این واقعیت است که دولت و جامعه عمومی به شخصیت مردم خود اعتماد دارند که این کار را نکنند، یعنی از این اعتماد عمومی سوءاستفاده نکنند. این مدل تصور وجود یک شبکه ایمنی را برای همه ایجاد می‌کند و وجدان مدنی هر شخص را فرا می‌خواند. این کار در جوامعی با درجه انسجام، بلوغ و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالا انجام می‌شود، مانند جوامع اسکاندیناوی و هلند. آلمان نیز چنین تمایلاتی دارد، اما این گرایش‌ها به دلیل گرایش خاص این کشور به کنترل و اثرات سیاست‌های لیبرال محدود می‌شوند.

سرمایه داری اجتماعی (سبک شرکت‌گرایی)^۱

در این سبک سیاست‌های اقتصادی با رویکرد عمدتاً جمع‌گرا^۲ (نه فردگرا) و سیاست‌های اجتماعی همبستگی محور^۳ اعمال می‌شود. ارزش و هدف اصلی این سبک دستیابی به «انسجام اجتماعی»^۴ است. شرکت-گرایان با طرز تفکر ذهنی متفاوتی از لیبرال‌ها یا سوسیال‌ها به جامعه فکر می‌کنند و از نظر آن‌ها جوامع ملی یا محلی توسط چندین گروه تشکیل شده است و درون هر گروه، گروه‌های دیگری وجود دارد که گروه اول را تشکیل می‌دهند. با توجه به «اصل تابعیت»^۵ که در آموزه‌های اجتماعی کلیسای کاتولیک آموزه‌ی محوری است، در شرکت‌گرایی هر گروه ضمن اینکه در تصمیم‌گیری خود مستقل هستند، در قالب یک گروه بزرگتری مسئول سرنوشت کل گروه هستند. «انسجام» یک گروه با سایر گروه‌ها نیز دیگر اصل اساسی دیگر است که دیگر ویژگی شرکت‌گرایی یعنی انسجام اجتماعی را تأمین می‌کند.

معیارهای ذهنی که برای تشکیل گروه‌ها استفاده می‌شود معیارهای فعالیت حرفه‌ای و شغلی (انجمن‌های حرفه‌ای نظیر پزشکان، کارگران ماهر، وکلا، اقتصاددانان، اساتید یا حتی اصناف) و معیار جغرافیایی (مجاورت فیزیکی) است. جامعه شرکتی نتیجه شکل‌گیری چنین سازمان‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای است. علاوه بر آن خانواده سلول و کوچکترین گروه است و پس از آن گروهی از خانواده‌ها که یک محله را تشکیل می‌دهند، سپس جامعه محلی، سپس شهر و در مورد آلمان ایالت یا سرزمین و تنها پس از آن سطح فدرال یا سطح ملی دنبال می‌شود. با نگاهی بهتر به ریشه‌های مذهبی سازمان سیاسی در اروپای مرکزی می‌توان ملاحظه نمود که شرکت‌های سیاسی (یا مدنی) همان شرکت‌های مذهبی هستند که در کلیسای کاتولیک روم تعریف شده است، محله‌ها با توجه به نزدیکی جغرافیایی خانه‌های مؤمنان تعبیه شده است و احساس تعلق به هم در بین اعضای گروه‌هایی که بر اساس این معیارها ساخته شده‌اند ایجاد می‌شود (گودین و همکاران، 1999: صص 52-55).

این شیوه شرکتی مبتنی بر اقتصاد بازار، اقدامات رفاهی دولت را اقدامات واسطه‌ای می‌داند که از طریق آن‌ها گروه‌های اجتماعی ممکن است به یکدیگر کمک کنند. این کمک که دولت به گروه‌های اجتماعی ارائه می‌دهد در تقسیم ریسک منعکس می‌شود: به عنوان مثال در صندوق بیمه درمانی خطر بیماری در بین بیمه-شدگان نابرابر است، اما حق بیمه برای همه اعضاء به طور مساوی تقسیم می‌شود. دلیل این است که حق بیمه با

¹ Corporatist Style

² communitarian

³ solidarity-driven

⁴ social cohesion

⁵ principle of subsidiarity

توجه به سطح درآمد هر یک از اعضای محاسبه می شود و نه ریسک بیماری. سبک رفاه شرکت‌گرایی به ویژه در اروپای غربی قاره‌ای و در مناطق تحت سلطه ایدئولوژی‌های توسعه‌یافته توسط کلیسای کاتولیک نظیر اروپای مرکزی، بلژیک، ایتالیا، آلمان، سوئیس و اتریش یافت می‌شود. سایر کشورهای کاتولیک در اروپا مانند لهستان و مجارستان، یا حتی کشورهای کاتولیک خارج از اروپا مانند آمریکای لاتین، احتمالاً خودشان سیستم‌های شرکتی می‌سازند، اما در حال حاضر مدل‌های سازماندهی آن‌ها آنقدرها آشکار و متبلور نیستند که بتوانند الگوهایی برای دیگران باشند. با این حال به نظر می‌رسد که کشورهای سرمایه‌داری با شیوه‌های شرکت‌گرایانه هنوز به اجماع اجتماعی آزاد نرسیده‌اند تا بتوانند در طولانی‌مدت بدون دخالت شدید دولت به نتایج پایدار برسند (میورسان، 2014: صص 133-134).

سرمایه داری دولتی (کنفوسیوسی)

سبک کنفوسیوسی به‌عنوان یکی از الگوهای منحصربه‌فرد نظام سرمایه‌داری، در کشورهای شرق آسیا مانند چین، ژاپن، کره جنوبی، و سنگاپور ریشه گرفته است و در برخی کشورها نظیر روسیه نیز جریان دارد. این الگو که بر پایه آموزه‌های فلسفی کنفوسیوس بنا شده، به تعامل نزدیک میان دولت و بخش خصوصی، توسعه هدایت‌شده، و اولویت‌بخشی به انسجام اجتماعی و اقتصادی تأکید دارد (Cheng & Wang, 2015: 210). برخلاف نظام‌های سرمایه‌داری لیبرال که بر آزادی مطلق بازار متمرکز هستند، الگوی کنفوسیوسی رویکردی هدایت‌شده دارد که در آن دولت نقش محوری در طراحی و اجرای سیاست‌های اقتصادی ایفا می‌کند و بخش خصوصی در چارچوب این سیاست‌ها عمل می‌کند (Lee et al., 2018: 314).

این الگو بر اساس آموزه‌های کنفوسیوس، فیلسوف برجسته چینی (۵۵۱-۴۷۹ پیش از میلاد)، شکل گرفته است. کنفوسیوس بر ارزش‌هایی مانند نظم اجتماعی، هماهنگی، مسئولیت‌پذیری، و احترام به سلسله‌مراتب تأکید داشت. در الگوی کنفوسیوسی، این ارزش‌ها به‌طور گسترده در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای شرق آسیا نهادینه شده‌اند (Park, 2017: 140). دولت در این نظام به‌عنوان نهاد هدایتگر و حافظ نظم و انسجام اجتماعی عمل می‌کند، در حالی که بخش خصوصی به‌عنوان ابزاری برای اجرای سیاست‌های دولت و تأمین رفاه عمومی به کار گرفته می‌شود.

یکی از ویژگی‌های بارز الگوی کنفوسیوسی، تعامل هدایت‌شده میان دولت و بخش خصوصی است. در این الگو، دولت نه تنها نقش تنظیم‌کننده بلکه نقش هدایتگر اصلی اقتصاد را ایفا می‌کند. برخلاف نظام‌های لیبرال که دولت را از مداخله در بازار منع می‌کنند، در الگوی کنفوسیوسی دولت مسئول طراحی استراتژی‌های بلندمدت توسعه و تخصیص منابع است. دولت به‌طور مستقیم در انتخاب صنایع استراتژیک، حمایت مالی از شرکت‌ها، و تنظیم روابط بین کارفرما و کارگر نقش دارد (Chang, 2017: 145). این هدایت‌گری، به‌ویژه در شرایطی که کشورها با چالش‌های توسعه صنعتی مواجه بوده‌اند، به تسریع رشد اقتصادی کمک کرده است.

بخش خصوصی در الگوی کنفوسیوسی، نقش مکملی برای دولت دارد. شرکت‌های خصوصی موظفند در چارچوب سیاست‌های کلان دولتی فعالیت کنند. این چارچوب شامل اولویت‌بخشی به صنایع استراتژیک، تقویت صادرات، و تأمین نیازهای اجتماعی است. برای مثال، دولت چین در برنامه‌های توسعه‌ای مانند "Made in China 2025"، شرکت‌های خصوصی را ملزم کرده است تا در توسعه فناوری‌های پیشرفته و رقابت‌پذیری جهانی نقش فعالی ایفا کنند. (Lee et al., 2018: 320). این مدل، برخلاف سرمایه‌داری لیبرال که استقلال کامل به شرکت‌ها می‌دهد، بر همکاری میان دولت و شرکت‌ها تأکید دارد.

توسعه صنایع استراتژیک یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته الگوی کنفوسیوسی است. دولت‌ها در این الگو، صنایع خاصی را به‌عنوان محرک اصلی توسعه انتخاب می‌کنند و از طریق حمایت‌های مالی، سیاست‌های حمایتی و ایجاد زیرساخت‌ها، رشد این صنایع را تسریع می‌کنند. برای مثال، دولت چین از طریق سرمایه‌گذاری‌های عظیم در زیرساخت‌ها و تحقیق و توسعه، شرکت‌های چینی را به پیشروان جهانی در حوزه فناوری تبدیل کرده است. ژاپن نیز با تمرکز بر صنایع خودروسازی و الکترونیک، موفق به رقابت با شرکت‌های غربی شده است. (Chang, 2017: 150).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی و جمع‌گرایی نیز از اصول اساسی الگوی کنفوسیوسی است. برخلاف سرمایه‌داری لیبرال که بر منافع فردی تأکید دارد، این الگو بر منافع جمعی و انسجام اجتماعی تمرکز دارد. شرکت‌های خصوصی موظف به رعایت استانداردهای اجتماعی و زیست‌محیطی هستند و در بسیاری موارد نقش فعالی در ارائه خدمات عمومی مانند آموزش و بهداشت ایفا می‌کنند. این رویکرد، به‌ویژه در کاهش نابرابری‌ها و بهبود کیفیت زندگی شهروندان مؤثر بوده است. به‌طور کلی، الگوی کنفوسیوسی ترکیبی از هدایت‌گری دولتی، مشارکت فعال بخش خصوصی و تأکید بر انسجام اجتماعی است. این الگو توانسته است تعادلی میان رشد اقتصادی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی ایجاد کند. با وجود چالش‌های موجود، موفقیت‌های این مدل در کشورهای شرق آسیا نشان‌دهنده قابلیت‌های آن در ایجاد توسعه پایدار و رقابت‌پذیری جهانی است. (Amsden, 1989: 165).

الگوهای رایج برای جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد

این پژوهش در این قسمت به تحلیل جایگاه بخش خصوصی در چهار الگوی فوق (سرمایه‌داری لیبرال، سرمایه‌داری اجتماعی، سرمایه‌داری اجتماعی-دموکراتیک و سرمایه‌داری دولتی) پرداخته و تعامل میان دولت و بخش خصوصی را در هر الگو بررسی خواهد کرد.

الگوی لیبرال: آزادی اقتصادی و محوریت بازار آزاد

الگوی آنگلو ساکسون، که یکی از برجسته‌ترین نظام‌های اقتصادی بازار آزاد است، در کشورهایی چون ایالات متحده، بریتانیا، کانادا، و استرالیا اجرا می‌شود. این الگو که مبتنی بر اصول لیبرالیسم اقتصادی است، بازار آزاد را به عنوان بهترین سازوکار برای تخصیص بهینه منابع و دستیابی به رشد پایدار در نظر می‌گیرد. آزادی اقتصادی، رقابت و نقش محدود دولت از ارکان اصلی این الگو هستند. بر اساس این چارچوب، دولت نقشی حداقلی در اقتصاد ایفا می‌کند و به تنظیم بازار، حفظ حقوق مالکیت، و ارائه چارچوب‌های قانونی محدود می‌شود.

در این نظام، آزادی اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد. شرکت‌ها و افراد بدون محدودیت‌های دولتی فعالیت می‌کنند و سیاست‌گذاران معتقدند که مکانیسم‌های بازار آزاد به طور خودکار می‌توانند منابع را به طور بهینه تخصیص دهند. رقابت نیز به عنوان نیروی محرکه اصلی در این الگو مطرح است، زیرا کیفیت کالاها و خدمات را بهبود می‌بخشد و شرکت‌ها را برای نوآوری و کاهش هزینه‌ها تشویق می‌کند. تمرکز این نظام بر سودآوری نیز مشهود است؛ سود به عنوان معیار موفقیت اقتصادی تلقی می‌شود و منافع فردی در نهایت به منافع جمعی منجر خواهد شد.

در الگوی آنگلو ساکسون، بخش خصوصی ستون اصلی فعالیت‌های اقتصادی است و به عنوان نیروی محرکه رشد عمل می‌کند. این بخش تمامی فعالیت‌های کلیدی از تولید کالا و خدمات گرفته تا نوآوری‌های فناورانه را در اختیار دارد. به عنوان مثال، در ایالات متحده، شرکت‌های چندملیتی مانند اپل، گوگل و مایکروسافت نشان‌دهنده پویایی و توانمندی بخش خصوصی در این الگو هستند. در حوزه اشتغال‌زایی نیز، بخش خصوصی مسئولیت ایجاد بخش عمده‌ای از فرصت‌های شغلی را بر عهده دارد و دولت تنها در شرایط بحرانی نظیر رکود یا بحران‌های مالی مداخله می‌کند. فضای رقابتی حاکم بر این الگو، شرکت‌ها را ملزم به کاهش هزینه‌ها، بهبود کیفیت و نوآوری کرده است که در نهایت منجر به تقویت جایگاه جهانی کشورهایی مانند ایالات متحده و بریتانیا شده است.

نسبت دولت با بخش خصوصی در این الگو مبتنی بر نقش تسهیل‌کننده و ناظر است. دولت تنها در مواقعی مانند بحران‌های شدید اقتصادی وارد عمل می‌شود. برای مثال، در بحران مالی ۲۰۰۸، دولت ایالات متحده با تزریق نقدینگی و ارائه بسته‌های حمایتی به بازیابی اقتصاد کمک کرد. همچنین، دولت تلاش می‌کند تا از انحصار و سوءاستفاده‌های اقتصادی جلوگیری کند و فضایی سالم برای رقابت ایجاد نماید. این نقش دولت به حفظ تعادل در بازار کمک کرده و اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را جلب کرده است.

مزایای این الگو شامل نوآوری و پویایی اقتصادی، رشد سریع تولید ناخالص داخلی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. فضای رقابتی این الگو انگیزه بالایی برای نوآوری و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید ایجاد کرده است. قوانین منعطف و حمایت از حقوق مالکیت نیز شرایطی ایده‌آل برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم آورده

است. به عنوان نمونه، ایالات متحده با تمرکز بر بخش خصوصی، توانسته است به یکی از پیشروترین کشورها در زمینه نوآوری و فناوری تبدیل شود.

با این حال، الگوی آنگلوساکسون معایبی نیز دارد. یکی از مشکلات اصلی، شکاف طبقاتی است. در این الگو، توزیع ثروت به نفع افراد و شرکت‌های ثروتمند است و اقشار ضعیف کمتر از حمایت‌های دولتی برخوردارند. ناامنی شغلی نیز از دیگر چالش‌هاست، زیرا عدم دخالت دولت در بازار کار باعث کاهش حمایت‌های اجتماعی برای کارگران و افزایش بی‌ثباتی شغلی می‌شود. همچنین، وابستگی بیش از حد به بازار آزاد باعث افزایش آسیب‌پذیری در برابر نوسانات اقتصادی و بحران‌های مالی مکرر شده است.

عملکرد این الگو را می‌توان در کشورهای مختلف مشاهده کرد. در ایالات متحده، این نظام به رشد سریع اقتصادی و پیشتازی در حوزه فناوری منجر شده است، اما بحران مالی ۲۰۰۸ نشان داد که آزادی بیش از حد بازار می‌تواند پیامدهای ناگواری نظیر افزایش نابرابری اقتصادی به همراه داشته باشد. بریتانیا نیز با سیاست‌های اقتصادی لیبرالیستی نظیر اصلاحات دوران مارگارت تاچر، به یکی از اقتصادهای پیشرو تبدیل شد. استرالیا و کانادا نیز با اجرای ساختارهای مبتنی بر بازار آزاد و سیاست‌های حداقلی دولت، رشد اقتصادی پایداری را تجربه کرده‌اند.

در مقایسه با سایر الگوهای نظام سرمایه‌داری، الگوی آنگلوساکسون بیشترین آزادی را به بخش خصوصی می‌دهد و معتقد است که این آزادی، اصلی‌ترین انگیزه برای توسعه اقتصادی است. با این حال، نبود حمایت‌های کافی برای اقشار ضعیف و نابرابری گسترده اقتصادی، از نقاط ضعف این الگو محسوب می‌شود. این چالش‌ها نشان می‌دهند که هرچند آزادی اقتصادی می‌تواند منجر به نوآوری و پویایی شود، اما نیاز به تعادل و تنظیمات دقیق‌تری برای ایجاد عدالت اجتماعی و پایداری اقتصادی وجود دارد.

ویژگی‌های اصلی جایگاه بخش خصوصی در الگوی آنگلوساکسون را می‌توان در قالب جدول زیر خلاصه نمود:

جدول ۱: ویژگی‌های اصلی جایگاه بخش خصوصی در الگوی آنگلوساکسون (لیبرال)

این الگو، آزادی را به عنوان مهم‌ترین ارزش اقتصادی معرفی می‌کند. شرکت‌ها و افراد اجازه دارند بدون محدودیت‌های دولتی، فعالیت‌های اقتصادی خود را سازماندهی کنند. سیاست‌گذاران معتقدند که بازار به طور خودکار توانایی تنظیم و بهینه‌سازی منابع را دارد.	آزادی اقتصادی	اصول بنیادین
رقابت آزاد، نه تنها به افزایش کیفیت کالاها و خدمات می‌انجامد، بلکه از منظر اقتصادی، محرکی برای نوآوری و کاهش هزینه‌ها محسوب می‌شود	رقابت به عنوان نیروی محرکه	

	نقش محدود دولت	دولت تنها در مواردی وارد عمل می‌شود که بازار شکست بخورد یا بحران‌های اقتصادی شدید رخ دهد. دخالت دولت به تنظیم حداقلی بازار، حفظ امنیت حقوق مالکیت، و ایجاد بسترهای قانونی محدود می‌شود
	تمرکز بر سودآوری	سود، معیاری است که بر اساس آن عملکرد اقتصادی شرکت‌ها سنجیده می‌شود. در این الگو، اولویت اصلی، تأمین منافع فردی است که در نهایت به سود جمعی منجر می‌شود.
نقش بخش خصوصی	محرك اصلی رشد	بخش خصوصی در نقش محرك اصلی رشد اقتصادی عمل می‌کند. تمامی فعالیت‌های کلیدی، از تولید کالاها و خدمات تا ارائه نوآوری‌های فناورانه، در اختیار شرکت‌های خصوصی قرار دارد.
	نقش در اشتغال‌زایی	بخش خصوصی مسئولیت ایجاد بیشترین فرصت‌های شغلی را بر عهده دارد. دولت تنها در شرایط بحران‌هایی نظیر رکود اقتصادی مداخله می‌کند
	تمرکز بر رقابت‌پذیری	شرکت‌ها در فضای رقابتی شدید، ملزم به کاهش هزینه‌ها، بهبود کیفیت، و ارائه خدمات نوآورانه هستند.
نسبت بخش خصوصی با دولت	نقش تسهیل‌کننده و ناظر برای دولت	- در مواقع بحران‌های اقتصادی، نظیر رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ و بحران مالی ۲۰۰۸، دولت وارد عمل شده و اقداماتی مانند تزریق نقدینگی، ارائه بسته‌های حمایتی، و ملی‌سازی موقت شرکت‌های کلیدی انجام داده است. - دولت عمدتاً به‌عنوان داور در بازار عمل می‌کند و تلاش دارد تا از انحصار و سوءاستفاده‌های اقتصادی جلوگیری کند.
مزایا	نوآوری و پویایی اقتصادی	فضای رقابتی باعث افزایش انگیزه برای نوآوری و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید می‌شود.
	رشد اقتصادی سریع	آزادسازی اقتصادی و دخالت حداقلی دولت به رشد سریع تولید ناخالص داخلی کمک می‌کند.
	جذب سرمایه‌گذاری خارجی	قوانین منعطف و حمایت از حقوق مالکیت، سرمایه‌گذاران بین‌المللی را جذب می‌کند
معایب	شکاف طبقاتی	در این نظام، ثروت به‌طور نابرابر توزیع می‌شود و طبقه فقیر کمتر از حمایت‌های دولتی برخوردار است.
	ناامنی شغلی	عدم دخالت دولت در بازار کار به معنای کاهش حمایت از کارگران و افزایش بی‌ثباتی شغلی است
	بحران‌های مالی مکرر	وابستگی به بازار آزاد باعث افزایش آسیب‌پذیری در برابر نوسانات اقتصادی می‌شود.
نمونه‌های واقعی		ایالات متحده، بریتانیا، استرالیا و کانادا

در مقایسه با سایر الگوها، نظام آنگلو ساکسون بیشترین آزادی را به بخش خصوصی می‌دهد و معتقد است که این آزادی، انگیزه اصلی برای توسعه است. با این حال، نبود حمایت کافی برای اقشار ضعیف و نابرابری‌های گسترده، از نقاط ضعف این الگو محسوب می‌شود.	مقایسه با سایر الگوها
--	-----------------------

منبع: یافته های مؤلف

الگوی سرمایه داری اجتماعی: تعادلی میان عدالت اجتماعی و اقتصاد بازار

الگوی راین‌لند که در کشورهای اروپای مرکزی مانند آلمان، هلند، بلژیک، و سوئیس به اجرا در می‌آید، به‌عنوان یکی از مدل‌های متمایز نظام سرمایه‌داری شناخته می‌شود. این الگو با ترکیب اصول اقتصاد بازار آزاد و عدالت اجتماعی، به دنبال ایجاد توازن میان رشد اقتصادی و رفاه عمومی است. برخلاف الگوی آنگلو ساکسون که آزادی کامل اقتصادی را به بخش خصوصی اعطا می‌کند، الگوی راین‌لند نقش پررنگ‌تری برای دولت در هدایت و نظارت اقتصادی قائل است. این مدل تلاش می‌کند تا از طریق انسجام اجتماعی و تعامل متقابل میان دولت و بخش خصوصی، توسعه پایدار و توزیع عادلانه منابع را تضمین کند.

در این الگو، مفهوم «اقتصاد بازار اجتماعی» محور اصلی طراحی سیاست‌های اقتصادی است. اقتصاد بازار به‌عنوان محرک اصلی رشد و توسعه در نظر گرفته می‌شود، اما مداخلات دولت برای تضمین عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی ضروری است. دولت در این الگو با تنظیم بازار، ایجاد چارچوب‌های قانونی، و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی، از انحرافات احتمالی جلوگیری می‌کند و بستر مناسبی برای رشد اقتصادی و رفاه عمومی فراهم می‌سازد. این رویکرد ترکیبی، اقتصاد بازار راین‌لند را به مدلی خاص و الهام‌بخش برای بسیاری از کشورهای جهان تبدیل کرده است (Koslowski, 1998: 5).

یکی از ویژگی‌های بارز الگوی راین‌لند، تأکید بر همبستگی اجتماعی است. در این نظام، همکاری میان گروه‌های اجتماعی مختلف نظیر کارفرمایان، کارکنان، و نهادهای دولتی به‌عنوان یک ارزش محوری تلقی می‌شود. این همکاری نه تنها به کاهش نابرابری‌های اقتصادی کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود تا تمام بخش‌های جامعه در ایجاد ثبات و پایداری اقتصادی نقش داشته باشند. برای مثال، در آلمان، مدل *Mitbestimmung* یا مشارکت کارگران در مدیریت شرکت‌ها، به کارگران اجازه می‌دهد تا در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک شرکت مشارکت داشته باشند. این سیستم، که در بسیاری از کشورهای دیگر به‌عنوان یک نمونه موفق شناخته می‌شود، به ایجاد احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری در میان کارکنان منجر شده است (Goodin et al., 1999: 52–55).

در حوزه تأمین اجتماعی، الگوی راین‌لند نقش دولت را در تضمین رفاه عمومی برجسته می‌کند. دولت با ارائه خدمات رفاهی گسترده نظیر بیمه‌های درمانی، بازنشستگی، و کمک‌های اجتماعی، تلاش می‌کند تا حداقل

استاندارد زندگی برای تمام افراد جامعه فراهم شود. این سیاست‌ها نه تنها به کاهش نابرابری‌های اقتصادی کمک می‌کنند، بلکه انسجام اجتماعی و اعتماد عمومی را نیز تقویت می‌کنند. برای مثال، آلمان با داشتن یکی از گسترده‌ترین سیستم‌های تأمین اجتماعی در جهان، توانسته است به یکی از موفق‌ترین نمونه‌های اجرای الگوی راین‌لند تبدیل شود. (Muresan, 2014: 129)

بخش خصوصی در این الگو نقشی دوگانه ایفا می‌کند: از یک سو به عنوان موتور اصلی رشد اقتصادی عمل می‌کند و از سوی دیگر، وظایف اجتماعی مانند تأمین اشتغال، رعایت عدالت در پرداخت‌ها، و مشارکت در تأمین اجتماعی را بر عهده دارد. برخلاف الگوی آنگلو ساکسون که سودآوری را به عنوان هدف اصلی شرکت‌ها معرفی می‌کند، در الگوی راین‌لند شرکت‌ها ملزم به رعایت اصول عدالت اجتماعی و پایداری اقتصادی هستند. این الزام‌ها از طریق قوانین و مقررات دولتی تضمین می‌شوند و باعث می‌شوند که فعالیت اقتصادی شرکت‌ها در راستای اهداف کلان اجتماعی قرار گیرد. برای مثال، شرکت‌های آلمانی بخشی از درآمد خود را به تأمین اجتماعی کارکنان و کمک به افراد بیکار اختصاص می‌دهند که این سیاست به افزایش اعتماد کارکنان و کاهش تنش‌های اجتماعی منجر شده است. (Koslowski, 1998: 7).

رابطه میان دولت و بخش خصوصی در الگوی راین‌لند بر اساس همکاری و تعهد متقابل شکل گرفته است. دولت با نظارت بر بازار و ایجاد چارچوب‌های قانونی، شرایطی را فراهم می‌کند که فعالیت‌های اقتصادی به عدالت اجتماعی و همبستگی کمک کنند. در مقابل، شرکت‌ها و کسب و کارها موظفند علاوه بر رقابت در بازار، به وظایف اجتماعی خود نیز عمل کنند. این تعامل در قالب مدل *corporatism* یا شرکت‌گرایی، به ویژه در آلمان، به موفقیت‌های چشمگیری منجر شده است. در این مدل، دولت، اتحادیه‌های کارگری، و انجمن‌های کارفرمایی برای دستیابی به اهداف مشترک اقتصادی و اجتماعی با یکدیگر همکاری می‌کنند. (Goodin et al., 1999: 57).

الگوی راین‌لند دارای مزایای متعددی است. انسجام اجتماعی یکی از مهم‌ترین این مزایا است که از طریق کاهش نابرابری‌های اقتصادی و افزایش همکاری میان گروه‌های اجتماعی به دست می‌آید. سیاست‌های تنظیمی دولت نیز از بحران‌های اقتصادی جلوگیری کرده و ثبات اقتصادی بلندمدت را تضمین می‌کند. علاوه بر این، سیستم مشارکت کارگران در مدیریت شرکت‌ها، احساس مسئولیت و تعلق را در میان کارکنان افزایش داده و کیفیت تصمیم‌گیری‌ها را بهبود بخشیده است. خدمات رفاهی گسترده مانند بیمه‌های درمانی و بازنشستگی نیز سطح زندگی بالایی را برای شهروندان فراهم کرده است.

با این حال، این الگو معایبی نیز دارد. هزینه‌های بالای تأمین اجتماعی و مالیات‌های تصاعدی ممکن است فشار مالی بیشتری بر شرکت‌ها وارد کند و هزینه‌های تولید را افزایش دهد. علاوه بر این، نظارت شدید دولت و الزامات

اجتماعی می‌تواند انگیزه رقابتی و نوآوری شرکت‌ها را کاهش دهد. پیچیدگی مقررات و بوروکراسی نیز ممکن است مانعی برای سرمایه‌گذاری‌های جدید ایجاد کند و بهره‌وری اقتصادی را محدود سازد (Muresan, 2014: 135).

عملکرد این الگو را می‌توان در کشورهای نظیر آلمان، هلند، و سوئیس مشاهده کرد. آلمان با ترکیب عدالت اجتماعی و مشارکت کارگران، به یکی از پیشرفته‌ترین اقتصادهای جهان تبدیل شده است. هلند نیز با ترکیب تجارت آزاد و سیاست‌های رفاهی قوی، به الگویی منحصربه‌فرد در اجرای الگوی راین‌لند دست یافته است. سوئیس نیز با تمرکز بر عدالت اجتماعی و تنظیم دقیق بازار، نمونه‌ای موفق از این الگو ارائه داده است. در مقایسه با الگوی آنگلوساکسون، الگوی راین‌لند به عدالت اجتماعی و همبستگی توجه بیشتری دارد و بخش خصوصی را ملزم به ایفای نقش اجتماعی می‌کند. اگرچه این نظام آزادی عمل کمتری به شرکت‌ها می‌دهد، اما توانسته است ثبات اقتصادی و انسجام اجتماعی بیشتری ایجاد کند. این الگو نشان می‌دهد که ترکیب اصول اقتصاد بازار با عدالت اجتماعی می‌تواند به ایجاد تعادل میان رشد اقتصادی و رفاه عمومی منجر شود و الگویی مناسب برای کشورهای دیگر ارائه دهد.

جدول ۲: ویژگی‌های اصلی جایگاه بخش خصوصی در الگوی سرمایه داری اجتماعی

اقتصاد بازار اجتماعی	این الگو ترکیبی از اصول اقتصاد بازار آزاد و عدالت اجتماعی است. اقتصاد بازار به‌عنوان وسیله‌ای برای رشد و توسعه اقتصادی تلقی می‌شود، اما دولت نقش فعالی در تنظیم و توزیع عادلانه منابع دارد
همبستگی اجتماعی	همکاری و مشارکت میان گروه‌های مختلف اجتماعی (کارفرمایان، کارکنان، و نهادهای دولتی) برای ایجاد هماهنگی و جلوگیری از نابرابری اقتصادی ضروری است. در این نظام، همبستگی به‌عنوان یک ارزش محوری تلقی می‌شود
اصول بنیادین	مشارکت کارگران در تصمیم‌گیری‌ها
تأمین اجتماعی و رفاه عمومی	یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این الگو، سیستم مشارکت کارگران در مدیریت شرکت‌ها است. این سیستم، که تحت عنوان <i>Mitbestimmung</i> در آلمان شناخته می‌شود، به کارگران اجازه می‌دهد در تصمیمات استراتژیک شرکت مشارکت کنند
محرك رشد اقتصادی	دولت در این الگو نقش مهمی در ارائه خدمات رفاهی، از جمله بیمه‌های درمانی و بازنشستگی ایفا می‌کند. این سیاست‌ها با هدف کاهش نابرابری و تضمین حداقل استاندارد زندگی برای همه افراد طراحی شده‌اند
	شرکت‌های خصوصی همچنان نقش اصلی را در تولید کالاها و خدمات ایفا می‌کنند. با این حال، فعالیت آن‌ها تحت نظارت شدیدتر دولت و در راستای اهداف کلان اجتماعی قرار دارد.

نقش بخش خصوصی	توجه به عدالت و پایداری	برخلاف الگوی آنگلو ساکسون، شرکت های خصوصی در این نظام تنها به دنبال سودآوری نیستند، بلکه باید به اصولی چون عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه درآمد، و پایداری اقتصادی توجه کنند.
نسبت بخش خصوصی با دولت	همکاری و تعهد متقابل	• دولت: به عنوان تنظیم کننده اصلی بازار، از طریق قوانین و مقررات، تضمین می کند که فعالیت های اقتصادی به عدالت اجتماعی و همبستگی کمک کنند. • بخش خصوصی: شرکت ها و کسب و کارها علاوه بر رقابت در بازار، وظایف اجتماعی مانند اشتغال زایی و حفظ استانداردهای زندگی را بر عهده دارند. • نمونه بارز این تعامل، مدل <i>corporatism</i> یا شرکت گرایی در آلمان است که دولت، اتحادیه های کارگری، و انجمن های کارفرمایی برای دستیابی به اهداف مشترک اقتصادی همکاری می کنند.
مزایا	انسجام اجتماعی	تمرکز بر عدالت و همبستگی باعث کاهش نابرابری های اقتصادی و افزایش انسجام اجتماعی می شود.
		سیاست های تنظیمی دولت از بحران های اقتصادی جلوگیری کرده و ثبات اقتصادی بلندمدت را تضمین می کند.
		سیستم مشارکت کارگران در مدیریت، احساس تعلق و مسئولیت پذیری را در میان کارکنان افزایش می دهد.
		خدمات رفاهی گسترده مانند بیمه های درمانی و بازنشستگی، سطح زندگی بالایی را برای شهروندان فراهم می آورد.
معایب	هزینه های بالا برای بخش خصوص	الزامات قانونی برای مشارکت در تأمین اجتماعی و پرداخت مالیات های تصاعدی، ممکن است هزینه های تولید را افزایش دهد.
	کاهش انگیزه رقابتی	نظارت شدید دولت و سیاست های توزیعی می تواند نوآوری و رقابت پذیری شرکت ها را محدود کند.
	پیچیدگی مقررات	قوانین پیچیده و بوروکراسی ممکن است مانعی برای سرمایه گذاری های جدید ایجاد کند.
نمونه های واقعی	آلمان، هلند و سوئیس	
مقایسه با سایر الگوها	• برخلاف الگوی آنگلو ساکسون که بر رقابت و سودآوری تأکید دارد، الگوی راین لند به عدالت اجتماعی و همبستگی توجه بیشتری می کند.	

- | | |
|---|--|
| <ul style="list-style-type: none">• در این نظام، بخش خصوصی آزادی عمل کمتری دارد اما با مشارکت در تأمین اجتماعی و سیاست‌های رفاهی، در ایجاد ثبات و انسجام اقتصادی نقش مؤثری ایفا می‌کند. | |
|---|--|

منبع: یافته های مؤلف

الگوی سوسیال دموکراتیک: تعادل میان بازار آزاد و رفاه عمومی

الگوی سوسیال دموکراتیک، که در کشورهای اسکاندیناوی مانند سوئد، دانمارک، نروژ و فنلاند اجرا می‌شود، یکی از مدل‌های برجسته سرمایه‌داری است که به تعادل میان بازار آزاد و رفاه عمومی تأکید دارد. این الگو ترکیبی از اصول اقتصاد بازار و سیاست‌های اجتماعی گسترده است و به دنبال کاهش نابرابری‌ها، ارتقای کیفیت زندگی شهروندان، و ایجاد یک اقتصاد پایدار و رقابتی است. در این الگو، بخش خصوصی به‌عنوان نیروی محرکه اقتصاد عمل می‌کند، اما فعالیت‌های آن در چارچوب سیاست‌ها و قوانین دولتی هدایت می‌شود تا هم رشد اقتصادی و هم عدالت اجتماعی تضمین شود.

یکی از ویژگی‌های بارز الگوی سوسیال دموکراتیک، نقش تعاملی دولت و بخش خصوصی است. در این مدل، دولت نه تنها به‌عنوان ناظر و تنظیم‌کننده بازار عمل می‌کند، بلکه از طریق سیاست‌های مالیاتی، سرمایه‌گذاری‌های عمومی و حمایت از نوآوری، رشد اقتصادی را هدایت می‌کند. بخش خصوصی نیز موظف است در چارچوب مقرراتی که اهداف عدالت اجتماعی و توسعه پایدار را دنبال می‌کنند، فعالیت کند. این تعامل میان دولت و بخش خصوصی یکی از دلایل موفقیت الگوی سوسیال دموکراتیک در کاهش نابرابری‌ها و ایجاد ثبات اقتصادی بلندمدت بوده است.

بخش خصوصی در این الگو همچنان نقش اصلی را در تولید کالاها و خدمات ایفا می‌کند و به‌عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی شناخته می‌شود. اما برخلاف الگوی آنگلو-ساکسون، در الگوی سوسیال دموکراتیک سودآوری شرکت‌ها باید با مسئولیت اجتماعی آن‌ها همراه باشد. شرکت‌های خصوصی ملزم به رعایت قوانین کار، حمایت از کارکنان، و اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی هستند. به‌عنوان مثال، در سوئد، شرکت‌ها نه تنها باید استانداردهای بالایی در کیفیت محصولات خود رعایت کنند، بلکه موظف به پرداخت دستمزدهای منصفانه و ارائه خدمات اجتماعی به کارکنان خود نیز هستند.

یکی از حوزه‌هایی که بخش خصوصی در الگوی سوسیال دموکراتیک تأثیر عمده‌ای دارد، ایجاد اشتغال و تقویت بازار کار است. در این الگو، سیاست‌های بازار کار به گونه‌ای طراحی شده‌اند که از یک سو به شرکت‌ها آزادی لازم برای رقابت و نوآوری داده می‌شود و از سوی دیگر از طریق سیستم‌های بیمه بیکاری و آموزش‌های حرفه‌ای،

حمایت‌های لازم از نیروی کار فراهم می‌آید. برای مثال، در دانمارک، مدل "انعطاف‌پذیری-امنیت" یا *Flexicurity* به شرکت‌ها اجازه می‌دهد به سرعت نیروی کار خود را مطابق با شرایط بازار تنظیم کنند، در حالی که دولت تضمین می‌کند افراد بیکار از طریق آموزش‌های شغلی و حمایت‌های مالی به بازار کار بازگردند.

تعهد بخش خصوصی به پایداری اجتماعی و زیست‌محیطی از دیگر ویژگی‌های متمایز الگوی سوسیال دموکراتیک است. دولت‌های اسکاندیناوی از طریق سیاست‌های تشویقی و تنظیمی، شرکت‌ها را به سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سبز و انرژی‌های تجدیدپذیر ترغیب می‌کنند. برای مثال، در نروژ، بسیاری از شرکت‌های خصوصی در پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر مانند باد و خورشید سرمایه‌گذاری کرده‌اند، که این امر به تقویت جایگاه این کشور در مقابله با تغییرات اقلیمی کمک کرده است.

یکی دیگر از جنبه‌های برجسته الگوی سوسیال دموکراتیک، تمرکز بر همکاری میان دولت، اتحادیه‌های کارگری، و کارفرمایان است. این همکاری که در قالب گفت‌وگوهای سه‌جانبه انجام می‌شود، به کاهش تنش‌های اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کند و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را شفاف‌تر و کارآمدتر می‌سازد. اتحادیه‌های کارگری نقش فعالی در حمایت از حقوق کارگران و مذاکره با کارفرمایان برای بهبود شرایط کاری دارند، در حالی که دولت نقش تسهیل‌کننده و تضمین‌کننده اجرای توافق‌ها را ایفا می‌کند.

اگرچه بخش خصوصی در این الگو تحت نظارت شدیدتری نسبت به الگوی آنگلو-ساکسون قرار دارد، اما این نظارت به‌گونه‌ای طراحی شده است که رقابت‌پذیری شرکت‌ها را تقویت کند. قوانین ضدانحصار، شفافیت در قراردادهای، و حمایت از استارت‌آپ‌ها از جمله سیاست‌هایی هستند که در کشورهای اسکاندیناوی اجرا می‌شوند تا فضای کسب‌وکار برای شرکت‌های کوچک و متوسط نیز مساعد باشد. به‌عنوان نمونه، در سوئد، استارت‌آپ‌ها از تسهیلات مالیاتی و دسترسی آسان به منابع مالی بهره‌مند می‌شوند، که این امر باعث شده این کشور به یکی از مراکز پیشرو در فناوری‌های نوین تبدیل شود.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بخش خصوصی در الگوی سوسیال دموکراتیک، نقش آن در تقویت نوآوری است. در این الگو، شرکت‌های خصوصی با حمایت دولت در حوزه‌هایی مانند فناوری اطلاعات، بیوتکنولوژی، و انرژی‌های پاک سرمایه‌گذاری می‌کنند. به‌عنوان مثال، فنلاند با همکاری دولت و شرکت‌های خصوصی، به یکی از رهبران جهانی در فناوری‌های پیشرفته تبدیل شده است.

با وجود مزایای گسترده این الگو، چالش‌هایی نیز وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، هزینه بالای مالیاتی است که برای تأمین بودجه برنامه‌های رفاهی از شرکت‌ها و افراد دریافت می‌شود. این مالیات‌های بالا ممکن است

فشار بیشتری بر شرکت‌های کوچک وارد کند و انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش دهد. همچنین، برخی منتقدان معتقدند که نظارت‌های دولتی ممکن است انعطاف‌پذیری شرکت‌ها را در شرایط بحرانی محدود کند.

در مجموع، جایگاه بخش خصوصی در الگوی سوسیال دموکراتیک به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در اقتصاد، همراه با تعهد به مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی تعریف شده است. این الگو نشان داده است که تعادل میان آزادی بازار و عدالت اجتماعی می‌تواند به رشد اقتصادی پایدار، کاهش نابرابری‌ها، و تقویت انسجام اجتماعی منجر شود. تجربه کشورهای اسکاندیناوی، که با بهره‌گیری از این مدل به یکی از پیشرفته‌ترین و پایدارترین اقتصادهای جهان تبدیل شده‌اند، می‌تواند الگویی برای سایر کشورها در طراحی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی باشد.

جدول ۳: ویژگی‌های اصلی جایگاه بخش خصوصی در الگوی سوسیال دموکراتیک

در این الگو، بازار آزاد به‌عنوان موتور رشد اقتصادی عمل می‌کند، اما دولت با سیاست‌های نظارتی و تنظیمی، به تضمین عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها می‌پردازد. برخلاف الگوی آنگلو ساکسون که آزادی اقتصادی مطلق دارد، در این مدل، فعالیت‌های بخش خصوصی تحت نظارت دقیق دولت قرار دارد	ترکیب بازار آزاد و عدالت اجتماعی	اصول بنیادین
دولت نقش گسترده‌ای در ارائه خدمات رفاهی مانند آموزش رایگان، خدمات بهداشتی، بیمه بیکاری، و بازنشستگی ایفا می‌کند. بخش خصوصی نیز ملزم به مشارکت در این سیستم رفاهی از طریق پرداخت مالیات و تعهد به استانداردهای اجتماعی است	تعهد به تأمین رفاه اجتماعی	
در این الگو، دولت و بخش خصوصی به‌عنوان شرکای همکار عمل می‌کنند. این همکاری در بسیاری از بخش‌ها، از جمله آموزش، تحقیق و توسعه، و سیاست‌های زیست‌محیطی، مشهود است	تعامل نزدیک دولت و بخش خصوصی	
بخش خصوصی در این الگو به‌عنوان موتور اصلی رشد اقتصادی فعالیت می‌کند. شرکت‌های خصوصی مسئول تولید کالاها و خدمات، اشتغال‌زایی، و نوآوری هستند. در عین حال، فعالیت این شرکت‌ها در چارچوب سیاست‌های حمایتی و نظارتی دولت قرار دارد تا از منافع جمعی محافظت شود. شرکت‌های کوچک و متوسط، در کنار شرکت‌های بزرگ چندملیتی، مسئول تولید کالاها و خدمات، صادرات، و ایجاد اشتغال هستند	موتور رشد اقتصادی	نقش بخش خصوصی
شرکت‌های خصوصی ملزم هستند استانداردهای اجتماعی بالایی را رعایت کنند، از جمله: رعایت حقوق کارگران؛ شرکت‌ها موظف به ارائه حقوق و مزایای منصفانه، مرخصی‌های قانونی، و محیط کاری امن هستند.	تعهد به رعایت استانداردهای اجتماعی	

پایداری زیست‌محیطی: یکی از الزامات اصلی برای بخش خصوصی در این الگو، رعایت اصول پایداری زیست‌محیطی است. شرکت‌ها موظف هستند در فعالیت‌های خود به کاهش آلاینده‌گی و استفاده بهینه از منابع طبیعی توجه کنند. این موضوع با سیاست‌های دولت در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر همسو است		
بخش خصوصی موظف است در تأمین مالی سیستم رفاهی گسترده، از طریق پرداخت مالیات‌های سنگین و مشارکت در برنامه‌های اجتماعی، نقش‌آفرینی کند. این تعهدات شامل موارد زیر است: • پرداخت مالیات‌های تصاعدی: شرکت‌ها باید مالیات‌های بالایی پرداخت کنند که صرف تأمین خدمات اجتماعی مانند بهداشت و آموزش رایگان می‌شود. • مشارکت در بیمه‌های اجتماعی: کارفرمایان بخش خصوصی باید در بیمه‌های بازنشستگی، بیکاری، و درمانی کارگران مشارکت کنند	نقش در تأمین رفاه عمومی	
در کشورهای سوسیال دموکراتیک، شرکت‌های خصوصی با حمایت دولت، سرمایه‌گذاری قابل توجهی در تحقیق و توسعه انجام می‌دهند. این همکاری منجر به پیشرفت‌های فناورانه و حفظ رقابت‌پذیری در سطح بین‌المللی می‌شود	مشارکت در تحقیق و توسعه	
• دولت در این الگو وظیفه دارد بازار را به گونه‌ای تنظیم کند که منافع جمعی حفظ شود. این نظارت شامل جلوگیری از انحصار، تنظیم حقوق کارگران، و رعایت قوانین زیست‌محیطی است • حفظ رقابت منصفانه: دولت از طریق قوانین ضدانحصار و سیاست‌های نظارتی، از ایجاد انحصار و قدرت بیش از حد در دست شرکت‌های بزرگ جلوگیری می‌کند. • حمایت از کسب‌وکارهای کوچک: دولت با ارائه وام‌های کم‌بهره و کاهش مالیات، از شرکت‌های کوچک حمایت می‌کند تا در محیط رقابتی پایدار باشند • تنظیم بازار کار: بخش خصوصی در این الگو ملزم به رعایت حقوق کارگران است. قوانین دولت درباره ساعات کار، مرخصی‌های قانونی، و شرایط ایمنی محیط کار به طور دقیق اجرا می‌شود. این قوانین در عین حمایت از کارگران، باعث افزایش بهره‌وری شرکت‌ها می‌شود	تنظیم و نظارت دقیق	نسبت بخش خصوصی با دولت
این تعامل از طریق سیاست‌های رفاهی، مالیاتی، و تنظیمی به گونه‌ای طراحی شده است که رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی به طور هم‌زمان تضمین شود:		

دولت و بخش خصوصی به عنوان شرکای استراتژیک	- نقش دولت: دولت در این الگو نقش نظارتی و حمایتی ایفا می کند و از ابزارهای مختلفی برای هدایت بازار استفاده می کند - نقش بخش خصوصی: شرکت ها علاوه بر تولید ثروت، موظف به رعایت اصول اجتماعی مانند حمایت از حقوق کارگران و رعایت استانداردهای زیست محیطی هستند
حمایت مالی و زیرساختی	- دولت با ارائه تسهیلات مالی، زیرساخت های مدرن، و برنامه های حمایتی، از شرکت های خصوصی برای توسعه و نوآوری حمایت می کند. این حمایت ها شامل وام های کم بهره، کمک های تحقیقاتی، و کاهش مالیات برای شرکت های نوآور است. - بخش خصوصی در کشورهای سوسیال دموکراتیک از حمایت های گسترده دولتی برای تحقیق و توسعه (R&D) برخوردار است. دولت تسهیلات مالی، زیرساخت ها، و سیاست های حمایتی را برای شرکت ها فراهم می کند تا آنها بتوانند در بازار جهانی رقابت پذیر باشند. - دولت زیرساخت های لازم برای رشد بخش خصوصی را فراهم می کند، از جمله: - ایجاد شبکه های حمل و نقل پیشرفته - سرمایه گذاری در زیرساخت های دیجیتال - تأمین انرژی پاک و پایدار
مشارکت در برنامه ریزی بلندمدت	دولت و بخش خصوصی در برنامه ریزی های بلندمدت اقتصادی و اجتماعی همکاری نزدیکی دارند. این همکاری به ویژه در زمینه هایی مانند آموزش، انرژی های تجدیدپذیر، و توسعه زیرساخت های ملی مشهود است
تأمین امنیت اجتماعی	بخش خصوصی موظف است بخشی از بودجه سیستم تأمین اجتماعی را از طریق مالیات و مشارکت در بیمه های اجباری تأمین کند. این سیستم، پایه ای برای تضمین عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری است
برابری اجتماعی	تعهد به تأمین رفاه عمومی و رعایت استانداردهای اجتماعی، نابرابری اقتصادی و اجتماعی را کاهش می دهد
پایداری اقتصادی	سیاست های نظارتی و حمایتی دولت، ثبات اقتصادی و اجتماعی را تضمین می کند و از وقوع بحران های مالی جلوگیری می کند
نوآوری و توسعه فناوری	همکاری نزدیک میان دولت و بخش خصوصی در تحقیق و توسعه، رقابت پذیری جهانی شرکت ها را تقویت می کند
کیفیت بالای زندگی	سیستم رفاهی گسترده، استانداردهای زندگی بالایی را برای همه شهروندان فراهم می کند

مزایا

معایب	بار مالیاتی سنگین	مالیات‌های بالا ممکن است انگیزه سرمایه‌گذاری و نوآوری را در شرکت‌های خصوصی کاهش دهد
	کاهش انگیزه رقابت	حمایت‌های گسترده دولتی گاه ممکن است به کاهش انگیزه رقابت‌پذیری در شرکت‌های خصوصی منجر شود
	هزینه‌های بالا برای دولت و شرکت‌ها	تأمین بودجه برای سیستم رفاهی گسترده نیازمند منابع مالی عظیمی است که فشار مالی بر دولت و شرکت‌های خصوصی وارد می‌کند
نمونه‌های واقعی	سوئد، نروژ، دانمارک	
مقایسه با سایر الگوها	در این الگو، بخش خصوصی و دولت به‌طور هم‌زمان برای ایجاد رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی پایدار فعالیت می‌کنند. برخلاف نظام‌های لیبرال (آنگلوساکسون) که آزادی مطلق بازار و بخش خصوصی را اولویت قرار می‌دهند، الگوی سوسیال دموکراتیک بر تنظیم و هدایت دقیق بازار و توزیع عادلانه ثروت تأکید دارد.	

منبع: یافته‌های مؤلف

الگوی سرمایه‌داری دولتی (کنفوسیوسی)

الگوی کنفوسیوسی، که عمده‌تأ در کشورهای شرق آسیا مانند چین و سنگاپور به کار گرفته می‌شود، یکی از الگوهای متمایز اقتصادی است که بر اصول هماهنگی اجتماعی، هدایت دولت، و تعامل نزدیک میان دولت و بخش خصوصی تأکید دارد. در این الگو، دولت نقش رهبری دارد و بخش خصوصی به‌عنوان یکی از ابزارهای توسعه اقتصادی در راستای اهداف کلان ملی فعالیت می‌کند. در این الگو، دولت نقش هدایت‌گر و سیاست‌گذار اصلی در اقتصاد دارد. دولت به‌طور مستقیم اهداف اقتصادی بلندمدت را تعیین می‌کند و بخش خصوصی را برای رسیدن به این اهداف هدایت می‌کند. بخش خصوصی و دولت در این الگو به‌صورت هماهنگ عمل می‌کنند. دولت حمایت‌های گسترده‌ای از شرکت‌های خصوصی ارائه می‌دهد، مشروط بر اینکه این شرکت‌ها در راستای سیاست‌های توسعه ملی عمل کنند. همکاری دولت و بخش خصوصی در پروژه‌های بزرگ زیرساختی، صنعتی، و فناوری از ویژگی‌های بارز این الگو است (لی و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۱۲). الگوی کنفوسیوسی بر اساس فرهنگ آسیایی که به نظم، انسجام اجتماعی، و هماهنگی اهمیت می‌دهد، طراحی شده است. دولت و بخش خصوصی به‌طور مشترک تلاش می‌کنند تا از ناآرامی‌های اجتماعی جلوگیری کنند و تعادل اقتصادی-اجتماعی را حفظ کنند (پارک، ۲۰۱۷: ۱۴۰). در این الگو، توسعه اقتصادی به‌عنوان یک پروژه بلندمدت در نظر گرفته می‌شود و شرکت‌های خصوصی تشویق می‌شوند که به‌جای سود کوتاه‌مدت، بر رشد پایدار تمرکز کنند. بخش خصوصی در الگوی کنفوسیوسی، نقش کلیدی در اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. این شرکت‌ها: مسئول تولید کالاها و خدمات، ایجاد اشتغال، و تقویت صادرات هستند. در چارچوبی مشخص فعالیت می‌کنند که توسط دولت تعیین شده است. این چارچوب شامل سیاست‌های صنعتی، تحقیق و توسعه، و صادرات است (چنگ، ۲۰۱۵: ۲۱۵).

شرکت‌های خصوصی در بسیاری از پروژه‌های کلان اقتصادی، به‌ویژه در زمینه زیرساخت‌ها و فناوری، شریک دولت هستند. برای مثال: در چین، شرکت‌های خصوصی در توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل و انرژی با دولت همکاری می‌کنند. در ژاپن، همکاری نزدیک میان دولت و شرکت‌های خودروسازی مانند تویوتا و نیسان نمونه‌ای از این هماهنگی است (لی و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۱۴). بخش خصوصی در این الگو باید اولویت‌های دولتی را رعایت کند. این شامل: توسعه صنایع استراتژیک مانند فناوری اطلاعات، انرژی‌های پاک، و صنایع پیشرفته و هم‌سویی با سیاست‌های صادراتی و سرمایه‌گذاری خارجی دولت است (پارک، ۲۰۱۷: ۱۴۵). بخش خصوصی در الگوی کنفوسیوسی مسئول تأمین منابع مالی و انسانی برای اجرای پروژه‌های اقتصادی است. دولت، در عوض، زیرساخت‌ها و تسهیلات لازم برای فعالیت شرکت‌ها را فراهم می‌کند.

دولت در الگوی سرمایه داری دولتی، به‌طور مستقیم بر فعالیت‌های بخش خصوصی نظارت می‌کند و سیاست‌های کلی را تعیین می‌کند. در این الگو، آزادی بخش خصوصی محدود است و شرکت‌ها موظفند در چارچوب اهداف توسعه ملی عمل کنند (چنگ، ۲۰۱۵: ۲۱۸). دولت حمایت‌های مختلفی از بخش خصوصی ارائه می‌دهد، از جمله: تأمین وام‌های کم‌بهره و تسهیلات مالی، ایجاد زیرساخت‌های مدرن و تسهیل دسترسی به بازارهای جهانی و ارائه مشوق‌های مالیاتی برای شرکت‌هایی که در صنایع استراتژیک فعالیت می‌کنند (لی و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۲۰). شرکت‌های خصوصی در این الگو موظفند به مسئولیت‌های اجتماعی خود عمل کنند. این شامل: ارائه حقوق و مزایای منصفانه به کارگران، رعایت استانداردهای زیست‌محیطی و مشارکت در پروژه‌های اجتماعی دولت (پارک، ۲۰۱۷: ۱۵۰). مزایای الگوی کنفوسیوسی عبارت است از:

- **توسعه هماهنگ و پایدار:** بخش خصوصی و دولت به‌طور هماهنگ برای توسعه اقتصادی پایدار فعالیت می‌کنند (چنگ، ۲۰۱۵: ۲۲۰).
- **تمرکز بر صنایع استراتژیک:** حمایت دولت از صنایع کلیدی باعث شده است که کشورهایی مانند چین و ژاپن در صنایع فناوری پیشرفته و تولید جهانی پیش‌تاز باشند (لی و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۲۲).
- **جذب سرمایه‌گذاری خارجی:** سیاست‌های دولتی و حمایت از بخش خصوصی به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی کمک کرده است (پارک، ۲۰۱۷: ۱۵۵).
- **کاهش شکاف طبقاتی:** تأکید بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک کرده است.

معایب الگوی کنفوسیوسی عبارت است از:

- **آزادی محدود بخش خصوصی:** شرکت‌ها در چارچوب سیاست‌های دولتی محدود شده‌اند و آزادی کمتری در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دارند (چنگ، ۲۰۱۵: ۲۲۲).
 - **احتمال فساد:** تمرکز قدرت در دست دولت و نزدیکی آن به بخش خصوصی ممکن است به فساد اقتصادی منجر شود (لی و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۲۴).
 - **تبعیض در تخصیص منابع:** شرکت‌هایی که با سیاست‌های دولتی همسو نیستند، ممکن است از دریافت منابع مالی و حمایت‌های دولتی محروم شوند (پارک، ۲۰۱۷: ۱۶۰).
- چین، ژاپن و کره جنوبی از جمله نمونه‌های موفق از جایگاه بخش خصوصی در الگوی کنفوسیوسی است. در جمع بندی می توان گفت الگوی کنفوسیوسی، با تأکید بر هدایت دولت و همکاری نزدیک با بخش خصوصی، مدلی منحصربه‌فرد از توسعه اقتصادی پایدار و هماهنگ ارائه داده است. در این الگو، بخش خصوصی به‌عنوان ابزاری برای اجرای سیاست‌های دولتی عمل می‌کند و در عین حال از حمایت‌های گسترده دولت بهره‌مند می‌شود. موفقیت کشورهای شرق آسیا در توسعه اقتصادی و صنعتی نشان‌دهنده کارایی این مدل است، اما چالش‌هایی مانند محدودیت آزادی اقتصادی و خطر فساد نیز وجود دارد که نیازمند مدیریت دقیق است.

خلاصه ادبیات نظری

جایگاه بخش خصوصی در الگوهای مختلف را می توان در جدول زیر نمایش داد:

جدول ۴: جمع بندی جایگاه بخش خصوصی در الگوهای مختلف نظام سرمایه داری

الگو	ویژگی ها	نقش بخش خصوصی	نقش دولت
آنگلوساکسون	آزادی اقتصادی، سودآوری، رقابت شدید، رفاه محدود	بازیگر اصلی و آزاد در بازار	حداقل دخالت، نقش حاشیه ای در تأمین اجتماعی
راین لند (اجتماعی)	انسجام اجتماعی، عدالت توزیعی، هماهنگی بین نهادها	شریک دولت در تصمیم گیری و پیشبرد اهداف اجتماعی	حمایت از بخش خصوصی و تنظیم روابط اقتصادی و اجتماعی
کنفوسیوسی	هماهنگی اجتماعی، توسعه بلندمدت، مداخله گرایی استراتژیک	هماهنگ با دولت در پیشبرد برنامه های اقتصادی ملی	هدایتگر استراتژیک، حمایت کننده و ناظر
سوسیال - دموکراتیک	برابری اجتماعی، رفاه گسترده، کنترل شدید دولت	فعالیت در چارچوب اصول تعیین شده توسط دولت	تأمین کننده رفاه اجتماعی و توزیع عادلانه منابع

منبع: یافته های مؤلف

اسلام و بخش خصوصی؛ دیدگاه شهید صدر در خصوص مالکیت، تولید و سرمایه گذاری

مالکیت، تولید و سرمایه گذاری از مفاهیم بنیادین هر نظام اقتصادی هستند که تأثیر عمیقی بر ساختار و عملکرد جوامع دارند. در نظام اقتصادی اسلام، این مفاهیم نه تنها از منظر اقتصادی بلکه از دیدگاه اخلاقی، اجتماعی و اعتقادی نیز بررسی می شوند. هدف این مقاله ارائه دیدگاه اسلام درباره این سه موضوع با تمرکز ویژه بر نظریات شهید محمدباقر صدر است. شهید صدر به عنوان یکی از برجسته ترین متفکران اقتصاد اسلامی، با تحلیل عمیق و



دقیق خود، چارچوبی منسجم برای اقتصاد اسلامی ارائه داده است که درک آن می‌تواند به فهم بهتر از جایگاه اسلام در حوزه اقتصاد کمک کند.

بخش اول: مالکیت در اسلام

مفهوم مالکیت

در اندیشه اسلامی، مالکیت به‌عنوان یک حق الهی و اجتماعی تعریف می‌شود که خداوند به انسان‌ها واگذار کرده است. قرآن کریم تأکید می‌کند که خداوند مالک مطلق همه چیز است:

«لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ» (سوره نور، آیه ۳۳).

شهید صدر در کتاب **اقتصادنا**، مالکیت را به سه نوع تقسیم می‌کند:

۱. **مالکیت فردی:** حقی که به افراد اجازه می‌دهد دارایی‌های خود را مدیریت کنند، مشروط بر اینکه به حقوق دیگران یا جامعه لطمه‌ای وارد نشود.

۲. **مالکیت عمومی:** شامل منابع طبیعی و زیرساخت‌هایی است که در اختیار عموم جامعه قرار دارند و همه حق استفاده از آن‌ها را دارند.

۳. **مالکیت دولتی:** اموالی که به دولت تعلق دارد و برای تأمین منافع عمومی و مدیریت اقتصادی جامعه به کار می‌رود. این نوع مالکیت در تفکر شهید صدر جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا دولت اسلامی موظف است در جهت تحقق عدالت اجتماعی عمل کند.

شهید صدر تأکید می‌کند که نظام اسلامی به ترکیبی از این سه نوع مالکیت نیاز دارد. این **الگوی مالکیت مختلط** به جامعه اجازه می‌دهد تا از مزایای مالکیت فردی، عمومی و دولتی به‌صورت متوازن بهره‌مند شود. هدف این الگو، ایجاد تعادل میان آزادی اقتصادی و عدالت اجتماعی است.

اصول حاکم بر مالکیت در اسلام

اسلام مالکیت را محدود به چارچوب‌هایی کرده که مانع از سوءاستفاده و ایجاد نابرابری شود:

- رعایت حقوق دیگران: قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (سوره بقره، آیه ۱۸۸).

- منابع عمومی: امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر تأکید می‌کند که ثروت عمومی باید برای بهبود وضعیت عمومی جامعه استفاده شود (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).
- شهید صدر در کتاب اقتصادنا مالکیت را به‌عنوان مفهومی مرتبط با عدالت اجتماعی بررسی می‌کند. به‌زعم او:
- مالکیت فردی مشروع است، اما نباید به زیان جامعه باشد.
- وی میان مالکیت ابزار تولید و مصرف تفاوت قائل شده و بر جلوگیری از تمرکز ابزار تولید در دست گروهی خاص تأکید دارد.

بخش دوم: تولید در اسلام

○ اهمیت تولید در نظام اقتصادی اسلام

- تولید یکی از ارکان اقتصاد اسلامی است که هدف آن تأمین نیازهای جامعه و ایجاد رفاه عمومی است. در قرآن کریم تأکید شده که انسان‌ها باید به تلاش و کار بپردازند:
- «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ» (سوره جمعه، آیه ۱۰).

○ اصول تولید در اقتصاد اسلامی

تولید در اسلام بر اساس اصول زیر تعریف می‌شود:

- منع اسراف: تولید باید به گونه‌ای باشد که منابع هدر نرود: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (سوره اسراء، آیه ۲۷).
- اخلاق در تولید: رعایت حقوق کارگران و مصرف‌کنندگان یکی از ارکان اصلی تولید است.
- شهید صدر تولید را وسیله‌ای برای تحقق عدالت اجتماعی می‌داند. او معتقد است:
- تولید باید مبتنی بر نیازهای واقعی جامعه باشد، نه صرفاً برای کسب سود.
- نقش دولت در نظارت بر تولید و جلوگیری از انحصارات اقتصادی بسیار مهم است.



• بخش سوم: سرمایه‌گذاری در اسلام

• مفهوم سرمایه‌گذاری در اسلام

سرمایه‌گذاری در اسلام به معنای استفاده مشروع از منابع برای تولید ثروت است. اسلام سرمایه‌گذاری را به‌عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی و ایجاد عدالت اجتماعی می‌بیند.

• اصول سرمایه‌گذاری در اسلام

سرمایه‌گذاری اسلامی بر اساس اصول زیر شکل می‌گیرد:

- منع ربا: سود سرمایه‌گذاری باید از طریق فعالیت مشروع به دست آید: «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (سوره بقره، آیه ۲۷۵).
- مشارکت در سود و زیان: سازوکارهایی مانند مضاربه و مشارکت مدنی جایگزین مناسبی برای ربا هستند. شهید صدر سرمایه‌گذاری را یکی از ابزارهای اساسی برای رشد اقتصادی می‌داند. او بر موارد زیر تأکید می‌کند:
- سرمایه‌گذاری باید به رفع نیازهای اساسی جامعه کمک کند.
- سیستم‌های مشارکتی مانند مضاربه می‌توانند عدالت را در تقسیم سود و زیان برقرار کنند.
- سرمایه‌گذاری باید در راستای تقویت تولید و کاهش وابستگی اقتصادی باشد.

بخش چهارم: مقایسه دیدگاه اسلام با نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی

در نظام‌های سرمایه‌داری، مالکیت فردی و کسب سود حداکثری محور اصلی اقتصاد است، در حالی که در نظام‌های سوسیالیستی، مالکیت عمومی و کنترل دولتی غالب است. اما اسلام با ارائه ترکیبی متعادل، هم مالکیت فردی و هم مالکیت عمومی را به رسمیت می‌شناسد و بر عدالت اجتماعی تأکید دارد. شهید صدر این تفاوت‌ها را به روشنی در اقتصادنا توضیح داده و برتری نظام اسلامی را نشان داده است. دیدگاه اسلام درباره مالکیت، تولید، و سرمایه‌گذاری، بر پایه اصولی اخلاقی و اجتماعی استوار است که هدف آن ایجاد تعادل و عدالت در جامعه است. نظریات شهید صدر با تحلیل عمیق این مفاهیم، چارچوبی جامع برای اقتصاد اسلامی ارائه می‌دهد که می‌تواند راهنمایی برای تحقق عدالت اجتماعی در جهان معاصر باشد.

تجربه کشورهای منتخب

بخش خصوصی در بیشتر اقتصاد های موفق، موتور محرکه آن اقتصاد است. این بخش زمانی که شرایط را مهیا ببیند و زمینه مشارکت خود در اقتصاد را مساعد تشخیص دهد وارد اقتصاد شده و به دلیل انگیزه دریافت پاداشی که از فعالیت خود دریافت می کند با سخت کوشی سعی در کسب ثروت برای خود و کشور می کند. قطعا تجربه کشورهای موفق در امر خصوصی سازی و حمایت از بخش خصوصی در اقتصاد کلان، رهیافت های ارزشمندی برای دستگاه سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در بردارد تا در پرتو آن بتوان بیش از پیش به اهمیت نقش بخش خصوصی در رشد اقتصادی کشور پی برد. در این بخش به منظور آشنایی دقیق تر با جایگاه بخش خصوصی در الگوهای فوق، به تجربه سه کشور آمریکا، آلمان و کره جنوبی اشاره می شود و تجربه ترکیه به عنوان رقیب و همسایه جمهوری اسلامی ایران که الگوی مناسبی در حوزه خصوصی سازی است به صورت تفصیلی مورد بحث قرار می گیرد.

تجربه ایالات متحده آمریکا

بخش خصوصی در ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از موتورهای اصلی رشد اقتصادی، نوآوری، و اشتغال زایی، نقشی کلیدی در شکل دهی بزرگ ترین اقتصاد جهان ایفا می کند. ساختار اقتصادی ایالات متحده، که مبتنی بر نظام سرمایه داری لیبرال یا آنگلوساکسون است، به بخش خصوصی آزادی و انعطاف پذیری بالایی برای فعالیت های اقتصادی می دهد. در این گزارش، جایگاه و نقش بخش خصوصی در اقتصاد ایالات متحده با تأکید بر ساختارهای کلیدی، ویژگی ها، و چالش ها تحلیل می شود. نظام اقتصادی ایالات متحده بر اصول بازار آزاد استوار است. در این نظام، قیمت ها و تخصیص منابع توسط عرضه و تقاضا تعیین می شود، و دولت تنها نقشی نظارتی برای حفظ رقابت منصفانه دارد. (Friedman, 2002: 56). ایالات متحده در میان کشورهای جهان به عنوان یکی از آزادترین اقتصادها شناخته می شود. این آزادی، فضای مناسبی برای رشد و شکوفایی شرکت های خصوصی ایجاد کرده است. شرکت های بزرگ (Corporations) شرکت های چندملیتی مانند Apple، Microsoft، و Walmart، ستون فقرات اقتصاد آمریکا را تشکیل می دهند. این شرکت ها در صنایع کلیدی مانند فناوری، خرده فروشی، و خدمات مالی فعالیت دارند (Porter, 2018: 102). شرکت های کوچک و متوسط (SMEs) حدود ۸۰ درصد از کل شرکت ها در آمریکا، کوچک و متوسط هستند. این شرکت ها نقش مهمی در ایجاد شغل و تقویت اقتصاد محلی ایفا می کنند (SBA, 2020). همچنین آمریکا میزبان استارت آپ های پیشرو در حوزه های فناوری، فین تک، و بیوتکنولوژی است که بخش زیادی از نوآوری های جهانی از این کشور نشأت می گیرد. بیش از ۸۵ درصد از نیروی کار ایالات

متحدہ در بخش خصوصی مشغول به کار است. این بخش مسئولیت ایجاد میلیون‌ها شغل جدید در هر سال را بر عهده دارد. (BLS, 2021)

بخش خصوصی در حوزه‌های کلیدی اقتصاد آمریکا حضور دارد: اولین بخش بخش فناوری و نوآوری است. ایالات متحدہ به‌عنوان پیشرو در نوآوری، محل تولد غول‌های فناوری مانند Amazon، Google، و Tesla است. بیش از ۷۰ درصد از هزینه‌های تحقیق و توسعه در آمریکا توسط شرکت‌های خصوصی تأمین می‌شود، که زمینه‌ساز رشد فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و انرژی‌های تجدیدپذیر است (NSF, 2021). صنایع خودروسازی، هوافضا، و مواد شیمیایی از بزرگ‌ترین حوزه‌های فعالیت بخش خصوصی در آمریکا هستند. فناوری‌های پیشرفته، مانند تولید افزایشی (Additive Manufacturing) و اتوماسیون، جایگاه بخش خصوصی آمریکا را در زنجیره تأمین جهانی تقویت کرده‌اند (Porter, 2018: 112). شرکت‌های خصوصی در صنعت خدمات مالی، مانند JPMorgan Chase و Goldman Sachs، نه تنها اقتصاد داخلی، بلکه نظام مالی جهانی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. استارت‌آپ‌های فین‌تک مانند Stripe و Robinhood نقش مهمی در تغییر ساختار سنتی بازارهای مالی دارند (SBA, 2020). شرکت‌های خصوصی در حوزه‌های نفت، گاز، و انرژی‌های تجدیدپذیر فعال هستند. آمریکا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز در جهان، از نقش بخش خصوصی در افزایش تولید داخلی بهره می‌برد (EIA, 2021).

نقش دولت در تعامل با بخش خصوصی

در ایالات متحدہ آمریکا دولت در تعامل با بخش خصوصی چند نقش عمده ایفا می‌کند:

• تنظیم‌گری و نظارت

- کمیسیون‌های نظارتی: نهادهایی مانند SEC (کمیسیون بورس و اوراق بهادار) و FTC (کمیسیون تجارت فدرال) به تنظیم بازارها و جلوگیری از انحصارطلبی در بخش خصوصی می‌پردازند (FTC, ۲۰۲۰).

- حفظ رقابت: قوانین ضدانحصار مانند Sherman Act به حفظ رقابت سالم و جلوگیری از انحصارطلبی شرکت‌های بزرگ کمک می‌کند.

• حمایت مالی و تسهیلات

دولت آمریکا از طریق کاهش مالیات‌ها و ارائه یارانه‌ها، به شرکت‌های خصوصی کمک می‌کند. بسته‌های حمایتی مانند *Paycheck Protection Program (PPP)* در دوران بحران کرونا نمونه‌ای از این سیاست‌هاست. (US Treasury, 2021).

- **سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها**

دولت سرمایه‌گذاری‌های کلانی در زیرساخت‌هایی مانند حمل‌ونقل، انرژی، و اینترنت انجام می‌دهد که بهره‌وری بخش خصوصی را افزایش می‌دهد.

- **مزایا و موفقیت‌های بخش خصوصی آمریکا**

- **نوآوری و رقابت‌پذیری جهانی:** شرکت‌های خصوصی آمریکایی، رهبران بسیاری از صنایع جهانی مانند فناوری، داروسازی، و انرژی هستند.
- **رقابت‌پذیری:** بازار آزاد و رقابت شدید در داخل کشور، شرکت‌ها را برای رقابت در سطح بین‌المللی آماده می‌کند (Porter, 2018: 125).
- **اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی:** بخش خصوصی مسئول ایجاد میلیون‌ها شغل در هر سال است و سهم عمده‌ای در کاهش نرخ بیکاری دارد.
- **جذب سرمایه‌گذاری خارجی:** ایالات متحده یکی از بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در جهان است، که بخش خصوصی نقش مهمی در این فرآیند دارد، UNCTAD (2021).

- **چالش‌های پیش روی بخش خصوصی آمریکا**

- **نابرابری اقتصادی**
تمرکز ثروت در شرکت‌های بزرگ و کاهش فرصت‌های رقابتی برای شرکت‌های کوچک و متوسط، به تشدید نابرابری‌های اقتصادی منجر شده است (SBA, 2020).
- **تأثیرات منفی جهانی‌سازی**
جهانی‌سازی و انتقال مشاغل تولیدی به کشورهای دیگر، باعث کاهش اشتغال در برخی از بخش‌های صنعتی شده است.

• فشارهای زیست‌محیطی

صنایع آلاینده تحت فشار فزاینده‌ای از سوی دولت و جامعه برای کاهش اثرات زیست‌محیطی قرار دارند.

• بحران‌های اقتصادی و مالی

• بخش خصوصی آمریکا آسیب‌پذیری بالایی در برابر بحران‌های مالی و اقتصادی دارد، همان‌طور که در بحران مالی ۲۰۰۸ و پاندمی کووید-۱۹ مشاهده شد (US Treasury, 2021).

بخش خصوصی در ایالات متحده آمریکا به‌عنوان نیروی محرکه اصلی اقتصاد، نقش بی‌بدیلی در نوآوری، اشتغال‌زایی، و رشد اقتصادی ایفا می‌کند. آزادی اقتصادی بالا و سیاست‌های حمایتی دولت، محیطی مناسب برای شکوفایی این بخش فراهم کرده است. با این حال، چالش‌هایی مانند نابرابری اقتصادی، تغییرات زیست‌محیطی، و بحران‌های جهانی نشان می‌دهد که برای پایداری و توسعه این بخش، اصلاحات و سیاست‌های نوآورانه ضروری است.

کره جنوبی

کره جنوبی به‌عنوان یکی از نمونه‌های برجسته موفقیت اقتصادی، از یک کشور جنگ‌زده و فقیر در اواسط قرن بیستم به یکی از اقتصادهای صنعتی و پیشرفته دنیا تبدیل شده است. این تحول، عمدتاً به دلیل نقش اساسی بخش خصوصی در همکاری نزدیک با دولت و استراتژی‌های توسعه اقتصادی هدایت‌شده رخ داده است. در این گزارش، جایگاه و نقش بخش خصوصی در اقتصاد کره جنوبی به تفصیل بررسی می‌شود.

پیشینه تاریخی بخش خصوصی در کره جنوبی به دوران بازسازی پس از جنگ کره (۱۹۵۰-۱۹۶۰) برمی‌گردد. پس از جنگ کره (۱۹۵۰-۱۹۵۳)، کره جنوبی با فقر شدید و فقدان زیرساخت‌های صنعتی مواجه بود. دولت، سیاست‌های صنعتی‌سازی جایگزین واردات را آغاز کرد و با تخصیص منابع، زمینه‌ساز شکل‌گیری بخش خصوصی شد. همچنین حمایت‌های مالی شامل وام‌های کم‌بهره و معافیت‌های مالیاتی بود که در اختیار شرکت‌های نوپا قرار گرفت (Kim, 2017: 45). بعد از آن دوره ظهور چایبول‌ها (۱۹۸۰-۱۹۶۰) در کره جنوبی مطرح است. چایبول‌ها، شرکت‌های خانوادگی بزرگ مانند سامسونگ، هیوندای و ال‌جی، به ستون فقرات اقتصاد کره جنوبی تبدیل شدند. دولت از طریق سیاست‌های صنعتی‌سازی سنگین^۱، توسعه این شرکت‌ها را تسریع کرد (Amsden, 1989: 143). دوره بعد دوره آزادسازی اقتصادی (۱۹۹۰ به بعد) است که در این دوره دولت به تدریج از مداخله مستقیم

¹ Heavy and Chemical Industrialization

در بازار فاصله گرفت و اقتصاد کره جنوبی به سمت لیبرالیسم اقتصادی حرکت کرد. چایبول‌ها به سمت بازارهای جهانی گسترش یافتند و بخش فناوری به یک نیروی محرکه اقتصادی تبدیل شد. (Chang, 2003: 75). چایبول‌ها بیش از ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی کره جنوبی را تشکیل می‌دهند و صنایع کلیدی مانند الکترونیک، خودروسازی و پتروشیمی را تحت سلطه دارند (Kang, 2018: 23). مرکز شدید اقتصادی در دست چایبول‌ها، رقابت را محدود کرده و به آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های خارجی منجر شده است. همچنین روابط نزدیک بین چایبول‌ها و سیاستمداران، منجر به فساد شده است (Kim & Moon, 2020: 110). از سوی دیگر شرکت‌های کوچک و متوسط^۱ بیش از ۹۹ درصد از کل شرکت‌ها و ۸۷ درصد از نیروی کار کره جنوبی را در بر می‌گیرند. این شرکت‌ها غالباً به چایبول‌ها وابسته‌اند و از کمبود منابع مالی و فناوری رنج می‌برند (OECD, 2019). قوانین و برنامه‌هایی مانند قانون ارتقاء SME و خوشه‌های نوآوری، حمایت از این شرکت‌ها را هدف قرار داده‌اند (Ministry of SMEs, 2020). از سوی دیگر اکوسیستم استارت‌آپی نیز نقش مهمی در بخش خصوصی کره جنوبی ایفا کرده است. کره جنوبی به مرکز نوآوری و استارت‌آپ‌هایی در حوزه‌های فین‌تک، تجارت الکترونیک و هوش مصنوعی تبدیل شده است و دولت با برنامه‌هایی مانند *K-Startup* و *TIPS*^۲ به کارآفرینان کمک می‌کند، KITA, (2021)

تعامل دولت و بخش خصوصی در کره جنوبی به صورت زیر صورت می‌گیرد:

• سیاست‌های صنعتی هماهنگ

- هدایت استراتژیک: دولت کره جنوبی از طریق برنامه‌هایی مانند "برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی" و "نیو دیل کره‌ای"، اولویت‌های ملی را تعیین می‌کند (Amsden, 1989: 101)
- حمایت مستقیم: سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، تحقیق و توسعه و ارائه یارانه‌ها از ابزارهای کلیدی دولت برای تقویت بخش خصوصی است (Chang, 2003: 93)

• نظارت و تنظیم مقررات

- کمیسیون تجارت منصفانه کره (FTC): این کمیسیون، بر روی کاهش رفتارهای ضد رقابتی، به‌ویژه در چایبول‌ها، تمرکز دارد. (Kim & Moon, 2020: 125)

^۱ SMEs

^۲ Tech Incubator Program for Startups

- قوانین زیست‌محیطی: دولت شرکت‌ها را به پذیرش فناوری‌های پاک و پایدار ترغیب می‌کند.
- **همکاری در فناوری**
- صنعت نیمه‌هادی‌ها: همکاری میان دولت و شرکت‌هایی مانند سامسونگ و SK Hynix، کره جنوبی را به رهبر جهانی در این صنعت تبدیل کرده است (OECD, 2021).
- رشد اقتصادی سبز: ابتکار "رشد سبز" کره جنوبی، شرکت‌ها را به سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و خودروهای الکتریکی تشویق می‌کند (Ministry of Environment, 2020).
- بخش خصوصی در حوزه‌های کلیدی اقتصاد کره جنوبی حضور دارد: تولید و صادرات، فناوری و نوآوری، خدمات مالی و صادرات فرهنگی. کره جنوبی ششمین صادرکننده بزرگ جهان است و بخش خصوصی به صنایع اصلی مانند الکترونیک (سامسونگ، ال‌جی) و خودروسازی (هیوندای، کیا) تسلط دارد (World Bank, 2020). کره جنوبی در شاخص نوآوری جهانی جزو پنج کشور برتر است و شرکت‌های خصوصی بیش از ۷۵ درصد از هزینه‌های تحقیق و توسعه ملی را تأمین می‌کنند (KISTEP, 2021).
- شرکت‌های فین‌تک مانند KakaoPay و Toss نقش مهمی در تحول نظام مالی کشور ایفا کرده‌اند (KITA, 2021). صادرات فرهنگی (Hallyu) یا موج کره‌ای دیگر حوزه فعالیت بخش خصوصی در کره جنوبی است. شرکت‌های خصوصی فعال در حوزه سرگرمی^۱ از فرهنگ کره‌ای به‌عنوان ابزار قدرت نرم استفاده کرده‌اند (Kim, 2020: 88).

چالش‌های پیش‌روی بخش خصوصی در کره جنوبی عبارت است از:

- **شکاف بین چایبول‌ها و SMEs**
- شرکت‌های کوچک و متوسط برای دسترسی به منابع مالی، فناوری و بازار، با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند.

• سختی‌های بازار کار

قوانین کار سخت‌گیرانه و فعالیت‌های اتحادیه‌ها هزینه‌های نیروی کار را برای شرکت‌ها افزایش داده است (OECD, ۲۰۱۹).

^۱ مانند CJ Entertainment و Big Hit Music

• وابستگی به بازارهای خارجی

صنایع صادرات محور کره جنوبی به نوسانات تقاضای جهانی و تنش های تجاری، به ویژه با آمریکا و چین، حساس هستند (World Bank, 2020).

این حساسیت به دلایل زیر است:

۱. **وابستگی بالا به صادرات:** کره جنوبی یکی از بزرگ ترین صادرکنندگان جهان است و بسیاری از صنایع کلیدی آن، مانند الکترونیک، خودرو، و پتروشیمی، وابسته به فروش محصولات خود در بازارهای جهانی هستند.
 ۲. **نوسانات تقاضای جهانی:** تغییرات در شرایط اقتصادی کشورهای واردکننده (مانند رکود اقتصادی، تغییرات سیاست های مالی، یا تغییر اولویت های مصرف کنندگان) می تواند به سرعت بر صادرات کره جنوبی اثر بگذارد.
 ۳. **تنش های تجاری:** اختلافات تجاری بین آمریکا و چین، که دو بازار کلیدی برای کره جنوبی هستند، می تواند مستقیماً صادرات کره را کاهش دهد یا باعث تغییر در زنجیره تأمین جهانی شود.
 ۴. **زنجیره تأمین جهانی:** صنایع کره ای به واردات مواد اولیه و قطعات از کشورهای دیگر متکی هستند. هرگونه اختلال در این زنجیره به دلیل تنش های تجاری می تواند تولید و صادرات آنها را مختل کند.
- در نتیجه، شرایط خارجی و عوامل بین المللی نقش حیاتی در عملکرد اقتصادی این صنایع دارند، و این وابستگی به تجارت جهانی باعث شده اقتصاد کره جنوبی به تغییرات و تنش های خارجی حساس باشد.

• جمعیت سالخورده

روند پیری جمعیت، چالش های جدی برای پایداری نیروی کار و تقاضای داخلی ایجاد کرده است (Kang, 2018: 30).

در جمع بندی می توان گفت بخش خصوصی در کره جنوبی، با همکاری نزدیک دولت و بهره گیری از سیاست های صنعتی هدفمند، نقشی کلیدی در توسعه اقتصادی این کشور ایفا کرده است. در حالی که چابک ها به عنوان ستون فقرات اقتصاد کره ای شناخته می شوند، اکوسیستم شرکت های کوچک و متوسط و استارت آپ ها نیز در

سال‌های اخیر اهمیت فزاینده‌ای یافته است. با این حال، چالش‌هایی مانند نابرابری در دسترسی به منابع، قوانین سخت‌گیرانه بازار کار، و وابستگی به بازارهای جهانی نیازمند سیاست‌های اصلاحی و نوآورانه هستند.

تجربه آلمان

الگوی اقتصادی آلمان، که به عنوان نماینده برجسته نظام راین‌لند شناخته می‌شود، بر مبنای تلفیقی از اصول بازار آزاد و عدالت اجتماعی شکل گرفته است. این الگو به ویژه به همکاری میان دولت، شرکت‌های خصوصی، و اتحادیه‌های کارگری تأکید دارد. در این نظام، بخش خصوصی به عنوان ستون اصلی تولید و اشتغال‌زایی نقش کلیدی ایفا می‌کند، اما تحت چارچوبی از سیاست‌های حمایتی و نظارتی دولت عمل می‌کند که تضمین‌کننده عدالت اجتماعی و ثبات اقتصادی است. یکی از ویژگی‌های متمایز اقتصاد آلمان، جایگاه برجسته شرکت‌های کوچک و متوسط^۱ است. این شرکت‌ها که بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی آلمان را تشکیل می‌دهند، نقشی حیاتی در تولید، صادرات، و نوآوری ایفا می‌کنند. بیش از ۹۹ درصد از شرکت‌های آلمان را شرکت‌های کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند. این شرکت‌ها حدود ۶۰ درصد از نیروی کار را به کار گرفته و بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی را تولید می‌کنند. حدود ۸۰ درصد صادرات صنعتی آلمان توسط شرکت‌های کوچک و متوسط انجام می‌شود. این شرکت‌ها به ویژه در صنایع مهندسی، فناوری‌های پیشرفته، و تجهیزات صنعتی پیشرو هستند.

بسیاری از این شرکت‌ها در صنایع خاص فعالیت می‌کنند و به عنوان رهبران بازار جهانی در حوزه‌های تخصصی خود شناخته می‌شوند. شرکت‌هایی مانند زیمنس، بوش و فولکس‌واگن نمونه‌هایی از موفقیت ترکیب نوآوری، رقابت‌پذیری، و حمایت دولتی هستند. به عنوان مثال، بسیاری از شرکت‌های کوچک و متوسط، تولیدکنندگان پیشرو قطعات ماشین‌آلات صنعتی، محصولات مهندسی، و فناوری‌های پیشرفته هستند. این شرکت‌ها برخلاف شرکت‌های بزرگ که اغلب به دنبال سوددهی سریع هستند، بر پایداری و مدیریت بلندمدت تأکید دارند. شرکت‌های کوچک و متوسط نه تنها به عنوان موتور اقتصادی، بلکه به عنوان نیروی برای تقویت جوامع محلی عمل می‌کند و روابط نزدیکی با کارکنان و ذی‌نفعان محلی دارد. این شرکت‌ها بخش قابل توجهی از صادرات آلمان را تأمین می‌کنند و به دلیل تمرکز بر کیفیت بالا، در بازارهای بین‌المللی رقابتی هستند. اکثر این شرکت‌ها توسط خانواده‌ها اداره می‌شوند و این موضوع باعث پایداری تصمیمات مدیریتی و رویکرد بلندمدت در کسب‌وکار شده است. تعامل نزدیک میان کارکنان و مدیران باعث ایجاد محیطی مشارکتی و افزایش بهره‌وری شده است. بسیاری از شرکت‌های

^۱ (Mittelstand)

کوچک و متوسط به آموزش کارکنان و تحقیق و توسعه اهمیت زیادی می‌دهند، که این موضوع تضمین‌کننده نوآوری و پیشرفت است.

در آلمان، دولت و بخش خصوصی به‌جای اینکه در تضاد باشند، در تعامل و همکاری نزدیک عمل می‌کنند. دولت از ابزارهای مختلف برای تنظیم بازار، حمایت از کسب‌وکارها، و تضمین عدالت اجتماعی استفاده می‌کند. دولت از طریق قوانین رقابتی، مانند قانون محدودیت انحصار، از ایجاد انحصارات و تمرکز قدرت در دست شرکت‌های بزرگ جلوگیری می‌کند. این سیاست‌ها به شرکت‌های کوچک و متوسط اجازه می‌دهد در محیطی رقابتی رشد کنند. از سوی دیگر بانک توسعه آلمان¹ و دیگر موسسات مالی، تسهیلات کم‌بهره و وام‌های بلندمدت برای شرکت‌های کوچک و متوسط ارائه می‌دهند. دولت همچنین با ارائه یارانه‌های تحقیق و توسعه (R&D) به شرکت‌ها، از نوآوری و رشد فناوری حمایت می‌کند. در چارچوب الگوی راین‌لند، دولت به توزیع عادلانه منافع اقتصادی توجه دارد. این امر از طریق سیاست‌های تأمین اجتماعی، مالیات تصاعدی، و کمک به اقشار آسیب‌پذیر انجام می‌شود. در آلمان، تأمین اجتماعی به‌عنوان یک رکن اساسی الگوی راین‌لند تعریف شده است. شرکت‌های خصوصی و دولت به‌طور مشترک هزینه‌های تأمین اجتماعی را تأمین می‌کنند.

- بیمه درمانی: هم کارگران و هم کارفرمایان به صندوق بیمه درمانی کمک می‌کنند.
- بیمه بازنشستگی: شرکت‌ها موظف به پرداخت سهمی از درآمد کارکنان به صندوق‌های بازنشستگی هستند.
- بیمه بیکاری: دولت و شرکت‌ها در تأمین مزایای بیکاری نقش دارند.

ارتباط شرکت‌های کوچک و متوسط با دولت از طریق سیاست‌های مالی، دسترسی به زیرساخت‌ها و پیوند با آموزش فنی و حرفه‌ای است. دولت آلمان با ارائه تسهیلات مالی، کاهش نرخ بهره و کمک‌های مالیاتی، از رشد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط حمایت می‌کند. برنامه‌هایی مانند بانک توسعه آلمان، تأمین مالی این شرکت‌ها را تسهیل می‌کند. از سوی دیگر دولت زیرساخت‌های لازم را برای حمایت از رشد این شرکت‌ها فراهم کرده است، از جمله شبکه‌های حمل‌ونقل پیشرفته و حمایت از تحقیق و توسعه (R&D). برنامه‌های آموزش دوگانه آلمان (Dual Education System)، که در آن دانش‌آموزان آموزش‌های عملی و نظری را به‌صورت هم‌زمان دریافت می‌کنند، نیروی کار ماهری را برای شرکت‌های کوچک و متوسط تأمین می‌کند. در شرکت‌های بزرگ آلمان، نمایندگان کارگران در هیئت‌مدیره حضور دارند و در تصمیم‌گیری‌های کلیدی شرکت نقش دارند. این مدل،

¹(KfW Bank)

نمونه‌ای از تعامل نزدیک دولت، بخش خصوصی، و نیروی کار است. مشارکت در تصمیم‌گیری باعث افزایش انگیزه کارکنان و بهبود بهره‌وری شده است

نسبت دولت با بخش خصوصی در آلمان

الگوی راین‌لند آلمان به تعامل متوازن میان دولت و بخش خصوصی معتقد است. در این نظام، دولت نه تنها ناظر، بلکه شریک استراتژیک بخش خصوصی است و دخالت‌های زیر را انجام می‌دهد:

- **تنظیم و نظارت:**

دولت آلمان به‌عنوان تنظیم‌کننده اصلی بازار عمل می‌کند و قوانینی را برای حفظ رقابت عادلانه، جلوگیری از انحصار، و حمایت از حقوق کارگران تصویب کرده است. قانون ضد انحصار (GWB) نمونه‌ای از این سیاست‌ها است که به تنظیم بازار و تضمین شفافیت اقتصادی کمک می‌کند.

- **تأمین اجتماعی:**

دولت آلمان با همکاری شرکت‌ها، سیستم تأمین اجتماعی گسترده‌ای را مدیریت می‌کند. این سیستم شامل بیمه درمانی، بازنشستگی، و بیکاری است که توسط کارفرمایان و کارکنان به طور مشترک تأمین مالی می‌شود.

- **مشارکت در تصمیم‌گیری:**

یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد آلمان، سیستم مشارکت کارگران در مدیریت شرکت‌ها است. این سیستم به کارگران اجازه می‌دهد از طریق نمایندگان خود در هیئت‌مدیره شرکت‌ها، در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک شرکت مشارکت کنند.

- **حمایت دولت از نوآوری و تحقیق و توسعه:**

آلمان با تخصیص بودجه‌های کلان به تحقیق و توسعه، به شرکت‌های خصوصی کمک می‌کند تا در زمینه فناوری و نوآوری پیشرو باشند. دولت همچنین با ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک بین دانشگاه‌ها و صنعت، ارتباط میان این دو بخش را تقویت کرده است.

- **مدیریت بحران:**

در مواقع بحران اقتصادی، مانند رکود ۲۰۰۸، دولت آلمان از سیاست‌های مالی حمایتی برای نجات بخش خصوصی و حفظ اشتغال استفاده کرد. این اقدامات شامل ارائه وام‌های کم‌بهره و کاهش مالیات‌ها بود.

مزایای رویکرد آلمان در مدیریت بخش خصوصی عبارت است از:

۱. تقویت رقابت‌پذیری جهانی: ترکیب حمایت‌های دولتی و تخصص بخش خصوصی، آلمان را به یکی از رقابتی‌ترین اقتصادهای جهان تبدیل کرده است.
۲. توزیع عادلانه منافع اقتصادی: مشارکت کارگران در مدیریت و تأمین اجتماعی گسترده، باعث شده است که منافع اقتصادی به‌صورت عادلانه‌تری توزیع شود.
۳. پایداری اقتصادی: رویکرد بلندمدت شرکت‌های کوچک و متوسط، همراه با نظارت دقیق دولت، پایداری اقتصادی و اجتماعی را تضمین کرده است.
۴. جلوگیری از انحصار: سیاست‌های رقابتی دولت از ایجاد انحصار جلوگیری کرده و محیطی شفاف برای فعالیت اقتصادی فراهم آورده است.

چالش‌های رویکرد آلمان در نقش و جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد عبارت است از:

۱. هزینه‌های بالا برای شرکت‌ها: مشارکت در تأمین اجتماعی و رعایت قوانین سخت‌گیرانه رقابت، هزینه‌های اضافی برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند.
۲. پیچیدگی مقررات: قوانین پیچیده و بروکراسی ممکن است روند تصمیم‌گیری و توسعه را کند کند.
۳. تأثیر جهانی‌شدن: فشارهای جهانی‌شدن و رقابت بین‌المللی ممکن است تهدیدی برای مدل مشارکتی آلمان باشد.

اگر الگوی آلمانی را با الگوی کشورهای دیگر مقایسه کنیم، ملاحظه خواهیم کرد برخلاف الگوی انگلوساکسون، که بخش خصوصی در آن نقش مستقلی دارد و دخالت دولت حداقلی است، در آلمان دولت و بخش خصوصی در تعامل و همکاری نزدیک قرار دارند. در مقایسه با نظام‌های متمرکزتر، مانند الگوی کنفوسیوسی، آلمان آزادی عمل بیشتری به شرکت‌ها می‌دهد، اما نظارت دولت همچنان حیاتی است. همچنین تأکید بر شرکت‌های کوچک و متوسط، به‌عنوان موتور رشد اقتصادی، آلمان را از بسیاری از کشورهای دیگر متمایز کرده است.

الگوی راین‌لند آلمان با تأکید بر همکاری میان دولت و بخش خصوصی، مدل موفقی از توسعه اقتصادی پایدار ارائه کرده است. شرکت‌های کوچک و متوسط به‌عنوان ستون اصلی اقتصاد، با حمایت سیاست‌های دولتی، توانسته‌اند رقابت‌پذیری و نوآوری را در سطح جهانی حفظ کنند. در این الگو، دولت نه تنها به تنظیم بازار و جلوگیری از انحصار می‌پردازد، بلکه از طریق حمایت‌های مالی و اجتماعی، نقش تسهیل‌کننده رشد و ثبات اقتصادی را ایفا می‌کند.

ترکیه

ترکیه یکی از اعضای مؤسس سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) و نیز عضو کشورهای صنعتی موسوم به گروه بیست (G۲۰) است. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول^۱ و مجله اقتصادی فوربز^۲، این کشور با تولید ناخالص داخلی ۱.۳۴ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۴ میلادی، در جایگاه شانزدهمین اقتصاد بزرگ جهان ایستاده است. اقتصاد ترکیه طی ۲۰ سال گذشته بیش از سه برابر شده است. به عنوان مثال بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ میلادی اقتصاد این کشور رشد بی‌سابقه‌ای را تجربه نمود و از هجدهمین اقتصاد بزرگ جهان در سال ۲۰۰۳ به رتبه یازدهم در سال ۲۰۲۰ میلادی دست یافت.

ترکیه همچنین دارای جمعیتی جوان، پویا و تحصیلکرده می‌باشد. این کشور با ۳۱.۹ میلیون نفر، سومین نیروی کار بزرگ در اروپا را داراست و در مقایسه با کشورهای عضو اتحادیه اروپا، جوان‌ترین جمعیت را دارد. ترکیه در طول تاریخ معاصر خود عمدتاً رویکردی ایستا و شبه دولت‌گرایانه^۳ اتخاذ نموده و اقتصاد این کشور پس از تشکیل نظام جمهوری، شاهد کنترل شدید دولت بر فرایند صنعتی سازی، مدل مشارکت بخش خصوصی، تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۴ بوده است. اما از دهه ۱۹۸۰ میلادی تا کنون مجموعه‌ای از اصلاحات در نهاد حکمرانی اقتصادی این کشور اعمال گردید و به منظور تغییر مسیر کشور از نظام اقتصادی دولت‌گرا و نسبتاً بسته به سوی اقتصاد مبتنی بر بازار، تجارت آزاد و تقویت بخش خصوصی، فرایند جدیدی آغاز شد.^۵

ترکیه به ویژه طی دو دهه اخیر (۲۰۰۰-۲۰۲۰) در نتیجه‌ی اصلاحات بلندپروازانه‌ای که اتخاذ نمود نرخ رشد بالایی را بین سال‌های ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۷ میلادی تجربه کرد. اصلاحات اقتصادی و تقویت بخش خصوصی، شاخص سطح درآمد در ترکیه را از جایگاه پایین‌تر از متوسط جهانی به سطح بالاتر از متوسط^۶ رسانید و به تبع آن نرخ فقر را

^۱ IMF

^۲ Forbes

^۳ quasi-statist

^۴ FDI

^۵ <https://ktu.edu.tr/obsen/aboutturkeyeconomy>

^۶ upper-middle-income

به طرز چشمگیری کاهش داد. به عنوان مثال رشد تولید ناخالص داخلی واقعی^۱ ترکیه بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۲۲ میلادی به طور متوسط ۵/۴ درصد بوده و در نتیجه ی آن کاهش سریع فقر همراه با رشد تولید و درآمدها محقق گردیده است. به عنوان مثال طبق آمار بانک جهانی، نرخ فقر در ترکیه از مثبت ۲۰ درصد در سال ۲۰۰۷ میلادی به ۷/۶ درصد در سال ۲۰۲۱ کاهش یافت.^۲ نیل به موارد فوق نتیجه اعمال اصلاحات کلان اقتصادی و تغییر نگرش در حکمرانی اقتصادی ترکیه از اقتصاد دولتی و تمرکزگرا به اقتصاد مبتنی بر بازار و تقویت بخش خصوصی بوده است که میانگین سه دهه رشد اقتصادی مثبت ۵ درصد و تبدیل شدن ترکیه به اقتصاد نوظهور به ویژه در زمینه خودروسازی، منسوجات، لوازم الکترونیک و گردشگری را برای این کشور به ارمغان آورد.

تغییر استراتژی حکمرانی اقتصادی ترکیه با تقویت بخش خصوصی (۱۹۸۰ الی ۲۰۲۴ میلادی)

تغییر استراتژی حکمرانی اقتصادی ترکیه و تقویت بخش خصوصی با محوریت تولید صادرات محور به ویژه پس از ۱۹۸۰ میلادی با روی کار آمدن دولت دمیرل^۳ آغاز شد. دولت ترکیه مدل توسعه صنعتی مبتنی بر جایگزینی واردات را کنار گذاشت و استراتژی توسعه اقتصادی نوین خود را تدوین نمود. حکمرانی اقتصادی ترکیه در روند جدید اتخاذ شده، سرمایه‌گذاری خصوصی را تشویق و اقتصاد بازار را حمایت نمود. به علاوه مناطق آزاد تجاری ایجاد و بر رقابت‌پذیری کالای ترک در بازارهای بین‌المللی تاکید کرد. رفته رفته مدل اقتصادی صادرات محور ترکیه به بلوغ لازم رسید و همانگونه که اشاره گردید دولت دمیرل در ژانویه ۱۹۸۰ میلادی برنامه اصلاحات اقتصادی جدیدی را اعلام نمود که عبارت است از:

- (۱) کاهش مداخله مستقیم دولت در اقتصاد
- (۲) کاهش تعرفه های واردات
- (۳) اجرای سیاست های اقتصاد آزاد
- (۴) تدوین استراتژی اقتصادی صادرات محور

موارد فوق نقطه عطفی در تاریخ توسعه اقتصادی ترکیه محسوب می‌شود. پس از انتخاب اوزال به نخست وزیری در سال ۱۹۸۳ میلادی، اجرای سیاست های جدید اقتصادی از جمله: افزایش نرخ بهره، اصلاح دستمزدها، تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی، جذب سرمایه گذاری خارجی، تشویق صادرات، تسهیل تجارت (واردات و صادرات) افزایش یافت. در عین حال، دولت ترکیه متعهد به تغییر مالکیت شرکت های دولتی و ترویج خصوصی سازی گشت. به عنوان مثال، از سال ۱۹۸۴ میلادی، دولت ترکیه حمایت‌های ترجیحی و یارانه‌ای شرکت‌های دولتی را لغو و از

¹ Real GDP growth

² <https://www.worldbank.org/en/country/turkey/overview>

³ Süleyman Demirel

رقابت عادلانه میان شرکت‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی حمایت کرد. در ضمن، اوراق بهادار و سهام شرکت‌های خصوصی را به بخش خصوصی فروخت و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خصوصی را لغو نمود. در نتیجه اعتماد و حمایت دولت از بخش خصوصی و راهبرد مناسب توسعه اقتصادی، صادرات کالای ترک از ۲.۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۹ به ۸.۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ افزایش یافت و در نتیجه روند مذکور طی سه دهه اقتصاد ترکیه را شکوفا نمود.^۱ نرخ رشد اقتصادی^۲ (جهش اقتصادی) پس از اعمال سیاست‌های فوق از ۱۹۸۰ الی ۲۰۰۰ میلادی به شرح ذیل است:

جدول ۱. تغییرات نرخ رشد اقتصادی در ترکیه

ردیف	سال میلادی	نرخ رشد اقتصادی %
۱	۱۹۸۳	۳/۳
۲	۱۹۸۵	۵/۱
۳	۱۹۸۷	۷/۵
۴	۱۹۹۰	۹/۴
۵	۱۹۹۲	۶/۴
۶	۱۹۹۳	۸/۱
۷	۱۹۹۵	۸
۸	۱۹۹۷	۸

اجرای سیاست جدید اقتصادی منجر به افزایش فزاینده تجارت خارجی ترکیه گردید. همزمان با رشد تجارت ساختار کالاهای صادراتی نیز دستخوش تغییرات چشمگیری شد و حجم صادرات محصولات صنعتی پدیده‌ای برجسته در توسعه سریع اقتصاد صادرات محور در دهه ۱۹۹۰ محسوب می‌شود. به عنوان مثال، در سال ۱۹۹۰ میلادی مجموع صادرات ترکیه به ۱۳ میلیارد دلار افزایش یافت که از این میزان نسبت محصولات کشاورزی در مجموع صادرات به ۲۵.۵٪ کاهش و نسبت محصولات صنعتی در مجموع صادرات به ۶۷.۹٪ رسید. اما روند توسعه صادرات صنعتی به رشد خود ادامه داد و در سال ۱۹۹۷ میلادی، مجموع صادرات ترکیه به ۲۶.۲ میلیارد دلار رسید که محصولات کشاورزی تنها ۲۰.۸ و محصولات صنعتی ۷۴.۹ درصد از مجموع صادرات را به خود اختصاص دادند.^۳

^۱ Luca, Davide (2015) *Votes and regional economic growth: evidence from Turkey*. World Development, 78. pp. 477-495. ISSN 0305-750X

^۲ The annual growth rate of GDP

^۳ Esmer, Tolga U. (May 2007). "Turkey from Empire to Revolutionary Republic: The Emergence of the Turkish Nation from 1789 to Present: Akşin, Sina: New York: New York University Press, 335 pp.

در نتیجه سیاست های اقتصادی دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، اقتصاد ترکیه از دهه ۲۰۰۰ میلادی تا کنون نرخ رشد اقتصادی بالایی را تجربه کرده که تا سال ۲۰۱۸ میلادی به طور متوسط سالانه ۵.۴ درصد بوده است. این رشد ناشی از یک سری اصلاحات ساختاری است که توسط دولت رجب طیب اردوغان (حزب عدالت و توسعه) در تکمیل روند سابق اصلاحات اقتصادی و رشد تولید صادرات محور آغاز گردید؛ یعنی تداوم خصوصی سازی شرکت های دولتی، مقررات زدایی بخش های کلیدی و بهبود سیاست های مالی و پولی کشور که منجر به کاهش تورم دو رقمی به تک رقمی و افزایش جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور شد.^۱

اصلاحات اقتصادی فوق موجب شد تا علیرغم همه گیری کووید-۱۹، اقتصاد ترکیه در سال ۲۰۲۰ میلادی، ۱.۹ درصد رشد نموده و در سال ۲۰۲۱ میلادی توانست به رشد ۱۱.۴ درصدی دست یابد. با عنایت به سیاست های دولت و تقاضای قدرتمند داخلی و بین المللی، اقتصاد این کشور رشد ۵.۵ درصد در سال ۲۰۲۲ میلادی را نیز تجربه کرد. اما با توجه به سه عامل ذیل تعادل اقتصادی ترکیه دچار تزلزل جدی گردید:

۱. همه گیری کرونا

۲. سیاست کاهش نرخ بهره

۳. وقوع زلزله در سال ۲۰۲۳ میلادی (با بیش از ۵۰ هزار نفر تلفات، ۱۰۷ هزار نفر زخمی، ۱.۹ میلیون واحد مسکونی آسیب دیده و نیز ۳.۳ میلیون نفر آواره)

در نتیجه ی موارد فوق، تورم ترکیه در اکتبر ۲۰۲۲ میلادی به اوج خود یعنی ۸۵.۵ درصد رسید. لیر ترکیه با افت وخیم ارزش در برابر دلار روبرو گردید و در نتیجه هزینه واردات را افزایش داد. سیاست پولی بحث برانگیز بانک مرکزی ترکیه درخصوص کاهش نرخ بهره، به تدریج با حضور تیم جدید اقتصاددانان و تغییر پارادایم قبلی، از ژوئن ۲۰۲۳ شاهد تغییراتی بود. به عنوان مثال در نتیجه ی سیاست جدید، نرخ بهره را از ۸.۵ درصد به ۴۲.۵ درصد افزایش داد و تورم ترکیه را در آخرین ماه سال ۲۰۲۳ به ۶۴/۸ درصد رساند.

بدین ترتیب تیم اقتصادی جدید ترکیه، سیاست جامعی را برای رسیدگی به عدم تعادل کلان اقتصادی گذشته، از جمله تورم بالا، آغاز نمود. از آن زمان، ترکیه به تدریج به سمت بازنگری راهبرد اقتصاد کلان خود حرکت نموده است. به عنوان مثال ترکیه در سال های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ میلادی رشد اقتصادی ۴.۵ درصدی و ۳ درصد را تجربه نمود. به طور کلی چالش های کلان و ساختاری ترکیه از جمله: تورم بالا، بهره وری پایین و کمبود سرمایه گذاری

¹ Brown, L. Carl; Pope, Hugh; Pope, Nicole (1999). "Turkey Unveiled: A History of Modern Turkey". Foreign Affairs. 78 (4): 145.

مستقیم خارجی به ویژه در سال های پس از همه گیری کرونا علیرغم موفقیت های اخیر، همچنان به اقدامات مالی قدرتمند و اصلاحات ساختاری بیشتری در راستای توسعه بخش خصوصی و کمک به تسریع رشد اقتصادی پایدار نیاز دارند.^۱

روابط دولت و بخش خصوصی در ترکیه

رابطه بین دولت ترکیه و بخش خصوصی ابعاد مختلفی را در بر گرفته و در طول تاریخ معاصر ترکیه تکامل یافته است. در ادامه برخی از جنبه های کلیدی تعامل میان بخش عمومی (دولت) و بخش خصوصی (اتاق ها و انجمن های بازرگانی) ترکیه می پردازیم:

- حمایت از سیاستگذاری اقتصادی مشترک و گفتگوی سازنده

انجمن های بازرگانی مانند TOBB، TÜSİAD و MÜSİAD نقش مهمی را در حمایت از سیاست های کلان تجاری ایفا می کنند. آن ها علاوه بر اینکه نیازها و مواضع بخش خصوصی را به دولت منعکس می نمایند، بر فرایند سیاستگذاری و اصلاحات اقتصادی کشور تأثیر می گذارند. انجمن های بازرگانی عمدتاً در گفتگوهای رسمی و غیررسمی با مقامات دولتی شرکت نموده و در خصوص قوانین، استراتژی های اقتصادی و چارچوب های نظارتی اطلاعات لازم را به بخش عمومی ارائه می دهند.^۲

- مشارکت های عمومی-خصوصی (PPP)^۳

ترکیه سازوکار قدرتمندی در زمینه مشارکت عمومی-خصوصی به ویژه برای پروژه های زیرساختی مانند انرژی، حمل و نقل و مراقبت های بهداشتی دارد. بی تردید این مشارکت ها به افزایش تخصص و سرمایه گذاری بخش خصوصی برای دستیابی به اهداف عمومی کشور کمک می کند. به همین منظور دولت از مدل های مختلف مشارکت، از جمله ساخت، بهره برداری، انتقال (BOT)^۴ و ساخت، اجاره، انتقال (BLT)^۵، برای جذب سرمایه گذاری خصوصی و بهبود خدمات عمومی استفاده می کند.

- اصلاحات و مشوق های اقتصادی

دولت ترکیه تاکنون اصلاحات و مشوق های اقتصادی مختلفی را برای حمایت از بخش خصوصی به اجرا درآورده است. اینها شامل مشوق های مالیاتی، یارانه ها و ترتیبات نظارتی با هدف بهبود فضای کسب و کار و جذب سرمایه

^۱ <https://www.worldbank.org/en/country/turkey/overview#3>

^۲ Atıl Altay (2011) "Businessmen as Diplomats: The Role of Business Associations in Turkey's Foreign Economic Policy" Insight Turkey, Volume 13, Number 1

^۳ Public-Private-Partnerships

^۴ Build-Operate-Transfer

^۵ Build-Lease-Transfer

گذاری خارجی است. انجمن های بازرگانی اغلب جهت طراحی و عملیاتی نمودن این اصلاحات با دولت ترکیه همکاری می نمایند تا اطمینان حاصل شود که مشوق های فوق نیازهای بخش خصوصی را برآورده می کنند.

در کنار تاثیر حکمرانی اقتصادی دولت بر رشد مثبت شاخص های اقتصادی ترکیه، بخش خصوصی و اتاق های بازرگانی در این کشور با فراهم آوردن بستری پویا برای همکاری، شبکه سازی داخلی و بین المللی، حمایت از کسب و کار و به اشتراک گذاری دانش و فناوری، نقش مهمی را در راستای تقویت رشد اقتصادی ایفا می نمایند. آنها علاوه بر توسعه کسب و کار و تقویت اقتصاد، همکاری میان شرکت های بخش خصوصی و دولت ترکیه را ارتقا می دهند در نتیجه به ایجاد یک محیط تجاری مناسب برای سرمایه گذاران داخلی و بین المللی کمک می نمایند. از جمله کارویژه های بخش خصوصی در تعامل با دولت که به رشد اقتصادی ترکیه کمک می کنند عبارتند از:

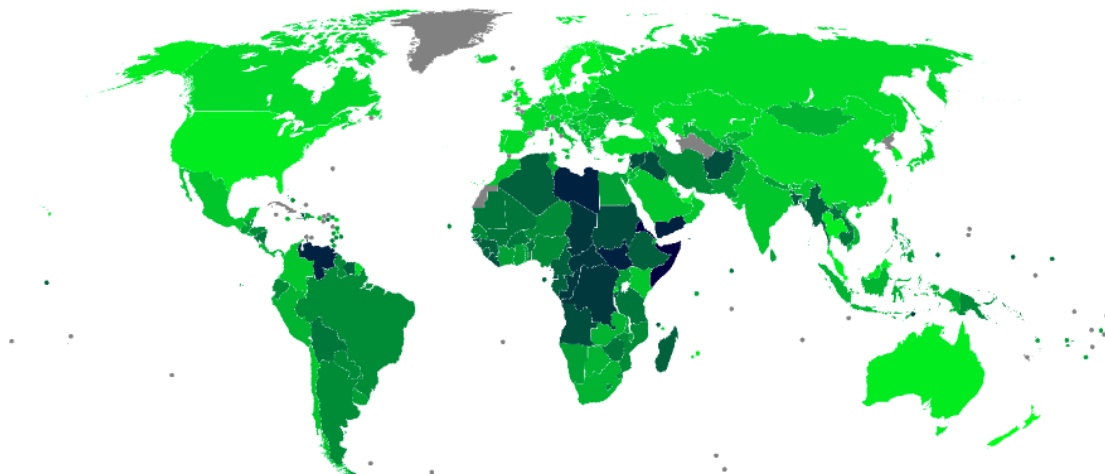
- **حمایت و خطمشی گذاری:** انجمن های تجاری و اتاق های بازرگانی در راستای سیاست ها و مقررات حامی کسب و کار به مذاکره و تعامل با دولت پرداخته و ضمن تامین منافع بخش خصوصی به ایجاد محیطی مناسب برای کسب و کار و توسعه اقتصادی ترکیه کمک می کنند.
- **شبکه سازی و همکاری:** بخش خصوصی و اتاق های بازرگانی با تسهیل شبکه سازی و همکاری بین اعضای خود، محیط مساعدی را جهت تبادل ایده ها و منابع فراهم می آورند. کارویژه فوق به کسب و کارها کمک می کند تا نوآورتر، رقابتی تر و کارآمدتر شوند و هریک به نوبه خود موجب رشد اقتصادی کشور گردند.
- **ظرفیت سازی:** اتاق های بازرگانی و انجمن های تجاری علاوه بر موارد فوق برنامه های آموزشی، سمینارها و کارگاه های آموزشی مختلفی را برای کمک به توسعه کسب و کارها و ارتقاء مهارت و دانش آنها ارائه می دهند. این مهم نه تنها رقابت پذیری کسب و کارها را بهبود می بخشد، بلکه به توسعه نیروی کار ماهر نیز کمک می کند.
- **دسترسی به بازار:** اتاق های بازرگانی اغلب با سازماندهی ماموریت های تجاری، نمایشگاه های و رویدادهای تجاری، ورود اقتصاد کشور خود را به بازارهای جدید تسهیل می نمایند. این امر به کسب و کارها کمک می کند تا دسترسی به بازار^۱ خود را گسترش دهند که در نهایت منجر به افزایش صادرات و رشد اقتصادی می شود.^۲

سهولت انجام کسب و کار در ترکیه

¹ Market access

² <https://tradecouncil.org/backup/business-associations-and-their-role-in-economic-growth-in-turkey/>

گزارش سهولت انجام کسب و کار^۱ بانک جهانی درواقع معیارهای سهولت مقررات تجاری و نحوه اجرای آنها را در ۱۹۰ اقتصاد منتخب جهان ارائه می دهد. این شاخص ضمن جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده های کمی به منظور مقایسه محیط تجاری در جهان، اقتصادها را تشویق می کند تا کارآمدی و رقابت را در کشور خود تقویت کنند. در میان کشورهای بررسی شده در سال ۲۰۲۰ میلادی ترکیه با جهش ۱۰ پله ای نسبت به سال ۲۰۱۹ میلادی در بین ۱۹۰ کشور در فهرست سهولت انجام تجارت بانک جهانی در جایگاه سی و چهارم قرار گرفته است.



شکل ۱. جایگاه کشورهای در نقشه شاخص سهولت کسب و کار بانک جهانی برای سال ۲۰۲۰ میلادی (طیف پررنگ سهولت کمتر / طیف کمرنگ سهولت بیشتر)

رتبه بندی کشورها در شاخص سهولت انجام کسب و کار براساس میانگین عناوین ذیل انجام می شود:

جدول ۲. شاخص های سهولت انجام کسب و کار

ردیف	شاخص	توضیحات
۱	شروع یک تجارت	رویه ها، زمان، هزینه و حداقل سرمایه برای راه اندازی تجارت جدید
۲	رسیدگی به پروانه ساخت و ساز	مراحل، زمان و هزینه ساخت انبار

^۱ Doing Business

۳	دریافت برق	روشها، زمان و هزینه موردنیاز یک بنگاه اقتصادی برای دستیابی به اتصال دائم برق برای یک انبار جدید الاحداث
۴	ثبت املاک	مراحل، زمان و هزینه ثبت املاک تجاری
۵	دریافت اعتبار	قدرت شاخص حقوق قانونی و سهولت دریافت اعتبار قانونی ^۱
۶	حمایت از سرمایه‌گذاران	شاخص‌هایی در خصوص میزان افشای اطلاعات، و سهولت امور مربوط به سهامداری
۷	پرداخت مالیات	تعداد مالیات‌های پرداخت شده، ساعات صرف شده در سال برای تهیه اظهارنامه مالیاتی و کل مالیات قابل پرداخت به عنوان سهم سود ناخالص
۸	بازرگانی در مرزها	تعداد اسناد، هزینه و زمان لازم برای صادرات و واردات
۹	اجرای قراردادهای	مراحل، زمان و هزینه اجرای قرارداد بدهی
۱۰	حل و فصل ورشکستگی	زمان، هزینه، و نرخ بازبایی (%) یک ورشکستگی

برای مقایسه بهتر شاخص‌های ده‌گانه فوق، جایگاه ترکیه در رتبه‌بندی جهانی سهولت کسب و کار سال ۲۰۲۰ میلادی در مقایسه با سایر کشورها به شرح ذیل است:^۲

جدول ۳. رتبه ترکیه در شاخص‌های سهولت انجام کسب‌وکار

رتبه	کشور	شروع تجارت	پروانه ساخت و ساز	دریافت برق	ثبت املاک	دریافت اعتبار	حمایت از سهامدار	پرداخت مالیات	بازرگانی	اجرای قراردادهای	حل و فصل ورشکستگی
۱	نیوزلند	۱	۷	۴۸	۲	۱	۳	۹	۶۳	۲۳	۳۶
۲	سنگاپور	۴	۵	۱۹	۲۱	۳۷	۳	۷	۴۷	۱	۲۷
۳	هنگ کنگ	۵	۱	۳	۵۱	۳۷	۷	۲	۲۹	۳۱	۴۵
۴	دانمارک	۴۵	۴	۲۱	۱۱	۴۸	۲۸	۸	۱	۱۴	۶
۵	کره جنوبی	۳۳	۱۲	۲	۴۰	۶۷	۲۵	۲۱	۳۶	۲	۱۱

^۱ Legal rights index

^۲ <https://archive.doingbusiness.org/en/rankings>

۶	ایالات متحده	۵۵	۲۴	۶۴	۳۹	۴	۳۶	۲۵	۳۹	۱۷	۲
۷	گرجستان	۲	۲۱	۴۲	۵	۱۵	۷	۱۴	۴۵	۱۲	۶۴
۸	انگلیس	۱۸	۲۳	۸	۴۱	۳۷	۷	۲۷	۳۳	۳۴	۱۴
۹	نروژ	۲۵	۲۲	۴۴	۱۵	۹۴	۲۱	۳۴	۲۲	۳	۵
۱۰	سوئد	۳۹	۳۱	۱۰	۹	۸۰	۲۸	۳۱	۱۸	۳۹	۱۷
.....											
۱۷	امارات متحده عربی	۱۷	۳	۱	۱۰	۴۸	۱۳	۳۰	۹۲	۹	۸۰
.....											
۳۲	چین	۲۷	۳۳	۱۲	۲۸	۸۰	۲۸	۱۰۵	۵۶	۵	۵۱
۳۳	فرانسه	۳۷	۵۲	۱۷	۹۹	۱۰۴	۴۵	۶۱	۱	۱۶	۲۶
۳۴	ترکیه	۷۷	۵۳	۴۱	۲۷	۳۷	۲۱	۲۶	۴۴	۲۴	۱۲۰
.....											
۱۲۷	ایران	۱۷۸	۷۳	۱۱۳	۷۰	۱۰۴	۱۲۸	۱۴۴	۱۲۳	۹۰	۱۳۳

موارد فوق بیانگر روابط میان بخش خصوصی و دولت در راستای توسعه اقتصادی ترکیه و خلق ثروت ملی برای این کشور است. بی تردید نمی توان رشد اقتصادی یک کشور را تنها به بخش خصوصی یا عمومی آن مرتبط دانست بلکه تعامل سازنده میان آن ها موجب جهش اقتصادی و رشد تجارت خواهد گردید. تجربه ترکیه در خصوص تعامل بخش های عمومی - خصوصی به ویژه از سال ۱۹۸۰ میلادی تا کنون می تواند مدلی برای هم افزایی ملی در راستای خلق ثروت باشد.

علاوه بر مواردی که تاکنون بیان گردید می بایست برای درک دگرگونی اقتصادی ترکیه و نحوه گذار از دوران اقتصاد دولتی به عصر تعامل سازنده دولت و بخش خصوصی در این کشور می بایست فرایند خصوصی سازی^۱ ترکیه به ویژه پس از اصلاحات ساختاری دهه ۱۹۸۰ میلادی، مورد مطالعه قرار گیرد.

خصوصی سازی در ترکیه

خصوصی سازی به عنوان فرآیندی اقتصادی به منظور انتقال اموال از مالکیت عمومی به بخش خصوصی تعریف می گردد. عنصر نظری کلیدی در تبیین ضرورت تغییر مالکیت در فرایند خصوصی سازی، فقدان تحقق رفاه

¹ Privatization

اقتصادی حداکثری در شیوه مالکیت عمومی و دولتی می باشد. از طرفی استفاده ناکارآمد از منابع در بخش عمومی نیز دلیل دیگری جهت تغییر ساختار مالکیت در کشورها است بنابراین فرایند خصوصی سازی در صورتی که به درستی محقق شود، به ایجاد بازار آزاد و همچنین تقویت رقابت می انجامد. خصوصی سازی در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی در مقیاس جهانی شتاب گرفته و به طیف وسیعی از اقتصادهای در حال توسعه تسری یافت و این فرایند عنصری اساسی در اصلاحات ساختاری در کشورهای در حال توسعه در طول دهه مذکور بوده است.

خصوصی سازی در ترکیه ابتدا با هدف به کاهش مشارکت دولت در فعالیتهای اقتصادی و کاهش بار مالی شرکت های اقتصادی دولتی^۱ (SEES) بر بودجه ملی انجام گردید، اما علاوه بر آنها، توسعه بازارهای سرمایه و نیز هدایت مجدد منابع به سمت سرمایه گذاری های نوین را نیز در پی داشته است. در نتیجه ایجاد تحول اساسی در نظام اقتصادی ترکیه، همانگونه که بیان گردید این کشور را از مدل جایگزینی واردات^۲ و رویکرد حمایتگرانه ی درونگرا، به مدل توسعه صادرات و همکاری های بین المللی سوق داده است. گسترش اقتصاد ترکیه به شرق و غرب افق های ژئوپلیتیکی جهان، فرصت های متعددی را برای سرمایه گذاران بین المللی ایجاد نموده است. روند خصوصی سازی در ترکیه با هدف کاهش بار سنگین بنگاه های اقتصادی دولتی از بودجه ملی، رکن مهمی از منابع مالی برای دولت بوده و پیشرفت های ملموسی را در چارچوب این فلسفه به همراه داشته و در نتیجه ی آن بسیاری از شرکت های دولتی ترکیه به بخش خصوصی منتقل شده اند. اهداف اصلی فرایند خصوصی سازی در ترکیه، عبارتند از:

(۱) افزایش کارآمدی و بهبود کارایی

(۲) بهبود تکنیک های مدیریت و

(۳) بهبود موقعیت رقابتی شرکت ها^۳

همانگونه که به آن اشاره گردید، برنامه های خصوصی سازی ترکیه در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد اما درآمدهای خصوصی سازی در ترکیه به دلیل فقدان چارچوب قانونی تا دهه ۱۹۹۰ میلادی محدود و تلاش های خصوصی سازی همواره در معرض موانع قانونی-قضایی بوده است. در واقع می توان گفت خصوصی سازی به معنای واقعی کلمه پس از گذشت دو دهه و با شروع سال ۲۰۰۰ میلادی آغاز گردید.

- خصوصی سازی در آیین قانون

¹ State Economic Enterprises

² ISI

³ Ertuna, Özer. (1998). Constraints of Privatization: The Turkish case. Retrieved from <http://www.nioclibrary.com/privatization/e035.pdf>

تمامی اصول، رویه‌ها، سازمان‌های مجاز و سایر مسائل مربوط به فرایند خصوصی‌سازی، در قانون خصوصی‌سازی ترکیه به شماره ۴۰۴۶ مورخ ۱۹۹۴ میلادی قرار دارد. این قانون اصول خصوصی‌سازی به ویژه بهبود بهره‌وری در اقتصاد و کاهش هزینه‌های عمومی را تنظیم می‌نماید.

به علاوه بر اساس این قانون: (۱) دامنه‌داری‌ها برای خصوصی‌سازی گسترش می‌یابد (۲) چارچوب مناسب، بودجه و سازوکار تسریع روند خصوصی‌سازی و تجدید ساختار فراهم می‌گردد، (۳) شبکه تامین اجتماعی برای کارگرانی که در نتیجه خصوصی‌سازی شغل خود را از دست می‌دهند پیش‌بینی گردیده است و (۴) شورای عالی خصوصی‌سازی و سازمان خصوصی‌سازی ترکیه به منظور تسهیل فرآیند تصمیم‌گیری ایجاد شده است.

- نهادهای متولی خصوصی‌سازی

بر اساس قانون خصوصی‌سازی ترکیه (به شماره ۴۰۴۶) فرآیند خصوصی‌سازی توسط دو نهاد انجام می‌شود: (۱) شورای عالی خصوصی‌سازی (۲) سازمان خصوصی‌سازی

(۱) شورای عالی خصوصی‌سازی^۱ (PHC) درحقیقت نهاد تصمیم‌گیری خصوصی‌سازی در ترکیه است. این شورا به ریاست نخست وزیر بوده و باحضور چهار تن از وزرا تشکیل شده است. شورا سبد (پرتفولیو) خصوصی‌سازی دولت را مدیریت می‌کند و ضمن تصویب مراحل واگذاری نهایی سازمان‌های اقتصادی دولتی به اشخاص حقیقی یا حقوقی بخش خصوصی، مسئولیت اداره روش و زمان‌بندی مراحل خصوصی‌سازی را نیز بر عهده دارد.

(۲) اداره خصوصی‌سازی^۲ (PA) درواقع نهاد اجرایی فرآیند خصوصی‌سازی است. این اداره یک نهاد عمومی قانونی با بودجه مشخص است که مستقیماً به نخست وزیر گزارش ارائه می‌نماید و دارای وظایفی از جمله: اجرای تصمیمات شورای خصوصی‌سازی و مشاوره به شورای خصوصی‌سازی در موارد مربوط به نقل و انتقالات شرکت‌های اقتصادی دولتی (SEE) در سبد خصوصی‌سازی است.

- روش‌های خصوصی‌سازی

شرکت‌های موجود در سبد خصوصی‌سازی با استفاده از یک یا چند روش وارد بخش خصوصی می‌شوند که عبارتند از:

¹ Privatization High Council (PHC)

² Privatization Administration

- (۱) فروش: انتقال مالکیت شرکت‌ها به طور کامل یا جزئی یا انتقال سهام شرکت‌ها از طریق عرضه عمومی داخلی یا بین‌المللی، فروش در بورس اوراق بهادار، فروش به صندوق‌های سرمایه‌گذاری و ...
- (۲) اجاره: اعطای حق بهره‌برداری از تمام یا برخی از دارایی شرکت‌ها برای مدت معین
- (۳) اعطای حقوق عملیاتی^۱
- (۴) ایجاد حقوق بهره‌برداری از دارایی^۲ به جز مالکیت.
- (۵) مدل تقسیم سود و سایر شرایط قانونی بسته به ماهیت کسب و کار^۳

بنابراین فرایند خصوصی سازی در تاریخ معاصر ترکیه علیرغم فراز و نشیب‌های فراوان، طی سه دهه اخیر توانسته است به ثبات نسبی و معقول برسد. باید توجه داشت که در کنار هلدینگ‌ها و شرکت‌های دولتی که به بخش خصوصی واگذار شدند، بخش عمده رشد اقتصادی ترکیه توسط کسب و کارهای بزرگ، متوسط و کوچک بخش خصوصی هدایت می‌شوند. به همین منظور در این بخش ابتدا به مهمترین بخش‌های اقتصاد خصوصی ترکیه، بازیگران عمده بخش خصوصی در ترکیه و سپس به تجزیه و تحلیل نقش SMEها یا همان کسب و کارهای کوچک و متوسط در تولید ناخالص داخلی و اشتغال ترکیه می‌پردازیم.

مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد خصوصی در ترکیه

همانگونه که پیش از این بیان گردید، اقتصاد بخش خصوصی در ترکیه پیچیده و متنوع بوده و شامل چندین بخش کلیدی است. در اینجا برترین بخش‌های اقتصادی اشاره می‌گردد:

- **بخش خدمات:** این بخش بزرگ‌ترین بخش اقتصاد بخش خصوصی در ترکیه است و حدود ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را به خود اختصاص می‌دهد.
- **بخش صنعت:** با احتساب تولید، ساخت و ساز و معدن، این بخش حدود ۲۱ درصد از تولید ناخالص داخلی ترکیه را به خود اختصاص داده است.
- **بخش کشاورزی:** این بخش حدود ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را شامل می‌گردد.^۴

¹ Operational Rights

² Property Rights

³ Karataş, C. (2001). Privatization in Turkey: Implementataion, Poltics of Privatization and Performance Results. Journal of International Deveelopment, 13, 93-121. Retrieved from <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1002/jid.759>

⁴ <https://economymiddleeast.com/news/turkey-gdp-growth-trends-and-economic-forecasts-for-/2025>

بازیگران کلیدی بخش خصوصی در ترکیه

با عنایت به مواردی که تاکنون مطرح گردید، موفقیت اقتصادی ترکیه در رشد اقتصادی و کاهش فقر طی سه دهه اخیر مدیون رابطه مناسب و پویای دولت ترکیه و بخش خصوصی این کشور است. بی تردید، اتاق‌ها، انجمن‌ها و اتحادیه‌های بازرگانی نقشی اساسی در شکل‌دهی سیاست‌های اقتصادی، حمایت از اصلاحات تجاری، و تقویت مشارکت‌های عمومی- خصوصی ایفا می‌کنند. این هم‌افزایی میان میدان سیاستگذاری و عرصه اجرا، توسعه اقتصاد داخلی و رقابت‌پذیری محصولات و خدمات ترکیه در صحنه جهانی را به ارمغان آورده است.

در ادامه بازیگران کلیدی بخش خصوصی ترکیه به تفکیک تشریح می‌گردند:

۱) اتحادیه اتاق‌های بازرگانی و بورس‌های کالای ترکیه (TOBB)



این اتحادیه در سال ۱۹۵۰ میلادی تأسیس شده است و می‌توان آن را نهاد عالی و پارلمان بخش خصوصی ترکیه دانست. اتحادیه اتاق‌های بازرگانی ترکیه تعداد ۳۶۵ اتاق را و بورس کالا را دربرگرفته و نماینده حدود ۱.۹ میلیون شرکت ترک است. اتحادیه درواقع پل ارتباطی بین دولت و بخش خصوصی این کشور است و مطابق سیاست‌های تجاری ترکیه بازوی اجرایی و مشورتی بخش عمومی در امور بازرگانی است.

بر مبنای قانون تجارت ترکیه، تمامی شرکت‌ها در این کشور ملزم به عضویت در اتاق بازرگانی و یا اتاق صنایع هستند. کلیه اتاق‌های بازرگانی و صنایع نیز می‌بایست عضو TOBB باشند. در سال ۲۰۰۴ میلادی، اتحادیه اتاق

های بازرگانی دانشگاه اقتصاد و فناوری^۱ TOBB را تأسیس کرد که وظیفه تربیت نیروی تخصصی شرکت‌های تجاری، سازمان‌های خصوصی و دولتی در ترکیه را برعهده دارد.

۲) هیئت روابط اقتصادی خارجی ترکیه (DEİK)



هیئت روابط اقتصادی خارجی ترکیه (DEİK) به عنوان متولی اصلی دیپلماسی کسب و کار (Business Diplomacy) ترکیه در خارج از مرزهای این کشور، پس از تأسیس در سال ۱۹۸۶ میلادی، به منظور سازماندهی و مدیریت روابط اقتصادی خارجی بخش خصوصی ترکیه، به ویژه در موضوعات مربوط به تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری بین‌المللی، خدمات، قراردادهای لجستیک بین‌الملل، طراحی شد. این نهاد علاوه بر تجزیه و تحلیل فرصت‌های سرمایه‌گذاری در داخل و خارج از کشور، باهدف کمک به توسعه صادرات کشور به هماهنگی فعالیت‌های تجاری انجمن‌ها و اتحادیه‌های بازرگانی و صنعتی ترکیه در خارج از کشور کمک می‌نماید.

۳) انجمن صنعتگران و بازرگانان ترکیه (TÜSİAD)

¹ TOBB Economics and Technology University



توسیاد یا انجمن صنعتگران و بازرگانان در سال ۱۹۷۱ میلادی تأسیس گردید، این نهاد خصوصی به عنوان یک سازمان داوطلبانه، مستقل و غیر دولتی محسوب می‌گردد. انجمن به دنبال ترویج اصول دموکراسی مشارکتی، توسعه اقتصاد بازار مبتنی بر رقابت است.

۴) انجمن صنعتگران و بازرگانان مستقل ترکیه (MÜSİAD)



موسیاد در حقیقت نماینده بخش مذهبی جامعه تجاری ترکیه است. این سازمان به منظور حمایت از منافع شرکت‌های کوچک و متوسط (SMES) و نیز ترویج اصول و قوانین تجارت اسلامی تأسیس شده است. موسیاد بر تقویت کارآفرینی، حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط و نیز حمایت از سیاست‌های همسو با ارزش‌های دین اسلام تمرکز دارد.

۵) مجمع صادرکنندگان ترکیه (TİM)

این انجمن درواقع اتحادیه های صادرکنندگان ترکیه بوده و هدف اصلی آن جهت‌دهی به تجارت خارجی کشور، تعیین سیاست‌های صادراتی، توسعه تنوع بازار و تسهیل مزیت رقابتی صادرکنندگان در عرصه بین‌المللی است. TİM بیش از ۱۵۰۰۰۰ صادرکننده را در ۲۷ حوزه نمایندگی می‌کند. این مجمع در سال ۱۹۹۳ با تصمیم هیأت وزیران ترکیه تأسیس شده است.

۶) انجمن بازرگانان جوان ترکیه (TÜGİAD)



انجمن بازرگانان جوان در سال ۱۹۸۶ میلادی در استانبول تأسیس گردید، این انجمن دارای ۸۷۰ عضو است که در ۶۰ حوزه مختلف از جمله ساخت و ساز، منسوجات، تجارت خارجی، خودرو و قطعات یدکی، گردشگری، غذا، ماشین‌آلات و محصولات فلزی فعال هستند. انجمن فوق، اولین انجمن ملی و تنها انجمن بین‌المللی تجار جوان ترکیه می‌باشد که دفاتر نمایندگی در یونان، ایتالیا، ایالات متحده آمریکا، کانادا، رومانی و بریتانیا دارد. اعضای این نهاد عمدتاً در تجارت خارجی فعالیت دارند که براساس آمار سال ۲۰۱۹ میلادی، صادرات سالانه آنها بالغ بر ۱۸ میلیارد دلار بوده است.

۷) انجمن پیمانکاران ترکیه (TCA)



انجمن پیمانکاران ترکیه (TCA)^۱ یک سازمان حرفه‌ای مستقل و خصوصی واقع در آنکارا است. این انجمن در سال ۱۹۵۲ میلادی تاسیس شده و درحقیقت نماینده شرکت‌های ساختمانی پیشرو در ترکیه است. پروژه‌های اعضای انجمن فوق‌العاده به ۷۰ درصد از کل پروژه‌های داخلی و ۹۰ درصد از کل پیمانکاری‌های بین‌المللی صورت گرفته توسط شرکت‌های ساختمانی ترکیه را شامل می‌شود. به عنوان مثال از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، پیمانکاران ترکیه تقریباً ۹۶۰۰ پروژه را در ۱۲۳ کشور تکمیل نموده‌اند و حجم تجارت آنها در خارج از کشور به ۳۸۰ میلیارد دلار رسیده است. علاوه بر ارائه خدمات پیمانکاری با استانداردهای بین‌المللی در داخل و خارج از ترکیه، چیزی در حدود ۷۵ درصد از اعضای TCA در زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری صنعت ساختمان، ساخت، مهندسی و مشاوره نیز فعال هستند.

جایگاه هلدینگ‌های بخش خصوصی در اقتصاد ترکیه

هلدینگ‌ها و گروه‌های کلان اقتصادی بخش خصوصی در ترکیه نقشی راهبردی در اقتصاد این کشور ایفا می‌کنند. در اینجا به چند نکته کلیدی اشاره می‌شود:

۱. **سهام اقتصادی:** هلدینگ‌های خصوصی بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی و صادرات ترکیه را تشکیل می‌دهند. به عنوان مثال شرکت‌هایی مانند هلدینگ کوچ (Koç Holding) و هلدینگ سابانچی (Sabancı Holding)، از بازیگران بزرگ صنایع مختلف از جمله خودرو، انرژی، مالی و کالای مصرفی هستند.

۲. **ایجاد اشتغال:** هلدینگ‌های بخش خصوصی برای میلیون‌ها نفر اشتغالزایی نموده و به کاهش بیکاری و بهبود سطح زندگی کمک می‌نمایند.

۳. **نوآوری و فناوری:** هلدینگ‌ها با سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه به پیشرفت‌های فناورانه و افزایش بهره‌وری کمک بسزایی می‌کنند.

^۱ <https://www.tmb.org.tr/en/p/6058fc35e6d1fa3b147f2053/tmb-hakkinda>

۴. **تامین مالی و سرمایه‌گذاری خارج:** این بنگاه‌های بزرگ با جذب سرمایه‌گذاری خارجی علاوه بر سرمایه، تخصص، دانش فنی و دسترسی به بازارهای جهانی را برای اقتصاد ترکیه به ارمغان می‌آورند.

۵. **توسعه صنعتی:** آن‌ها موتور توسعه صنایع مختلف محسوب میشوند و قابلیت‌های صنعتی و رقابت‌پذیری جهانی ترکیه را افزایش می‌دهند.

۶. **مسئولیت اجتماعی:** علاوه بر مواردی که بیان گردید، بسیاری از شرکت‌های خصوصی با فعالیتهایی که در راستای تحقق مسئولیت اجتماعی (CSR) دارند، به توسعه اجتماعی و حفاظت محیط زیست ترکیه نیز کمک می‌نمایند.

در ادامه به مهم‌ترین هلدینگ‌ها/شرکت‌های بخش خصوصی ترکیه از دو منظر ارزش بازار (MarketCap) و درآمد (Revenue) اشاره می‌گردد:^۱

جدول ۴. ارزش بازار هلدینگ‌ها/شرکت‌های بخش خصوصی ترکیه

ردیف	نام هلدینگ/شرکت	ارزش بازار (میلیارد دلار)
۱	QNB Finansbank	۲۷.۷۴
۲	GarantiBank	۱۳.۲۸
۳	Koç Holding	۱۲.۷۸
۴	Turkish Airlines	۱۱.۱۲
۵	Ford Otosan	۱۰.۰۴
۶	Türkiye İş Bankası	۹.۴۲
۷	BİM Birleşik Mağazalar	۸.۴۶
۸	Türkiye Petrol Rafinerileri	۸.۳۲
۹	Aselsan	۸.۱۷
۱۰	ENKA	۸.۰۵

جدول ۵. درآمد هلدینگ‌ها/شرکت‌های بخش خصوصی ترکیه

ردیف	نام هلدینگ/شرکت	درآمد (میلیارد دلار)
۱	Koç Holding	۶۸.۹۶
۲	ENKA	۴۴.۲۲

^۱ companiesmarketcap.com

۲۸.۱۴	Tüprasa	۳
۲۴.۱۰	Is Yatirim Menkul Degerler	۴
۱۶.۶۲	Ford Otosan	۵
۱۴.۲۳	BİM Birleşik Mağazalar	۶
۱۲.۱۰	Sabancı Holding	۷
۱۱.۳۰	Arçelik	۸
۸.۸۸	Türkiye İş Bankası	۹
۸.۱۶	GarantiBank	۱۰

مطالعه موردی: نقش هلدینگ کوچ (Koç) در شکوفایی اقتصاد ترکیه

هلدینگ کوچ به عنوان پرچمدار بخش خصوصی ترکیه، بزرگترین گروه صنعتی این کشور از نظر درآمد، صادرات، ارزش سهام در بورس استانبول، مالیات پرداختی و تعداد کارکنان است. هلدینگ کوچ، به عنوان نیروی محرکه اقتصاد ترکیه، همچنان تنها شرکت ترکیه ای در فهرست مجله بین المللی فورچون ۵۰۰ است. شرکت های تابعه هلدینگ کوچ در زمینه های مختلفی از صنایع غذایی، گردشگری و خرده فروشی گرفته تا صنایع دفاعی، فناوری اطلاعات، تجارت خارجی، ساخت و ساز و ... فعالیت می کنند. درآمد این گروه حدود ۸ درصد از تولید ناخالص داخلی ترکیه و حدود ۷ درصد از کل صادرات ترکیه را تشکیل می دهد و در واقع نیروی محرکه اقتصاد ترکیه طی سده گذشته بوده است.^۱

^۱ <https://www.koc.com.tr/about-us/who-are-we>



شکل ۲. توانمندی‌های هلدینگ کوچ ترکیه (منبع: وبسایت رسمی هلدینگ)

طبق آخرین آمار اعلامی وبسایت رسمی هلدینگ کوچ، این گروه اقتصادی بخش خصوصی، طی ۵ سال گذشته ۱۱.۲ میلیارد دلار در صنایع داخلی و پروژه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری نموده است.

تاریخچه تشکیل و توسعه هلدینگ کوچ

در سال ۱۹۱۷ میلادی وهبی کوچ در سن ۱۶ سالگی، پدرش را متقاعد نمود که یک خواربار فروشی کوچک در آنکارا بازگشایی نماید و این اتفاق نقطه آغاز گروه شرکت های کوچ بود. با تبدیل شدن آنکارا به پایتخت جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ میلادی، فعالیت های ساخت و ساز در آن رونق گرفت و وهبی کوچ تجارت خود را به مصالح ساختمانی و زیرساختی توسعه داد.

در سال ۱۹۲۶ میلادی، این فروشگاه به طور رسمی به نام Koçzade Ahmet Vehbi به ثبت رسید که نشان دهنده تاریخ تأسیس رسمی گروه شرکت های کوچ (Koç) است. علیرغم شرایط سخت اقتصادی ترکیه، شرکت

وهبی کوچ به استانبول نقل مکان نمود و با استفاده از محیط اقتصادی مطلوب این شهر، دامنه فعالیت های تجاری خود را افزایش داد.

در طول دهه ۱۹۴۰ میلادی وهبی کوچ محدودیت های موجود در دانش و فناوری ترکیه را تشخیص داده و به دنبال توسعه مشارکت های بین المللی و امضای موافقت نامه های تجاری به منظور جبران این کاستی ها بود. ضمن استقبال دولت و نهادهای عمومی ترکیه از صنعتی سازی و توسعه صنعتی، کوچ اولین شرکت تولید لامپ و لوازم برقی را با مشارکت جنرال الکتریک تأسیس نمود که گامی مهم در راستای رشد تولید در این کشور بود.

طی دهه ۱۹۵۰ میلادی هلدینگ کوچ سرمایه گذاری در شرکت های تولیدی را ادامه و شبکه توزیع خود را در سراسر ترکیه گسترش داد. این تلاش ها به صنعتی شدن و توسعه کشور کمک شایانی نمود که منجر به تأسیس چندین کارخانه تولیدی از جمله کارخانه های خودروسازی، تراکتورسازی، کامیون، لامپ، یخچال و ماشین لباسشویی گردید. از دهه پنجاه میلادی به این سو گروه شرکت های کوچ به تنوع بخشی دامنه تولیدات خود ادامه داد و در حوزه های مختلفی مانند منسوجات، تجهیزات گرمایشی، صنایع خودرویی و تولید مواد غذایی وارد شد. علاوه بر موارد فوق این هلدینگ با افزایش خرید و ادغام شرکت های بزرگ علاوه بر خلق ثروت به جایی در چشم انداز صنعتی ترکیه پرداخت. از جمله مهمترین آن ها می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- توپراش (Tüpras): یکی از ابر شرکت های صنعتی و بازیگر کلیدی بخش انرژی ترکیه، این شرکت چهار پالایشگاه با ظرفیت فرآوری سالانه ۳۰ میلیون تن نفت خام را اداره می کند.
- شرکت اس ای کی (SEK): به عنوان بزرگترین صنعت لبنیات ترکیه
- پی کردی (Yapi Kredi): به عنوان هفتمین بانک بزرگ ترکیه با مجموع دارایی ۶۰ میلیارد دلار
- فورد اتوسان (Ford Otosan): بزرگترین تولیدکننده خودرو در ترکیه
- آرچلیک (Arçelik): بزرگترین تولیدکننده لوازم خانگی در ترکیه دارای و شعباتی در ۱۰۰ کشور است.

و ...^۱

نقش کسب و کارهای کوچک و متوسط (SMEs) در اقتصاد ترکیه

بنگاه های کوچک و متوسط (SMEs) شریان اصلی اقتصاد جهانی را تشکیل می دهند. در مقیاس جهانی، کسب و کارهای کوچک و متوسط سه چهارم اشتغال و نیمی از کل تولید را به خود اختصاص داده اند. در زنجیره های ارزش ملی و جهانی، کسب و کارهای کوچک و متوسط از این جهت اهمیت راهبردی برخوردارند که نه تنها تامین کنندگان اصلی بلکه مشتریان مهم شرکت های بزرگ هستند. تصور اقتصاد و تجارت آزاد بدون کسب و

^۱ <https://businessabc.net/wiki/koc-holding>

کارهای موسوم به SME غیرممکن است بنابراین رشد بلندمدت یک اقتصاد و افزایش رفاه جامعه با توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط آن ها ارتباط مستقیم دارد. نباید فراموش کرد که اکثر شرکت های بزرگ امروزی همان SME های دیروز هستند.

توسعه این کسب و کارها به شدت وابسته به تعامل سازنده با دولت می باشد چرا که SME ها آسیب پذیر هستند. دلایل زیادی برای این آسیب پذیری وجود دارد زیرا دسترسی شرکت های کوچک و متوسط به بازارهای مالی محدود بوده و در صورت دسترسی نیز اعتبار بانکی و تجاری کوتاه مدت تنها منبع تامین مالی آن ها است. به این دلیل بسیاری از کشورها سازمان هایی دولتی ایجاد کرده اند که به طور خاص وظیفه حمایت و هدایت SME ها را برعهده دارند. به عنوان مثال می توان به اداره مدیریت کسب و کارهای کوچک^۱ در ایالات متحده، وزارت کسب و کارهای کوچک، متوسط و استارت آپ ها در کره جنوبی^۲ و KOSGEB (آژانس مربوط به مدیریت SME ها در ترکیه) اشاره نمود.

سازمان توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط ترکیه^۳

سازمان توسعه بنگاه های کوچک و متوسط با تصویب قانون شماره ۳۶۲۴ در سال ۱۹۹۰ میلادی به منظور ارائه خدمات و حمایت از SME ها در صنایع تولیدی تأسیس شد. این قانون بعدها در سال ۲۰۰۹ میلادی اصلاح گردید و زمینه قانونی را برای این سازمان فراهم آورد تا حمایت از SME ها را در سایر حوزه های اقتصادی گسترش دهد. بر اساس «برنامه راهبردی ۲۰۱۹-۲۰۲۳ سازمان توسعه بنگاه های کوچک و متوسط» چارچوبی برای سیاستگذاری و اجرا برای هدایت SME ها تعریف شده است. در برنامه فوق علاوه بر مفاد نظارتی و ارزیابی، اهدافی دنبال می شوند که عبارتند از^۴:

۱) افزایش بهره وری و رقابت شرکت های کوچک و متوسط

۲) نوآوری و دیجیتالی شدن

۳) تحقیق و توسعه

۴) ظرفیت سازی

۵) و ارتقای کارآفرینی.

علاوه بر موارد فوق، سازمان توسعه بنگاه های کوچک و متوسط، در راستای حمایت SME ها پشتیبانی های متعددی را به برای دسترسی آن ها به انواع مختلف منابع مالی ارائه می کند. این امر از طریق سرمایه گذاری

¹ Small Business Administration

² Ministry of SMEs and Start-ups in South Korea

³ KOSGEB (Küçük ve Orta Ölçekli İşletmeleri Geliştirme ve Destekleme İdaresi Başkanlığı)

⁴ <https://en.kosgeb.gov.tr/site/tr/genel/destekler/3/supports-services>

مشترک و نیز مشارکت عمومی-خصوصی محقق می شود. از جمله نهادهای تامین مالی و اعتباری بنگاهها در ترکیه به شرح ذیل است:

جدول ۶. نهادهای تامین مالی SMEها

نهادهای و سازمان های مختلفی در ترکیه در راستای تقویت و توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط اقدام به حمایت و تامین اعتبار می نمایند. مهم ترین نهادهای تامین مالی SMEها ی ترکیه به شرح ذیل می باشند:

ردیف	نهادهای تامین مالی بنگاه های کوچک و متوسط	وبسایت
۱	صندوق ضمانت اعتبار	www.kgf.com.tr
۲	تکنوپارک ترکیه	www.bilisimvadisi.com.tr
۳	صندوق سرمایه گذاری خطرپذیر	www.kobias.com.tr
۴	صندوق سرمایه گذاری ترکیه با دو شعبه مستقر در لوکزامبورگ: الف) ابتکار سرمایه گذاری خطرپذیر استانبول ب) صندوق رشد و نوآوری ترکیه	-
۵	صندوق سرمایه گذاری خطرپذیر منطقه ویژه توسعه فناوری	www.bilisimvadisi.com.tr
۶	بانک توسعه و سرمایه گذاری ترکیه	https://kalkinma.com.tr/en/home
۷	صندوق نوآوری و فناوری	https://teknolojiinovasyonfonu.com.tr

ذیلاً به مهم ترین سازمان های تامین مالی و ارائه دهنده مشوق های مالی و زیرساختی به بخش خصوصی ترکیه اشاره می گردد، هدف مشترک تمامی نهادهای فوق توسعه فناوری و تجاری سازی محصولات نوآور در راستای رشد اقتصادی کشور می باشد:

۱. صندوق ضمانت اعتبار ترکیه (Kredi Garanti Fonu):

- اشتغالزایی و فروش: شرکت هایی که توسط KGF حمایت شده اند، شاهد افزایش ۱۷ درصدی در اشتغال و افزایش ۷۰ درصدی در فروش نسبت به هم تایان خود بوده اند.
- تحرک اقتصادی: به ازای هر ۱ میلیون لیر اعتبار که از طریق برنامه KGF ایجاد گردیده است، تقریباً ۲.۷ شغل در ترکیه ایجاد گردید.^۱

۲. پارک فناوری بیلشیم وادی (Bilişim Vadisi):

^۱<https://www.tcmb.gov.tr/wps/wcm/connect/419199ff-c300-4dfe-9bf95b09c017cdc6/wp2110.pdf?MOD=AJPERES>

- **توسعه فناوری:** وادی بیلشیم که در سال ۲۰۱۹ تأسیس و تا سال ۲۰۲۱ میلادی به بزرگترین منطقه توسعه فناوری ترکیه تبدیل شد. این منطقه بر روی حوزه‌های مختلف فناوری مانند فناوری‌های شبکه، امنیت سایبری، فناوری‌های طراحی، شهرهای هوشمند و فناوری‌های بازی رایانه ای تمرکز دارد.
- **استقلال اقتصادی و فناوری:** این پروژه به دنبال دستیابی به استقلال کامل در حوزه اقتصاد فناوری برای ترکیه و با چشم‌انداز ملی توسعه فناوری این کشور همسو است.
- **نوآوری و تجاری‌سازی:** وادی بیلشیم به عنوان زیرساختی که در آن تحقیقات علمی به فناوری تبدیل و فناوری به محصولات تجاری تبدیل می‌شود، بنیان نهاده شده است. فرآیند مذکور زیست بوم فناوری را تقویت نموده و تولید فناور را ترویج می‌دهد.
- **تأثیر بر بخش خصوصی:** توسعه وادی بیلشیم با تقویت نوآوری، ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش قابلیت‌های فناوری کسب‌وکارها، به بخش خصوصی کمک قابل توجهی کرده است.^۱

۳. صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر (KOBİ) :

حمایت مالی از شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs): صندوق سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز KOBİ حمایت مالی حیاتی را به شرکت‌های کوچک و متوسط در ترکیه ارائه می‌دهد.

حمایت استراتژیک و حرفه‌ای: به علاوه ، این صندوق حمایت استراتژیک و کمک‌های حرفه‌ای نیز به شرکای خود ارائه می‌دهد. صندوق مذکور درواقع به آنها کمک می‌کند تا رقابت‌پذیری خود را بهبود بخشند.

سرمایه‌گذاری در نوآوری: با سرمایه‌گذاری برای کارآفرینان نوآور و پویا، این صندوق با حمایت از پیشرفت فناوری و معرفی محصولات و خدمات جدید در سطح بین‌المللی به اقتصاد ترکیه کمک می‌کند.

توسعه اقتصادی و اجتماعی: این صندوق آن دسته از پروژه‌های سرمایه‌گذاری که ظرفیت ایجاد بازارهای بزرگ برای ترکیه دارند را ارزیابی می‌کند.

پرتفوی سرمایه‌گذاری متنوع: پرتفوی سرمایه‌گذاری این صندوق شامل بخش‌های مختلفی است که تأثیر گسترده‌ای بر توسعه اقتصادی دارد.^۲

^۱ <https://www.turcorn.gov.tr/en/100308/BILISIM-VADISI>

^۲ <https://kobias.com.tr/en/>

۴. بانک توسعه و سرمایه‌گذاری ترکیه (Development and Investment Bank of Turkey) :

حمایت مالی: ارائه منابع مالی ضروری به کسب‌وکارها، به ویژه شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) باهدف کمک به آنها جهت غلبه بر موانع مالی و دسترسی به سرمایه لازم برای توسعه.

اهداف توسعه پایدار: همسو کردن فعالیت‌ها با اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد و ترویج سرمایه‌گذاری‌هایی که به رشد اقتصادی پایدار و حفاظت از محیط زیست کمک می‌کنند.

اکوسیستم سرمایه‌گذاری تأثیرگذار: توسعه اکوسیستم سرمایه‌گذاری تأثیرگذار در ترکیه و حمایت از پروژه‌هایی که علاوه بر بازده مالی، منافع اجتماعی و زیست‌محیطی نیز ایجاد می‌کنند.^۱

۵. صندوق فناوری و نوآوری (Teknoloji ve İnovasyon Fonu):

حمایت از شرکت‌های با ظرفیت رشد بالا: این صندوق بر روی شرکت‌های فناوری با ظرفیت رشد بالا تمرکز دارد.

سرمایه‌گذاری در نوآوری: این صندوق در استارت‌آپ‌های نوآور و شرکت‌های نسل جدید با هدف توسعه نوآوری بخش خصوصی ترکیه سرمایه‌گذاری می‌نماید.

سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و غیرمستقیم: این صندوق چندین سرمایه‌گذاری مستقیم در شرکت‌هایی مانند: VIRASOFT (در حوزه فناوری نوین پاتولوژی)، Kuartismed (در حوزه فناوری نوین زیست پزشکی)، CY Vision (در حوزه فناوری نوین خودرویی مبتنی بر هوش مصنوعی) Delivers.AI (در حوزه فناوری نوین دلیوری مبتنی بر رباتیک و هوش مصنوعی) و Cellsway (در حوزه فناوری نوین تشخیص و درمان سرطان) انجام داده است.^۲

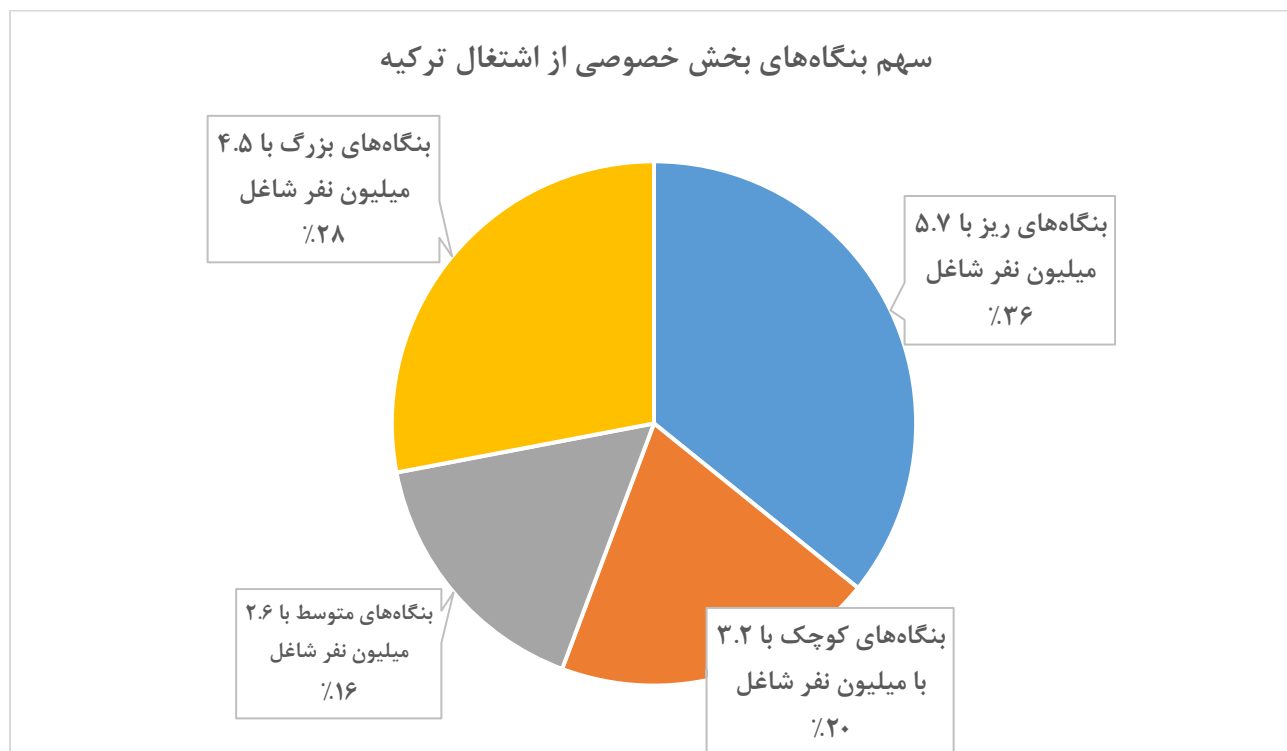
اهمیت کسب و کارهای خرد، کوچک و متوسط در اقتصاد ترکیه

شرکت‌های کوچک و متوسط در ترکیه از منظر اقتصادی و اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کنند. طبق آخرین آمار موجود، شرکت‌های کوچک و متوسط حدود ۱۱.۵ میلیون نفر را در ترکیه استخدام نموده‌اند که این رقم حدود

^۱ <https://www.unepfi.org/member/turkiya-kalkinma-ve-yatirim-bankasi-a-s-development-and-investment-bank-of-turkey/>

^۲ <https://teknolojiinovasyonfonu.com.tr/>

۷۲ درصد از کل اشتغال این کشور را تشکیل می دهد. با در نظر گرفتن متوسط تعداد نفرات یک خانوار در ترکیه، معیشت بیش از ۳۰ میلیون نفر به SMEها بستگی دارد.



نمودار ۱. سهم بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط از اشتغال ترکیه

(منبع: European Bank for Reconstruction and Development)

این بنگاه‌ها طی سال ۲۰۲۰ میلادی با دارا بودن ۷۲ درصد از اشتغال ترکیه، ارزش افزوده‌ای قریب به ۶۸۲ میلیارد لیر (حدود ۸۵ میلیارد یورو) تولید نمودند. به علاوه طبق گزارش اتحادیه اتاق‌های بازرگانی ترکیه^۱، کسب و کارهای کوچک و متوسط حدود ۹۹.۸ درصد از کل شرکت‌های ثبت شده در کشور را تشکیل می دهند و ۶۴.۵ درصد از کل گردش مالی شرکت‌ها، ۵۶.۳ درصد از صادرات کشور و ۷۳.۸ درصد از نیروی کار ترکیه را تشکیل می دهند.^۲

نقش بخش خصوصی در دیپلماسی اقتصادی ترکیه

همانطور که بیان شد، اصلاحات اقتصادی دوران اوزال در دهه ۱۹۸۰، زمینه را برای رشد و ظهور بخش خصوصی واقعی در ترکیه فراهم کرد که این رویه در دوران حزب عدالت و توسعه به اوج رسید و آثار و پیامدهای آن،

^۱ The Union of Chambers and Commodity Exchanges of Türkiye (TOBB)

^۲ <https://www.tobb.org.tr/KobiArastirma/Documents/SMEs%20of%20Turkey%20Report%202020.pdf>

هم‌اکنون چه در حوزه اقتصادی و چه در حوزه سیاسی و بین‌المللی کاملاً مشهود است. به عبارت دیگر، امروزه دولت ترکیه در همه مسائل، حرف آخر را نمی‌زند و از این رو، دیپلماسی اقتصادی این کشور تا حد زیادی حول محور مشارکت بازیگران بخش خصوصی شکل گرفته است. در واقع، ایجاد یک دولت تجاری تحت راهبری حزب عدالت و توسعه (APK) در راستای حمایت تمام و کمال از بخش خصوصی از جمله انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و نیز اتاق‌های بازرگانی هسته دیپلماسی اقتصادی ترکیه را تشکیل می‌دهد. به طور کلی، دولت تجاری ترکیه، گسترش تجارت و استفاده از دستاوردهای حاصل از آن را به عنوان اهرمی در سیاست‌های داخلی و بین‌المللی بکار برده و جایگاه خود را بهبود بخشیده است.

در این سیاست، دولت ترکیه بدون آن که اختیارات خود را به بخش خصوصی تفویض کند، اقدام به تنظیم مجموعه قواعد و رویه‌های همکاری خود با این بازیگر عرصه دیپلماسی اقتصادی نموده و به این سبب، آنها را در سیاستگذاری خارجی اقتصادمحور دخالت داده است. امروزه، نمایندگان بخش خصوصی به طور پیوسته در کمیسیون‌های دوجانبه و بین‌المللی مشترک که یک سوی آن دولت ترکیه است، شرکت داده می‌شوند (Atli, 2011: 5). از این جهت، دیپلماسی اقتصادی ترکیه نه تنها حاصل سیاست‌های دولت این کشور در عرصه روابط خارجی است بلکه ناشی از عملکرد و کنشگری شرکت‌های بزرگ اقتصادی (به ویژه اتحادیه‌ها و انجمن‌های مربوط به آنها) محسوب می‌شود. این مسئله تا حدی پررنگ است که در بسیاری از قراردادهای رسمی که دولت ترکیه با کشورهای دیگر به امضا می‌رساند، اعضای بخش خصوصی حضوری فعال و مؤثر دارند. بنابراین هم رئیس‌جمهور و هم وزراء، آنها را در سفرهای خارجی و دیپلماتیک با خود همراه می‌کنند (Atli, 2011: 4). به عنوان نمونه، کنفدراسیون تجار و صنعتگران ترکیه به‌رغم این که عمر کوتاهی از تأسیس آن در سال ۲۰۰۵ می‌گذرد، به سبب روابط نزدیک با دولت، به یک سازمان و نهاد اثربخش در سیاست خارجی این کشور تبدیل شده است و باعث رونق رقابت بین سازمان‌های اقتصادی غیردولتی این کشور و در نتیجه، فعال بودن بسیاری از آنها در تجارت با خارج گردیده‌اند. این طبقه نوظهور سرمایه‌دار و صنعت‌گر که «ببرهای آناتولی»^۱ نامیده می‌شوند، سیاستمداران را به تغییر رویکردها و سیاست‌های خود، به ویژه در برابر غرب آسیا، آسیای مرکزی و قفقاز وادار کرده‌اند (Kutlay, 2011: 71).

در میان کشورهای عربی غرب آسیا با اینکه ترکیه روابط رسمی نه چندان دوستانه‌ای در سال‌های اخیر داشته است، بخش خصوصی این کشور کاملاً فعال و پویا عمل می‌کند. همچنین، در آسیای مرکزی و قفقاز شرکت‌ها و نهادهای خصوصی، از نگاه برخی تحلیلگران ابزار نفوذ ترکیه به شمار می‌آیند (Ögürcü & Saner, 2008: 17). به طور کلی، امروزه ۱۷۸ نمایندگی تجاری از طرف شرکت‌های ترکیه در ۱۱۰ کشور، ۱۶۰ نقطه مکانی و نیز ۶

¹ Anatolian Tigers

دفتر مشغول فعالیت هستند (Ministry of Economy, ۲۰۱۴: ۶۸). علاوه بر منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی، بخش خصوصی ترکیه در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری در آفریقا را به شکل جدی دنبال کرده و تا سال ۲۰۱۹ رقم طرح‌های قراردادی این کشور در قاره آفریقا به بیش از ۵۵ میلیارد دلار رسیده و در نظر دارد در راستای اجرای سیاست توسعه و گسترش تجارت خود با کشورهای آفریقایی تحت عنوان «ورود به آفریقا» با تشکیل پایگاه‌های راهبردی اقتصادی ویژه، در بازار یک تریلیون دلاری این قاره حضور مؤثری داشته باشد.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که بخش خصوصی در سیستم اقتصادی ترکیه فعالیت‌های وسیعی در بخش‌های مختلف اقتصادی و تجاری دارد و دولت نیز علاوه بر تسهیل فرآیند خصوصی‌سازی، در تلاش است با حمایت از بخش خصوصی و طرح‌های اقتصادی آنها، فعالیت‌های اقتصادی را در داخل و خارج کشور تحت یک برنامه جامع و منظمی شکل دهد (مصلی‌نژاد و اکبری، ۱۳۹۱: ۶۹). هرچند توسعه شرکت‌های خصوصی ترکیه در این دوره، دولت را با فشارهای مضاعفی به منظور گسترش فعالیت‌های بازاریابی در بیرون از مرزها و همچنین جذب سرمایه‌گذاری مستقیم از خارج روبه‌رو کرده است؛ اما به کارگیری دیپلمات‌های ماهر و توانمند، انجام این فعالیت‌ها و تعامل با دولت‌های هدف را برای ترکیه امکان‌پذیر می‌کند (Vallee, ۲۰۱۰: ۶۹).

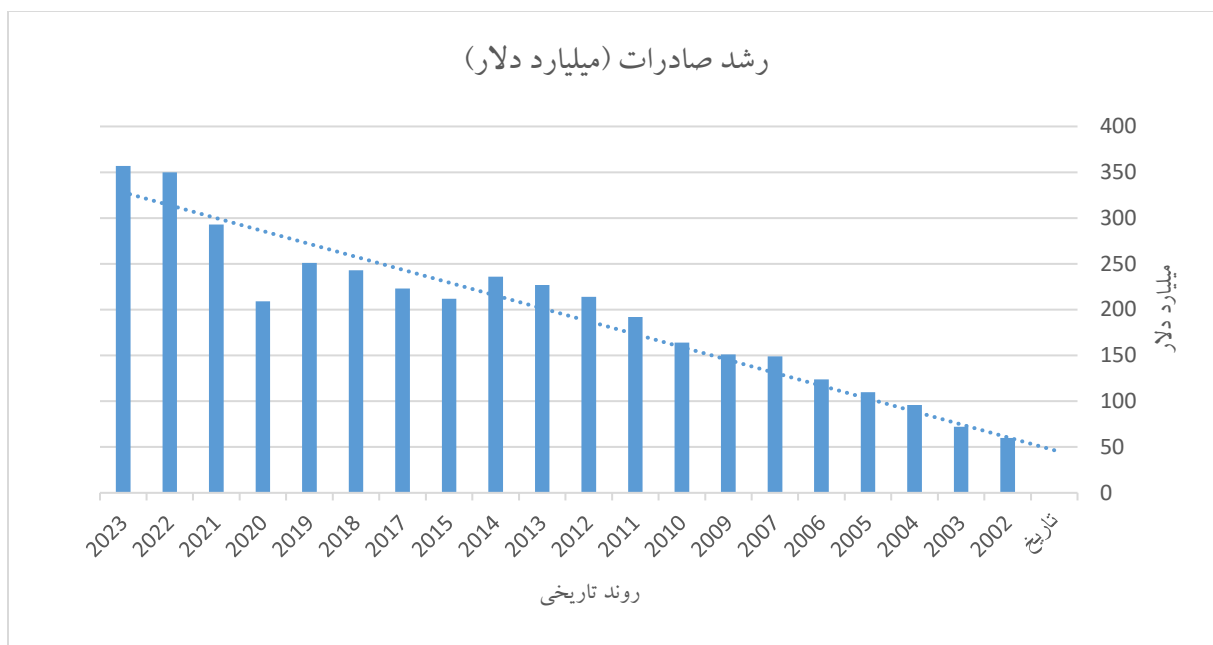
- تشکیل دولت تجاری در ترکیه

همانگونه که اشاره گردید، ترکیه از دهه ۱۹۸۰ میلادی سیاست‌های خود را با نظم اقتصادی جهانی هماهنگ نموده است. هرچند در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی به دلیل سیاست‌های اتخاذ شده افزایش یافت اما با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲ میلادی دولت جدید ترکیه به دنبال اصلاح عدم تعادل در توزیع ثروت و اتخاذ سیاست تأمین اجتماعی برای قشر کم درآمد بود. طی دهه ۲۰۰۰ میلادی دولت ترکیه از یکسو با سیاستگذاری مناسب اقتصادی و ایجاد توازن میان بخش خصوصی از سوی دیگر توانست به میانگین نرخ رشد اقتصادی سالانه ۱۰ درصد دست یابد. موفقیت حزب عدالت و توسعه در اقتصاد داخلی بر سیاست خارجی آن نیز تأثیر شگرفی نهاد.

- تقسیم کار دولت و بخش خصوصی در دیپلماسی اقتصادی

تحقق دولت تجاری در ترکیه با اتخاذ راهبرد برون‌گرا و تفکیک نقش بخش‌های عمومی و خصوصی کشور میسر گردید که عبارتند از:

- (۱) نقش دولت به عنوان سیاستگذار و تسهیلگر ← دیپلماسی اقتصادی-تجاری (G۲G)
- (۲) نقش بخش خصوصی به عنوان بازوی اجرایی ← دیپلماسی کسب و کار (B۲B)



نمودار ۲. رشد صادرات از ۲۰۰۲ الی ۲۰۲۳ میلادی

منبع: www.macrotrends.net

- مختصات دیپلماسی اقتصادی ترکیه

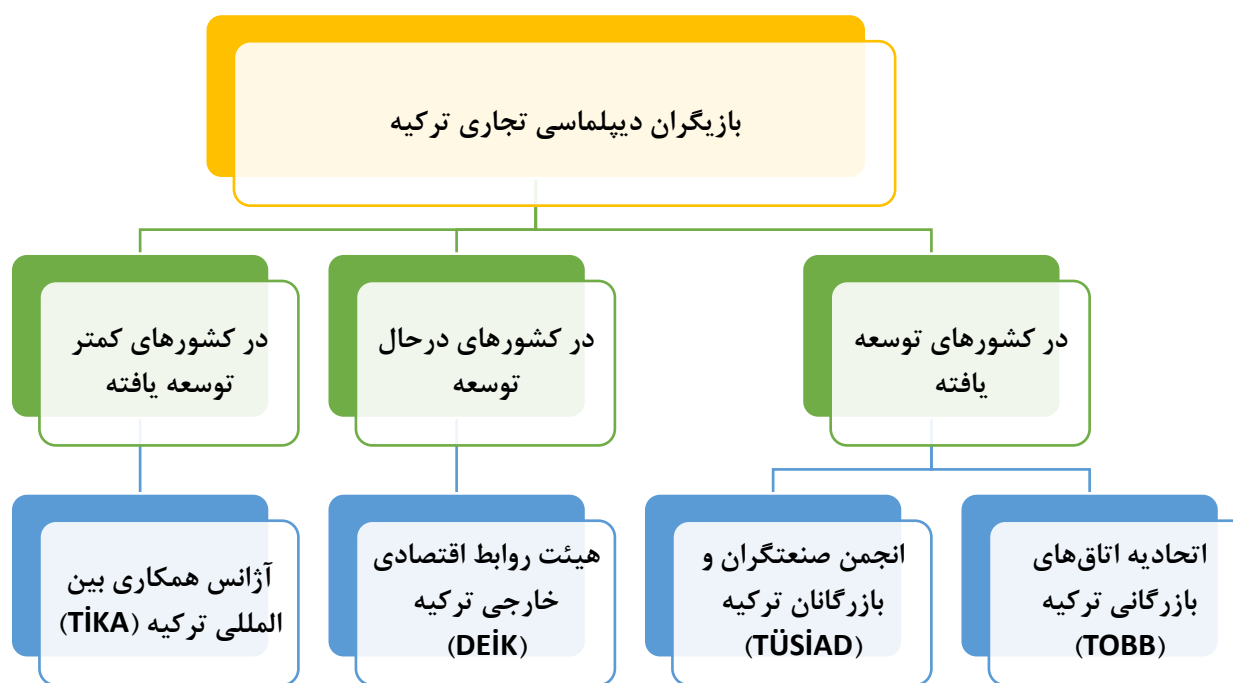
جغرافیای دیپلماسی اقتصادی ترکیه از سه لایه تشکیل شده است. اولین لایه، توسعه روابط تجاری با کشورهای توسعه یافته مانند اتحادیه اروپا، ایالات متحده و ژاپن است. دومین لایه عمدتاً به دنبال توسعه روابط با کشورهای در حال توسعه می‌باشد و در نهایت، سومین لایه بر روابط با کشورهای کمتر توسعه یافته (LDC) تاکید دارد. سومین لایه درواقع بیانگر کمک های خارجی ترکیه به کشورهای کمتر توسعه یافته می‌باشد. بنابراین، سیاست خارجی ترکیه در حوزه اقتصادی، هر سه دسته کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه یافته را در بر گرفته و پیشانی اجرایی تحقق این استراژی نیز بخش خصوصی و انجمن های بازرگانی این کشور هستند. در ادامه به تفکیک هریک از بازیگران سه لایه مذکور تشریح می‌گردد:

- بازیگران بخش خصوصی ترکیه در کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه یافته

در لایه نخست می‌توان اتحادیه اتاق‌های بازرگانی ترکیه (TOBB) و انجمن صنعتگران و بازرگانان ترکیه (TÜSİAD) را بازیگران اساسی این کشور در روابط با جهان توسعه یافته دانست.

در لایه دوم، هیئت روابط اقتصادی خارجی ترکیه (DEİK) بازیگر اصلی در شبکه سازی و توسعه دیپلماسی کسب و کار ترکیه در کشورهای در حال توسعه است.

در لایه سوم نیز آژانس همکاری بین المللی ترکیه (TİKA) بازیگر اصلی کمک‌های خارجی و توسعه نفوذ اقتصادی-سیاسی-فرهنگی ترکیه در کشورهای کمتر توسعه یافته است.^۱



شکل ۳. بازیگران دیپلماسی تجاری ترکیه

منبع: نگارندگان

¹ Kohei, Imai. 2022. "Economic Diplomacy on Turkish Foreign Policy under AKP." IDE Discussion Paper no. 856. <http://doi.org/00053081/10.20561>

مطالعه موردی: دئیک (DEIK) سازمان دیپلماسی کسب و کار بخش خصوصی ترکیه

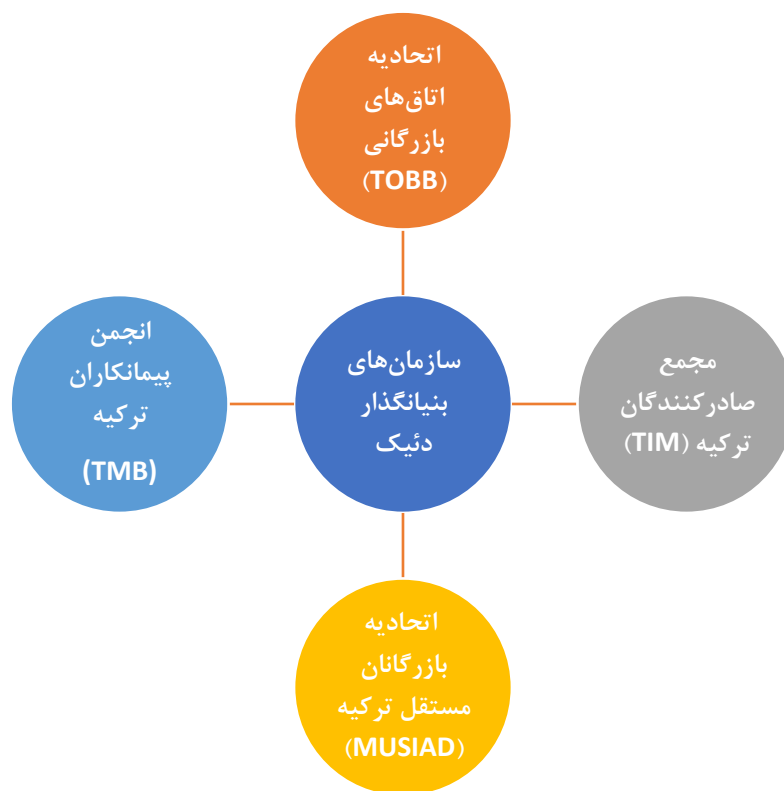
هیئت روابط اقتصادی خارجی ترکیه (DEİK) درحقیقت پنجره بخش خصوصی ترکیه به بازارهای جهان و یک سازمان تخصصی دیپلماسی کسب و کار به شمار میرود که از سال ۱۹۸۵ تأسیس شده است. دئیک نماینده ۱۵۲ شورای تجاری و اتاق بازرگانی ترکیه در سراسر جهان است و ضمن برقراری تماس مستقیم با کشورهای هدف تجاری، در راستای توسعه روابط تجاری و سرمایه گذاری استراتژیک در ترکیه فعالیت می کند.

دئیک درواقع یک سازمان متعلق به بهش خصوصی اما همراستا با دولت ترکیه است. این سازمان مأموریت خود را با هماهنگی وزارت بازرگانی ترکیه با قید «داشتن شخصیت حقوقی متمایز و خصوصی اما مجهز به قدرت عمومی» انجام می دهد.



مأموریت های دئیک:

- مشورت و اعلام نظر به موسسات و سازمان های دولتی
- بازاریابی و توسعه بازار برای شرکت ها و اتاق های بازرگانی ترکیه
- برگزاری رویدادهای ملی و بین المللی
- تهیه و اجرای استراتژی ها و سیاست های روابط اقتصادی خارجی
- جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی به ترکیه
- توسعه شبکه های تعاملی ملی، منطقه ای و جهانی بخش خصوصی
- فعالیت های دیپلماسی عمومی در راستای توسعه روابط اجتماعی دوجانبه و چندجانبه
- نمایندگی از بخش خصوصی ترکیه در سازمان های بین المللی و شرکت های چند ملیتی



شکل ۴. بنیانگذاران هیئت روابط اقتصادی خارجی ترکیه (دئیک)

جمع بندی

مروری بر تاریخ نشان می دهد که با ملی شدن صنایع بعد از جنگ های جهانی اول و دوم، خصوصی سازی، فضای بین المللی را در بر گرفت و کشورها یکی پس از دیگری در این راه گام نهادند و دلیل آن بروز مشکلاتی از قبیل زیان های انباشته شرکت های دولتی، کمیت و کیفیت پایین محصولات تولیدی شرکت ها، ائتلاف منابع تولیدی ناشی از عملکرد شرکت های دولتی بود. در ایران نیز پس از ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی موضوع خصوصی سازی به طور جدی در دستور کار دولت قرار گرفت؛ هرچند با چالش های زیادی مواجه شد. در این رابطه میتوان ادعا کرد که اگر خصوصی سازی بتواند رقابت را گسترش دهد موجب بهبود عملکرد بنگاه و تخصیص بهتر منابع شود. دوم این که خصوصی سازی بدون تغییر در ساختار بازار می تواند مانع از این شود که سیاستمداران بتوانند از شرکتهای دولتی برای مقاصد سیاسی استفاده کنند و سوم این که راهبری شرکت با تغییر اهداف بنگاه همراه با تغییر انگیزه های مدیران و مالکان آن، سازمان متمرکزتر و کاراتری به وجود آید.

در بخش اول، جایگاه بخش خصوصی در چهار الگوی اصلی اقتصادی در نظام سرمایه داری (آنگلوساکسون یا لیبرال، سرمایه داری اجتماعی، سرمایه داری دولتی (کنفوسیوسی)، و سوسیال دموکراتیک) جمع بندی شده است.

جدول ۴: جایگاه بخش خصوصی در الگوهای مختلف نظام سرمایه داری

الگو	ویژگی های اصلی بخش خصوصی	رابطه با دولت	نمونه موفق	معایب	مزایا
آنگلوساکسون	استقلال بالا، تمرکز بر سودآوری و رقابت	دخالت حداقلی، نظارت بر رقابت	ایالات متحده	نابرابری اجتماعی، شکاف طبقاتی	نوآوری، رشد سریع، رقابت پذیری
آلمانی	تعامل نزدیک با دولت، تعهد به عدالت اجتماعی و پایداری	نظارت دقیق، حمایت مالی و تأمین اجتماعی	آلمان	هزینه های بالا، قوانین پیچیده	انسجام اجتماعی، ثبات اقتصادی، حمایت از Mittelstand
کنفوسیوسی	تحت نظارت دولت، هماهنگی با سیاست های کلان	دخالت گسترده، حمایت مشروط	چین	آزادی محدود، احتمال فساد	رشد اقتصادی سریع، توسعه زیرساخت ها
سوسیال دموکراتیک	فعالیت در چارچوب رفاه اجتماعی، تعهد به	دخالت فعال، تنظیم بازار و تأمین رفاه	سوئد	بار مالیاتی سنگین، کاهش انگیزه رقابت	برابری اجتماعی، کاهش فقر، کیفیت بالای زندگی

				استانداردهای زیست محیطی	
--	--	--	--	----------------------------	--

مقایسه تطبیقی الگوهای جایگاه بخش خصوصی در نظامات مختلف در قالب الگوی چهار وجهی

برای ارائه تفاوت جایگاه بخش خصوصی در الگوهای آنگلوساکسون، راینلند، کنفوسیوسی، و سوسیال دموکراتیک، یک مدل مفهومی را در نظر می‌گیریم که شامل سطوح دخالت دولت، میزان آزادی بخش خصوصی، تعهد به رفاه اجتماعی، و نقش در توسعه پایدار باشد.

محورها و متغیرهای کلیدی:

۱. سطح دخالت دولت : میزان نظارت و هدایت دولت بر فعالیتهای بخش خصوصی.
 ۲. آزادی بخش خصوصی : درجه استقلال شرکتهای خصوصی در تصمیم‌گیری و فعالیتهای اقتصادی.
 ۳. تعهد به رفاه اجتماعی : میزان تعهد بخش خصوصی به رعایت عدالت اجتماعی و تأمین خدمات عمومی.
 ۴. توجه به توسعه پایدار : میزان تأکید بر نوآوری، محیط‌زیست، و رشد اقتصادی بلندمدت.
- موارد فوق را می‌توان در قالب جدول زیر خلاصه نمود:

جدول ۵: مقایسه تطبیقی الگوهای مختلف در زمینه جایگاه بخش خصوصی

الگو	توجه به توسعه پایدار	تعهد به رفاه اجتماعی	آزادی بخش خصوصی	سطح دخالت دولت
آنگلوساکسون	متوسط	پایین	بسیار بالا	حداقلی
راینلند	بالا (پایداری اقتصادی)	بالا (تمرکز بر عدالت اجتماعی)	بالا (در چارچوب مقررات)	متوسط (همکاری و نظارت)
کنفوسیوسی	بالا (صنایع استراتژیک)	متوسط (همسویی با اولویتهای)	محدود (مطابق سیاستها)	بالا (هدایت‌گر)
سوسیال دموکراتیک	بسیار بالا	بسیار بالا	متوسط (رعایت استانداردها)	بالا (حمایت و تنظیم)

جدول فوق نشان می‌دهد که الگوهای مختلف اقتصادی از نظر جایگاه بخش خصوصی، میان آزادی اقتصادی، عدالت اجتماعی، و توسعه پایدار تعادل‌های متفاوتی برقرار می‌کنند:

- **آنگلوساکسون:** مناسب برای نوآوری سریع اما با ریسک نابرابری اجتماعی.
- **راین‌لند:** ترکیبی از آزادی اقتصادی و عدالت اجتماعی.
- **کنفوسیوسی:** توسعه هدایت‌شده توسط دولت، با تمرکز بر صنایع کلیدی.
- **سوسیال دموکراتیک:** عدالت اجتماعی و توسعه پایدار در چارچوب حمایت دولت

مقایسه تطبیقی الگوهای جایگاه بخش خصوصی در نظامات مختلف در قالب الگوی شش وجهی

برای مقایسه دقیق‌تر الگوهای اقتصادی آنگلوساکسون، راین‌لند، کنفوسیوسی، و سوسیال دموکراتیک، معیارهای مختلفی از جمله دخالت دولت، آزادی اقتصادی، تعهد به رفاه اجتماعی، نقش در توسعه پایدار، و همکاری با دولت بررسی می‌شوند. این مقایسه دیدگاه جامعی از نحوه تعامل بخش خصوصی و دولت در این الگوها ارائه می‌دهد. برای نمایش جایگاه بخش خصوصی در الگوهای مختلف اقتصادی، شش محور کلیدی تعریف شده است. این محورها بیانگر ویژگی‌های اصلی هر الگو و تعامل میان دولت و بخش خصوصی هستند. ابتدا این محورها تعریف شده و سپس نمودار مفهومی مورد نظر ارائه خواهد شد.

۱. سطح دخالت دولت^۱

این محور نشان‌دهنده میزان نظارت و دخالت دولت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و فعالیت‌های بخش خصوصی است.

- **آنگلوساکسون:** دولت دخالت حداقلی دارد. وظایف اصلی آن شامل تنظیم رقابت و تضمین حقوق مالکیت است. نقش دولت بیشتر به تسهیل شرایط بازار محدود می‌شود.
- **راین‌لند:** دخالت دولت متوسط است و شامل تنظیم دقیق بازار، تأمین رفاه اجتماعی، و حمایت از کسب‌وکارها می‌شود. دولت با بخش خصوصی همکاری نزدیکی دارد.

¹ Government Intervention Level

- **کنفوسیوسی:** دولت نقش هدایت‌گر اصلی اقتصاد را بر عهده دارد. شرکت‌های خصوصی باید در چارچوب سیاست‌های دولتی عمل کنند.
 - **سوسیال دموکراتیک:** دولت دخالت گسترده دارد و از طریق قوانین و سیاست‌های رفاهی، بازار را کنترل و بهبود می‌دهد.
- نتیجه:** در الگوی آنگلو ساکسون، دولت کمترین دخالت را دارد، در حالی که در الگوی کنفوسیوسی و سوسیال دموکراتیک، دولت نقش هدایت‌گر قوی ایفا می‌کند.

۲. آزادی بخش خصوصی^۱

- این محور میزان استقلال و آزادی بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را نشان می‌دهد.
- **آنگلو ساکسون:** آزادی بسیار بالا. شرکت‌ها استقلال کامل دارند و تمرکز بر سودآوری و رقابت است.
 - **راین‌لند:** آزادی بالا اما محدود به چارچوب قوانین و مقررات دولتی. شرکت‌ها باید به عدالت اجتماعی و همکاری با دولت توجه کنند.
 - **کنفوسیوسی:** آزادی محدود. فعالیت بخش خصوصی تحت نظارت دولت و در راستای اهداف ملی است.
 - **سوسیال دموکراتیک:** آزادی متوسط. شرکت‌ها موظف به رعایت استانداردهای اجتماعی و محیط‌زیستی هستند.
- نتیجه:** بیشترین آزادی اقتصادی در الگوی آنگلو ساکسون و کمترین آن در الگوی کنفوسیوسی دیده می‌شود.

۳. تعهد به رفاه اجتماعی^۲

این محور میزان توجه بخش خصوصی به عدالت اجتماعی و رفاه عمومی را اندازه‌گیری می‌کند.

^۱ Private Sector Freedom

^۲ Social Welfare Commitment

- **آنگلوساکسون:** تعهد پایین. رفاه اجتماعی عمدتاً توسط نهادهای خیریه و بخش غیرانتفاعی تأمین می‌شود.

- **راین‌لند:** تعهد بالا. شرکت‌ها در تأمین اجتماعی و عدالت اقتصادی نقش مهمی دارند.

- **کنفوسیوسی:** تعهد متوسط. دولت از طریق بخش خصوصی برای بهبود شرایط اجتماعی استفاده می‌کند.

- **سوسیال دموکراتیک:** تعهد بسیار بالا. بخش خصوصی ملزم به مشارکت گسترده در تأمین رفاه عمومی است.

نتیجه: در الگوی سوسیال دموکراتیک، بیشترین تعهد به رفاه اجتماعی وجود دارد، در حالی که در الگوی آنگلوساکسون این تعهد حداقلی است.

۴. توجه به توسعه پایدار^۱

این محور میزان تأکید بر نوآوری، حفاظت از محیط‌زیست، و رشد اقتصادی بلندمدت را بررسی می‌کند.

- **آنگلوساکسون:** نقش متوسط. توجه به توسعه پایدار بیشتر به ابتکارات بخش خصوصی واگذار شده است.

- **راین‌لند:** نقش بالا. دولت و بخش خصوصی به‌طور مشترک در زمینه نوآوری و توسعه پایدار سرمایه‌گذاری می‌کنند.

- **کنفوسیوسی:** نقش بالا. تمرکز بر توسعه صنایع استراتژیک و زیرساخت‌های ملی.

- **سوسیال دموکراتیک:** نقش بسیار بالا. تأکید بر انرژی‌های تجدیدپذیر، فناوری‌های سبز، و توسعه پایدار.

نتیجه: الگوهای سوسیال دموکراتیک و راین‌لند بیشترین تأکید را بر توسعه پایدار دارند

¹ Focus on Sustainable Development

۵. نقش در صنایع استراتژیک^۱

این محور نشان‌دهنده میزان مشارکت بخش خصوصی در توسعه و مدیریت صنایع کلیدی و استراتژیک است.

- **آنگلوساکسون:** نقش کم. صنایع استراتژیک عمدتاً توسط شرکت‌های خصوصی اداره می‌شوند و دولت مداخله‌ای ندارد.
 - **راین‌لند:** نقش متوسط. دولت و بخش خصوصی در توسعه این صنایع همکاری می‌کنند.
 - **کنفوسیوسی:** نقش بسیار بالا. دولت به‌طور مستقیم بر توسعه و مدیریت صنایع استراتژیک نظارت دارد.
 - **سوسیال دموکراتیک:** نقش کم. تمرکز بیشتر بر خدمات عمومی و اجتماعی است.
- نتیجه:** در الگوی کنفوسیوسی، بخش خصوصی بیشترین نقش را در اجرای سیاست‌های دولت برای توسعه صنایع استراتژیک دارد.

۶. همکاری با دولت^۲

این محور میزان تعامل و هماهنگی بخش خصوصی با دولت در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کند.

- **آنگلوساکسون:** کمترین همکاری. دولت و بخش خصوصی عمدتاً به‌صورت مستقل عمل می‌کنند.
 - **راین‌لند:** همکاری بالا. بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی شریک دولت است.
 - **کنفوسیوسی:** همکاری بسیار بالا. بخش خصوصی به‌عنوان ابزاری برای اجرای سیاست‌های دولتی عمل می‌کند.
 - **سوسیال دموکراتیک:** همکاری متوسط. شرکت‌ها در چارچوب قوانین دولتی فعالیت می‌کنند.
- نتیجه:** الگوهای کنفوسیوسی و راین‌لند تعامل بالایی بین دولت و بخش خصوصی دارند.

^۱ Role in Strategic Industries

^۲ Collaboration with Government

جدول ۶. مقایسه تطبیقی جایگاه بخش خصوصی در قالب الگوی ۴ بعدی

معیار	سوسیال دموکراتیک	کنفوسیوسی	راین‌لند	آنگلوساکسون
سطح دخالت دولت	بسیار بالا	بالا	متوسط	حداقلی
آزادی اقتصادی	متوسط	محدود	بالا	بسیار بالا
تعهد به رفاه اجتماعی	بسیار بالا	متوسط	بالا	پایین
توسعه پایدار	بسیار بالا	بالا	بالا	متوسط
نقش در صنایع استراتژیک	کم	بسیار بالا	متوسط	کم
همکاری با دولت	متوسط	بسیار بالا	بالا	کم

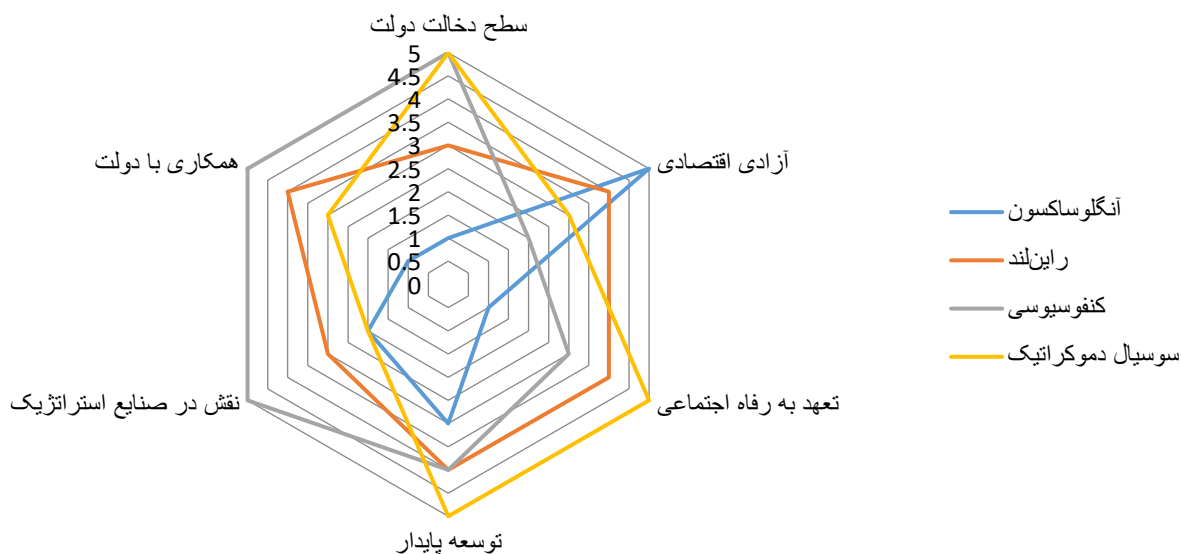
نمودار فوق را می‌توان به صورت کمی نشان داد و بر این اساس به جدول و نمودار زیر رسید:

جدول ۷. معیارهای کمی جایگاه بخش خصوصی در الگوهای مختلف

معیار	سوسیال دموکراتیک	کنفوسیوسی	راین‌لند	آنگلوساکسون
سطح دخالت دولت	۵	۵	۳	۱
آزادی اقتصادی	۳	۲	۴	۵
تعهد به رفاه اجتماعی	۵	۳	۴	۱
توسعه پایدار	۵	۴	۴	۳
نقش در صنایع استراتژیک	۲	۵	۳	۲
همکاری با دولت	۳	۵	۴	۱

بر این اساس می‌توان نمودار زیر را ترسیم نمود:

نقش بخش خصوصی در الگوهای اقتصادی



نمودار 1: نقش بخش خصوصی در الگوهای اقتصادی

بر اساس نمودار فوق جایگاه بخش خصوصی در الگوهای فوق را می توان به صورت زیر جمع بندی نمود:

۱. الگوی آنگلو ساکسون: آزادی اقتصادی و نوآوری محوریت دارند، اما عدالت اجتماعی و توسعه پایدار کمتر مورد توجه هستند.

۲. الگوی راین‌لند: تعادل میان آزادی اقتصادی و عدالت اجتماعی، همراه با مشارکت فعال بخش خصوصی در رفاه اجتماعی.

۳. الگوی کنفوسیوسی: توسعه هدایت شده توسط دولت با تمرکز بر صنایع استراتژیک و هماهنگی نزدیک با بخش خصوصی.

۴. الگوی سوسیال دموکراتیک: تأکید بر عدالت اجتماعی و توسعه پایدار، همراه با حمایت گسترده دولت از بخش خصوصی.

در بخش تجربیات کشورها، بررسی تجربه خصوصی سازی در کشورهای مورد اشاره نشان می دهد که به طور کلی دولت ها در این کشورها برای اصلاح نقش دولت در اقتصاد و مشارکت عمومی مردم در فعالیت های اقتصادی، تلاش های چشمگیری داشته اند و در بیشتر این کشورها برنامه خصوصی سازی با اهداف افزایش رشد اقتصادی، کاهش کسری بودجه، افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی، کاهش تصدی های دولت و افزایش کارایی پیگیری شده است. همچنین عمده ترین روش های واگذاری در کشورهای دیگر به صورت مزایده، مذاکره، بورس و فروش سهام از طریق انواع قراردادهای مدیریتی بوده است.

تجربه کشور ترکیه در خصوصی سازی و نقش بخش خصوصی این کشور در توسعه ملی ترکیه مورد بررسی دقیق قرار گرفت. ترکیه با اقتصادی پیچیده، صادرات محور و بازار نسبتاً آزاد، به ویژه پس از ۱۹۸۰ میلادی، بخش خصوصی را به محور توسعه اقتصادی مبدل ساخت. دولت ترکیه ضمن توسعه خصوصی سازی علاوه بر تنظیم گری بازار به مقررات زدایی جهت رشد کسب و کارهای کوچک و متوسط و هلدینگ های بزرگ پرداخت. فقدان منابع متناسب نفت و گاز در اقتصاد ترکیه، به حکمرانی اقتصادی این کشور سمت و سوی توسعه صادرات محور داد. به این معنا که سیاست گذاری کشور مبتنی بر تقویت بخش خصوصی با رویکرد نظارت بر بهره وری بوده و در نتیجه آن، ترکیه به اقتصادی پویا و متکی به تولید صادراتی دارای مزیت رقابتی در مقیاس جهانی مبدل گردید.

اتاق های بازرگانی و بورس های کالا از بدو تشکیل جمهوری نوین ترکیه، به تدریج ضمن تعامل مثبت با مجموعه دولت، نقش پررنگی در اقتصاد و تجارت ترکیه ایفا نمودند. به عنوان مثال بیش از ۳۶۵ اتاق و بورس بازرگانی در ترکیه فعالیت دارند که با ۱.۵ میلیون عضو از بخش های مختلف اقتصادی به خلق ثروت برای کشور می پردازند. ایجاد سازمان های چتر (Umbrella Organizations) مانند اتحادیه اتاق های بازرگانی ترکیه (TOBB) و هیئت روابط اقتصادی خارجی ترکیه (DEİK) هماهنگی ملی و بین المللی اتاق های بازرگانی، انجمن های تجاری و ... را با دولت ترکیه تقویت نموده و این کشور را به دروازه اوراسیا و یک اقتصاد نوظهور تبدیل نموده است.

در این میان اقدامات حمایتی دولت ترکیه از بخش خصوصی در عرصه داخلی و بین المللی را نباید نادیده انگاشت. در عرصه داخلی می توان به: تعهد دولت به خصوصی سازی، سیاست های مالی و پولی مناسب، تشویق سرمایه گذاری و ارائه بسته های حمایتی، مقررات زدایی و کاهش نقش دولت در اقتصاد، ترویج کارآفرینی و توسعه زیست بوم فناور، تنوع بخشی به بخش های مختلف صنعت از جمله خودروسازی، الکترونیک، نساجی و کالای با فناوری بالا متناسب با نیازهای بازار جهانی اشاره کرد. در عرصه بین المللی نیز می توان به راهبرد سیاست خارجی توسعه گرا، افزایش

سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها و نمایندگی‌های دائم، برگزاری همایش‌های سرمایه‌گذاری و نمایشگاه‌های بین‌المللی (Trade Show & Expo) جهت ارائه کالا و خدمات ترک، سیاستگذاری گردشگری و تسهیل ورود گردشگران، همراهی موثر هیئت‌های تجاری بخش خصوصی با اقدامات و سفرهای رسمی دولتی و ... دانست. به عنوان مثال، ترکیه در سال ۲۰۰۲ میلادی تنها ۱۲ سفارتخانه در آفریقا داشت که در سال ۲۰۲۲ میلادی با افتتاح سفارت ترکیه در گینه بیسائو، تعداد آن‌ها به ۴۴ مورد افزایش یافته است. تعداد سفارتخانه‌های آفریقایی در ترکیه نیز از ۱۰ مورد در سال ۲۰۰۸ میلادی با افتتاح سفارت سنگال در آنکارا در سال ۲۰۲۲ به ۳۸ مورد ارتقاء یافته است. به موازات اقدامات دولت در راستای توسعه نفوذ ترکیه در آفریقا، بخش خصوصی نیز اقدام به تشکیل انجمن‌هایی مانند انجمن اقتصاد و تجارت ترکیه و آفریقا و شورای کسب و کار ترکیه و آفریقا نمود.

در زمینه حمایت از بخش خصوصی، دولت ترکیه علاوه بر اقدامات مشورتی، تحرکات سیاسی خود را نیز با انگیزه تسهیل حضور این بنگاه‌های غیردولتی در بازارهای خارجی دنبال می‌نماید و امروزه به طور متداول، کارفرمایان، صنعتگران و بازرگانان ترکیه در سفرهای دیپلماتیک، مقامات بلندپایه این کشور را همراهی می‌کنند. از این رو، نقش دولت در تسهیل و رفع موانع بازاریابی برای بخش خصوصی و همچنین جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برجسته بوده و با موفقیت‌های چشمگیری به ویژه در خاورمیانه، آفریقا، آسیای مرکزی و آمریکای لاتین روبه‌رو شده است.

بنابراین اقتصاد ترکیه به ویژه طی سه دهه اخیر شاهد همکاری و هم‌افزایی بخش عمومی و خصوصی بوده است. دولت در عرصه سیاستگذاری و نظارت بر اجرا از یک سو و بخش خصوصی در عرصه اجرایی کسب و کار با هدفی مشترک یعنی خلق ثروت از سوی دیگر برای جمهوری ترکیه به تعامل سازنده پرداخته‌اند.



فصل 2) اقتصاد بخش خصوصی در بیانات و ابلاغیه های مقام معظم رهبری و آرای نخبگانی مبتنی بر آن

مقدمه

خصوصی سازی و مردمی کردن اقتصاد، به عنوان یکی از سیاست های کلان کشور، نقش کلیدی در افزایش بهره‌وری، کاهش وابستگی به دولت، و ایجاد رقابت سالم در اقتصاد دارد. در راستای تحقق این اهداف، سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و بیانات مقام معظم رهبری همواره بر ضرورت کاهش تصدی گری دولت و تقویت مشارکت بخش خصوصی و مردم در مدیریت اقتصادی تأکید داشته‌اند. خصوصی سازی و مردمی کردن اقتصاد، نه تنها به افزایش تولید و اشتغال زایی کمک می کند، بلکه راهکاری استراتژیک برای مقابله با چالش های اقتصادی داخلی و خارجی به شمار می رود.

در این پژوهش، به منظور تحلیل عمیق و ساختارمند بیانات و سیاست های مرتبط با خصوصی سازی و مردمی کردن اقتصاد، ابتدا ۹۱ فیش از سخنرانی ها و سیاست های ابلاغی مقام معظم رهبری استخراج شد. این فیش ها به عنوان مبنای اولیه برای تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفتند. در مرحله بعد، با مطالعه دقیق تر این فیش ها، 390 مضمون پایه شناسایی شدند که نشان دهنده طیف گسترده ای از مفاهیم مرتبط با نقش دولت، بخش خصوصی و مشارکت مردمی در اقتصاد است. افزون بر اینکه 32 مضمون از مصاحبه های نخبگانی نیز به دست آمد. سپس، با تجزیه و تحلیل مضامین پایه و دسته بندی آن ها، 12 مضمون سازمان دهی شده به دست آمد که نمایانگر موضوعات کلیدی و محوری در حوزه خصوصی سازی و مردمی کردن اقتصاد هستند. در گام نهایی، این 12 مضمون سازمان دهی شده مجدداً مورد بررسی و تجمیع قرار گرفتند و در نهایت به ۴ مضمون فراگیر دسته بندی شدند. این مضامین فراگیر ابعاد مختلف سیاست های اقتصادی از جمله بسیج امکانات قانونی، مالی و آموزش عمومی در ارتقای بخش خصوصی برای تحقق اهداف ملی، پرهیز از تصدی گری و نقش رقابتی دولت با بخش خصوصی و تأکید بر نقش نظارتی آن، آسیب شناسی اجرای اصل 44 قانون اساسی با تأکید بر شاخص عدالت و مبارزه با فساد و تعریف نقش مکمل مردم و تعاونی ها برای اقتصاد بخش خصوصی را در بر می گیرند.

روش پژوهش

در این پژوهش، روش تحقیق کیفی با رویکرد تحلیل مضمون (Thematic Analysis) برای بررسی و تحلیل بیانات و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در زمینه خصوصی‌سازی و مردمی کردن اقتصاد به کار گرفته شده است. تحلیل مضمون روشی است که به کمک آن می‌توان مضامین و مفاهیم اصلی موجود در داده‌های متنی را شناسایی، دسته‌بندی و سازمان‌دهی کرد. مضمون یا تم الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و از طریق نظم مفهومی داده‌های مستخرج به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (Boyatzis, 1998: 4). این روش، فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی و مکتوب است که داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun and Clarke, 2006). به طور کلی مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده‌ی درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤال‌های تحقیق است. به عبارتی، در تحلیل مضمون پژوهشگر از شمارش کلمات و ساماندهی داده‌ها فراتر می‌رود و بر تبیین و تفسیر افکار صریح و ضمنی متن تمرکز می‌کند (کمالی و همکاران، 1400: 224). این روش به‌ویژه در تحلیل متون گسترده مانند سخنرانی‌ها، سیاست‌ها و ابلاغیه‌های رسمی که حاوی اطلاعات فراوان و پیچیده‌ای هستند، بسیار کاربردی است.

الف) فرآیند گام به گام تحلیل مضمون

فرآیند تحلیل مضمون زمانی آغاز می‌شود که تحلیل‌گر به دنبال شناخت الگوهایی از معانی و موضوعات در داده‌ها باشد. البته ممکن است این کار در طول جمع‌آوری داده‌ها اتفاق بیفتد. نقطه پایانی این فرآیند نیز تهیه گزارشی از محتوا و معانی الگوها و مضامین در داده‌هاست. همچنین تحلیل، فرآیندی است که طی زمان شکل می‌گیرد و نباید با عجله اجرا شود. نوشتن نیز بخشی اساسی از این فرآیند است که از همان گام اول شروع می‌شود و تا گام نهایی تداوم می‌یابد.

جدول 8. فرآیند گام به گام تحلیل مضمون

مرحله	گام	اقدام
1- تجزیه و توصیف متن	1- آشنایی با متن	- مکتوب کردن داده‌ها - مطالعه‌ی اولیه و مطالعه‌ی مجدد داده‌ها - نوشتن ایده‌های اولیه
	2- ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	- پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه‌ی قالب مضامین - تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر - کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها
	3- جستجو و شناخت مضامین	- تطبیق کدها با قالب مضامین - استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاشته‌ی متن - پالایش و بازبینی مضامین

- بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج - مرتب کردن مضامین - انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر - ترسیم نقشه‌های مضامین - اصلاح و تایید شبکه‌ی مضامین	4- ترسیم شبکه مضامین	2- تشریح و تفسیر متن
- تعریف و نام‌گذاری مضامین - توصیف و توضیح شبکه مضامین	5- تحلیل شبکه مضامین	
- تلخیص شبکه مضامین - استخراج نمونه‌های جالب داده‌ها - مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤال‌ها و مبانی نظری - نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها	6- تدوین گزارش	3- ترکیب و ادغام متن

منبع: (عابدی جعفری و همکاران، 1390)

در واقع طبق جدول فوق، تحلیل مضمون در سه مرحله تجزیه و توصیف متن، تشریح و تفسیر متن و در نهایت ترکیب و ادغام متن انجام می‌شود و شش گام اصلی دارد. مرحله اول شامل آشنایی با متن، توجه به کلمات (تکراری و کلیدی)، موشکافی و دقت در متن، ایجاد کدهای اولیه و جستجوی مضمون‌هاست. کدها بایستی تنها در محدوده قلمروی پژوهش و به طور روشن بر موضوع متمرکز باشد. مرحله دوم به بررسی، مرتب کردن، بازبینی و نام‌گذاری مضمون‌ها و تحلیل روابط بین مضامین (به چهار شیوه قالب مضامین، ماتریس مضامین، شبکه مضامین و تحلیل مقایسه‌ای) می‌پردازد و مرحله آخر، گزارش تحقیق با تلخیص مضامین و استخراج نمونه‌های جالب داده‌ها و مرتبط کردن نتایج تحلیل با سوالات تحقیق پایان می‌یابد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). شبکه مضامین، روش ساماندهی مضمون‌هاست که در این پژوهش انتخاب شده است. در این روش، بر اساس یک روند مشخص، مضامین پایه (پایین‌ترین سطح از کدها و نکات کلیدی موجود در متن)، سازمان‌دهنده (مضامین انتزاعی‌تر حاصل شده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی شامل چارچوب‌های حاکم بر متن به عنوان یک کل) استخراج شده و نظام‌مند می‌گردد و در نهایت، ارتباط متقابل بین آنها به صورت شبکه نشان داده می‌شود (Attride-Stirling, 2001).

ب) مراحل تحقیق

1. جمع‌آوری داده‌ها (استخراج فیش‌ها): در مرحله اول، سخنرانی‌ها، بیانات و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری پیرامون خصوصی‌سازی و مردمی کردن اقتصاد مورد بررسی قرار گرفت. از این مجموعه داده‌ها، ۹۱ فیش اصلی شامل گزیده‌هایی از متن‌های موردنظر از سال 1372 تا آذرماه 1403 در سایت khamenei.ir استخراج شد. این فیش‌ها نمایانگر ایده‌ها و مفاهیم کلیدی مرتبط با موضوع خصوصی‌سازی و مشارکت مردم در اقتصاد بودند.

2. تحلیل اولیه و استخراج مضامین پایه: پس از جمع‌آوری فیش‌ها، مرحله تحلیل اولیه داده‌ها آغاز شد.

در این مرحله، با مطالعه دقیق و بررسی جزئیات هر فیش، مضامین پایه استخراج شدند. مضامین پایه شامل نکات و مفاهیم ابتدایی و پراکنده‌ای بودند که مستقیماً از متن فیش‌ها به‌دست آمدند. در این مرحله، تعداد ۱۳۹۰ مضمون پایه شناسایی شد.

3. دسته‌بندی و سازمان‌دهی مضامین: پس از استخراج مضامین پایه، فرآیند دسته‌بندی و سازمان‌دهی

مضامین آغاز شد. این مرحله شامل تجمیع مضامین مشابه و گروه‌بندی آن‌ها تحت عناوین کلی‌تر بود. با این روش، مضامین پایه در قالب 12 مضمون سازمان‌دهی‌شده مرتب شدند که هر کدام از آن‌ها بیانگر یکی از موضوعات یا محورهای اصلی مرتبط با خصوصی‌سازی و مردمی کردن اقتصاد بود.

4. تحلیل مضامین و استخراج مضامین فراگیر: در مرحله نهایی، 12 مضمون سازمان‌دهی‌شده با بررسی

عمیق‌تر و مجدد، در ۴ مضمون فراگیر دسته‌بندی شدند. مبنای این دسته‌بندی همچون مرحله پیش‌بر اساس تشابه و وحدت مفهومی میان مضامین مربوطه بوده است. به این معنا که هر تعداد از مضامین سازمان‌دهنده که امکان قرارگیری در یک مضمون فراگیر را داشته‌اند، به‌طور تجمیعی انتخاب و دسته‌بندی شده‌اند. این مضامین فراگیر به شکلی یکپارچه‌تر، تمامی ابعاد سیاست‌های اقتصادی را در خود جای داده و به فهم بهتر چالش‌ها و فرصت‌های خصوصی‌سازی کمک می‌کنند.

ج) اعتبارسنجی و صحت‌یابی

برای افزایش اعتبار و صحت تحلیل، تمامی مراحل به‌صورت دقیق و مستمر مورد بازبینی قرار گرفتند. همچنین، از روش‌های مقایسه‌ای در تحلیل داده‌ها استفاده شد تا مضامین مشابه یا تکراری با دقت بیشتری ترکیب یا حذف شوند. این فرآیند باعث شد که نتایج به دست آمده به‌صورت کاملاً منسجم و قابل اتکا باشند. در مجموع، روش تحقیق به‌کاررفته در این پژوهش با بهره‌گیری از تحلیل مضمون، کمک کرد تا بیانات و سیاست‌های مقام معظم رهبری به شکلی سیستماتیک و منسجم تحلیل شوند و مفاهیم اصلی مرتبط با خصوصی‌سازی و مردمی کردن اقتصاد به‌صورت شفاف و دقیق شناسایی و طبقه‌بندی شوند.

فیش‌ها و مضامین پایه سخنرانی‌ها و ابلاغیه‌های مقام معظم رهبری

در فرآیند تحلیل مضمون، اولین گام استخراج فیش‌ها و شناسایی مضامین پایه از بیانات و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری پیرامون خصوصی‌سازی و مردمی کردن اقتصاد بود. فیش‌ها شامل سخنرانی‌ها و ابلاغیه‌هایی هستند که نکات کلیدی و محوری مرتبط با موضوعات مورد بحث را در بر دارند. از این فیش‌ها، مضامین پایه استخراج شدند که نشان‌دهنده مفاهیم ابتدایی و اصلی مرتبط با سیاست‌های اقتصادی است. این مضامین پایه به عنوان بنیاد تحلیل‌های بعدی در فرآیند دسته‌بندی و تجمیع مضامین قرار گرفته‌اند.

در ادامه، جدولی ارائه شده است که فیش‌ها و مضامین پایه مرتبط با هر یک از آن‌ها را به صورت دقیق و شفاف نشان می‌دهد:

جدول 9. کدگذاری و مضامین پایه

ردیف	فیش	مضامین پایه	کد	شناسه
1	آن حقیقتی که انسان به طور روشن مشاهده میکند، این است که بنگاه‌های تولیدی بزرگ کشور ما، در طول سالهای متعدّد، رشد چشمگیری داشته‌اند. این رشد چشمگیر از سوی بخش خصوصی – این بنگاه‌هایی که گفتیم، منظورم بنگاه‌های بخش خصوصی است – خیلی پُر معنا است؛ این نشان‌دهنده‌ی وجود یک بخش خصوصی توانا و قدرتمند در کشور است و این خبر مهمی است؛ چرا؟ چون این رشد و پیشرفت و کارهایی که انجام گرفته، همه در شرایط تحریم انجام گرفته و علاوه بر اینکه در این میان، بعضی از دوره‌ها هم دوره‌های کم‌کاری دولتها بوده – دهه‌ی ۹۰ دهه‌ی پیشرفت خیلی خوبی برای ما نبود – اما درعین حال این کارها انجام گرفته. این نشان‌دهنده‌ی این است که در شرایط کنونی کشور، بخش خصوصی ما قادر است کشور را به آن چیزی که مطلوب برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی هفتم است، یعنی رشد [اقتصادی] هشت درصد برساند؛ یعنی مشاهده‌ی این کاری که دارد انجام میگیرد و حرکتی که دارد انجام میگیرد، انسان را واقعاً امیدوار میکند به اینکه ما بتوانیم به رشد مورد نظر برسیم.	رشد تولیدی بنگاه‌های خصوصی	s1001	بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی 1402/11/10 -
		توانمندی بخش خصوصی	s1002	
		چالش تحریم‌ها و دوره‌های کم‌کاری دولت	s1003	
		امید به آینده و رشد اقتصادی ۸ درصد	s1004	
		تأثیر عملکرد بخش خصوصی بر تحقق اهداف اقتصادی	s1005	
2	[بخش خصوصی] بایستی واقعاً مسئولیتهای خودش را بشناسد. انضباط، مراعات ضوابط لازم، مراعات قانون و سلامت کار، جزو وظایف اصلی است؛ بخش خصوصی حتماً بایستی اینها را رعایت کند، دولت هم باید نظارت کند.	شناخت مسئولیتهای بخش خصوصی	s1006	بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی – 1402/11/10
		لزوم انضباط و مراعات قانون توسط بخش خصوصی	s1007	
		نظارت دولت بر عملکرد بخش خصوصی	s1008	

بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی - 1402/11/10	s1009	نقش دولت در حمایت از صادرات و بازارهای خارجی	3 یکی از کمکهایی که دولت میتواند بکند، در زمینه صادرات و بازارهای خارجی است. کارهایی که شرکتهای مهم دنیا و بنگاههای بزرگ دنیا میکنند، به پشتوانه دولتهایشان میکنند؛ دولتها به آنها کمک میکنند، راه را باز میکنند؛ [اگر] مشکلی برایشان پیدا بشود — چه مشکل حقوقی، چه مشکل مالی — به آنها کمک میکنند. یکی از کارهایی که دولت باید بکند همین است؛ یعنی دیپلماسی اقتصادی کار مشترکی است که یک بخشش مربوط به بخش خصوصی اقتصادی است، یک بخشش مربوط به دستگاه رسمی دیپلماسی کشور است که بایستی این قضیه را دنبال کند.
	s1010	ضرورت دیپلماسی اقتصادی مشترک بین بخش خصوصی و دولت	
	s1011	حمایت دولت از شرکتهای در مواجهه با مشکلات حقوقی و مالی	
بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی - 1402/11/10	s1012	ناترازی مسائل کلان کشور و نقش بخش خصوصی در کمک به حل آنها	4 مسائل گوناگونی هست که مسائل کلان کشور است و ناترازی در این مسائل، کشور را رنج میدهد و مانع کارهای بزرگ متعددی میشود. بخش خصوصی ما میتواند در این زمینهها به معنای واقعی کلمه کمک کند... اینکه حالا بخش خصوصی بیاید مثلاً فرض کنید که با یک مجموعهی برق خورشیدی ۱۸۰۰ مگاوات برق تولید کند، خب چیز خیلی خوبی است. یک بخش خصوصی میآید خودش سرمایه گذاری میکند، ۱۸۰۰ مگاوات برق تولید میکند؛ این برای کشور خیلی باارزش است. اگر ما اینها را تشویق کنیم، اگر ما به اینها کمک کنیم، اگر برنامه ریزی درست انجام بگیرد، مطمئناً بخش خصوصی میتواند در این برنامه های کلان، هم فکر ارائه بدهد، هم عمل ارائه بدهد. این عرض ما به مسئولین محترم و به خود شما فعالان اقتصادی بخش خصوصی است. زمینهی مشارکت هم البته خیلی گسترده است... شما از صنایع بزرگی مثل نفت، مثل گاز، مثل فولاد بگیرید، تا مثلاً صنایع دستی؛ در همهی این زمینهی گستردهی وسیع، امکان مشارکت مردم وجود
	s1013	تولید برق توسط بخش خصوصی و اهمیت آن برای کشور	
	s1014	تشویق و حمایت دولت از سرمایه گذاریهای بخش خصوصی در برنامه های کلان	
	s1015	گستردهی زمینه های مشارکت بخش خصوصی از صنایع بزرگ تا صنایع کوچک	
	s1016	افزایش اشتغال و کاهش فقر با مشارکت گسترده مردم و بخش خصوصی	

			دارد؛ سرمایه‌های مردم، ذهن مردم، دستهای توانای مردم، سرانگشتان فعال و مبتکر مردم میتواند فعال بشود و کار کند [که در نتیجه] اشتغال زیاد خواهد شد، فقر کمتر خواهد شد. بنابراین، این زمینه‌های گسترده وجود دارد؛ منتها، هم دستگاه‌های دولتی باید احساس مسئولیت کنند، هم خود فعالان اقتصادی باید احساس مسئولیت کنند؛ یعنی از دو طرف احساس مسئولیت لازم است.	
بیانات در دیدار رضانی دانشجویان – 1402/1/29	s1018	مشکلات دولت در اداره بنگاه‌های تولیدی و فساد ناشی از آن	در مورد مسئله‌ی خصوصی‌سازی... حالا بد عمل کردند؛ خوب بله، هر قانون خوبی را ممکن است بد عمل کنند. اینکه ما امکانات کشور، امکانات تولیدی، کارخانجات، اینهایی را که خوب عمل میشده، بدهیم دست دولت، که دولت نمیتواند دستگاه‌های تولیدی و بنگاه‌های تولیدی بزرگ را اداره کند؛ دولت نمیتواند؛ مشکلات به وجود می‌آید، فساد به وجود می‌آید؛ چقدر در این چند سال این مسائل پیش آمده. راه [حل] این [مسائل] فقط خصوصی‌سازی بود؛ واقعاً هیچ چاره‌ی دیگری وجود نداشت. و این کار ناگهان انجام نگرفت؛ با فکر، با مطالعه، با پیش‌بینی، با ساعتها بحث کردن انجام گرفت. بله، من قبول دارم که آن توقعی که بنده از خصوصی‌سازی داشتم، تا حالا برآورده نشده، اما کارهای خوبی هم انجام گرفته. اینکه شما میگویید بنگاه دولتی را به بخش خصوصی داده‌اند، آن [بنگاه] دلارش را به دولت برنمیگرداند، این درست نیست. آن که دلار را برنمیگرداند، همان بنگاه فعال دولتی است... یعنی خود آن بنگاه‌های دولتی‌ای هستند که تجارت میکنند، کار میکنند، با خارج هم معامله دارند، [اما] دلارشان را به بانک مرکزی برنمیگردانند؛ یعنی مربوط به بخش خصوصی نیست. البته بخش خصوصی هم اشکالاتی دارد؛ مراقبت میخواهد، دقت میخواهد، رعایت میخواهد؛ اینها لازم است؛ شکی نیست.	5
	s1019	خصوصی‌سازی به عنوان تنها راه‌حل برای حل مشکلات بنگاه‌های دولتی		
	s1020	انتظارات برآورده نشده از خصوصی‌سازی و عملکردهای مثبت آن		
	s1021	اتهام نادرست درباره عدم بازگشت ارز توسط بخش خصوصی		
	s1022	نیاز به دقت و مراقبت در عملکرد بخش خصوصی		

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی - 1402/01/01	s1023	ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ با کمک از کارشناسان متعدد	در ارائه و اعلام سیاست‌های اقتصادی اصل ۴۴ با کمک کارشناسان متعدد با دقت روی این کار کردیم — یعنی کارشناس‌ها کار کردند — و سیاست‌ها ابلاغ شد. بنای این سیاست‌ها بر این بود که ما مدیریت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی مورد نیاز مردم را به مردم بسپاریم؛ البته بعضی از بخش‌ها هست که یا مردم طالب آن نیستند یا حتماً باید در اختیار دستگاه‌های دولتی باشد؛ آنها به کنار، اما بخش‌های مهم اقتصاد باید در اختیار مردم باشد. بارها این را تکرار کردیم که بنگاه‌های دولتی، شرکت‌های دولتی، شرکت‌های شبه‌دولتی — که با تعبیر زشت «خصولتی» از آنها یاد میکنند که تعبیر خوبی نیست؛ [بلکه] شبه‌دولتی است — باید با بنگاه‌های خصوصی رقابت نکنند و بگذارند تولید را مردم انجام بدهند. ما آن روزی که همه‌ی سر رشته‌ی کارها را دست دولت دادیم، به این نیت این کار را کردیم که عدالت اقتصادی برقرار بشود؛ و عدالت اقتصادی برقرار نشد. به خطا خیال میکردند که اگر چنانچه کلید اقتصاد دست دولت باشد، عدالت اقتصادی به وجود می‌آید؛ این اشتباه بود و چنین چیزی اتفاق نیفتاد. دولت تصدی‌گری را بایستی کم کند، نظارت را باید زیاد کند؛ دخالت را کم کند، نظارت را زیاد کند؛ مراقبت کنند. یکی از عیوب بزرگ اقتصاد ما، شاید بزرگ‌ترین عیب اقتصاد ما این است؛ این را به هر کدام از دولتهای متعدد که سر کار آمدند سفارش شده که واگذار کنید؛ این واگذاری‌ها بعضی انجام نگرفت، بعضی‌ها به شکل غلط انجام گرفت. به جای اینکه به سود مردم واگذار بشود، در مواردی به ضرر مردم واگذار شد. این موجب شد که این کار انجام نگیرد. امروز هم یکی از کارهای اساسی‌ای که دولت محترم باید انجام بدهد، این است که با دقت، با مراقبت، با نظارت لازم مدیریت‌های اقتصادی را به خود مردم بسپارد.	6
	s1024	نقش بخش‌های دولتی و شبه‌دولتی در اقتصاد و عدم رقابت با بخش خصوصی		
	s1025	اشتباه در سپردن کلید اقتصاد به دولت با هدف برقراری عدالت اقتصادی		
	s1026	لزوم کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش نظارت		
	s1027	لزوم در اختیار گذاشتن مدیریت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی به مردم		
بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی 1402/1/1	s1028	نیاز به رشد اقتصادی سریع و مستمر	ما به رشد اقتصادی سریع و مستمر احتیاج داریم؛ نه اینکه یک سال رشد داشته باشیم، بعد مجدداً توقف داشته باشیم. ما می‌توانیم این رشد سریع و مستمر را به دست بیاوریم؟ آن وقتی که با کمک و هدایت مردم بتوانیم تولید را افزایش بدهیم. مسئولان محترم دولتی و همچنین نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی بایستی مردم را به ایفای نقش مؤثر در اقتصاد ترغیب کنند و آنها را هدایت	7
	s1029	افزایش تولید با هدایت و کمک مردم		
	s1030	ترغیب مردم به ایفای نقش مولد در اقتصاد توسط دولت و مجلس		

	s1031	ایجاد اعتماد برای بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری و کارآفرینی	کنند؛ برای بخش خصوصی اعتماد ایجاد کنند که سرمایه‌گذاری کند، کارآفرینی کند؛ بخش خصوصی میتواند. در سال ۱۴۰۱، در بهمن ماه گذشته، عده‌ای از فناوران مهم کشور با بنده در حسینیّه ملاقات کردند [1401/11/10]؛ بعضی از آنها صحبت کردند؛ مطالبی که گفتند، حقایقی که گفتند و نمونه‌هایی که در آنجا نشان دادند، حیرت‌آور است؛ یعنی این، توانایی ملت ایران را نشان میدهد. ما توانایی زیادی داریم، میتوانیم کارهای بزرگی انجام بدهیم. اگر از توانایی ملت در قضیه اقتصاد استفاده بشود وضع معیشت مردم حتماً بهتر خواهد شد، وضع تورم حتماً بهتر خواهد شد. ما شعار سال [1402] را، از جمله، مهار تورم قرار دادیم و رشد تولید؛ «مهار تورم و رشد تولید». مهار تورم متوقف است به افزایش تولید و افزایش تولید، دست مردم است؛ اگر چنانچه مردم اقدام کنند، همت کنند، این کار عملی است و ممکن است انجام بگیرد.	
	s1032	توانایی‌های بالقوه مردم ایران در فناوری و تولید		
	s1033	مهار تورم از طریق افزایش تولید و مشارکت مردم		
بیانات در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش‌بنیانها 1401/11/10 -	s1034	ضرورت حمایت از توسعه بنگاه‌های خصوصی توسط دستگاه‌های اجرایی	دستگاه‌های اجرایی باید از توسعه‌ی بنگاه‌های خصوصی حمایت کنند؛ کشور بدون فعالیت بنگاه‌های خصوصی اداره نخواهد شد. اشتباه مهمی که در سالهای اول انقلاب اتفاق افتاد و مبالغ زیادی از آثارش همین طور ماند، این بود که بخش خصوصی را کنار زدند و همه‌ی کارها، حتی فروش مثلاً اجناس خرد را به مسئولین دولت و دستگاه‌های دولتی سپردند؛ خطای بزرگی بود که ما انجام دادیم. بایستی بنگاه‌های خصوصی که حضور مردم است، توانایی مردم است، ابتکار مردم است، پول مردم است، حمایت بشوند؛ وسط میدان بیایند؛ اقتصاد را اینها باید اداره کنند. من مکرراً این مثال را گفتم: دو جور میشود کار کرد؛ شما میتوانید یک باری را داخل یک وانتی بگذارید و بعد پشت فرمان این وانت بنشینید، این بار را به آسانی از یک جایی به یک جای دیگری منتقل کنید. میتوانید این وانت را کنار بیندازید، این بار را به دوش خودتان بگیرید، هم خسته بشوید، هم به منزل نرسید، هم این بار وسط راه زمین بیفتد، ضایع بشود. بخش خصوصی باید حمایت بشود؛ بخش خصوصی بدون حمایت وارد میدان نمیشود یا اگر	8
	s1035	مسئولیت مشترک دولت، مجلس، و قوه قضائیه در حمایت از بخش خصوصی		
	s1036	اشتباه کنار زدن بخش خصوصی در اوایل انقلاب و واگذاری امور به دولت		
	s1037	نقش کلیدی بخش خصوصی در اداره اقتصاد کشور		
	s1038	لزوم حمایت قانونی و مالی از بخش خصوصی برای موفقیت در میدان اقتصادی		
	s1039	انتقاد از عدم اجرای صحیح سیاست‌های اصل ۴۴ توسط دولت‌ها		

		نیاز به دقت، نظم و انضباط در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴	وارد میدان شد، موقتاً نمیشود. بنده کسانی را می‌شناسم، افراد مؤمن و معتقد و علاقه‌مند به کشور و علاقه‌مند به نظام جمهوری اسلامی، که یک بخش خصوصی را، یک مرغداری را، مثلاً یک واحد صنعتی را از روی اخلاص اداره میکردند. میگفتند که ما میتوانیم این پول را در بانک بگذاریم، از سودش تا آخر عمر استفاده کنیم، زحمتی هم برایمان نداشته باشد، مالیات هم نمیدهیم، اما این زحمت را به عهده گرفتند، [ولی] نیمه‌کاره ماند؛ چون حمایت نشدند، چون فشار بر آنها وارد آمد... اینکه ما سیاستهای اصل ۴۴ را مطرح کردیم، برخلاف تصور میبینم بعضی از برادرهای خوب، بعضی از عناصر خوب و خوش‌نیت به سیاستهای اصل ۴۴ اعتراض میکنند؛ این اعتراض درست نیست. این سیاستها با دقت انتخاب شد، با فکر انتخاب شد؛ افرادی که وارد بودند در مسائل اقتصادی و علاقه‌مند به عدالت اجتماعی و بجد دنبال عدالت اجتماعی بودند، همه آن را تأیید کردند؛ منتها خب عمل نشده؛ متأسفانه دولتها درست عمل نکردند؛ خیلی کم عمل شده. چندین دولت این جور پشت سر هم به این سیاستهای اصل ۴۴ عمل نکردند؛ باید عمل بشود. البته دقت بشود، مراقبت بشود، مدیریت بشود، نظم و انضباط کاری ملاحظه بشود و این کار انجام بگیرد. بنابراین... دستگاه‌های دولتی از بنگاه‌های اجتماعی حمایت کنند؛ هم حمایت مالی لازم است، هم حمایت قانونی لازم است. مخاطب این حرف، هم دولت، هم مجلس، هم قوه قضائیه است؛ یعنی هر سه قوه‌ی کشور مخاطب این توصیه هستند.
بیانات در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش بنیانها 1401/11/10 -	s1041	تأمین مالی بخش خصوصی به عنوان عامل بهبود فضای کسب و کار	تأمین مالی برای فعالیتهای بخش خصوصی یکی از آن چیزهایی است که به بهبود فضای کسب و کار کمک میکند. البته مسئولین محترم دولتی اینجا تشریف دارند، یکی از چیزهایی که برای کمک مالی به بخش خصوصی مهم است، مسئله‌ی صندوق توسعه‌ی [ملی] است؛ صندوق توسعه اصلاً تشکیل شد برای اینکه به بخش خصوصی کمک کند. متأسفانه در دولتهای مختلف — از وقتی این صندوق تشکیل شده تا حالا؛ در طول این چند سال — هر
	s1042	نقش صندوق توسعه ملی در حمایت از بخش خصوصی	
	s1043	انتقاد از استفاده نادرست از صندوق توسعه ملی در دولت‌های مختلف	

		وقت کارشان یک جایی گیر میکند و مجوز قانونی هم برای برداشت از صندوق توسعه ندارند، مراجعه میکنند به این حقیر برای اینکه مجوز داده بشود که فراتر از قانون از این صندوق استفاده کنند؛ این درست نیست، این اشکال دارد؛ هم اشکال فنی دارد، هم اشکال نتیجه‌ای دارد. باید [به بخش خصوصی] کمک بشود.	s1044	ضرورت کمک به بخش خصوصی از طریق منابع مالی صندوق توسعه ملی
10	بیانات در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش بنیان‌ها 1401/11/10 -	دستگاه‌های دولتی با بخش خصوصی رقابت نکنند... با اینکه مکرر تذکر داده‌ایم، باز هم من تذکر میدهم و خواهش میکنم مسئولین محترم دولتی، بخصوص جناب آقای مخبر، این قضیه را دنبال کنند که بخشهای دولتی در آن کاری که در بخش خصوصی دارد انجام میگیرد رقابت نکنند؛ چون امکانات بخش دولتی بیشتر است و نگرانی و دغدغه‌ی مالی‌اش کمتر است، لذا بخش خصوصی را زمین‌گیر میکند. اگر [بخش دولتی] وارد شد، بخش خصوصی زمین‌گیر خواهد شد. یکی هم واردات بی‌رویه است.	s1045	ضرورت عدم رقابت دستگاه‌های دولتی با بخش خصوصی
			s1046	تأکید بر پیگیری جلوگیری از رقابت بخش دولتی با بخش خصوصی
			s1047	مشکلات ناشی از برتری امکانات بخش دولتی و تأثیر آن بر زمین‌گیر کردن بخش خصوصی
			s1048	انتقاد از واردات بی‌رویه به عنوان عامل دیگری برای فشار بر بخش خصوصی
11	بیانات در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش بنیان‌ها 1401/11/10 -	بنگاه‌های اقتصادی میان خود عرصه‌ی رقابت را از حوزه‌ی همکاری جدا کنند. بخش خصوصی، بخشی است که رقابت در آن وجود دارد و باید وجود داشته باشد؛ رقابت مثبت، پیش‌برنده است؛ اما این رقابت معنایش این نیست که در کارهای بزرگ، در اقدامهای بزرگ، با هم همکاری و هم‌افزایی نکنند؛ بخصوص آنجایی که با مسائل اقتصادی خارج از کشور ارتباط پیدا میکند. بخشهای مختلف خصوصی باید با هم همکاری و هم‌افزایی بکنند.	s1049	تفکیک رقابت از همکاری میان بنگاه‌های اقتصادی
			s1050	ضرورت رقابت مثبت در بخش خصوصی برای پیشرفت
			S1051	اهمیت همکاری و هم‌افزایی بنگاه‌های خصوصی در پروژه‌های بزرگ و بین‌المللی
12	بیانات در دیدار مسئولان نظام 1401/01/23 -	بایستی به معنای واقعی کلمه اقتصاد کشور بیاید روی دوش مردم و دولت [فقط] نقش ویژه‌ی دولتی خودش را ایفاء کند و متصدی نباشد؛ این خیلی مهم است. یک وقت شما یک باری را روی دوش خودتان میگیرید، میخواهید پیاده با این مشکلات از این شهر به آن شهر ببرید، یک وقت آن را سوار یک وسیله‌ی نقلیه‌ی فعالی میکنید، خود شما هم رانندگی میکنید؛ این دومی درست است. وسیله‌ی	S1052	ضرورت انتقال بار اقتصاد به دوش مردم و کاهش تصدی‌گری دولت
			S1053	نقش نظارتی و سیاست‌گذاری دولت به جای دخالت مستقیم در اقتصاد

	S1054	فعالسازی فعالان اقتصادی به عنوان نیروی محرک اقتصاد کشور	نقلیه‌ی فعال، فعالان اقتصادی کشور هستند؛ اینها را فعال کنید، منتها به کارشان نظارت کنید، سیاست‌گذاری کنید، مراقبت کنید خطایی پیش نیاید، اشتباهی پیش نیاید، اما بگذارید کار کنند؛ هم آنها سود می‌برند، هم مردم استفاده میکنند، هم شما سود می‌برید به عنوان مسئولین دولت.	
	S1055	مزایای همگانی ناشی از فعالیت مستقل بخش خصوصی و نظارت دولت		
بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی - 1400/02/21	S1056	نقش مثبت تشکل‌های دانشجویی در بررسی مشکلات خصوصی‌سازی	در مورد مشکلات خصوصی‌سازی‌ها فعالیتهای خوبی از طرف تشکلهای دانشجویی انجام گرفت که بعضاً به نتیجه‌هایی هم رسید و ان شاء الله بیشتر هم به نتیجه خواهد رسید؛ و این حرکتی که جوانها و تشکلهای در مورد مشکلات خصوصی‌سازی انجام دادند خیلی خوب بود. البته در باب خصوصی‌سازی در این اظهارات آقایان نظراتی بود که ممکن است ما با بعضی از آنها موافق باشیم، با بعضی از آنها هم موافق نیستیم! خصوصی‌سازی کار بسیار خوبی است به شرطی که خوب عمل بشود؛ مشکلات، ناشی از خوب عمل نشدن است، نه اینکه خود سیاست خصوصی‌سازی سیاست غلطی بوده. پس بنابراین حرکت دانشجویی و حرکت تشکلهای به نظر من یک حرکت بسیار خوبی است.	13
	S1057	موفقیت‌های حاصل از فعالیت‌های دانشجویی در زمینه خصوصی‌سازی		
	S1058	تفکیک مشکلات اجرایی از اصل سیاست خصوصی‌سازی		
	S1059	اهمیت اجرای صحیح خصوصی‌سازی برای موفقیت این سیاست		
بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت - 1399/06/02	S1060	تشویق سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی	سرمایه‌گذاری را تشویق کنید؛ چون سرمایه‌گذاری عمده‌ای باید به وسیله‌ی بخش خصوصی انجام بگیرد. دولت صرفاً در آنجا‌هایی که بخش خصوصی یا نمیتواند یا رغبتی ندارد یا بازدهی برای بخش خصوصی ندارد میتواند سرمایه‌گذاری کند؛ سرمایه‌گذاری را بخش خصوصی باید انجام بدهد. بخش خصوصی هم امروز امکانات دارد؛ یعنی امروز پول در کشور کم نیست؛ می‌بینید دیگر که بحث نقدینگی و چند برابر شدن نقدینگی سر زبانها است؛ بنابراین پول هست؛ باید سرمایه‌گذار تشویق بشود به سرمایه‌گذاری. تشویق هم راه‌های مختلفی دارد، راه‌هایی هست که برای کسی پنهان نیست: مشکلات مالیاتی برطرف بشود، مشکلات مجوزها برطرف بشود، مشکلات تسهیلات بانکی برطرف بشود؛ اینها	14
	S1061	نقش دولت در سرمایه‌گذاری در موارد خاص (ناتوانی یا عدم تمایل بخش خصوصی)		
	S1062	وجود نقدینگی بالا و اهمیت هدایت آن به سرمایه‌گذاری		
	S1063	ضرورت رفع موانع مالیاتی، مجوزها و تسهیلات بانکی برای تشویق سرمایه‌گذاری		

			کارهایی است که همه بلدند [منتها] باید بنشینید، اهتمام کنید، ان شاءالله این تشویقها انجام بگیرد.	
بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی 1398/08/28 -	S1064	مخاطب اصلی سیاست‌های اصل ۴۴ فعالان اقتصادی هستند	مخاطب سیاست‌های اصل ۴۴ شما [فعالان اقتصادی] هستید؛ اصلاً مخاطب این مسئله‌ی اصل ۴۴ و آن چهارچوب کذائی آن که ما این را آمدم با نگاه قانونی، با نگاه حکمت‌آمیز باز کردیم و سیاست‌های اصل ۴۴ را بیان کردیم برای مردم، تبیین کردیم برای مردم، شما هستید. البته آن روزی که این سیاستها ابلاغ شد، همه تأیید کردند؛ یعنی من آن روز یادم نمی‌آید که حتی یک نفر از کسانی که جزو منتقدین اقتصادی‌اند، صاحب‌نظران اقتصادی‌اند، اعتراض کرده باشند؛ همه تأیید کردند، همه گفتند کار درستی است و همین هم هست، درست بود، مسئولین دولتی هم همین جور. البته درست عمل نشده؛ اینکه به بهانه‌ی اصل ۴۴، فلان کارخانه را بدهند به یک آدم سوءاستفاده‌چی که کارخانه را برچیند و برج بسازد، تقویت بخش خصوصی نیست؛ و همین هم چقدر فضا را خراب کرد. در بین فعالان اقتصادی و آن کسانی که شرکت‌های دولتی به اینها داده شده، شاید یک درصد هم آن جور کاری نکردند، بقیه سالم عمل کردند، اما همان یک درصد وقتی گفته شد، تکرار شد، دنبال شد، موجب این شد که یک بدبینی‌ای به وجود بیاید که «چرا این جور است». من به شما عرض بکنم مخاطب شما هستید؛ سیاست‌های اصل ۴۴ برای شما که فعال اقتصادی هستید، هم حق ایجاد میکند، هم تکلیف ایجاد میکند؛ مسئولیت دارید؛ بروید قضیه را دنبال کنید. اینجا من یادداشت کرده‌ام: زنجیره‌های تخصصی را با برنامه‌ی عملیاتی و نقشه‌ی راه تشکیل بدهید، دنبال کنید؛ یعنی از تولید علم، فناوری، طراحی و مهندسی تا ساخت تجهیزات، تا ماشین‌آلات، تا تأمین مواد اولیه، تا تولید محصول، بازاریابی، توزیع، اینها همه کارهایی است که بر عهده‌ی شما است که باید ان شاءالله انجام بدهید.	15
	S1065	تأیید سیاست‌های اصل ۴۴ توسط منتقدین و صاحب‌نظران اقتصادی در زمان ابلاغ		
	S1066	انتقاد از سوءاستفاده در واگذاری کارخانه‌ها و تأثیر آن بر بدبینی نسبت به خصوصی‌سازی		
	S1067	ضرورت تشکیل زنجیره‌های تخصصی از تولید تا بازاریابی توسط فعالان اقتصادی		
	S1068	ایجاد حق و تکلیف برای فعالان اقتصادی در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴		
بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان	S1069	توصیه به نهادهای عمومی غیر دولتی برای پرهیز از رقابت با بخش خصوصی	توصیه‌ی مؤکد بنده به نهادهای عمومی غیر دولتی این است که در کارهای اقتصادی مطلقاً رقیب بخش خصوصی نشوند. این، آن حرفی است که ما به همه‌ی نهادهای	16

اقتصادی - 1398/08/28	S1070	لزوم ورود نهادهای عمومی غیر دولتی به بخش‌هایی که بخش خصوصی توان یا تمایل ندارد	عمومی غیر دولتی گفتیم و می‌گوییم. در جاهایی که بخش خصوصی، یا توان لازم و امکانات را ندارد، یا رغبتی ندارد، وارد بشوند؛ اگر چنانچه بعد از مدتی بخش خصوصی وارد آنجا شد، اینها از آنجا هم به یک نقطه‌ی دوردست‌تر و سخت‌تری مهاجرت کنند و بروند آنجا کار کنند، سرمایه‌گذاری کنند؛ و جداً از رقابت با بخش خصوصی پرهیز کنند.	
	S1071	خروج نهادهای عمومی غیر دولتی از بخش‌هایی که بخش خصوصی وارد شده است		
بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی - 1398/08/28	S1072	همکاری و مکمل بودن بخش خصوصی و دولتی	سیاست‌های اصل ۴۴ مسئله‌ی جایگزینی بخش خصوصی به جای بخش دولتی نبود؛ بخش خصوصی شأنی دارد، بخش دولتی هم شأنی دارد؛ اینها باید به هم کمک کنند، مزاحم هم نباید باشند. ما گفتیم «بخش دولتی مزاحم بخش خصوصی نباشد»؛ یعنی چه؟ یعنی آن کاری را که سرمایه‌ی بخش خصوصی میتواند انجام بدهد، بخش دولتی وارد آن نشود؛ اگر هم هست، بکشد کنار، بگذارد در اختیار بخش خصوصی؛ اینها بشوند مکمل هم. اما معنایش این نیست که بخش دولتی بکلی از فعالیت‌های اقتصادی کنار می‌رود؛ نه، یک کارهایی هست که جز بخش دولتی یا بخش‌های عمومی غیر دولتی، کس دیگری نمیتواند انجام بدهد؛ باید وارد بشوند آنها را انجام بدهند... بخش خصوصی و تعاونی باید حتماً توسعه پیدا کند. در بخش نفت و گاز، بخش خصوصی و تعاونی میتوانند حضور همه‌جانبه داشته باشند	17
	S1073	عدم مزاحمت بخش دولتی برای بخش خصوصی در حوزه‌های قابل سرمایه‌گذاری		
	S1074	ضرورت مشارکت بخش دولتی در فعالیت‌های خاص و غیرقابل انجام توسط بخش خصوصی		
	S1075	توسعه بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد، به‌ویژه در بخش‌های نفت و گاز		
	S1076	ضرورت خصوصی‌سازی برای اقتصاد کشور	اصل خصوصی‌سازی، نیاز مبرم اقتصاد کشور ما است؛ این جزو همان مواردی است که ساختار را -که اول وجود	18

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان - 1398/03/01	S1077	تأیید عمومی خصوصی سازی توسط صاحب نظران	نداشت- تکمیل میکند. ما از اصل مربوطه در قانون اساسی استفاده ای کردیم، آن استفاده را اعلام کردیم، همه ی صاحب نظرها از همه جهت تأیید کردند، گفتند چیز خوبی است و واقعاً هم چیز خوبی است، جلویش را نباید گرفت، منتها در عمل، مثل خیلی از کارهای دیگر اشکالاتی وجود دارد و خطاهایی انجام گرفته، بی توجهی هایی شده؛ شاید در این زمینه لغزشهایی صورت گرفته، باید جلوی لغزشها را گرفت. آنچه وظیفه ی ما است، این است که جلوی لغزشها را بگیریم.
	S1078	وجود مشکلات و خطاهای اجرایی در فرآیند خصوصی سازی	
	S1079	لزوم جلوگیری از لغزش ها و بی توجهی ها در اجرای خصوصی سازی	
بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت - 1397/06/07	S1080	ظرفیت بالای بخش خصوصی و استفاده ناکافی از آن	یکی از مسائل مهم اقتصادی ما، ظرفیت بخش خصوصی است؛ ما از ظرفیت بخش خصوصی استفاده نمیکنیم... گاهی اوقات کارخانه ها را بر طبق سیاست های اصل ۴۴ آن جوری میدهم دست آدمهایی که نابند، اما به طور رایج و معمول، بخش خصوصی را ما واقعاً وارد نمیکنیم و از سرمایه های مردم، درست استفاده نمیکنیم. مجموعه ی اتاق بازرگانی یک دیداری با دبیرخانه ی شورای عالی امنیت داشتند و یک حرفهای مفصلی زدند که بنده آن حرفها را خواندم؛ به نظر من آقایان بخوانید آن حرفها را، آقایان بشنوید و ببینید آن حرفها را؛ حرفهای درستی است؛ ما باید از ظرفیتهای بخش خصوصی استفاده کنیم؛ بخش خصوصی آماده است. حالا اصل ۴۴ را دولتها... خلاصه فارسی اش این است که درست دلشان نمی آید که آن چنان که باید و شاید اعمال کنند؛ اعمال کنید اصل ۴۴ را، راه بیندازید امکانات بخش خصوصی را. فرض بفرمایید کسانی که میتوانند کمک بکنند، فقط تجار نیستند -تجار یک بخشی از مجموعه ی بخش خصوصی هستند- نه، تولیدگران و صنعتگران [هم هستند]. الان شما مثلاً فرض کنید در وزارت نیرو یا در وزارت نفت من باب مثال، احتیاج دارید به قطعات فراوان؛ با قطعه ساز بنشینید [صحبت کنید]. ما قطعه سازهای خوبی در کشور داریم. یک وقتی، البتّه سالها پیش، زمانی که آقای بیطرف... وزیر نیرو بود، یک پره ای برای یک چیزی لازم داشت؛ من به ایشان گفتم: آقا! شما خودت فارغ التحصیل این دانشگاه امیرکبیر هستی، از اینجا تا دانشگاه امیرکبیر یک قدم راه است، بروید آنجا بنشینید با اینها صحبت بکنید تا برایتان تولید کنند؛ که
	S1081	واگذاری نادرست کارخانه ها به افراد نامناسب در سیاست های اصل ۴۴	
	S1082	عدم بهره برداری صحیح از سرمایه های مردم در اقتصاد	
	S1083	لزوم بهره گیری از امکانات بخش خصوصی در تولید و صنعت	
	S1084	نقش مهم قطعه سازان و صنعتگران در حمایت از دولت و رفع کمبودها	
	S1085	توانایی تولید قطعات حیاتی در داخل کشور	

			همان وقت اتفاقاً ارتشی‌ها در نیروی هوایی همان [قطعه] را تولید کرده بودند برای یک منظور دیگری، البته با یک ابعاد بزرگ‌تری. [پس] صنعتگران بخش خصوصی میتوانند به دولت کمک کنند در بخشهای مختلف. گاهی اوقات میشود که ما یکی دو قطعه نداریم و زنجیره‌ی تولید یک محصول بکلی میخوابد به‌خاطر نبود این قطعه و اینکه در خارج آن را به ما نمیدهند یا مشکلات به وجود می‌آورند. خب این را در داخل تولید کنیم؛ ما میتوانیم در داخل تولید [کنیم]؛ هر کاری را که در داخل، دنبالش رفتیم و تأکید کردیم و یک خرده خرج کردیم و مانند اینها، توانستیم به وجود بیاوریم؛ یک نمونه‌اش وزارت دفاع است که کارهای خوبی در این زمینه در آنجا انجام گرفت.	
بیانات در دیدار مستولان نظام - 1397/03/02	S1086	اقتصاد دولتی ناکارآمد و ضرورت ورود بخش خصوصی	اقتصاد دولتی جواب نمیدهد؛ مردم را باید وارد کرد، سیاستهای اصل ۴۴ را باید جدی گرفت... باید بخش خصوصی را وارد میدان بکنید، باید کمک کنید به بخش خصوصی؛ این «صندوق توسعه‌ی ملی» برای همین است... این صندوق توسعه‌ی ملی در اختیار دولت است و هیچ چیز این در خارج از دولت نیست؛ خود صندوق در اختیار دولت است، مسئولین صندوق را دولت نصب میکند، سیاستهای صندوق، برداشت از صندوق، همه‌چیزش دست دولت است منتها در یک مواردی چون یک برداشت غیر قانونی برای دولت ضرورت پیدا میکند و فرصت اینکه بروند از مجلس اجازه بگیرند نیست، می‌آیند سراغ این حقیر، از این بنده مجوز میگیرند برای اینکه این پول را مثلاً بردارند [برای] این کار، و آلا این صندوق در اختیار دولت است. این صندوق مهم است و توصیه‌ی مؤکد ما این است که این صندوق را برای مصارف جاری و هزینه‌های جاری کشور نباید صرف کرد؛ این فقط بایستی در اختیار فعالان اقتصادی بخش خصوصی قرار بگیرد برای اینکه بتوانند کار کنند. مسئله را این‌جوری باید نگاه کرد و این‌جوری باید دید.	20
	S1087	جدی گرفتن سیاست‌های اصل ۴۴ برای تقویت بخش خصوصی		
	S1088	نقش صندوق توسعه ملی در حمایت از بخش خصوصی		
	S1089	انتقاد از استفاده نادرست صندوق توسعه ملی برای مصارف جاری دولت		
	S1090	تأکید بر اختصاص صندوق توسعه ملی به فعالان اقتصادی خصوصی		
بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم	S1091	لزوم مدیریت دولت بر واردات توسط بخش خصوصی	بعضی اوقات یک چیزهایی را وارد میکنند، ما تذکر میدهیم به مسئولین که چرا وارد شده است؟ در جواب ما میگویند این را که ما وارد نکرده‌ایم، بخش خصوصی وارد	21

مطهر رضوی - 1397/01/01	S1092	ضرورت نظارت دولت بر نوع و میزان واردات	کرده است؛ این جواب، جواب کافی نیست؛ بخش خصوصی بایستی مدیریت بشود؛ دولت باید مدیریت کند، مسلط باشد بر اینکه چه چیزی وارد بشود و چه اندازه وارد بشود و چه چیزی وارد نشود؛ اینها را بایستی [توجه کنند]؛ حتماً یکی از کارهای مهم همین است که بایستی انجام بگیرد.	
	S1093	انتقاد از عدم کنترل کافی بر واردات توسط بخش خصوصی		
بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاهها - 1396/03/31	S1094	تقویت و مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد از طریق سیاستهای اصل ۴۴	مسئله‌ی اصل ۴۴ را -که تقویت بخش خصوصی و واردکردن بخش خصوصی و سرمایه‌های بخش خصوصی در اقتصاد کشور است- ما چندسال پیش مطرح کردیم، همه به‌به و چه‌چه کردند، کارهایی هم انجام گرفت؛ اما خوب تحقیقش را نمی‌بینیم؛ من احساس نمی‌کنم پیشرفت کار را. نه‌اینکه نمی‌خواهند، می‌خواهند، تلاش هم میکنند، منتها پیش نمی‌رود؛ اشکال علمی وجود دارد، من این را می‌خواهم بگویم. نقشی که دانشگاه میتواند ایفا کند این است که گره‌های علمی را در این زمینه‌ها جستجو کند، بشناسد و باز کند و در اختیار دستگاه‌های کشور بگذارد.	22
	S1095	عدم پیشرفت قابل توجه در اجرای سیاستهای اصل ۴۴ با وجود تلاش‌ها		
	S1096	وجود مشکلات علمی در تحقق کامل سیاستهای اصل ۴۴		
	S1097	نقش دانشگاه‌ها در شناسایی و حل مشکلات علمی مرتبط با اجرای اصل ۴۴		
بیانات در دیدار مسئولان نظام - 1396/03/22	S1098	اجرای اصل ۴۴ و سپردن مسئولیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی	در [اجرای] این اصل ۴۴ که سپردن مسئولیتهای اقتصادی به بخش خصوصی است، با شرایط خاصی که معین شده و سیاستهایش اعلام شده است و قانون هم برایش وضع شده، باید جبران عقب‌ماندگی‌ها بشود. این کاملاً کمک خواهد کرد به اقتصاد داخلی.	23
	S1099	لزوم جبران عقب‌ماندگی‌ها در اجرای سیاستهای اصل ۴۴		
	S1100	تأثیر مثبت اجرای صحیح اصل ۴۴ بر اقتصاد داخلی		

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی 1396/01/01 -	S1101	هدف صندوق توسعه ملی برای حمایت از تولیدکننده داخلی	24 صندوق [توسعه ملی] برای این است که به بخش خصوصی -یعنی به تولیدکننده داخلی- پول بدهد و به او توانایی بدهد تا بتواند کار تولید را راه بیندازد؛ این شد سرمایه. یعنی توانمند کردن بخش خصوصی از طریق صندوق توسعه ملی، یک چیز خیلی لازمی است. صندوق توسعه ملی را به عنوان یک فرصت برای کشور باید به حساب آورد؛ این فرصت میتواند در خدمت تولید قرار بگیرد و باید در خدمت تولید قرار بگیرد؛ یعنی تولیدکننده داخلی میتواند از این صندوق با سیاستها و برنامه ریزی درست دولتها استفاده کند. نیروی انسانی آن جور، سرمایه هم این جور [تأمین میشود].
	S1102	توانمندسازی بخش خصوصی از طریق منابع صندوق توسعه ملی	
	S1103	ضرورت استفاده از صندوق توسعه ملی به عنوان فرصتی برای تقویت تولید	
	S1104	استفاده درست از صندوق توسعه ملی با سیاست گذاری صحیح دولتها	
بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت 1391/06/02 -	S1105	ضرورت کمک به بخش خصوصی برای اجرای اقتصاد مقاومتی	25 بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم، خب، خود اقتصاد مقاومتی شرائطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخشهای همین تکیه به مردم است؛ همین سیاستهای اصل 44 با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شما [اعضای هیئت دولت] است. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور میشنوم که بخش خصوصی به خاطر کم توانیاش جلو نمی آید. خب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانکهاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب پذیر باش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکلهای مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرائطش، استفاده از همه ی ظرفیتهای دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه ها و راهکارهایی که صاحب نظران میدهند، استفاده کنید، هم از سرمایه ها استفاده شود.
	S1106	دنبال کردن سیاستهای اصل 44 با اهتمام و دقت و وسواس	
	S1107	توانبخشی به بخش خصوصی برای فعال تر شدن در اقتصاد	
	S1108	اقتصاد مقاومتی به عنوان راهکاری برای کاهش آسیب پذیری اقتصادی در برابر دشمنان	
	S1109	استفاده از ظرفیتهای دولتی و مردمی برای تقویت اقتصاد مقاومتی	

26	در کمکهای مالی و پشتیبانیها، شرکتهای دولتی سهم بیشتر را نبرند که بخش خصوصی و شرکتهای غیردولتی پشت در بمانند... کاری کنیم که بخش خصوصی در زمینهی شرکتهای دانش بنیان بتواند به معنای واقعی کلمه روی پای خودش بایستد و رشد کند. اگر چنانچه در این زمینه بخش خصوصی رشد پیدا کرد، به نظر ما منافعش برای کشور بسیار زیاد خواهد بود. دولت نقش حمایت کنندهی خودش و هدایت کنندهی خودش و کمک کنندهی خودش را خواهد داشت؛ لیکن در عرصه، محور حرکت، بخش خصوصی خواهد بود.	S1110	عدم تخصیص بیشتر کمکهای مالی به شرکتهای دولتی به زیان بخش خصوصی	بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش بنیان 1391/05/08 -
		S1111	توانمندسازی بخش خصوصی در حوزه شرکتهای دانش بنیان	
		S1112	نقش حمایتی و هدایت کننده دولت در رشد بخش خصوصی	
		S1113	محوریت بخش خصوصی در رشد و توسعه اقتصادی کشور	
27	مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاستهای اصل ۴۴ که اعلام شد، میتواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهایی انجام گرفته و تلاشهای بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاههای دولتی کشور و دستگاههایی که میتوانند کمک کنند - مثل قوهی مقننه و قوهی قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند. کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد سالهی ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیتهای اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینهی اقتصاد انجام داده ایم. امروز صنایع دانش بنیان از جملهی کارهایی است که میتواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیتهای گوناگونی در کشور وجود دارد که میتواند این خلأ را پر کند. همت را بر این بگذاریم؛ برویم به سمت این که هرچه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم.	S1114	مردمی کردن اقتصاد به عنوان الزام اقتصادی مقاومتی	بیانات در دیدار کارگزاران نظام 1391/05/03 -
		S1115	تحول آفرینی سیاستهای اصل ۴۴ در اقتصاد	
		S1116	توانمندسازی بخش خصوصی و تشویق آن به فعالیت اقتصادی	
		S1117	نقش سیستم بانکی، قوه مقننه و قوه قضائیه در حمایت از ورود مردم به اقتصاد	
		S1118	کاهش وابستگی به نفت به عنوان یکی از الزامات اقتصاد مقاومتی	
		S1119	جایگزینی فعالیتهای اقتصادی درآمدزا به جای وابستگی به نفت	

	S1120	نقش صنایع دانش‌بنیان در پر کردن خلأ ناشی از کاهش وابستگی به نفت		
بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور 1390/05/26 -	S1121	هدف از اعلام سیاست‌های اصل ۴۴: ایجاد اقتصاد رقابتی با حضور بخش خصوصی	28	ما در اعلام و ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ یک هدف بزرگی را در نظر داشتیم و داریم که باید ان شاء الله دنبال شود. طبق منطوق خود آن اصل، ما بایستی در زمینه‌ی مالکیت دولت و فعالیت اقتصادی دولت تجدید نظر میکردیم، و این تجدید نظر انجام گرفت. با چه هدفی؟ با هدف ایجاد یک اقتصاد رقابتی با حضور بخش خصوصی و سرمایه‌ی بخش خصوصی در عرصه‌ی اقتصاد کشور. محاسبه کردند که مبلغ مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در این پنج سال، سالی حدود ۱۶۰ میلیارد دلار است. این از عهده‌ی دولت برنمی‌آید؛ حتماً بایستی بخش خصوصی وارد شود و همکاری کند؛ این باید تحقق پیدا کند. در زمینه‌ی اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ کارهای خوبی انجام گرفته، لیکن کافی نیست؛ بایستی تحرک بهتری انجام بگیرد. مسئله فقط این نیست که ما بنگاه‌های اقتصادی را واگذار کنیم و بگوئیم واگذار شد، خودمان را خلاص کردیم؛ در کنار این واگذاری، کارهای دیگری لازم است: بایستی بخش خصوصی توانمند بشود، باید امکان مدیریت خوب پیدا کند، نظارت برای جلوگیری از سوءاستفاده باید انجام بگیرد.
	S1122	ضرورت تجدید نظر در مالکیت و فعالیت‌های اقتصادی دولت		
	S1123	نیاز به ورود سرمایه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری کلان		
	S1124	کافی نبودن اقدامات فعلی در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ و نیاز به تحرک بیشتر		
	S1125	توانمندسازی بخش خصوصی و ارتقای مدیریت آن		
	S1126	ضرورت نظارت برای جلوگیری از سوءاستفاده در فرآیند خصوصی‌سازی		
بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور 1390/05/26 -	S1127	معرفی جدی فرصت‌های سرمایه‌گذاری به بخش خصوصی	29	ما معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری کشور به بخش خصوصی را بایستی جدی بگیریم. یعنی بایستی فعالان بخش خصوصی بدانند فرصت‌های سرمایه‌گذاری کجاست، کدام‌هاست؛ همه مطلع باشند، استفاده‌های ویژه‌خوارانه نشود. محصور بودن اطلاعات، محدود بودن اطلاعات به

	S1128	شفاف سازی اطلاعات برای جلوگیری از سوءاستفاده و ویژه خواری	بعضی از افراد، دون بعضی، موجب ویژه خواریهای عجیبی میشود؛ که گاهی ثروتهای بادآوردهی یکشنبه را برای افرادی که سوء استفاده چپ هستند، فراهم میکند؛ به خاطر اینکه اطلاع دارند که بناست فلان کالا بیاید، فلان کالا تولید بشود، فلان کالا جلوییش گرفته بشود، قیمت فلان کالا بالا برود یا پائین بیاید، یا فلان قانون تصویب بشود. اینهایی که مطلعند، سوءاستفاده میکنند. اطلاعات باید عمومی بشود. باید شفاف سازی اطلاعات صورت بگیرد.	
	S1129	مشکلات ناشی از محدود بودن اطلاعات به برخی افراد و سوءاستفاده از آن		
	S1130	ضرورت دسترسی عمومی به اطلاعات اقتصادی و فرصت های سرمایه گذاری		
بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۱۳۹۰/۰۱/۱۳۹۰ -	s1131	ضرورت افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی در اقتصاد کشور	مسئله ای افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی و کمک به بخش خصوصی که بتواند در زمینه ی مسائل اقتصادی کشور سرمایه گذاری کند، از جمله ی مسائل مهم و اساسی است؛ که یکی از کارهای مهم در این باب، ایجاد تعاونیهاست، که به وسیله ی تعاونیها سرمایه های بزرگ تشکیل بشود و بتوانند در مسائل مهم اقتصادی کشور سرمایه گذاری کنند و گره های مهم را باز کنند و دولت بتواند این کار را انجام دهد. بایستی زیرساختهای حقوقی و قانونیاش آماده شود. این، یعنی حمایت از شکوفائی کار.	30
	s1132	ایجاد تعاونی ها برای تشکیل سرمایه های بزرگ و حل مسائل اقتصادی		
	s1133	نقش تعاونی ها در باز کردن گره های مهم اقتصادی		
	s1134	نیاز به آماده سازی زیرساخت های حقوقی و قانونی برای حمایت از تعاونی ها		
بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۹/۰۶/۰۸ -	s1135	تأکید بر اهمیت سیاست های اصل ۴۴ در اقتصاد	از جمله ی چیزهایی که ما در باب مسائل اقتصادی رویش تکیه میکنیم و به عنوان توصیه ی جزمی مطرح میکنیم، مسئله ی سیاستهای اصل 44 است. خیلی بایستی به این سیاستها اهتمام ورزید. خوب، حالا در مقایسه ی خصوصی سازی در سالهای طولانی گذشته با این چند سال، آماری ذکر میشود؛ این آمار، آمار درستی است؛ منتها آن زمان سیاستهای اصل 44 ابلاغ نشده بود. یعنی آن زمانی که اصلاً بحث سیاستهای اصل 44 نبود، آن وقت را نباید ملاحظه کرد؛ بعد که آن سیاستها ابلاغ شد، اصلاً وضع مسئله ی اقتصاد عوض شد؛ در واقع حرکت جدیدی در اقتصاد کشور آغاز شد. لذا مقایسه ی با قبل از آن دوران،	31
	s1136	مقایسه نادرست دوران قبل و بعد از ابلاغ سیاست های اصل ۴۴		
	s1137	هدف از اصل ۴۴: وارد کردن سرمایه و مدیریت مردم به عرصه اقتصاد		
	s1138	ناتوانی بخش خصوصی در برخی سرمایه گذاری های		

		بزرگ و لزوم توانمندسازی آن	مقایسه‌ی تعیین‌کننده‌ای نیست. در همین دوران، ما بایستی ببینیم در باب اصل 44 چه کار کردیم؛ این مهم است. ببینید، روح اصل 44 هم این بود که ما بتوانیم اولاً سرمایه‌های مردم و بعد مدیریت مردم را وارد عرصه‌ی اقتصاد کنیم. باید سرمایه‌های مردم و مدیریت مردم - بخش خصوصی - وارد عرصه‌ی اقتصاد بشود؛ و آلا اگر مدیریت‌ها دولتی باقی ماند، آن مقصود حاصل نخواهد شد. البته در همان محدوده‌ای که این سیاستها اجازه میدهند و با همان رعایت‌هایی که در قانون پیش‌بینی شده - که قانون هم قانون دقیقی است، قانون خوبی است - این را باید رعایت کنید. البته در برخی از سرمایه‌گذاری‌ها بخش خصوصی ناتوان است؛ یعنی واقعاً توانائی سرمایه‌گذاری ندارد. خوب، علاجش چیست؟ اگر بخش خصوصی همین طور ناتوان بماند، هیچ گرهی باز نخواهد شد؛ باید سیاستها برود به این سمت که شما بخش خصوصی را قادر کنید بر اینکه بتواند زیر بار برخی از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ برود. این هم میشود یکی از سیاستها. البته دولت وقتی که شانه‌ی خودش را از فعالیتهای اقتصادی خالی میکند، معنایش این نیست که از اقتصاد کناره میگیرد؛ نه، سیاستگذاری‌ها باز هم در اختیار دولت است، دست دولت است؛ یعنی بایستی سیاست را دولت بگذارد، بایستی نظارت را دولت بکند. در آن سالهای دهه‌ی 60 که آقایان همین طور به سمت روزه‌روز غلیظتر کردن اقتصاد دولتی میرفتند، من مثال می‌زدم و میگفتم فرض کنید یک موتور است که میتواند این بار سنگین را برساند و شما هم در کنار موتور راه می‌روید، یا خودتان پشت فرمان می‌نشینید و هدایتش میکنید. شما این موتور را کنار گذاشتید و همه‌ی باری را که توی این وانت است، خودتان روی دوش گرفتید، هن و هن دارید جلو می‌روید؛ هم نمیرسید، هم خسته میشوید، هم همه‌ی بار حمل نمیشود، هم این موتور اینجا بیکار میماند. این موتور، بخش خصوصی است. این را آن زمان به آنها میگفتم، اثر هم نمیکرد. امام هم هرچه میگفتند به مردم بدهید، اینها میگفتند مراد از مردم، بخش خصوصی نیست - مراد نظر امام را توجیه میکردند! - مردم یعنی توده‌ی مردم. به توده‌ی مردم چه جوری میشود کمک کرد؟ دولت اقتصاد را
	s1139	نقش دولت در سیاست‌گذاری و نظارت بر اقتصاد حتی پس از واگذاری به بخش خصوصی	
	s1140	انتقاد از تمرکز دولت بر اقتصاد در دهه ۶۰ و نادیده‌گرفتن بخش خصوصی	
	s1141	فضای جدید و تغییر رویکرد نسبت به بخش خصوصی	
	s1142	لزوم تعادل میان نقش دولت و بخش خصوصی در اقتصاد	
	s1143	فرصت اقتصادی بلندمدت برای کشور با اجرای صحیح سیاست‌های اصل ۴۴	

			در دست بگیرد، به توده‌ی مردم کمک کند. فرمایش امام را اینجوری معنا میکردند! خوب، این توجیه، غلط بود. الان فضا، فضای دیگری است. همان کسانی که آن زمان آنجور حرف میزدند، حالا صد و هشتاد درجه برگشته‌اند؛ یعنی باز هم در حد تعادل قرار ندارند، خط وسط نیستند. آن افراط بود، این طرف هم همانها دارند تفریط میکنند. بالاخره یک خط متعادلی وجود دارد. خط متعادل همین است: سرمایه‌ی مردم و مدیریت مردم اقتصاد را بر دوش بگیرد و کنترل و هدایت به عهده‌ی دولت باشد. اگر چنانچه ان‌شاءالله این کار بخوبی انجام بگیرد - که البته در کوتاه‌مدت هم انجام نمیگیرد؛ این جزو کارهای میان‌مدت و بلندمدت است و زحمت هم دارد - واقعاً یک فرجی برای اقتصاد کشور خواهد شد.
بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت 1389/06/08 -	s1144	روح سیاست‌های اصل 44: ورود سرمایه و مدیریت مردم به اقتصاد	روح اصل 44 این بود که ما بتوانیم اولاً سرمایه‌های مردم و بعد مدیریت مردم را وارد عرصه‌ی اقتصاد کنیم. باید سرمایه‌های مردم و مدیریت مردم - بخش خصوصی - وارد عرصه‌ی اقتصاد بشود؛ ولاً اگر مدیریتها دولتی باقی ماند، آن مقصود حاصل نخواهد شد. البته در همان محدوده‌ای که این سیاستها اجازه میدهند و با همان رعایتی که در قانون پیش‌بینی شده - که قانون هم قانون دقیقی است، قانون خوبی است - این را باید رعایت کنید. البته در برخی از سرمایه‌گذاریها بخش خصوصی ناتوان است؛ یعنی واقعاً توانائی سرمایه‌گذاری ندارد. خوب، علأجش چیست؟ اگر بخش خصوصی همین طور ناتوان بماند، هیچ گرهی باز نخواهد شد؛ باید سیاستها برود به این سمت که شما بخش خصوصی را قادر کنید بر اینکه بتواند زیر بار برخی از سرمایه‌گذاریهای بزرگ برود. این هم میشود یکی از سیاستها. البته دولت وقتی که شانه‌ی خودش را از فعالیتهای اقتصادی خالی میکند، معنایش این نیست که از اقتصاد کناره میگیرد؛ نه، سیاستگذاریها باز هم در اختیار دولت است، دست دولت است؛ یعنی بایستی سیاست را دولت بگذارد، بایستی نظارت را دولت بکند. در آن سالهای دهه‌ی 60 که آقایان همین طور به سمت روزبه‌روز غلیظتر کردن اقتصاد دولتی میرفتند، من مثال می‌زدم و میگفتم فرض کنید یک موتور است که میتواند این بار سنگین را برساند و شما هم در کنار موتور راه می‌روید، یا خودتان
	s1145	ضرورت خروج مدیریت‌های دولتی از عرصه اقتصاد	
	s1146	توانمندسازی بخش خصوصی برای مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های بزرگ	
	s1147	نقش دولت در سیاست‌گذاری و نظارت بر اقتصاد پس از واگذاری به بخش خصوصی	
	s1148	انتقاد از تمرکز اقتصادی دهه ۶۰ و نادیده‌گرفتن بخش خصوصی	
	s1149	فضای جدید و تغییر نگرش نسبت به بخش خصوصی و اقتصاد	
	s1150	لزوم تعادل بین نقش دولت و بخش خصوصی در اقتصاد	
	s1151	تحقق منافع بلندمدت اقتصادی از طریق اجرای	

		صحيح سياست‌هاى اصل ۴۴	پشت فرمان مینشینید و هدایتش میکنید. شما این موتور را کنار گذاشتید و همه‌ی باری را که توی این وانت است، خودتان روی دوش گرفتید، هن و هن دارید جلو میروید؛ هم نمیرسید، هم خسته میشوید، هم همه‌ی بار حمل نمیشود، هم این موتور اینجا بیکار میماند. این موتور، بخش خصوصی است. این را آن زمان به آنها میگفتیم، اثر هم نمیکرد. امام هم هرچه میگفتند به مردم بدهید، اینها میگفتند مراد از مردم، بخش خصوصی نیست - مراد نظر امام را توجیه میکردند! - مردم یعنی توده‌ی مردم. به توده‌ی مردم چه جوری میشود کمک کرد؟ دولت اقتصاد را در دست بگیرد، به توده‌ی مردم کمک کند. فرمایش امام را اینجوری معنا میکردند! خوب، این توجیه، غلط بود. الان فضا، فضای دیگری است. همان کسانی که آن زمان آنجور حرف میزدند، حالا صد و هشتاد درجه برگشته‌اند؛ یعنی باز هم در حد تعادل قرار ندارند، خط وسط نیستند. آن افراط بود، این طرف هم همانها دارند تفریط میکنند. بالاخره یک خط متعادلی وجود دارد. خط متعادل همین است: سرمایه‌ی مردم و مدیریت مردم اقتصاد را بر دوش بگیرد و کنترل و هدایت به عهده‌ی دولت باشد. اگر چنانچه ان‌شاءالله این کار بخوبی انجام بگیرد - که البته در کوتاه‌مدت هم انجام نمیگیرد؛ این جزو کارهای میان‌مدت و بلندمدت است و زحمت هم دارد - واقعاً یک فرجی برای اقتصاد کشور خواهد شد	
بیانات در دیدار مردم لا ۱۳۸۷/۰۲/۱۹ -	s1152	نقش همت مردم در بی‌نیاز کردن کشور از وابستگی	این همت مردم است که میتواند کشور را بینياز کند. سرمایه‌گذاریهائی که مردم انجام میدهند در بخشهای مختلف، بسیار ارزشمند است؛ بخصوص در بخشهای تولیدی. و من برای آن مردمی که به کارهای خدمت‌رسانی به مردم علاقه‌مندند، این را بهترین عمل، بهترین حسنه و صدقه میدانم که در کارهای تولیدی سرمایه‌گذاری کنند؛ هم اشتغال ایجاد شود، هم به پیشرفت کشور کمک کند، هم فقر و محرومیت را از بخشهای مهمی از کشور برطرف	33
	s1153	ارزش سرمایه‌گذاری مردمی به‌ویژه در بخش‌های تولیدی		
	s1154	سرمایه‌گذاری تولیدی به‌عنوان بهترین عمل خیر و صدقه		

		کمک به اشتغال، پیشرفت کشور و رفع فقر از طریق سرمایه‌گذاری مردمی سیاست عمومی نظام جمهوری اسلامی: استفاده از سرمایه مالی و فکری مردم	کند. این آن سیاست عمومی نظام جمهوری اسلامی است: کمک گرفتن از سرمایه‌ی مالی، سرمایه‌ی فکری، بازوی توانا و کارآمد مردم عزیزمان که کشور مال آنهاست و آینده متعلق به آنهاست.	
بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت 1386/06/04 -	s1156	اهمیت سیاست‌های اصل ۴۴ در شکوفایی اقتصاد کشور	سیاست‌های اصل ۴۴ خیلی مهم است... اقتصاد کشور باید شکوفا بشود؛ نیروهای مردمی باید به میدان اقتصاد بیایند و کار کنند؛ این هم با حرف و گفتن عملی نمیشود، عمل و اقدام لازم دارد و باید حس بشود. حالا بحث سرمایه‌گذاری مطرح میشود؛ یک وقتی این‌جا - چند سال قبل از این - یک جلسه‌ی مفصلی از مسئولین بخشهای مختلف اقتصادی برگزار شد؛ یکی از آقایان حرف خوبی زد؛ گفت: ما به خارجیها میگوییم بیایند این‌جا سرمایه‌گذاری کنند! خب خارجیها نگاه میکنند ببینند سرمایه‌گذارهای داخلی ما در داخل کشور سرمایه‌گذاری میکنند یا نه؟! این ویتترین ماست؛ اگر دیدند کسانی در داخل که قدرت سرمایه‌گذاری دارند، در داخل کشور با خیال راحت سرمایه‌گذاری میکنند، آن وقت آنها هم تشویق میشوند و می‌آیند؛ اما وقتی ببینند اینها خودشان این‌جا سرمایه‌گذاری نمیکنند، خیلی مشکل است که سرمایه‌گذار خارجی را انسان قانع کند که بیا اینجا سرمایه‌گذاری کن تا ما از آن سرمایه‌گذاری تو استفاده کنیم! اینها همه‌اش در سیاست‌های اصل ۴۴ مورد توجه قرار گرفته است.	34
	s1157	ضرورت حضور نیروهای مردمی در عرصه اقتصاد		
	s1158	لزوم اقدام عملی برای تحقق سیاست‌های اقتصادی		
	s1159	نقش سرمایه‌گذاری داخلی در تشویق سرمایه‌گذاران خارجی		
	s1160	ویتترین بودن سرمایه‌گذاری داخلی برای جذب سرمایه خارجی		
بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی 1385/11/30 -	s1161	ساختار سیاست‌های اصل ۴۴ از بند «الف» تا بند «ه»	سیاست‌های [اصل 44] از بند «الف» دارد تا بند «ه». پنج بند است. بند «الف» که خودش دو بخش است: یک بخش آزاد کردن دولت از بار سنگین شرکتهایی است که در ذیل اصل ۴۴ به آن شرکتها اشاره شده؛ یعنی چیزهایی که مربوط به صدر اصل ۴۴ بود و باید خودش را زودتر از اینها خلاص کند. یک بخش دیگر این است که به مردم، به بخشهای خصوصی و تعاونی اجازه داده میشود که در مواردی که مشابه صدر اصل ۴۴ هست، سرمایه‌گذاری کنند. بند «ب» مربوط به تعاونیهاست و خصوصياتی که	35
	s1162	آزادسازی دولت از بار سنگین شرکتهای ذکر شده در اصل ۴۴ (بند «الف»)		

	s1163	اجازه به بخش‌های خصوصی و تعاونی برای سرمایه‌گذاری در موارد مشابه صدر اصل ۴۴ (بند «الف»)	مربوط به تعاونیهاست، در آن ذکر شده. بند «ج» مربوط به واگذاریهاست؛ یعنی واگذاری همان شرکتیایی که در صدر اصل ۴۴ آمده؛ با یک استثنایی. چند استثنا در آنجا ذکر شده. بند «د» باز خودش دو بخش دارد. یک بخش الزامات، که دولت کارهایی را باید انجام بدهد تا این انتقال صحیح انجام بگیرد و تسهیل بشود و بخش خصوصی به این کار رغبت پیدا کند؛ یک بخش هم مربوط به مصارف درآمدهای این است که وقتی به بخش خصوصی یا تعاونی واگذار میکنند، مابه‌ازای او و درآمد او که در دولت می‌آید، در کجا مصرف بشود. بند آخر هم که بند «ه» است، مربوط به سیاستهای حاکمیتی دولت است. دولت سیاستهای حاکمیتی خودش را باید حفظ کند، برنامه‌گذاری کند، سیاستگذاری کند، هدایت کند، در یک موارد خاصی سرمایه‌گذاری کند، متمرکز بشود؛ در یک موارد خاصی، از قبیل آنچه که عرض کردیم. همه‌ی این بندها باید با هم مد نظر قرار بگیرد. والا ما بعضی از این بندها را جلو بیندازیم، بعضی از بندها را فراموش کنیم، این عدم تعادل به وجود خواهد آمد و درست نیست.
	s1164	مشخصات مربوط به تعاونی‌ها در بند «ب»	
	s1165	واگذاری شرکت‌ها به بخش خصوصی و استثنائات مربوطه (بند «ج»)	
	s1166	الزامات و مصارف درآمدهای واگذاری‌ها در بند «د»	
	s1167	سیاست‌های حاکمیتی دولت در بند «ه»	
	s1168	ضرورت اجرای متوازن تمامی بندهای اصل ۴۴ برای جلوگیری از عدم تعادل	
بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۳۸۵/۱۱/۳۰ -	s1169	برداشت‌های متفاوت از اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ و اهداف آن	36
	s1170	عدم توجه کافی به اهمیت تحول اقتصادی ناشی از اجرای اصل ۴۴	

			یعنی اول خرداد ۸۴ تا امروز، یک سال و نیم بیشتر میگذرد. پیشرفتها در این باب رضایت‌بخش نیست. این را من صریحاً به رؤسای محترم سه قوه در یکی دو ماه قبل از این، گفتم؛ به شما هم که مسئولان رده‌های مختلف پیشرفت این کار در بخشهای مختلف هستید، عرض میکنم. حالا چرا این پیشرفتها خوب نیست؟ یا به خاطر اینکه توجه لازم به اهمیت این سیاستها و آنچه که در پس زمینه‌ی ابلاغ این سیاستها دیده شده بود - یعنی یک تحول عظیم اقتصادی در کشور و ابعاد آن - نشده؛ یا به خاطر اینکه از مسئله، برداشتهای مختلفی هست. افراد هر کدامی در دستگاههای مختلف یا حتی در یک دستگاه، از بندهای مختلف این سیاستها و از مقاصد آنها و از نتیجه‌ای که باید بر اجرای آن سیاستها عاید بشود، متفق‌القول نیستند؛ درک واحدی و برداشت واحدی ندارند.	
بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت - 1383/06/04	s1171	نارضایتی از پیشرفت ناکافی در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴		
	s1172	ترکیب توسعه و عدالت در سیاست‌های اقتصادی	ما هم توسعه‌محوریم، هم عدالت‌محور. ما طبق برخی از سیاستهایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که میخواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متنافی نیستند... این نکته باید در همه موارد؛ هم در کاهش حجم دولت، هم در مسأله‌ی خصوصی سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود. ما منابع مالی کشور را کجا بیشتر مصرف میکنیم؟ البته این یکی از نقاط درست است؛ این که دوستان تکیه کردید که ما این مقدار را به بخش خصوصی از حساب ذخیره‌ی ارزی یا از منابع دولتی تزریق کردیم؛ این فلسفه‌ی درست و سیاست درستی است؛ منتها در کنار این، توجه کنید که ما با این کار عقب‌افتادگیهایمان را جبران کنیم و نباید به سمت افراط	37
	s1173	تأکید بر رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی		
	s1174	ضرورت رعایت عدالت در کاهش حجم دولت و خصوصی سازی		
	s1175	تقسیم متعادل منابع ملی میان بخش خصوصی، تعاونی و دولتی		
	s1176	تزریق منابع مالی به بخش خصوصی از حساب ذخیره ارزی و منابع دولتی		
	s1177	جلوگیری از افراط در واگذاری منابع و تقویت بخش تعاونی		

		s1178	حفظ دارایی‌های دولت برای مصلحت عمومی و جلوگیری از نابودی آنها	در این زمینه برویم. بخش تعاونی را تقویت کنیم، اموال دولت و داراییها و موجودیهای دولت را برای رعایت مصلحت عموم حفظ کنیم و مواظب باشیم که اموال دولت و داراییهای دولت در زیر این قالب و چهارچوب از بین نرود و نابود نشود.	
بیانات در دیدار مسئولان وزارتخانه‌های صنایع و بازرگانی 1380/04/10 -		s1179	توجه به جایگاه بخش صنعت به‌عنوان پیشقراول توسعه اقتصادی	ما باید به جایگاه بخش صنعت در کشور توجه کنیم؛ چون... پیشقراول توسعه اقتصادی کشور، بخش صنعت است. بخش صنعت را باید با تدبیر، مدیریت و امکان دادن و میدان دادن به سرمایه‌های مردم - که بتوانند در بخش صنعت سرمایه‌گذاری کنند - پیش برد. ما این را در سیاستهای [اصل 44] هم آورده‌ایم. این اقدام باید به دور از هرگونه حرکت امتیازجویانه و امتیازخواهانه باشد؛ چه برای بخش دولتی و چه برای عناصری که از امتیاز استفاده میکنند.	38
		s1180	ضرورت سرمایه‌گذاری مردم در بخش صنعت برای پیشبرد آن		
		s1181	اجتناب از امتیازخواهی در توسعه بخش صنعت (برای بخش دولتی یا عناصر خاص)		
بیانات در دیدار کارگران 1403/02/05 -		s1182	تأکید بر اهمیت اقتصاد و شعارهای اقتصادی در سال‌های اخیر	یکی از مسائل مهم امروز کشور مسئله «اقتصاد» است؛ لذاست که ما این چندساله، در شعار سال، روی نقطه‌های حساس اقتصادی تکیه کرده‌ایم. امسال [1403] هم گفتیم «جهش تولید»، نه «افزایش تولید»؛ «جهش»! جهش چه جوری حاصل میشود؟ با مشارکت مردم. بنده عقیده‌ی راسخ دارم، نظر همه‌ی کارشناس‌های اقتصادی صاحب‌نظر ما هم همین است که اگر مردم وارد میدان اقتصاد بشوند، بخصوص اگر وارد میدان تولید بشوند، تولید جهش پیدا میکند؛ تولید که جهش پیدا کرد، کشور ثروتمند میشود، آحاد مردم ثروتمند میشوند، جیب کارگر پر میشود، دست کارگر پر میشود، اشتغال افزایش پیدا میکند، بیکاری کم میشود و مشکلات فراوان کارگری و اقتصادی در کشور از بین میرود. این مسئله‌ی اقتصاد است.	39
		s1183	جهش تولید به‌عنوان راه‌حل اقتصادی کشور با مشارکت مردم		
		s1184	تأثیر جهش تولید در بهبود وضعیت اقتصادی آحاد مردم		

بیانات در دیدار کارگران - 1403/02/05	s1185	ضرورت تبیین و آماده‌سازی زمینه‌های مشارکت مردم در تولید	«مشارکت مردم» [در جهش تولید] چه جوری [حاصل] میشود؟ این سؤال است دیگر. حالا یک نفری فرض کنید که مایل است در جهش تولید شرکت کند؛ چه جوری شرکت کند؟ چه کسی باید به او یاد بدهد؟ حرف من این است. یکی از وظایف مهم مسئولین این است که بنشینند زمینه‌های حضور مردم و مشارکت مردم در تولید را، در کار تولیدی را تبیین کنند و زمینه‌ها را آماده کنند. حالا مثلاً یکی‌اش تعاون است — ایجاد شرکتهای تعاونی تولید — یکی‌اش کمک به کارهای خانگی است؛ یکی کمک به کارهای دستی است؛ یکی کمک به ایجاد شرکتهای دانش‌بنیان است. البته دولت میتواند از صاحب‌نظران اقتصادی که در دولت بحمدالله هستند و در خارج دولت هم هستند، استفاده کند؛ اینها میتوانند راه‌های فراوان دیگری را ارائه بدهند که [موجب] مشارکت مردم باشد؛ مشارکت در زمینه‌ی مسائل صنعتی، مسائل خانگی، صنایع دستی، مسئله‌ی کشاورزی، مسئله‌ی دامداری؛ در همه‌ی اینها مردم میتوانند مشارکت کنند؛ راهش باید به مردم نشان داده بشود، زمینه‌ی مشارکت مردم فراهم بشود، بحث مشارکت مردم آسان‌سازی بشود.	40
	s1186	روش‌های مشارکت مردم در جهش تولید، از جمله تعاونی‌ها و کارهای خانگی		
	s1187	نقش شرکت‌های دانش‌بنیان در مشارکت مردم در تولید		
	s1188	استفاده از نظرات کارشناسان برای شناسایی راه‌های مشارکت مردم		
	s1189	مشارکت مردم در صنایع، کشاورزی و دامداری		
	s1190	آسان‌سازی و تسهیل مشارکت مردم در تولید		
بیانات در دیدار مسئولان نظام - 1403/01/15	s1191	نقش ستادی دولت در هدایت و نظارت بر مسائل اقتصادی	دولت در مسائل اقتصادی، ستادی عمل کند؛ هدایت کند؛ در مسئله‌ی آمایش سرزمینی، مسئله‌ی نوع فعالیت اقتصادی که باید هر جا انجام بگیرد، نظارت کند، مراقبت کند که تخلفی به وجود نیاید. عامل هم مردم [باشند]. مردم هم عمل اقتصادی را انجام بدهند؛ یعنی تفکیک بین وظایف دولت و وظایف مردم. راه ورود مردم در عرصه‌های اقتصادی بایستی باز بشود؛ این، کشور را نیرومند میکند، اقتصاد را باثبات میکند. البته سیاستهای اصل ۴۴ بخشی از این قضیه است، که سالها پیش این سیاستها ابلاغ شده [سال 1384] و این سیاستها مستفاد از خود قانون اساسی است.	41
	s1192	تفکیک وظایف دولت و مردم در فعالیت‌های اقتصادی		
	s1193	اهمیت آمایش سرزمینی و عدالت اقتصادی منطقه‌ای		
	s1194	لزوم باز کردن راه ورود مردم به عرصه‌های اقتصادی		
	s1195	تأثیر مشارکت مردم در تقویت و ثبات اقتصادی کشور		
	s1196	نقش سیاست‌های اصل ۴۴ در مشارکت مردم در اقتصاد		

بیانات در دیدار مسئولان نظام - 1403/01/15	s1197	امکان‌پذیری رشد اقتصادی ۸ درصد در سیاست‌های برنامه هفتم	صاحب‌نظران اقتصادی می‌گویند رشد [اقتصادی] هشت درصد امکان‌پذیر است، که در سیاست‌های برنامه‌ی هفتم هم رشد هشت درصد آمده است. بعضی استبعاد میکنند که آیا این امکان‌پذیر است یا نه؛ صاحب‌نظران اقتصادی می‌گویند رشد هشت درصد میتواند [محقق شود] و اگر این رشد استمرار پیدا کند — نه اینکه یک سال رشدی پیدا بشود، بعد تنزل پیدا کند — قطعاً در وضع زندگی مردم یک گشایش مطلوب و خوبی حاصل خواهد شد. البته رشد اقتصادی به‌تنهایی هم کافی نیست؛ یعنی برای اینکه در وضع زندگی مردم و معیشت مردم و طبقات ضعیف یک تحولی صورت بگیرد، صرفاً رشد اقتصادی کافی نیست، بلکه چیزهای دیگری هم لازم است: برابری فرصتها برای دستیابی به امکانات؛ این از جمله‌ی کارهای بسیار مهم است؛ برای مشارکت، امکانات در سطوح مختلف به نحو صحیح و عادلانه‌ای تقسیم بشود. اینها البته کارهای آسانی هم نیست، کارهای دشواری است؛ [باید] آموزش داده بشود، مهارت داده بشود. بسیاری از جوانهای ما مایلند کار کنند و به مهارت نیاز دارند. یک بخشی باید برای مهارت‌افزایی جوانان وجود داشته باشد که البته مدیران ارشد میتوانند برنامه‌ریزی کنند، در این زمینه‌ها کار کنند، کار انجام بگیرد. و راه‌های مشارکت باید به مردم نشان داده بشود. ما می‌گوییم «مردم در اقتصاد مشارکت کنند»؛ خوب چه جوری مشارکت کنند؟ راه‌های مشارکت [نشان داده بشود]. کسانی بنشینند شیوه‌های ممکن برای مشارکت قشرهای مختلف مردم را نشان بدهند که حالا یک نمونه‌اش همین شرکتهای دانش‌بنیان است که برای بخشی از جوانها این یک راهی برای مشارکت اقتصادی است. کسانی میتوانند بنشینند فکر کنند. به نظر من، دولت و مجلس نیاز دارند به یک گروه زبده‌ی صاحب فکر و صاحب اندیشه که بنشینند اندیشه‌ورزی کنند، راه‌های مختلف مشارکت مردم را به مردم نشان بدهند. کارهای مشکلی است، اما کاملاً عملی است که بتوانند حتی با سرمایه‌های اندک وارد میدان مشارکت بشوند.
	s1198	ضرورت استمرار رشد اقتصادی برای تأثیرگذاری مطلوب بر زندگی مردم	
	s1199	کافی نبودن رشد اقتصادی به‌تنهایی برای بهبود معیشت مردم و نیاز به برابری فرصتها	
	s1200	اهمیت تقسیم عادلانه امکانات و فراهم‌سازی فرصتها برای مشارکت مردم	
	s1201	ضرورت مهارت‌آموزی برای جوانان جهت ورود به عرصه‌های اقتصادی	
	s1202	نشان دادن راه‌های مشارکت اقتصادی به مردم، به‌ویژه از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان	
	s1203	نیاز دولت و مجلس به گروه‌های زبده برای ارائه راهکارهای مشارکت اقتصادی مردم	

سخنرانی نوروزی در جمع اقشار مختلف مردم 1403/01/01 -	s1204	فعال سازی همه بخش های کشور برای شکوفایی اقتصاد	43 برای اینکه اقتصاد کشور شکوفا بشود، همه ی چرخ دنده های بزرگ و کوچک کشور باید به کار بیفتد؛ همه باید تلاش کنند؛ هم از زیرساخت های کشور استفاده بشود، هم از ابتکارات مردمی استفاده بشود، هم از قدرت مدیریت فعالان اقتصادی و فعالان مدیریتی استفاده بشود؛ از نیروهای جوان تحصیل کرده به معنای واقعی کلمه بایستی استفاده بشود؛ از شرکتهای دانش بنیان بایستی حمایت بشود؛ اینها همه ابزارهایی هستند، وسایلی هستند که اگر به طور مجموع مورد توجه قرار بگیرند، بدون شک، اقتصاد کشور را به شکوفایی خواهند رساند... خب این، آن چیزی است که در شعار امسال [جهش تولید با مشارکت مردم]، مورد نظر ما بوده. ما معتقدیم بایستی بر روی مسئله ی اقتصاد تکیه بشود و برای موفقیت در این راه، از مشارکت مردم به معنای واقعی کلمه استفاده بشود؛ میخواهیم همه ی نیروها در این راه بسیج بشوند. این هنر مسئولین ما است که بایستی ان شاء الله راهش را پیدا کنند و این حرکت را انجام بدهند.
	s1205	استفاده از زیرساخت ها و ابتکارات مردمی در شکوفایی اقتصادی	
	s1206	اهمیت استفاده از مدیریت فعالان اقتصادی و نیروهای جوان تحصیل کرده	
	s1207	حمایت از شرکت های دانش بنیان به عنوان ابزار شکوفایی اقتصادی	
	s1208	تأکید بر مشارکت مردم در تحقق اهداف اقتصادی	
	s1209	نقش مسئولین در بسیج نیروها و هدایت مشارکت مردم در اقتصاد	
سخنرانی نوروزی در جمع اقشار مختلف مردم 1403/01/01 -	s1210	هدف کلی برنامه هفتم: شکوفایی اقتصاد همراه با عدالت	44 هدف کلی برنامه ی هفتم، شکوفایی اقتصاد، همراه با عدالت است. لکن برای پایان این برنامه اهدافی را ذکر کرده اند که این اهداف خیلی مهم است: تکریمی کردن تورم؛ اصلاح ساختار بودجه؛ تحوّل در نظام مالیاتی؛ تولید حداقل نود درصد از کالاهای اساسی در داخل کشور — اینها کارهای بزرگی است — افزایش بهره وری آب کشاورزی — که این از مشکلات کشور است و در این برنامه ی هفتم مورد توجه قرار گرفته — و طرحهای عظیم ملی بزرگ. خب، اگر ما بخواهیم به این اهداف دست پیدا کنیم، به نظر من بدون حضور مردم ممکن نیست، بایستی با حضور مردم انجام بگیرد. من میخواهم ملت ایران به این توجه کنند؛ البته هر کسی توانایی هایی دارد، همه در یک حد نیستند، همه یک جور نیستند، کمکها همه از یک نوع نیست، اما مجموع
	s1211	اهداف مهم برنامه هفتم: تکریمی کردن تورم، اصلاح ساختار بودجه، و تحوّل در نظام مالیاتی با حضور مردم	
	s1212	تولید ۹۰ درصد کالاهای اساسی در داخل کشور	
	s1213	افزایش بهره وری آب کشاورزی به عنوان یکی از مشکلات مهم کشور	

	s1214	ضرورت اجرای طرح‌های عظیم ملی در برنامه هفتم	کمکها از سوی مردم — که بایستی اینها برنامه‌ریزی بشود — میتواند ما را به این هدفها برساند.	
	s1215	نقش حیاتی حضور مردم در تحقق اهداف برنامه هفتم		
	s1216	تنوع در توانایی و نوع مشارکت مردم در دستیابی به اهداف اقتصادی		
بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی - 1402/11/10	s1217	نقش دولت در حمایت از بخش خصوصی در صادرات و بازارهای خارجی	یکی از کمکهایی که دولت [در بخش خصوصی] میتواند بکند، در زمینه صادرات و بازارهای خارجی است. کارهایی که شرکتهای مهم دنیا و بنگاههای بزرگ دنیا میکنند، به پشتوانه‌ی دولتهایشان میکنند؛ دولتها به آنها کمک میکنند، راه را باز میکنند؛ [اگر] مشکلی برایشان پیدا بشود — چه مشکل حقوقی، چه مشکل مالی — به آنها کمک میکنند. یکی از کارهایی که دولت باید بکند همین است؛ یعنی دیپلماسی اقتصادی کار مشترکی است که یک بخشش مربوط به بخش خصوصی اقتصادی است، یک بخشش مربوط به دستگاه رسمی دیپلماسی کشور است که بایستی این قضیه را دنبال کند.	45
	s1218	ضرورت کمک دولت به حل مشکلات حقوقی و مالی بخش خصوصی در بازارهای بین‌المللی		
	s1219	حمایت دیپلماتیک از فعالیت بخش خصوصی		
بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی - 1402/11/10	s1220	گسترده‌ی زمینه‌های مشارکت مردم در صنایع بزرگ و کوچک	زمینه‌ی مشارکت... [مردم در اقتصاد] خیلی گسترده است... شما از صنایع بزرگی مثل نفت، مثل گاز، مثل فولاد بگیرید، تا مثلاً صنایع دستی؛ در همه‌ی این زمینه‌ی گسترده‌ی وسیع، امکان مشارکت مردم وجود دارد؛ سرمایه‌های مردم، ذهن مردم، دستهای توانای مردم، سرانگشتان فعال و مبتکر مردم میتواند فعال بشود و کار کند [که در نتیجه] اشتغال زیاد خواهد شد، فقر کمتر خواهد شد. بنابراین، این زمینه‌های گسترده وجود دارد؛ منتها، هم دستگاه‌های دولتی باید احساس مسئولیت کنند، هم خود فعالان اقتصادی باید احساس مسئولیت کنند؛ یعنی از دو طرف احساس مسئولیت لازم است.	46
	s1221	نقش سرمایه‌های مردمی و توانایی‌های آنها در اقتصاد		
	s1222	تأثیر مشارکت مردمی بر افزایش اشتغال و کاهش فقر		
	s1223	ضرورت احساس مسئولیت مشترک بین دستگاه‌های دولتی و فعالان اقتصادی		
بیانات در دیدار مسئولان نظام - 1402/01/15	s1224	ضرورت مشارکت مردم در اجرای شعار «مهار تورم و رشد تولید»	یکی از مهم‌ترین الزامات اجرای شعار «مهار تورم و رشد تولید»، مشارکت دادن مردم است؛ این یک مسئله‌ی تعیین‌کننده است، مسئله‌ی بسیار مهمی است. ما در این [بخش] ضعیف عمل کرده‌ایم؛ در طول این سالهای متمادی، انصافاً ضعیف عمل کرده‌ایم. اگر چنانچه بتوانیم نه در حرف که دائماً گفته‌ایم، [بلکه] در عمل... مشارکت مردم را جلب کنیم، رشد تولید قطعی خواهد بود. آن	47
	s1225	ضعف در جلب مشارکت عملی مردم در تولید طی سال‌های گذشته		

	s1226	تأثیر مشارکت مردم بر رشد تولید و مهار تورم	چیزی که قطعاً رشد تولید را به وجود می‌آورد، حضور مردم در تولید است؛ در بخشهای مختلف، و از تولیدات اندک و کوچک تا تولیدات بزرگ به وسیله‌ی مردم [انجام شود]. خود همین رشد تولید، تأثیر میگذارد در مهار تورم؛ یعنی روی آن هم اثر میگذارد.
	s1227	اهمیت فراهم‌سازی زمینه‌های عملی مشارکت مردم در تولید	خب، با حرف و شعار نمیشود؛ صرف اینکه ما حرفش را بزنیم که «مردم! بیایید شرکت کنید»، کسی [نمی‌آید]، اصلاً این حرف معنی ندارد؛ محصلی ندارد که به مردم بگوییم بیایید شرکت کنید. چه‌جوری شرکت کنند؟ کجا شرکت کنند؟ باید زمینه‌ی مشارکت فراهم بشود.
	s1228	تجربه موفق شرکت‌های دانش‌بنیان در جلب مشارکت مردم و افزایش تولید	یکی از تجربه‌های خوب [مشارکت دادن مردم]، همین شرکت‌های دانش‌بنیان است؛ این تجربه‌ی خوبی است. البته فقط منحصر به این نباید باشد ... اما این یک تجربه‌ی خوبی بود. [برای] شرکت‌های دانش‌بنیان سازوکاری به وجود آمد که موجب شد افرادی که با استعداد بودند، نخبه بودند، توانایی داشتند، انگیزه داشتند، بیایند و هزاران شرکت دانش‌بنیان را به وجود بیاورند، رشد تولید را بالا ببرند، کمک کردند؛ این شرکت‌ها خیلی تأثیر داشت و البته باید افزایش هم پیدا کند. خود این دانش‌بنیان کردن کارها یک برنامه‌ریزی لازم دارد. کدام بخشها باید دانش‌بنیان بشوند؟ مثلاً حالا فرض کنید بخش نفت یا بخش کشاورزی باید دانش‌بنیان بشود؛ چه‌جوری؟ با چه برنامه‌ای؟ چه کسانی میتوانند وارد این کار بشوند؟ این یک طرح و برنامه لازم دارد که [باید] به مردمی که توانایی دارند، علاقه دارند و میخواهند در این کار مشارکت کنند، اعلام بشود. ما از لحاظ نیروی انسانی جوان تحصیل‌کرده ظرفیت بالایی داریم؛ بحمدالله تا کنون، جوان آماده‌ی تحصیل‌کرده خیلی داریم؛ خیلی‌هایشان به کارهایی مشغول هستند که متناسب با رشته‌های تحصیلی‌شان هم نیست، اما مشغولند به خاطر اینکه کاری که متناسب با آن رشته باشد در اختیارشان قرار نگرفته. اگر ما این طراح‌ی را بتوانیم درست انجام بدهیم، این مشکل برطرف خواهد شد. نقشه‌ی راه دانش‌بنیان کردن اقتصاد ملی و برنامه‌ی عملیاتی کردن آن را مسئولین محترم در دولت باید تهیه کنند، به مردم هم اطلاع بدهند و زمینه‌ی مشارکت آنها را فراهم کنند...
	s1229	نیاز به برنامه‌ریزی برای دانش‌بنیان کردن بخش‌های مختلف اقتصادی	مشخص بشود چه بخشهایی در اولویت دانش‌بنیان شدن
	s1230	ظرفیت بالای نیروی انسانی جوان و تحصیل‌کرده در کشور	
	s1231	ضرورت تدوین نقشه راه برای دانش‌بنیان کردن اقتصاد و اطلاع‌رسانی به مردم	
	s1232	ساختارسازی برای مشارکت مردم از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان	

			هستند و شیوه‌های دانش‌بنیان شدن آنها چیست؛ اینها را مشخص کنند، به اطلاع مردم برسانند. باید ساختارسازی بشود؛ [برای] اشتراک مردم به صورت شرکتهای دانش‌بنیان، باید یک ساختاری تولید بشود، به وجود بیاید و به مردم هم اعلام بشود.	
بیانات در دیدار مسئولان نظام - 1402/01/15	s1233	ضرورت فراهم‌سازی فرصت‌های شغلی برای مردم	ما باید کاری کنیم که مردم بتوانند، همه‌ی کسانی که نیرو دارند، توان کار دارند، در به‌اصطلاح محدوده‌ی کار کردن هستند، بتوانند یک کاری انجام بدهند که به زندگی‌شان کمک کند، معیشتشان را بهتر کند، به تعبیر رایج، سفره‌ی آنها را رنگین‌تر بکند، که بند اول سیاستهای اقتصاد مقاومتی هم ناظر به همین است. تمهیداتی را باید انجام بدهید تا طبقات کم‌درآمد به این وسیله درآمدشان بالا برود. آن‌وقت توانمندسازی طبقات ضعیف به این شکل انجام خواهد گرفت؛ یعنی نقشه‌ی راه کاملی در این زمینه به وجود بیاید، و میتواند به وجود بیاید؛ یعنی سازمان برنامه و امثال این تشکیلات در دولت، میتوانند بنشینند و طراحی کنند و مشخص کنند که آحاد مردم، قشرهای ضعیف مردم، چگونه میتوانند در فعالیتهای اقتصادی همکاری کنند. بهترین راه عدالت‌بنیان کردن اقتصاد همین است. اینکه ما روی مسئله‌ی عدالت که اساس کار اقتصاد در اسلام عدالت است — «لَيَقُومُ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» — [تأکید میکنیم]، عدالت‌بنیان کردن از این راه به وجود خواهد آمد؛ بتوانیم امکان کار کردن و درآمد کسب کردن را برای همه‌ی مردم فراهم کنیم. من اطلاع دارم بعضی از دستگاه‌ها مثلاً در مناطق دوردست کشور، یعنی خیلی دور از تهران، مثلاً در روستاها رفته‌اند، کارهایی را انجام داده‌اند، توانسته‌اند خانواده‌هایی را گاهی مثلاً فرض کنید با چند رأس گوسفند — حالا این نمونه‌های خیلی کوچکش این‌جوری است — احیا کنند؛ یک خانواده با داشتن مثلاً فرض کنید چند رأس گوسفند یا در یک جاهایی در ایرانشهر که ما بودیم، با بُز — بُزهای مخصوصی که آنجا هستند — و مانند اینها احیا شده. از اینجا بگیرید تا کارهای بسیار بزرگی که میتواند یک شهر را، یک منطقه را آباد بکند.	48
	s1234	افزایش معیشت و درآمد طبقات ضعیف از طریق تمهیدات اقتصادی		
	s1235	توانمندسازی طبقات ضعیف با نقشه راه اقتصادی مشخص		
	s1236	عدالت‌بنیان کردن اقتصاد از طریق فراهم‌سازی فرصت‌های شغلی		
	s1237	اهمیت مشارکت آحاد مردم برای تحقق عدالت اقتصادی		
	s1238	کارآمدی کسب و کارهای کوچک مردمی در مناطق دوردست و روستاها		

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی 1402/01/01 -	s1239	تصدی‌گری افراطی دولت به‌عنوان مهم‌ترین مشکل اقتصاد کشور	شاید بشود گفت مهم‌ترین مشکل اقتصاد ما تصدی‌گری دولتی است. بیشترین توجه ما در دهه‌ی ۶۰ به این مسئله بود که کلید اقتصاد کشور را به دولت بسپریم؛ این به اقتصاد ما ضربه زد؛ این مربوط به خود ما است، ما خودمان کردیم. شاید مهم‌ترین نقطه‌ضعف اقتصاد ما تصدی‌گری افراطی دولت است. وقتی که مردم از مدیریت اقتصادی و فعالیت اقتصادی کنار میمانند، کارهای بزرگ، شرکت‌های مهم، تولیدهای ثروت‌ساز برای کشور در اختیار دولت قرار میگیرد و در اختیار فعالان اقتصادی از مردم قرار نمیگیرد، همین مشکلاتی پیش می‌آید که ما امروز در اقتصادمان مشاهده می‌کنیم. مهم‌ترین مشکل ما «دولتی بودن اقتصاد» است. در ارائه و اعلام سیاست‌های اقتصادی اصل ۴۴ با کمک کارشناسان متعدد با دقت روی این کار کردیم — یعنی کارشناس‌ها کار کردند — و سیاست‌ها ابلاغ شد. بنای این سیاست‌ها بر این بود که ما مدیریت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی مورد نیاز مردم را به مردم بسپریم؛ البته بعضی از بخش‌ها هست که یا مردم طالب آن نیستند یا حتماً باید در اختیار دستگاه‌های دولتی باشد؛ آنها به کنار، اما بخش‌های مهم اقتصاد باید در اختیار مردم باشد. بارها این را تکرار کردیم که بنگاه‌های دولتی، شرکت‌های دولتی، شرکت‌های شبه‌دولتی — که با تعبیر زشت «خصوصی» از آنها یاد میکنند که تعبیر خوبی نیست؛ [بلکه] شبه‌دولتی است — باید با بنگاه‌های خصوصی رقابت نکنند و بگذارند تولید را مردم انجام بدهند. ما آن روزی که همه‌ی سررشته‌ی کارها را دست دولت دادیم، به این نیت این کار را کردیم که عدالت اقتصادی برقرار بشود؛ و عدالت اقتصادی برقرار نشد. به خطا خیال میکردند که اگر چنانچه کلید اقتصاد دست دولت باشد، عدالت اقتصادی به وجود می‌آید؛ این اشتباه بود و چنین چیزی اتفاق نیفتاد. دولت تصدی‌گری را بایستی کم کند، نظارت را باید زیاد کند؛ دخالت را کم کند، نظارت را زیاد کند؛ مراقبت کنند. یکی از عیوب بزرگ اقتصاد ما، شاید بزرگ‌ترین عیب اقتصاد ما این است؛ این را به هر کدام از دولتهای متعدد که سر کار آمدند سفارش شده که واگذار کنید؛ این واگذاری‌ها بعضی انجام نگرفت، بعضی‌ها به شکل غلط انجام گرفت. به جای اینکه به سود مردم واگذار بشود، در مواردی به ضرر مردم واگذار شد. این
	s1240	ضررهای سپردن کلید اقتصاد کشور به دولت در دهه ۶۰	
	s1241	ضرورت سپردن مدیریت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی به مردم	
	s1242	رقابت ناعادلانه شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی با بخش خصوصی	
	s1243	نقش تصدی‌گری دولتی در عدم تحقق عدالت اقتصادی	
	s1244	کاهش دخالت و افزایش نظارت دولت در اقتصاد	
	s1245	مشکلات ناشی از واگذاری‌های نادرست به ضرر مردم	

			موجب شد که این کار انجام نگیرد. امروز هم یکی از کارهای اساسی‌ای که دولت محترم باید انجام بدهد، این است که با دقت، با مراقبت، با نظارت لازم مدیریتهای اقتصادی را به خود مردم بسپارد.	
بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی - 1402/01/01	s1246	ضرورت رشد اقتصادی سریع و مستمر برای بهبود وضع اقتصاد کشور	یکی از مهم‌ترین مسائلی که ما نیاز داریم برای اینکه وضع اقتصاد کشور بهتر بشود، رشد مستمر و سریع است. رشد اقتصادی ما ضعیف بوده. ما در سیاستهای اقتصادی‌ای که به دولتها اعلام کردیم، رشد هشت درصدی را اعلام کردیم؛ در حالی که در بسیاری از سالهای دهه‌ی ۹۰ رشد ما زیر صفر بوده است. در مجموع هم وقتی که تحویل و تحوّل دولت انجام گرفت، رشد بسیار پایین بود؛ حالا رقمهای دقیقش را نمیخواهم عرض بکنم، مثلاً حدود یک درصد یا کمتر. ما به رشد اقتصادی سریع و مستمر احتیاج داریم؛ نه اینکه یک سال رشد داشته باشیم، بعد مجدداً توقف داشته باشیم. ما کی میتوانیم این رشد سریع و مستمر را به دست بیاوریم؟ آن وقتی که با کمک و هدایت مردم بتوانیم تولید را افزایش بدهیم. مسئولان محترم دولتی و همچنین نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی بایستی مردم را به ایفای نقش مؤلّد در اقتصاد ترغیب کنند و آنها را هدایت کنند؛ برای بخش خصوصی اعتماد ایجاد کنند که سرمایه‌گذاری کند، کارآفرینی کند؛ بخش خصوصی میتواند. در سال ۱۴۰۱، در بهمن ماه، عده‌ای از فناوران مهمّ کشور با بنده در حسینیّه ملاقات کردند؛ بعضی از آنها صحبت کردند؛ مطالبی که گفتند، حقایقی که گفتند و نمونه‌هایی که در آنجا نشان دادند، حیرت‌آور است؛ یعنی، توانایی ملت ایران را نشان میدهد. ما توانایی زیادی داریم، میتوانیم کارهای بزرگی انجام بدهیم. اگر از توانایی ملت در قضیه‌ی اقتصاد استفاده بشود وضع معیشت مردم حتماً بهتر خواهد شد، وضع تورّم حتماً بهتر خواهد شد. ما شعار سال [1402] را، از جمله، مهار تورّم قرار دادیم و رشد تولید «مهار تورّم و رشد تولید». مهار تورّم متوقّف است به افزایش تولید و افزایش تولید، دست مردم است؛	50
	s1247	رشد اقتصادی ضعیف در دهه ۹۰ و اهمیت افزایش رشد به ۸ درصد		
	s1248	نقش مردم در افزایش تولید و تحقق رشد اقتصادی		
	s1249	ایجاد اعتماد برای بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری و کارآفرینی		
	s1250	توانایی بالای ملت ایران در انجام کارهای بزرگ اقتصادی		
	s1251	ارتباط بین مهار تورّم و رشد تولید در شعار سال ۱۴۰۲		
	s1252	مهار تورّم از طریق افزایش تولید و مشارکت مردم		

			اگر چنانچه مردم اقدام کنند، همّت کنند، این کار عملی است و ممکن است انجام بگیرد.	
بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی 1402/01/01 -	s1253	عدم تفکر کافی بر راه‌های مشارکت مردم در اقتصاد	یکی از اشکالات مهمّی که ما داریم، این است که روی راه‌های مشارکت مردم فکر نکرده‌ایم. من همین جا به مسئولین محترم، به صاحب‌نظران اقتصادی، به کسانی که علاقه‌مند به سرنوشت کشورند توصیه می‌کنم بنشینند راه‌های مشارکت عموم مردم در مسائل اقتصادی را پیدا کنند. هر جا مردم وارد شده‌اند ما پیشرفت کرده‌ایم. در دفاع مقدّس مردم وارد شدند، ما پیروز شدیم؛ در مسائل سیاسی کشور مردم هر جا وارد شدند ما پیروز شدیم؛ در مسائل اقتصادی هم همین جور است؛ [اگر] مردم وارد بشوند، آحاد مردم وارد بشوند، ما پیروز خواهیم شد، موفق خواهیم شد؛ منتها مردم چه جور وارد بشوند؟ باید نقشه‌ی ورود مردم در حوزه‌ی اقتصادی را به مردم نشان داد.	51
	s1254	تأکید بر اهمیت مشارکت مردم در پیشرفت‌های کشور		
	s1255	ضرورت شناسایی و ارائه راه‌های عملی برای مشارکت مردم در اقتصاد		
	s1256	تجربه موفق حضور مردم در حوزه‌های مختلف مانند دفاع مقدّس و سیاست		
	s1257	نیاز به نقشه راه برای ورود مردم به حوزه اقتصادی		
بیانات در دیدار کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش بنیان‌ها 1401/11/10 -	s1258	ضرورت حمایت از توسعه بنگاه‌های خصوصی برای اداره اقتصاد کشور	دستگاه‌های اجرائی باید از توسعه‌ی بنگاه‌های خصوصی حمایت کنند؛ کشور بدون فعالیّت بنگاه‌های خصوصی اداره نخواهد شد. اشتباه مهمّی که در سالهای اوّل انقلاب اتفاق افتاد و مبالغ زیادی از آثارش همین طور ماند، این بود که بخش خصوصی را کنار زدند و همه‌ی کارها، حتّی فروش مثلاً اجناس خُرد را به مسئولین دولت و دستگاه‌های دولتی سپردند؛ خطای بزرگی بود که ما انجام دادیم. بایستی بنگاه‌های خصوصی که حضور مردم است، توانایی مردم است، ابتکار مردم است، پول مردم است، حمایت بشوند؛ وسط میدان بیایند؛ اقتصاد را اینها باید اداره کنند. من مکرّر این مثال را گفته‌ام: دو جور میشود کار کرد؛ شما میتوانید یک باری را داخل یک وانتی بگذارید و بعد پشت فرمان این وانت بنشینید، این بار را به‌آسانی از یک جایی به یک جای دیگری منتقل کنید. میتوانید این وانت را کنار بیندازید، این بار را به دوش خودتان بگیرید، هم خسته بشوید، هم به منزل نرسید، هم این بار وسط راه زمین بیفتد، ضایع بشود. بخش خصوصی باید حمایت بشود؛ بخش خصوصی بدون حمایت وارد میدان نمیشود یا اگر وارد میدان شد، موفق نمیشود. بنده کسانی را	52
	s1259	اشتباه کنار گذاشتن بخش خصوصی در اوایل انقلاب و پیامدهای آن		
	s1260	اهمیت حضور و ابتکار مردم در اداره بنگاه‌های خصوصی		
	s1261	ضرورت حمایت مالی و قانونی از بخش خصوصی برای موفقیت اقتصادی		
	s1262	انتقاد از عدم اجرای مناسب سیاست‌های اصل ۴۴ توسط دولت‌های مختلف		
	s1263	لزوم مدیریت، نظم و انضباط در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴		

			می‌شناسم، افراد مؤمن و معتقد و علاقه‌مند به کشور و علاقه‌مند به نظام جمهوری اسلامی، که یک بخش خصوصی را، یک مرغداری را، مثلاً یک واحد صنعتی را از روی اخلاص اداره میکردند. میگفتند که ما میتوانیم این پول را در بانک بگذاریم، از سودش تا آخر عمر استفاده کنیم، زحمتی هم برایمان نداشته باشد، مالیات هم نمیدهیم، اما این زحمت را به عهده گرفتند، [ولی] نیمه‌کاره ماند؛ چون حمایت نشدند، چون فشار بر آنها وارد آمد... اینکه ما سیاستهای اصل ۴۴ را مطرح کردیم، برخلاف تصور میبینم بعضی از برادرهای خوب، بعضی از عناصر خوب و خوش‌نیت به سیاستهای اصل ۴۴ اعتراض میکنند؛ این اعتراض درست نیست. این سیاستها با دقت انتخاب شد، با فکر انتخاب شد؛ افرادی که وارد بودند در مسائل اقتصادی و علاقه‌مند به عدالت اجتماعی و بجد دنبال عدالت اجتماعی بودند، همه آن را تأیید کردند؛ منتها خب عمل نشده؛ متأسفانه دولتها درست عمل نکردند؛ خیلی کم عمل شده. چندین دولت این جور پشت سر هم به این سیاستهای اصل ۴۴ عمل نکردند؛ باید عمل بشود. البته دقت بشود، مراقبت بشود، مدیریت بشود، نظم و انضباط کاری ملاحظه بشود و این کار انجام بگیرد. بنابراین... دستگاه‌های دولتی از بنگاه‌های اجتماعی حمایت کنند؛ هم حمایت مالی لازم است، هم حمایت قانونی لازم است. مخاطب این حرف، هم دولت، هم مجلس، هم قوه‌ی قضائیه است؛ یعنی هر سه قوه‌ی کشور مخاطب این توصیه هستند.	
	s1264	توصیه به همکاری دولت، مجلس و قوه قضائیه در حمایت از بنگاه‌های خصوصی		
بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت - 1401/06/08	s1265	تعریف دولت مردمی فراتر از حضور میان مردم و ضرورت جلب مشارکت مردمی	53 شما [دولتتان را] میگویید «دولت مردمی»؛ دولت مردمی فقط به این نیست که بروید میان مردم؛ این کار لازم است اما کافی نیست؛ باید بتوانید مشارکت مردم را در کارهای گوناگون و بخشهای گوناگون جلب کنید. من قبلاً هم یک وقتی گفته‌ام این را، ظاهراً در جمع شما شاید گفتم که بنشینید کیفیت جلب مشارکت مردم را برنامه‌ریزی کنید، تعریف کنید که چه جور میشود مشارکت مردم را جلب کرد؛ چه در زمینه‌های مالی و اقتصادی، چه در زمینه‌های سیاسی، چگونه میشود از فکر مردم و از نظر مردم استفاده کرد در بخشهای مختلف. این برنامه‌ریزی میخواهد. در این	
	s1266	برنامه‌ریزی برای جلب مشارکت مردم در زمینه‌های مختلف اقتصادی، مالی و سیاسی		
	s1267	اهمیت استفاده از فکر و نظرات مردم در بخش‌های گوناگون		

	s1268	نقش پیشنهادهای مردمی و اهمیت بهره‌گیری از آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها	نامه‌های گوناگونی که از طریق ارتباط مردمی یا غیر آن به ما می‌رسد، گاهی یک پیشنهادهایی هست که انسان می‌بیند پیشنهادهای بسیار خوبی است؛ یک آدمی که اصلاً نمی‌شناسیم چه کسی است، در یک موردی یک پیشنهادی دارد، یک نظری دارد، این نظر را می‌دهد، گاهی بسیار کارگشا است. [ببینید] چگونه می‌توانیم از اینها استفاده کنیم	
دیدار اعضای مجلس خبرگان با رهبر انقلاب 1387/06/07 -	s1269	سیاست‌های اصل ۴۴ به‌عنوان یک اجتهاد صحیح شرعی	سیاست‌های اصل 44 یک اجتهاد صحیح شرعی بود که قانون هم اجازه آن را داده است و انشاء الله به بهترین وجه و بدون افراط و تفریط اجرا شود.	54
	s1270	قانونی بودن سیاست‌های اصل ۴۴ و اجازه آن توسط قانون		
	s1271	لزوم اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ بدون افراط و تفریط		
سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران 1400/01/01 -	s1272	ضرورت همراهی و همدلی مردم برای رفع مشکلات اقتصادی	رفع مشکلات احتیاج به همراهی مردم دارد؛ همدلی مردم، هر کاری که مردم وارد شدند قطعاً گشایش در آن به وجود می‌آید، تا حالا هم این جور بوده؛ در همه‌ی اموری که مردم توانستند وارد بشوند، در آن کار گشایش به وجود آمده. من می‌خواهم عرض بکنم در مسئله‌ی سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری برای تولید، خود مردم می‌توانند نقش ایفا کنند؛ چه آنهایی که سرمایه دارند و این سرمایه را در راه مثلاً بعضی از داد و ستدها و سوداگری‌های بی‌مورد مصرف می‌کنند می‌توانند اینها را در راه تولید مصرف کنند، چه کسانی که می‌خواهند کمک کنند به دیگران؛ مثل این کمک مؤمنانه‌ای که برای قضیه‌ی کرونا انجام گرفت که همه‌ی مردم وارد شدند، در قضیه‌ی تولید [هم] می‌توانند کسانی که توانایی دارند، برای یک نفر، دو نفر، ده نفر اشتغال ایجاد کنند و کمک کنند به اشتغال آنها. البته این [کار]، سازمان‌دهی مردمی لازم دارد؛ خیلی‌ها هستند می‌خواهند کمک کنند، نمی‌دانند چه جور باید کمک کنند. خیریه‌های مردمی، نهادهای انقلابی، امنای مساجدی که در این زمینه فعالیت می‌کنند مثل بعضی جاهای دیگر، بایستی اینها را برنامه‌ریزی کنند تا هر کسی بداند که با یک سرمایه‌ی کم چطور میشود به تولید کشور کمک کرد؛	55
	s1273	نقش مردم در سرمایه‌گذاری برای تولید و اشتغال		
	s1274	جلب مشارکت مردمی در تولید از طریق سازمان‌دهی مردمی و نهادهای خیریه		
	s1275	تأکید بر مشارکت با سرمایه‌های کوچک در تولید و اشتغال‌زایی		
	s1276	اهمیت سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی برای هدایت سرمایه‌های مردمی به سمت تولید		

			یعنی همه خیال نکنند که بایستی میلیاردری سرمایه داشته باشند تا بتوانند در تولید وارد بشوند؛ نه، با سرمایه‌های کم هم گاهی میتوان به تولید کشور کمک کرد. گاهی یک خانواده‌ی روستایی را مثلاً فرض کنید با چند رأس دام میشود زنده کرد، احیا کرد، خودکفا کرد؛ یک خانواده‌ی شهری را مثلاً فرض کنید با یک دستگاه بافندگی یا خیاطی یا امثال اینها میتوان اصلاً خودکفا کرد؛ از این کارها فراوان میتوان کرد که هم کمک به مردم و مبارزه با فقر است و هم کمک به تولید است.	
بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت - 1399/06/02	s1277	نقش دولت در سرمایه‌گذاری فقط در مواقع عدم تمایل یا توانایی بخش خصوصی	دولت صرفاً در آنجاهایی که بخش خصوصی یا نمیتواند یا رغبتی ندارد یا بازدهی برای بخش خصوصی ندارد میتواند سرمایه‌گذاری کند؛ سرمایه‌گذاری را بخش خصوصی باید انجام بدهد. بخش خصوصی هم امروز امکانات دارد؛ یعنی امروز پول در کشور کم نیست؛ می‌بینید دیگر که بحث نقدینگی و چند برابر شدن نقدینگی سر زبانها است؛ بنابراین پول هست؛ باید سرمایه‌گذار تشویق بشود به سرمایه‌گذاری. تشویق هم راه‌های مختلفی دارد، راه‌هایی هست که برای کسی پنهان نیست: مشکلات مالیاتی برطرف بشود، مشکلات مجوزها برطرف بشود، مشکلات تسهیلات بانکی برطرف بشود؛ اینها کارهایی است که همه بلدند [منتها] باید بنشینید، اهتمام کنید، ان شاء الله این تشویقها انجام بگیرد.	56
	s1278	ضرورت تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری با رفع موانع		
	s1279	اشاره به توان بخش خصوصی برای حل مشکلات		
	s1280	رفع مشکلات مالیاتی، مجوزها، و تسهیلات بانکی به‌عنوان راه‌های تشویق سرمایه‌گذاری		
بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی - 1399/02/17	s1281	ضرورت مشارکت مردم در به‌راه‌اندازی موتور اقتصاد کشور	قوی‌ترین دولتها هم قادر نیست بدون مشارکت مردم موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازد؛ هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمیتواند اقتصاد کشور را سامان بدهد. بعضی از ساز و کارهای فکری، سیاسی، اقتصادی، مثل نوعی از سوسیالیسم‌ها -البته نه همه‌ی انواع سوسیالیسم- این فکرها را کردند که بتوانند دولتها را متصدی کار اقتصاد کنند [اما] شکست خوردند. امکان ندارد و بدون مشارکت مردم هیچ دولتی نخواهد توانست اقتصاد کشور را سامان بدهد و موتور اقتصاد را [راه بیندازد]. بنابراین یکی از مسائل مهم ما باید این باشد که استعدادهای مردم،	57
	s1282	شکست ایده‌های سوسیالیستی در متصدی‌گری کامل دولت بر اقتصاد		
	s1283	تأکید بر استفاده از استعدادها و ابتکارات مردمی در اقتصاد		

	s1284	نقش هر سه قوه (مجریه، مقننه، قضائیه) در حمایت از تولید و تولیدکننده	ابتکارهای مردم، ظرفیتهای گوناگون مردم را وارد میدان اقتصاد کشور بکنیم. خب، در عین حال که این کار، کار مردم است، دولت هم وظایف مهمی دارد. دولت که میگوییم، منظور سه قوه است، نه فقط قوهی مجریه؛ یعنی هم قوهی مجریه، هم قوهی مقننه، و هم قوهی قضائیه، به عنوان دولت جمهوری اسلامی، اینها وظایفی دارند که وظایف مهمی است؛ از جملهی این وظایف - که اگر این وظایف را دولت عمل نکند و مسئولین کشور عمل نکنند، جهش تولید صورت نخواهد گرفت - این است که دولت بایستی از تولید و تولیدکننده حمایت بکند.
	s1285	وظیفه دولت در حمایت از تولید به عنوان شرط تحقق جهش تولید	
بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی - 1399/02/17	s1286	حمایت از تولید به معنای برداشتن موانع و تسهیل کار تولیدکنندگان	دولت بایستی از تولید و تولیدکننده حمایت بکند... خب این حمایت به چه معنا است؟ بعضی تا میگوییم «حمایت»، خیال میکنند باید تزریق نقدینگی کرد. خب بله، یک جاهایی ممکن است تزریق منابع مالی هم لازم باشد [اما] یک جاهایی هم مضر است. منظور از حمایت، تزریق منابع مالی صرفاً نیست بلکه میدان را باز کردن است. اگر نیروی کار مردمی را، سرمایه‌گذار را، مهندس را، صاحب‌فکر را، کارگر را به عنوان یک دوندۀ پرشتابی فرض کنیم، شما لازم نیست به او یاد بدهید چه کار کند، او خودش شوق و میل حرکت دارد. شما میدان را باز کنید، موانع را بردارید، زمین را صاف کنید، اجازه بدهید او حرکت خودش را انجام بدهد. اگر چنانچه این کار از سوی دولت انجام بگیرد... آن وقت این حرکت به صورت صحیحی انجام خواهد گرفت. بنابراین حمایت که میگوییم، یعنی برداشتن موانع. برداشتن موانع مثل چه؟ مثل برداشتن مقررات دست‌وپاگیر. بعضی از مقررات هست که هیچ فایده‌ای ندارد و ضرر هم دارد؛ وجود این مقررات مانع از این است که دستگاه تولیدکننده و دستگاه اقتصادی فعال و مفید بتواند کار خودش را انجام بدهد. یکی از
	s1287	ضرورت مبارزه با قاچاق به عنوان آفتی برای اقتصاد کشور	
	s1288	منع واردات بی‌رویه و اولویت‌دادن به تولیدات داخلی	
	s1289	مبارزه با فساد مالی، رشوه و اختلاس برای حمایت از کار سالم اقتصادی	
	s1290	مقابله با کارشکنی‌های اداری و تسهیل فرایندها برای تولیدکنندگان	
	s1291	رعایت حقوق مالکیت و ضرورت اصلاح قوانین مربوط به سفته‌بازی و سوداگری زیان‌بخش	

		حمایتها که بسیار مهم است، مبارزه با قاچاق است؛ یعنی واقعاً قاچاق یک آفتی است برای کشور که باید به معنای حقیقی کلمه با این آفت مبارزه کرد. یکی از کارهای لازم، منع جدی واردات بی‌رویه است. این همه بنده تأکید کردم بر روی مسئله‌ی واردات؛ باز هم انسان میبیند به بهانه‌های مختلف یک جاهایی واردات [صورت میگیرد]. به ما نامه مینویسند و شکایت میکنند؛ یک دستگاهی میگوید که ما مثلاً این وسیله را با زحمت زیادی درست کردیم به نصف قیمت، به یک سوم قیمت، [اما] فلان دستگاه دولتی که به این وسیله احتیاج دارد، می‌رود با تولیدکننده‌ی خارجی قرارداد میبندد، وارد میکند؛ خب این کار نباید بشود. اگر چنانچه این کار در یک موارد مهمی انجام بگیرد، باید اسمش را گذاشت جنایت، خیانت. البته همیشه این جور نیست، و از روی غفلت گاهی انجام میگیرد، اما گاهی هم واقعاً جنایت و خیانت است. یکی از حمایتها مبارزه‌ی جدی با فساد مالی است. ببینید این دستگاه‌هایی که امروز گزارش دادند -و صدها دستگاه از قبیل اینها- در کشور دارند با سلامت، کار اقتصادی انجام میدهند. اگر شما بخواهید این کسانی که دارند کار سالم اقتصادی انجام میدهند، بتوانند به مقصود برسند، بایستی با آن کسی که از راه فساد، از راه رشوه، از راه اختلاس کار را پیش میبرد، مبارزه‌ی جدی بکنید. با فساد باید مبارزه کرد؛ هم فساد اداری، یعنی فساد کسی که در دستگاه دولتی و مرتبط با مسائل اقتصادی است و هم فساد آن کسی که در کار تولید و در کار فعالیت اقتصادی است. یکی از مسائل، مقابله‌ی جدی با کارشکنی‌های اداری است... یک مسئله‌ی مهم، رعایت حقوق مالکیت است که این از وظایف قوه‌ی قضائیه است. یک مسئله‌ی مهم پرهیز از کمک به سفته‌بازی و سوداگری‌های زیان‌بخش است که این، قانون لازم دارد و مربوط به مجلس شورای اسلامی است؛ بایستی در قوانینی که وضع میکنند، مراقبت بکنند که به این گونه سوداگری‌ها کمک نشود، بلکه در نقطه‌ی مقابل به فعالیت‌های صحیح کمک بشود. در یک مواردی معافیت‌های مالیاتی لازم است، همچنان که در نقطه‌ی مقابل، در یک مواردی وضع مالیات لازم است؛ مثل ثروتهای بادآورده. حالا من البته نمیخواهم اینجا بشمرم؛	s1292 ضرورت وضع مالیات بر ثروت‌های بادآورده و حذف یا کاهش مالیات‌های تولیدی
--	--	---	---

			موارد زیادی وجود دارد و مشاغلی وجود دارد که اینها ثروتهای بادآورده‌ای را به دست می‌آورند، مالیات هم نمیدهند؛ باید بر اینها مالیات معین کرد. متقابلاً در مواردی باید مالیات را حذف کرد یا کم کرد. در خیلی از موارد تولیدی باید از این قبیل به اینها کمک کرد. بنابراین حمایت واقعی از تولید، که گفتیم دولت باید حمایت بکند، این چیزها و امثال اینها است.	
بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی - 1398/08/28	s1293	تأکید بر استفاده از کالای ساخت داخل توسط مردم	عرض من این است به مردم عزیزمان که از کالای ساخت داخل حتماً استفاده کنند و آن کسانی که میتوانند، در سرمایه‌گذاری‌های مولّد حتماً شرکت کنند، از جمله در همین تعاونی‌ها یا یک جاهایی در بورس. فرهنگ کار جهادی و همکاری و تعاون را مردم بین خودشان، کسانی که میتوانند، حوزه‌ی نفوذی در بین مردم دارند، ترویج بکنند. خوشبختانه مردم ما آماده‌اند. شما ملاحظه کنید یک سیل می‌آید، یک زلزله می‌آید، مردم خودشان بدون اینکه کسی به آنها بگوید، وارد میدان میشوند. این تجربه‌ی ما است، مال امروز هم نیست؛ از قبل از انقلاب هم همین جور بود. من خودم چند تجربه‌ی موقّعی عینی شخصی دارم در قضیه‌ی کمکهای مردمی و تعاونهای مردمی برای این جور حوادث.	59
	s1294	تشویق به سرمایه‌گذاری مولد از طریق تعاونی‌ها و بورس		
	s1295	ترویج فرهنگ کار جهادی و همکاری و تعاون بین مردم		
	s1296	آمادگی مردم برای کمک و مشارکت در شرایط بحرانی مانند سیل و زلزله		

60	در مسائل مهم همچون طرح تحول اقتصادی و اجرای سیاستهای کلی اصل 44، همکاری سه قوه در عمل و گفتار بسیار ضروری است.	ضرورت همکاری سه قوه در طرح تحول اقتصادی	s1297	بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام 1387/06/19 -
		اهمیت همکاری سه قوه در اجرای سیاستهای کلی اصل 44	s1298	
		تأکید بر همکاری در عمل و گفتار بین قوای سه گانه	s1299	
61	انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی است. مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویتها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است. راه‌حل این مشکلات، سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه‌ی بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و	راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته در دوران طاغوت از طریق انقلاب اسلامی	s1300	بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران 1397/11/22 -
		چالش‌های بیرونی اقتصاد: تحریم و وسوسه‌های دشمن	s1301	
		چالش‌های درونی اقتصاد: عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی	s1302	
		مهم‌ترین عیوب اقتصادی: وابستگی به نفت، دولتی بودن بخش‌های غیرضروری، و نگاه به خارج	s1303	

	s1304	استفاده ناکافی از ظرفیت نیروی انسانی و بودجه‌بندی معیوب	دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهای...، بخشهای مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.	
	s1305	عدم ثبات سیاست‌های اجرایی و وجود هزینه‌های زائد در دستگاه‌های حکومتی		
بیانات در دیدار مستولان نظام - 1397/03/02	s1306	اقتصاد دولتی ناکارآمد است و باید مردم را وارد عرصه اقتصادی کرد	اقتصاد دولتی جواب نمیدهد؛ مردم را باید وارد کرد، سیاستهای اصل ۴۴ را باید جدی گرفت... باید بخش خصوصی را وارد میدان بکنید، باید کمک کنید به بخش خصوصی؛ این «صندوق توسعه‌ی ملی» برای همین است... این صندوق مهم است و توصیه‌ی مؤکد ما این است که این صندوق را برای مصارف جاری و هزینه‌های جاری کشور نباید صرف کرد؛ این فقط بایستی در اختیار فعالان اقتصادی بخش خصوصی قرار بگیرد برای اینکه بتوانند کار کنند.	62
	s1307	ضرورت جدی گرفتن سیاست‌های اصل ۴۴ و وارد کردن بخش خصوصی به اقتصاد		
	s1308	نقش صندوق توسعه ملی در حمایت از بخش خصوصی و عدم استفاده از آن برای مصارف جاری		
	s1309	صندوق توسعه ملی باید در اختیار فعالان اقتصادی بخش خصوصی قرار گیرد		
	s1310	اهمیت اقتصاد دانش‌بنیان برای رشد شتابان اقتصادی	اقتصاد دانش‌بنیان را اهمیت بدهیم. رشد شتابان اقتصاد به‌وسیله‌ی اقتصاد دانش‌بنیان [ممکن] خواهد شد. امروز ما	63

بیانات در دیدار مستولان نظام 1397/03/02 -	s1311	ظرفیت بالای جوانان تحصیل کرده برای توسعه اقتصاد دانش بنیان	امکانش را هم داریم؛ جوانهای بسیاری هستند آماده، تحصیل کرده، باسواد که میتوانند کارهایی انجام بدهند. گاهی می‌شنوید یا در تلویزیون می‌آیند یک کارآفرین جوان را نشان میدهند که آدم واقعاً لذت میبرد، حظ میکند که این آمده وارد شده در یک مقوله‌ای -کشاورزی، دامداری، صنعت، صنعتهای کوچک، خدمات و امثال اینها- با سرمایه‌ی کم شروع کرده و با پشتکار به یک جایی رسیده. [تولید] ثروت از راه فکر، از راه کارهای دانشی هم یک مسئله [در اقتصاد] است.	
	s1312	نقش کارآفرینان جوان در ورود به بخش‌های مختلف اقتصادی با سرمایه کم		
	s1313	تولید ثروت از طریق فعالیت‌های دانشی و مبتنی بر فکر		
بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی 1396/11/29 -	s1314	تکیه بر مردم برای اصلاح اقتصاد از طریق اقتصاد مقاومتی	یک مسئله‌ی مهمی که امروز مطرح است، مسئله‌ی اقتصاد است... همه‌ی مسئولین و آگاهان و آحاد مردم شاید معتقدند که امروز یکی از مسائل اصلی کشور مسئله‌ی اقتصاد کشور است. خوب برای اصلاح اقتصاد کشور چه کار باید کرد؟ یک راه تکیه‌ی به مردم است؛ [یعنی] اقتصاد مقاومتی. این را ما اعلام کردیم، همه‌ی مسئولین کشور هم تصدیق کردند، یعنی هیچ کس مخالفت نکرد؛ حالا البته گاهی نق و نوقی از گوشه و کنار شنیده میشود، اما آن وقتی که سیاست اقتصاد مقاومتی اعلام شد، همه‌ی مسئولین کشور تصدیق کردند که راه همین است و بس. معنای اقتصاد مقاومتی، محصور شدن و زندانی شدن در داخل کشور نیست؛ نیایند بگویند که «ما می‌خواهیم با دنیا ارتباط داشته باشیم!»؛ خوب، در اقتصاد مقاومتی ارتباط با دنیا وجود دارد؛ منتها گفته میشود که اعتماد بایستی به مردم باشد؛ اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا. جوشش حرکت اقتصادی از درون کشور است؛ استعدادهای مردم، امکانات مردم، سرمایه‌های مردم. تدبیری اندیشه بشود که این سرمایه‌ها، این استعدادها، این ظرفیتهای به کار و تولید در داخل و ثروت‌سازی و ایجاد ثروت در داخل بینجامد؛ این تدبیر می‌خواهد.	64
	s1315	اقتصاد مقاومتی به معنای محصور شدن در داخل کشور نیست، بلکه شامل ارتباط با دنیا است		
	s1316	اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا؛ اعتماد به مردم و استفاده از استعدادها و سرمایه‌های داخلی		
بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم	s1317	ضرورت دخالت مردم در تولید و اقتصاد بر اساس سیاست‌های اصل ۴۴	مردم باید در کار تولید [دخالت داده بشوند]. ما سیاست‌های اصل ۴۴ را که چند سال پیش ابلاغ کردیم، همه‌ی کسانی که در مسائل اقتصادی صاحب‌نظر بودند گفتند این	65

مطهر رضوی - 1396/01/01	s1318	تأکید بر نقش آفرینی مردم در مسائل اقتصادی برای پیشرفت	یک انقلاب در کار سیاسی است؛ خب همین را دنبال کنند؛ مردم را دخالت بدهند. جمهوری اسلامی در کار جنگ و دفاع از کشور - که معمولاً کار جنگ و دفاع از کشور و دفاع از مرزها کار دولتها است، کار مردم نیست؛ کار ارتشها است، کار دولتها است- با مدیریت درست و با گزینش های صحیح توانست مردم را بسیج کند، وارد این میدان کند و جنگ را ببرد. وقتی مردم در کار دفاع از مرزها وارد میدان شدند - کاری که مربوط به دولتها و مربوط به ارتشها است- توانستند پیش بروند؛ بسیاری از برجستگان نظامی ما، مردمی و بسیجی اند؛ بسیجی بودند و بسیجی هم مبارزه کردند، بسیجی هم شهید شدند؛ خب کار اقتصاد به طریق اولی [همین طور است]. کار اقتصاد یک کار مردمی است؛ اگر در زمینه ی مسائل اقتصادی مردم را در میدان وارد بکنیم و مردم نقش آفرین بشوند در میدان اقتصاد و میدان تولید، یقیناً پیش خواهد رفت.	66
	s1319	تجربه موفق بسیج مردمی در جنگ و دفاع و تطبیق آن با اقتصاد		
بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری - 1393/12/21	s1320	آسیب های تحریم به دلیل وابستگی به نفت و دولتی بودن اقتصاد	حالا مثلاً فرض بفرمایید ما از تحریم صدمه دیدیم و آسیب هایی از تحریم به اقتصاد ما، به مسائل گوناگون ما وارد شده است؛ این آسیب ها ناشی از چیست؟ انسان اگر چنانچه درست موشکافی کند، می بیند این آسیب ها بیشتر ناشی از وابستگی ما به نفت است مثلاً؛ یا بیشتر ناشی از عدم حضور مردم در متن میدان اقتصادی است، [یعنی] دولتی کردن اقتصاد؛ بیشتر ناشی از اینها است اگر ما نگاه کنیم و عامل اصلی را بشناسیم و آن عامل اصلی را به نحوی علاج کنیم، تحریم یا بی اثر خواهد شد یا کم اثر خواهد شد .	67
	s1321	راهکار مقابله با تحریم: کاهش وابستگی به نفت و افزایش مشارکت مردمی در اقتصاد		
بیانات در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی - 1392/12/20	s1322	مردم محوری در سیاست های اقتصاد مقاومتی	از ویژگی های سیاست های اقتصاد مقاومتی [مردم محوری است که در این سیاستها ملاحظه شده. تجربه هم به ما نشان میدهد، بیانات و معارف اسلامی هم تأکید میکند که هر جا مردم می آیند دست خدا هم هست. يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ ؛ (۱) هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست؛ نشانه و نمونه ی آن، دفاع هشت ساله، نمونه ی آن خود انقلاب، و نمونه ی آن گذر از گردنه های دشوار این ۳۵ سال [است] چون مردم در میدان بودند، کارها پیش رفته؛ ما در زمینه ی اقتصادی به این	
	s1323	تأکید بر حضور مردم در میدان اقتصادی و تأثیر عنایت الهی بر کارهای مردمی		
	s1324	ضرورت تکیه بر مردم و استفاده از توان، سرمایه، و مهارت های آنان در اقتصاد		

	s1325	نقش دولت در حمایت و راهنمایی مردم برای ورود به فعالیتهای اقتصادی	کمتر بها دادیم. سیاستهای اصل ۴۴ را که ما تصویب کردیم و ابلاغ کردیم، برای همین بود؛ البته حق آن چنان که باید و شاید ادا نشد. من در همین جا همان سالها، در جلسهای با مسئولین راجع به سیاستهای اصل ۴۴ صحبت کردم؛ مورد تصدیق همه بود؛ در عمل هم کارهایی انجام گرفت که بایستی شکرگزار بود، لکن آنچنان که حق آن سیاستها بود عمل نشد. ما بایست به مردم تکیه کنیم، بها بدهیم؛ مردم با امکاناتشان باید بیایند در وسط میدان اقتصادی؛ فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه، نیروهای متراکم و بی‌پایانی که در این کشور وجود دارد، که واقعاً این نیروها هم بی‌شمارند. بنده سالهای متمادی است که سروکار دارم با قشرهای مختلف مردم؛ درعین حال گاهی یک چیزهایی برای ما آشکار میشود که من میبینم از اینها هم غافل بودیم. این قدر عناصر آماده‌ی به کار، یا دارای مهارت، یا دارای ابتکار، یا دارای دانش، یا دارای سرمایه در کشور هستند که اینها تشنه‌ی کارند؛ دولت بایستی برای حضور اینها زمینه‌سازی کند، اینها را راهنمایی کند که کجاها میتوانند خودشان را به کار ببندند، از آنها حمایت بکند؛ مسئولیت عمده‌ی دولت این است. حالا فعالیت اقتصادی دولت در یک بخشهای ناگزیری، قهراً وجود خواهد داشت؛ لکن باید فعالیت اقتصادی به مردم داده بشود. 1 (خطبه 127 : از سخنان آن حضرت است باز هم به خوارج فَإِنْ أَبَيْتُمْ إِلَّا أَنْ تَزْعُمُوا أَنِّي أَخْطَأْتُ وَ ضَلَلْتُ فَلِمَ تَضَلُّونَ عَامَّةُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله) بَضَلَالِي وَ تَأْخُذُونَهُمْ بِخَطِيئِي وَ تُكْفِرُونَهُمْ بِذُنُوبِي سَيُؤْفَكُكُمْ عَلَى عَوَاتِقِكُمْ تَضَعُونَهَا مَوَاضِعَ الْبَرِّ وَ السَّقَمِ وَ تَخْلُطُونَ مَنْ أَذْنَبَ بِمَنْ لَمْ يُذْنَبْ وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) رَجِمَ الزَّانِيَ الْمُحْصَنَ ثُمَّ صَلَّى عَلَيْهِ ثُمَّ وَرَثَةُ أَهْلِهِ وَ قَتَلَ الْقَاتِلَ وَ وَرَثَ مِيرَاثِهِ أَهْلُهُ وَ قَطَعَ السَّارِقَ وَ جَلَدَ الزَّانِيَ غَيْرَ الْمُحْصَنِ ثُمَّ قَسَمَ عَلَيْهِمَا مِنَ الْفَيْءِ وَ نَكَحَا الْمُسْلِمَاتِ فَأَخَذَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بِذُنُوبِهِمْ وَ أَقَامَ حَقَّ اللَّهِ فِيهِمْ وَ لَمْ يَمْنَعْهُمْ سَهْمَهُمْ مِنَ الْإِسْلَامِ وَ لَمْ يَخْرِجْ أَسْمَاءَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَهْلِهِ ثُمَّ أَنْتُمْ شَرَّارُ النَّاسِ وَ مَنْ رَمَى بِهِ الشَّيْطَانُ مَرَامِيَهُ وَ ضَرَبَ بِهِ تِيْهَهُ وَ سَيَهْلِكُ فِي صِنْفَانِ مُحِبٍّ مُفْرَطٍ يَذْهَبُ
	s1326	ضرورت ادای کامل حق سیاست‌های اصل ۴۴ و مردمی کردن اقتصاد	

بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ مَبْغِضٌ مُفْرِطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ خَيْرُ النَّاسِ فِي حَالِ النَّمَطِ الْاَوْسَطُ فَالْزَمُوهُ وَ الزَّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةُ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذِّئْبِ أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَاقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ فَإِنَّمَا حُكْمُ الْحَكَمَانِ لِيُحْيِيَا مَا أَحْيَا الْقُرْآنُ وَ يُمِيتَا مَا أَمَاتَ الْقُرْآنُ وَ إِحْيَاؤُهُ الْاجْتِمَاعُ عَلَيْهِ وَ إِمَاتَتُهُ الْاِفْتِرَاقُ عَنْهُ فَإِنْ جَرْنَا الْقُرْآنَ إِلَيْهِمْ اتَّبَعْنَاهُمْ وَ إِنْ جَرَّهُمْ إِلَيْنَا اتَّبَعُونَا فَلَمْ أَتِ لَا أَبَا لَكُمْ بُجْرًا وَ لَا خَتَلْتُكُمْ عَنْ أَمْرِكُمْ وَ لَا لَبَسْتُه عَلَى كُمْ إِنَّمَا اجْتَمَعَ رَأْيُ مَلِكِكُمْ عَلَى اخْتِيَارِ رَجُلَيْنِ أَخَذْنَا عَلَيْهِمَا أَلَّا يَتَعَدَّيَا الْقُرْآنَ فَتَنَاهَا عَنْهُ وَ تَرَكََا الْحَقَّ وَ هُمَا يُبْصِرَانِهِ وَ كَانَ الْجَوْرُ هَوَاهُمَا فَمَضَيَا عَلَيْهِ وَ قَدْ سَبَقَ اسْتِثْنَاؤُنَا عَلَيْهِمَا فِي الْحُكُومَةِ بِالْعَدْلِ وَ الصَّمَدِ لِلْحَقِّ سُوءَ رَأْيِهِمَا وَ جَوْرَ حُكْمِهِمَا .

ترجمه :

اگر به گمان خود جز این را قبول نکنید که من اشتباه کردم و گمراه شدم، چرا همه امت محمد صلی الله علیه و آله را به گمراهی من گمراه می دانید، و آنان را به خطای من مؤاخذه می کنید، و به گناه من تکفیر می نمایید شمشیرهایتان بر دوستان قرار دارد، بر سالم و نا سالم فرود می آورید، و گناهکار و بی گناه را با هم مخلوط می کنید، و حال اینکه می دانید پیامبر صلی الله علیه و آله زناکار همسر دار را سنگسار می کرد سپس بر جنازه اش نماز می خواند و ارثش را به اهلش می سپرد، قاتل را می کشت و ارثش را به زن و فرزندش می داد، دست سارق را قطع می کرد، و زناکار بی همسر را تازیانه می زد، آن گاه قسمت هر دو را از غنیمت می پرداخت و حق داشتند زنان مسلمان را به همسری بگیرند، پیامبر صلی الله علیه و آله گناهکاران را به خاطر گناهشان مؤاخذه می کرد، و حق خدا را نسبت به آنان اجرا می نمود، ولی سهم اسلامی آنان را از آنان منع نمی کرد، و نامشان را از دفتر مسلمانان حذف نمی نمود. اما شما بدترین مردم هستید، و شیطان شما را به موارد کفر و طغیان انداخته، و به سرگردانی دچار کرده. به زودی دو دسته در باره من به هلاکت می افتند: یکی محبی که در محبت افراط کند و افراطش او را به راه ناحق برد، و دیگری دشمنی که تجاوز از حد کند و دشمنی

			بی‌حدش او را به غیر راه حق برد. بهترین مردم در باره من مردم معتدل هستند، پس ملازم راه وسط باشید و با اکثریت همراه شوید، که دست خدا بر سر جماعت است، و از تفرقه و جدایی بپرهیزید، که یکسو شده از مردم بهره شیطان است، چنان که گوسپند دور مانده از گله نصیب گرگ است. آگاه باشید کسی که به این شعار (تفرقه) دعوت کند او را بکشید گرچه زیر عمامه من باشد. به آن دو نفر حکمیت داده شد که آنچه را قرآن زنده کرده زنده کنند، و آنچه را قرآن میرانده بمیرانند. احیاء قرآن در یک دلی همگان در عمل به آن است، و میراندن قرآن جدایی از اوست. بنا بر این اگر قرآن ما را به سوی آنان بکشاند از آنان پیروی می‌کنیم، و اگر آنان را به سوی ما بکشد باید از ما پیروی کنند. پس ای بی‌ریشه‌ها شری برای شما نیاورده‌ام، و در کارتان فریبتان نداده‌ام، و شما را به اشتباه نینداخته‌ام، رأی خودتان به انتخاب دو نفر قرار گرفت، ما هم از آنان پیمان گرفتیم که از حدود قرآن تجاوز نکنند، ولی هر دو گمراه شدند و حق را ترک کردند در حالی که به حق بصیرت داشتند، مقتضای طبعشان جور و ستم بود و به آن راه رفتند، در صورتی که قبل از آنکه رأی به باطل بدهند و حکم ظالمانه نمایند با آنان شرط کردیم که به عدالت حکم کنند و حق را منظور دارند.	
بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت - 1391/06/02	s1327	ضرورت حمایت و توانبخشی به بخش خصوصی در اقتصاد مقاومتی	بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم، خوب، خود اقتصاد مقاومتی شرائطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخشهای همین تکیه‌ی به مردم است؛ همین سیاستهای اصل 44 با تأکید و اهتمام و دقت و وسواسِ هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شما [اعضای هیئت دولت] است. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانیاش جلو نمی‌آید. خوب، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانکهاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی	68
	s1328	اهمیت تکیه بر مردم و پیگیری سیاست‌های اصل 44 با دقت و وسواس		
	s1329	کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی کشور از طریق استفاده از ظرفیت‌های دولتی و مردمی		
	s1330	مبارزه با مفاسد اقتصادی برای حفظ سرمایه‌گذاری مردمی و سالم		

	s1331	همکاری قوای مجریه و قضائیه در نظارت بر کارآفرینی و جلوگیری از سوءاستفاده‌ها	داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکلهای مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرائطش، استفاده از همه‌ی ظرفیتهای دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران میدهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود. به مردم هم باید واقعاً میدان داده شود... تصور نشود ما میتوانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی؛ و تصور نشود که مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی موجب میشود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون اکثر کسانی که میخواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدمهای ناسالم پیدا میشوند. باید با چشمهای تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیایند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه‌ی قضائیه مراقبت کند. به نظر من همکاری قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه در اینجا یک کار بسیار لازمی است. یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی... واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید. البته خوشبختانه واحدهای بزرگ ما فعالند، خوبند و سوددهی‌شان هم خوب است، کارشان هم خوب است، اشتغالشان هم خوب است؛ عمده‌ی واحدهای بزرگ ما وضعشان اینجور است... لیکن باید به فکر واحدهای متوسط و کوچک باشید؛ اینها خیلی مهم است، اینها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد.
بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان	s1332	حمایت از تولید ملی و اهمیت واحدهای کوچک و متوسط در اقتصاد مقاومتی	آنچه بنده به عنوان مسئولیت دولت یادداشت کرده‌ام که امروز عرض بکنم... مسئله‌ی بهبود فضای کسب‌وکار است. عمده این است که دولت باید موانع را برطرف کند... البته
	s1333	ضرورت بهبود فضای کسب‌وکار و رفع موانع توسط دولت	69

اقتصادی 1402/11/10 -	s1334	لزوم نظارت دولت بدون دخالت در مدیریت بخش خصوصی	حمایت دولت لازم است، نظارت دولت هم لازم است. ضوابطی وجود دارد که باید این ضوابط رعایت بشود؛ چه کسی باید مراقبت کند؟ دولت. بنابراین، نظارت دولت مطلقاً قابل اغماض نیست؛ اما نظارت غیر از دخالت کردن است. من دیروز شنیدم که در بعضی از شرکت‌هایی که دولت و بخش خصوصی شریک هستند، با اینکه سهم دولت سهم زیادی نیست، مدیریت در اختیار دولت است؛ به نظر من این منطق ندارد. از همان شیوه‌های قانونی استفاده کنند، مدیریت را به خود مردم و به خود سهامداران شرکتها بسپارند، منتها نظارت بشود. در این سالهای گذشته، بعد از آنکه سیاستهای اصل 44 را بنده ابلاغ کردم و اصرار کردم و دنبال کردم، کارهای بی‌قاعده‌ای را دیدیم انجام گرفت که بر اثر عدم نظارت بود. کارهای بدی انجام گرفت، کارهای غلطی انجام گرفت؛ هم به منابع ارزی و ریالی ضربه خورد، هم به خود آن بنگاه‌ها ضربه خورد و نتیجتاً به مردم ضربه خورد؛ یک عده‌ای سوء استفاده کردند. نظارت دولت حتمی است، لازم است، بایستی حتماً انجام بگیرد. بنابراین، آنچه ما نفی میکنیم دخالت دولت است؛ و آلاً نظارت دولت را ما لازم میدانیم..
	s1335	مدیریت شرکتها باید به مردم و سهامداران سپرده شود	
	s1336	تأکید بر نظارت دقیق دولت برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها	
	s1337	ضررهای ناشی از عدم نظارت دولت بر اجرای سیاستهای اصل 44	
دیدار رئیس و هیأت رئیسه و رؤسای کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی با رهبر انقلاب 1383/07/18 -	s1338	رد نگرش اقتصاد سرمایه‌داری به خصوصی‌سازی	قوای در خصوص این اصل (44)، ضمن آنکه هرگونه نگرش اقتصاد سرمایه‌داری به خصوصی‌سازی مورد قبول نیست، دولتی کردن همه امور نیز صحیح نمی باشد و خصوصی سازی باید با رعایت نظارت و حاکمیت دولت و با توجه به اصل 43 قانون اساسی انجام گیرد.
	s1339	غیرقابل قبول بودن دولتی کردن همه امور	
	s1340	نقش نظارتی و حاکمیت دولت در خصوصی‌سازی	
	s1341	توجه به اصل 43 قانون اساسی در فرآیند خصوصی‌سازی	
بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت	s1342	اجتناب از تصدی‌گری دولت در غیر وظایف حاکمیتی	نکته‌ی بعدی که من باز مفید میدانم در اینجا عرض بکنم، مسئله‌ی تصدی‌گری دولت در غیر وظایف حاکمیت است.

دولت - 1385/06/06	s1343	اهمیت سپردن کارها به مردم	این از مسائل مهم است. باید حتماً تا آنجایی که میتوانید، در غیر وظایف حکومتی و حاکمیتی، از تصدی‌گری دولت اجتناب کنید؛ بگذارید کار دست مردم باشد. حالا در این مسئله‌ی اصل چهل‌وچهار - به اصطلاح این مصوبه‌ای که به عنوان تفسیر و بیان اصل چهل‌وچهار ارائه شد - بند «ج» آن حالا محل بحث و کلام و ابلاغ است - که حالا ایشان اشاره کردند - اما آن بندهای «الف» و «ب» مصوبه‌ی ما خیلی مهم است؛ آن جلوگیری از ورود دولت در سرمایه‌گذاری‌های جدید و تصدی‌گری‌های جدید است؛ نه اینکه دست دولت را به کلی کوتاه کنیم؛ اما یک حدودی در آنها مشخص شده است. به این توجه کنید.	72
	s1344	تأکید بر بندهای «الف» و «ب» اصل 44 قانون اساسی		
	s1345	جلوگیری از ورود دولت به سرمایه‌گذاری‌های جدید		
بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی - 1386/01/01	s1346	جنگ اقتصادی و تحریم‌ها	جنگ اقتصادی هم یکی دیگر است. می‌خواهند ملت ایران را از لحاظ مسائل اقتصادی در تنگنا قرار دهند. من عرض می‌کنم میدان برای تحرک اقتصادی ملت ایران باز است. با سیاستهای اصل 44 که ابلاغ شد و دولت هم مجدانه دنبال این است که اینها را تحقق ببخشد و باید هم دنبال کند، میدان کار اقتصادی باز است؛ نه فقط برای افرادی که ثروتمندند، حتی برای آحاد مردم. سال 86 و شاید تا یکی دو سال بعد رویکرد دولت و رویکرد فعالان کشور باید رویکرد اقتصادی باشد. ما می‌توانیم اقتصاد خودمان را شکوفا کنیم. تهدید می‌کنند که تحریم می‌کنیم. تحریم نمی‌تواند به ما ضربه‌ای بزند. مگر تا حالا تحریم نکرده‌اند؟ ما در حال تحریم به انرژی هسته‌ای رسیده‌ایم؛ ما در حال تحریم به پیشرفتهای علمی رسیده‌ایم؛ ما در حال تحریم به این سازندگی‌های وسیع در کشور رسیده‌ایم. تحریم در شرائطی حتی ممکن است به نفع ما تمام شود؛ از این جهت که همت ما را برای تلاش و فعالیت بیشتر کند. رویکرد کشور در سالی که امروز اول آن است، و حتی یکی دو سال بعد، باید رویکرد اقتصادی باشد. از سیاستهای اصل 44 همه باید استفاده کنند. کسانی که توانایی سرمایه‌گذاری دارند، حتی افرادی که می‌توانند سرمایه‌گذاری را با اجتماع و شرکت انجام دهند، اینها راه دارد. آحاد مردم و صنوف مختلف مردم می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند؛ می‌توانند در این راه با یکدیگر شریک شوند و سهیم باشند. علاوه بر سهام عدالتی که تقریباً ده میلیون نفر را شامل می‌شود - که مال دو دهک پائین	
	s1347	میدان باز برای تحرک اقتصادی ملت ایران		
	s1348	نقش مردم در سرمایه‌گذاری و تولید ثروت		
	s1349	تفاوت تولید ثروت قانونی و غارت اموال عمومی		
	s1350	تشویق به تولید ثروت بدون اسراف		
	s1351	اهمیت توزیع عادلانه ثروت برای طبقات ضعیف		

			جامعه است - بقیه‌ی آحاد مردم هم می‌توانند از این سیاستها استفاده کنند؛ راه دارد. مسئولین دولتی باید راه‌های مشارکت مردم را در فعالیتهای اقتصادی به آنها بگویند. این سیاستها به معنای تولید ثروت عمومی برای جامعه است. تولید ثروت از نظر اسلامی بی‌مانع است. تولید ثروت با غارت ثروت دیگران فرق دارد. یک وقت کسی به اموال عمومی دست‌درازی می‌کند، یک وقت کسی بی‌قانون و بدون پیروی از قانون به دستاوردهای مادی می‌رسد؛ اینها ممنوع است؛ اما از طریق قانونی، تولید ثروت از نظر شارع مقدس و از نظر اسلام، مطلوب و مستحسن است. ثروت را تولید کنند، منتها در کنارش اسراف نباشد. اسلام به ما می‌گوید ثروت تولید کنید، اما اسراف نکنید. مصرف‌گرایی افراطی مورد قبول اسلام نیست. آنچه که از تولید ثروت به دست می‌آورید، باز همان را وسیله‌ای برای تولید ثروت دیگر بکنید. مال را نه به صورت راکد و نازا در بیاورید - که در اسلام اسمش کنز کردن است - نه به صورت ولخرجی و ولنگاری در مصرف مال، آن را صرف در چیزهای غیر لازم زندگی کنید؛ اما با توجه به اینها، ثروت را برای خودتان تولید کنید. ثروت آحاد مردم، ثروت عموم کشور است؛ همه از آن سود می‌برند. روح اصل 44 و سیاستهای اصل 44 این است. طوری بشود که منابع درآمدی آحاد مردم، بخصوص طبقات ضعیف، متنوع شود؛ مردم بتوانند گشایشی پیدا کنند؛ این یک گام بلند در راه رفاه عمومی است.	
بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت - 1387/06/02	s1352	سیاست‌های اصل 44 و تحول اقتصادی	یک نکته‌ی دیگر مسئله‌ی سیاستهای اصل 44 است. خب، همه اعتراف دارند که سیاستهای اصل 44 اگر اجرایی بشود، یک تحول در پیشرفت کشور - در زمینه‌های اقتصادی و به تبع او در زمینه‌های دیگر - بوجود می‌آید. این هم مسئله‌ی بسیار مهمی است. خب، حالا آمارهای خوبی داده شد؛ کارهای خوبی هم انجام گرفته. قبل از آن که این قانون اخیر هم تصویب بشود، دولت اقداماتی در این زمینه انجام داده بود، لیکن حالا خوشبختانه قانون هم تصویب شده و در اختیار شماسست؛ قوی و کاملاً جدی این سیاستها را دنبال کنید.	73
	s1353	اجرای سیاست‌های اصل 44 به صورت جدی و قوی		
	s1354	نقش قانون‌گذاری در تسهیل اجرای سیاستها		
	s1355	واگذاری مؤسسات اقتصادی به مردم	امر واگذاری [مؤسسات اقتصادی به مردم] در جهت تحقق اهداف برنامه باشد و خود هدف قرار نگیرد.	74

سیاست های کلی نظام در برنامه پنج ساله دوم (۱۳۷۲/۰۸/۱۸)	s1356	تحقق اهداف برنامه های اقتصادی		
	s1357	واگذاری به عنوان وسیله، نه هدف نهایی		
سیاست های کلی نظام در برنامه پنج ساله دوم (۱۳۷۲/۰۸/۱۸)	s1358	واگذاری مؤسسات اقتصادی به مردم	75	امر واگذاری مؤسسات اقتصادی به مردم] در چهارچوب قانون اساسی صورت پذیرد.
سیاست های کلی نظام در برنامه پنج ساله دوم (۱۳۷۲/۰۸/۱۸)	s1359	تهدید نکردن امنیت ملی	76	امر واگذاری مؤسسات اقتصادی به مردم] موجب تهدید امنیت ملی یا تزلزل حاکمیت ارزش های اسلامی و انقلابی نگردد
	s1360	حفظ حاکمیت ارزش های اسلامی و انقلابی		
سیاست های کلی نظام در برنامه پنج ساله دوم (۱۳۷۲/۰۸/۱۸)	s1361	عدم خدشه به حاکمیت نظام	77	امر واگذاری مؤسسات اقتصادی به مردم] به خدشه دار شدن حاکمیت نظام یا تضییع حق مردم یا ایجاد انحصار نینجامد.
	s1362	حفظ حقوق مردم		
	s1363	جلوگیری از ایجاد انحصار		
سیاست های کلی نظام در برنامه پنج ساله دوم (۱۳۷۲/۰۸/۱۸)	s1364	مدیریت سالم	78	[در امر واگذاری مؤسسات اقتصادی به مردم] به مدیریت سالم و اداره درست کار توجه شود
	s1365	اداره درست کار		
سیاست های کلی نظام در مورد امنیت اقتصادی (1379/11/3)	s1366	مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت های اقتصادی	79	شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت های اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) برای بخش های دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد.
سیاست های کلی برنامه پنج ساله سوم توسعه (1378/2/30)	s1367	عدم ترجیح بخش های دولتی و عمومی	80	عدم ترجیح بخش های دولتی و عمومی که فعالیت اقتصادی دارند نسبت به بخش های خصوصی و تعاونی در برخورداری از امتیازات و دسترسی به اطلاعات
سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه (1382/9/20)	s1368	توانمندسازی بخش های خصوصی و تعاونی	81	توانمند سازی بخش های خصوصی و تعاونی به عنوان محرك اصلی رشد اقتصادی و کاهش تصدی دولت همراه با حضور کارآمد آن در قلمرو امور حاکمیتی در چهارچوب سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که ابلاغ خواهد شد.

سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه (1382/9/20)	s1369	ارتقای ظرفیت و توانمندی های بخش تعاونی	ارتقای ظرفیت و توانمندی های بخش تعاونی از طریق تسهیل فرایند دستیابی به منابع، اطلاعات، فناوری، ارتباطات و توسعه پیوندهای فنی، اقتصادی و مالی آن.	82
سیاست های کلی نظام در بخش تشویق سرمایه گذاری (1389/11/29)	s1370	تقویت و حمایت دولت از توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی و تعاونی	تقویت و حمایت دولت از توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی و تعاونی در فعالیتهای اقتصادی کشور و اولویت دادن به بخش خصوصی و تعاونی در غیر مواردی که در قانون اساسی به دولت واگذار شده است؛	83
	s1371	اولویت دادن به بخش خصوصی و تعاونی در فعالیت های اقتصادی		
	s1372	محدود کردن دولت به فعالیت های اقتصادی که در قانون اساسی به آن واگذار شده است		
سیاست های کلی نظام در بخش تشویق سرمایه گذاری (1389/11/29)	s1373	افزایش توان رقابت اقتصادی در داخل و صحنه های بین المللی	افزایش توان رقابت اقتصادی در داخل و صحنه های بین المللی از طریق لغو انحصارات غیرضروری و تقویت ساختار رقابتی و زیرساخت های ملی و حمایت از ارتقای خلاقیت و نوآوری؛	84
	s1374	لغو انحصارات غیرضروری		
	s1375	حمایت از ارتقای خلاقیت و نوآوری		
سیاست های کلی نظام در بخش تشویق سرمایه گذاری (1389/11/29)	s1376	تسهیل شکل گیری بنگاه های بزرگ اقتصادی	تسهیل شکل گیری و توانمندسازی بنگاه های بزرگ اقتصادی در بخش خصوصی و تعاونی.	85
	s1377	توانمندسازی بنگاه های بزرگ اقتصادی		
سیاست های کلی نظام در بخش صنعت (۱۳۹۱/۰۹/۲۹)	s1378	گسترش مالکیت و مدیریت بخش غیردولتی	افزایش توان رقابت پذیری صنعت ملی، بر اساس: 1- گسترش مالکیت و مدیریت بخش غیردولتی؛ 2- رعایت اندازه اقتصادی بنگاهها؛ 3- لغو امتیازات خاص و انحصارات غیرضروری.	86
	s1379	لغو امتیازات خاص و انحصارات غیرضروری		
سیاست های کلی تولید (۱۳۹۱/۱۱/۲۴)	s1380	افزایش سهم بخش های تعاونی و خصوصی در تولید ملی	افزایش سهم بخش های تعاونی و خصوصی در تولید ملی از طریق: 1- تقویت انگیزه و عزم ملی و تأکید و تسریع در اجرای کامل سیاست های کلی اصل ۴۴، رعایت انضباط مالی و بودجه ای دولت؛	87
	s1381	تقویت انگیزه و عزم ملی و تسریع در اجرای کامل سیاست های کلی اصل 44		

	s1382	رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخش‌های خصوصی و تعاونی	2-رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخش‌های خصوصی و تعاونی؛ 3-ساماندهی و حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در جهت کارآمدسازی آن‌ها.	
	s1383	ساماندهی و حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط جهت کارآمدسازی آنها		
سیاست‌های کلی تولید (۱۳۹۱/۱۱/۲۴)	s1384	تنظیم نقش نهادهای عمومی غیردولتی اقتصادی در جهت تولید ملی	88	تنظیم نقش نهادهای عمومی غیردولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.
سیاست‌های کلی تولید (۱۳۹۱/۱۱/۲۴)	s1385	شفاف‌سازی و به‌روزرسانی آمار و اطلاعات	89	شفاف‌سازی و به‌نگام‌سازی آمار و اطلاعات و تسهیل دسترسی به آن‌ها و اطلاع‌رسانی در مورد ابعاد و فرصت‌های سرمایه‌گذاران و سرمایه‌گذاری در رشته‌های مختلف و مقابله جدی با استفاده از هرگونه دسترسی اطلاعاتی ویژه.
سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲/۱۱/۲۹)	s1386	تأمین شرایط و فعال‌سازی منابع مالی و سرمایه‌های انسانی	90	تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط
	s1387	توسعه کارآفرینی		
	s1388	تشویق مشارکت جمعی در فعالیت‌های اقتصادی		
سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه (۱۳۹۴/۰۴/۰۹)	s1389	حمایت از تأسیس شرکت‌های غیردولتی	91	حمایت از تأسیس شرکت‌های غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اکتشاف (نه مالکیت)، بهره‌برداری و توسعه میدان‌های نفت و گاز کشور به‌ویژه میدان‌های مشترک در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴.
	S1390	سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اکتشاف و بهره‌برداری میدان‌های نفت و گاز		

پنل خبرگانی

افزون بر داده‌های استخراج شده از بیانات و ابلاغیه‌های رهبر معظم انقلاب پیرامون جایگاه بخش خصوصی، یک پنل خبرگانی متشکل از 4 صاحب‌نظر حوزه اقتصاد بخش خصوصی برگزار شد. این 4 نفر بر اساس تنوع رتبه و جایگاه علمی و اجرایی انتخاب شده‌اند تا جامعیت بیشتری برای تحلیل داده‌ها داشته باشند.

مشخصات اعضای پنل عبارتند از:

- 1) دکتر حسن سبحانی؛ استاد تمام اقتصاد دانشگاه تهران
 - 2) دکتر یحیی آل اسحاق؛ رئیس اتاق مشترک ایران و عراق و وزیر اسبق بازرگانی
 - 3) دکتر سید علی روحانی، معاون سابق سیاستگذاری اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی
 - 4) حجت الاسلام و المسلمین غلامرضا مصباحی مقدم؛ عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام
- در ادامه اصلی ترین نکات مطرح شده توسط صاحب نظران پنل در جدول شماره 10 ذکر شده است.

جدول 10. خلاصه نکات پنل نخبگانی

کد	مضامین پایه	مصاحبه شونده
H1	انگیزه فعالیت های اقتصادی تحصیل درآمدهای مادی است	دکتر حسن سبحانی
H2	دولت پاسدار تحقق عدالت است	
H3	هیچ سهمی برای اسلام در اقتصاد ایران قائل نیستند	
H4	نظام اقتصادی اسلام نظامی است که در آن انگیزه های مادی به رسمیت شناخته میشود	
H5	به بخش خصوصی در جامعه ما باید میدان داد	
H6	در تعامل با بخش خصوصی نگاه باید این باشد که آنها کشور را جلو میبرند	
H7	حمایت دولت باید از بخش خصوصی مولد باشد	
H8	اهمیت آموزش سواد اقتصادی با رویکرد مولد به مردم و بخش خصوصی و جلوگیری از آموزش اندیشه های غیرمولدی	
Y1	اشتباه دولتی کردن بانک ها	دکتر یحیی آل اسحاق
Y2	تفسیر اشتباه از سیاست های اصل 44 قانون اساسی	
R1	باید بخش دولتی زمین بازی را طراحی کند و بخش خصوصی بازیکن باشد	دکتر سید علی روحانی
R2	بخش دولتی فراتر از تنظیم گری، نظارت و داوری ورود کرده است	

	تنظیم گری ها باید متناسب با منفعت عموم جامعه باشد	R3
	ضرورت کاهش تصدی گری بخش های دولتی و عمومی در اقتصاد با حفظ نقش دولت در حکمرانی	R4
	وظیفه دولت پیش بینی پذیر کردن اقتصاد برای بخش خصوصی است	R5
	طراحی و ابلاغ قوانین و مقررات با هماهنگی بخش خصوصی باشد	R6
	حاکمیت، سود و ابزارهای ریسک (نوسانات ارز و قیمت ها) بخش خصوصی را به رسمیت بشناسد	R7
	بخش خصوصی باید در قبال بازار و منافع مردم مسئولیت پذیر باشد (ارتقای کیفیت محصول و رضایت مصرف کننده)	R8
	بخش خصوصی برای کاهش فقر و اشتغال مناطق تحت فعالیت خود برنامه ریزی کند	R9
	بخش خصوصی نباید به سوی فساد و سوءاستفاده از شرایط نابسامان اقتصادی برود	R10
	لزوم بهبود نظام اداری و کیفیت نیروی انسانی دولت به منظور همکاری با بخش خصوصی و طراحی افق های آینده توسعه ایران	R11
	سیاست گذاری در حوزه مسائل اقتصادی باید با نگاه بلند مدت برای رشد و پیشرفت کشور صورت بگیرد	M1
	به ظرفیت های مردمی و بخش خصوصی باید میدان داده شود و دولت با بخش خصوصی رقابت نکند	M2
حجت الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی مقدم	دولت باید برای فعالان بخش خصوصی و عامه مردم تسهیلات فراهم کند تا آنها با خیال راحت در عرصه تولید و تجارت وارد شوند	M3



M4	قوانین باید قوانین تسهیل کننده باشد نه قوانینی که دشوار کننده کارهای بخش خصوصی باشد
M5	عدم ورود دولت در رقابت با مردم و بخش خصوصی
M6	باید برای کارهای مولد هزینه‌ها کاهش یابد و برای کارهای غیر مولد هزینه‌ها را بالا برد تا ظرفیت‌های مالی مردم به سمت کارهای تولیدی سوق پیدا کند
M7	برخورد با امضاها و طلایی به عنوان یک مانع بخش خصوصی
M8	بهبود فضای کسب و کار و اصلاح جایگاه ایران در رتبه بندی جهانی
M9	لزوم کوچک سازی و چابک سازی دولت
M10	افزایش حمایت مالی بانک‌های دولتی از طرح‌های مولد بخش خصوصی
M11	لزوم تامین مالی بلندمدت بخش خصوصی از طریق بازار سهام

فصل ۳) یافته‌ها و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف تحلیل دقیق بیانات و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری پیرامون خصوصی‌سازی و مردمی کردن اقتصاد انجام شد. در فرآیند تحقیق، ابتدا ۹۱ فیش از سخنرانی‌ها و سیاست‌های ابلاغی ایشان استخراج شد که هرکدام نمایانگر یکی از جنبه‌های کلیدی مرتبط با موضوع بودند. پس از تحلیل دقیق این فیش‌ها و شناسایی مفاهیم، 390 مضمون پایه استخراج شد. در ادامه، پنل نخبگانی برگزار شد که مهمترین نکات آنها به دست آمد و بخش زیادی از نتایج پنل، همخوانی قابل توجهی با بیانات رهبر معظم انقلاب داشت. این پژوهش نشان داد که خصوصی‌سازی و مردمی کردن اقتصاد از ارکان کلیدی سیاست‌های اقتصادی مقام معظم رهبری است. سپس این مضامین پایه با مطالعه و بررسی دقیق‌تر در قالب 12 مضمون سازمان‌دهی شده دسته‌بندی شدند و در نهایت، با تجمیع این 12 مضمون، ۴ مضمون فراگیر شناسایی و ارائه شد که چارچوب کلی تحلیل را تشکیل می‌دهند و در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

شاخص‌های تحقق اقتصاد بخش خصوصی در نگاه مقام معظم رهبری

پس از استخراج 390 مضمون پایه از بیانات و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری و همچنین 32 مضمون به دست آمده از مصاحبه‌های نخبگانی، فرآیند بررسی و تحلیل دقیق‌تری بر روی مفاهیم اولیه انجام گرفت. هدف این مرحله، دسته‌بندی و بازنگری مجدد فیش‌ها برای شناسایی مضامین سازمان‌دهنده و گروه‌بندی مناسب آنها بود. با انجام این تحلیل دقیق و تکرار فرآیند مطالعه، مشخص شد که مفاهیم گسترده‌تر و عمیق‌تری از دل این فیش‌ها قابل استخراج است که می‌تواند به درک جامع‌تر و روشن‌تری از سیاست‌های مرتبط با خصوصی‌سازی و مردمی کردن اقتصاد کمک کند.

در نتیجه این مرحله از تحلیل، تمامی فیش‌ها در قالب 12 مفهوم کلان دسته‌بندی شدند که هرکدام از این مفاهیم نمایانگر یکی از شاخص‌های تحقق اقتصاد بخش خصوصی در نگاه مقام معظم رهبری به شمار می‌آید. این شاخص‌ها در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول 11. مضامین سازمان‌دهنده

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
1	مبنا قرار گرفتن سیاست‌های اصل ۴۴ و اجرای صحیح آن	s1023, s1040, s1039, s1064, s1065, s1081, s1068, s1087, s1094, s1095, s1096, s1097, s1098, s1099, s1100, s1106, s1121, s1115, s1124, s1135, s1136, s1143, s1144, s1151, s1196, s1262, s1263, s1269, s1270, s1271, s1307, s1344, s1341, s1352, s1353, s1354, s1357, s1381, s1077, s1328, s1163, Y2
2	ضرورت مشوق‌های مالی و حمایت‌های قانونی دولت از	s1037, s1038, s1034, s1031, s1042, s1044, s1041, s1054, s1060, s1080, s1075, s1107, s1105, s1102, s1116, s1113, s1111, s1125, s1127, s1146, s1217, s1218, s1219, s1249, s1258, s1261, s1278, s1280, s1284, s1285, s1308, s1309, s1368, s1369, s1370, s1371,

s1376, s1377, s1378, s1379, s1380, s1389, s1383, s1327, s1117, s1176, s1286, H1, H4, H7, R6, R7, M3, M4, M8, M10, M11	توانمندسازی بخش خصوصی	
s1030, s1029, s1033, s1032, s1016, s1052, s1114, s1152, s1153, s1154, s1155, s1157, s1183, s1184, s1185, s1186, s1189, s1190, s1195, s1221, s1222, s1224, s1226, s1227, s1228, s1216, s1215, s1220, s1233, s1237, s1238, s1241, s1248, s1260, s1274, s1275, s1276, s1281, s1283, s1294, s1295, s1296, s1311, s1312 s1314, s1316, s1317, s1318, s1319, s1322, s1323, s1324, s1335, s1348, s1351, s1355, s1358, s1388, s1082, s1109, s1328, s1329, s1194, s1027, H5, M2	پررنگ کردن نقش مردم در اقتصاد	3
s1026, s1025, s1036, s1008, s1052, s1053, S1055, s1061, s1074, s1091, s1092, s1112, s1110, s1122, s1139, s1149, s1150, s1147, s1191, s1192, s1223, s1209, s1239, s1240, s1242, s1243, s1244, s1277, s1282, s1334, s1335, s1336, s1337, s1339, s1358, s1359, s1360, s1361, s1362, s1363, s1364, s1365, s1366, s1367, s1018, s1019, s1076, s1374, s1086, s1123, s1132, s1342, s1340, s1372, R2, R3, R4	لزوم کاهش تصدی‌گری (غیر از موارد خاص) و افزایش عملکرد نظارتی دولت	4
s1020, s1066, s1058, s1059, s1078, s1126, s1079, s1140, s1148, s1178, s1245, s1259	ضرورت آسیب شناسی عملکرد گذشته در خصوصی سازی	5
s1045, s1046, s1047, s1049, s1050, s1072, s1069, s1070, s1071, s1073, S1121, s1142, s1382, s1384, s1345, R1, M5	پرهیز از رقابت دولت با بخش خصوصی	6
s1133, s1132, s1134, S1075, s1163, s1164, s1175, s1177, s1186, s1294, s1368, s1369, s1370, s1371, s1380, s1382, H6, R8	تکمیل عملکرد بخش خصوصی با بخش تعاونی	7
s1172, s1173, s1174, s1175, s1193, s1200, s1338, H2, R9	التزام به شاخص عدالت	8
s1201, s1202, s1203, s1188, s1253, s1254, s1255, s1256, s1257, s1266, s1267, s1268, s1313, s1387, H8	آموزش و توسعه سواد اقتصادی جامعه	9
s1287, s1289, s1290, s1291, s1292, s1379, s1330, s1331, s1336, s1363, s1018, s1126, s1374, s1128, s1129, s1130, s1385, R10, R11, M7, R5	شفافیت اطلاعات و مبارزه با فساد	10
s1298, s1035, s1297, s1299, s1331, s1117	ضرورت هماهنگی بین قوه‌ای برای تقویت بخش خصوصی	11
s1012, s1013, s1014, s1015, s1016, s1017, s1083, s1123, s1131, s1004, s1028, s1054, s1143, s1197, s1198, s1199, s1210, s1211, s1214, s1246, s1247, s1248, s1279, s1311, s1312, s1356, s1373, M1, H6	اهمیت بخش خصوصی به عنوان شرط لازم در تحقق اهداف کلان ملی	12

در ادامه به تفصیل هر یک از شاخص‌های مستخرج از تحلیل مضامین گردآوری شده می‌پردازیم:

1- مبنا قرار گرفتن سیاست‌های اصل ۴۴ و اجرای صحیح آن

سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی با هدف تحول در ساختار اقتصادی کشور و کاهش نقش دولت در مدیریت بخش‌های اقتصادی طراحی شد. این سیاست‌ها تأکید دارند که با واگذاری مدیریت و مالکیت بخش‌های دولتی به مردم و بخش خصوصی، رقابت‌پذیری، بهره‌وری و کارایی در اقتصاد افزایش یابد. هدف این بود که بخش خصوصی نقش پررنگ‌تری در اقتصاد ایفا کند و سرمایه‌های مردمی به سمت تولید و مدیریت اقتصادی هدایت شود. با اجرای صحیح این سیاست‌ها، انتظار می‌رفت که اقتصاد داخلی بهبود یافته و فرصت‌های جدیدی برای سرمایه‌گذاری و کارآفرینی ایجاد شود.

با این حال، در عمل، اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ با چالش‌هایی روبرو بوده است. واگذاری‌های نادرست، نبود نظارت کافی و عدم شفافیت در فرآیندها، به مشکلاتی مانند سوءاستفاده و عدم تحقق کامل اهداف اقتصادی منجر شده است. برخی واگذاری‌ها به افراد یا شرکت‌هایی صورت گرفت که توانایی مدیریت صحیح آن‌ها را نداشتند، که این موضوع به ناکارآمدی و نارضایتی عمومی منجر شد. همچنین، مشکلات ساختاری و علمی نیز وجود داشته که در اجرای این سیاست‌ها به خوبی رفع نشده است.

برای دستیابی به منافع بلندمدت و افزایش بهره‌وری در اقتصاد، لازم است اصلاحات لازم در نحوه اجرای این سیاست‌ها صورت گیرد. نظارت دقیق‌تر، شفافیت بیشتر، و جبران عقب‌ماندگی‌ها در اجرای اصل ۴۴ ضروری است. همچنین، مشارکت فعال مردم و فعالان اقتصادی به عنوان نیروی محرکه اصلی اقتصاد باید تقویت شود تا از فرصت‌های ایجاد شده نهایت استفاده صورت گیرد و به رشد پایدار دست یابیم.

2- ضرورت مشوق‌های مالی و حمایت‌های قانونی دولت از توانمندسازی بخش خصوصی

نقش و حمایت از بخش خصوصی از طریق مشوق‌های مالی و حمایت‌های قانونی یکی از اهداف اصلی سیاست‌های کلان اقتصادی کشور است. بخش خصوصی به عنوان موتور محرکه توسعه اقتصادی شناخته می‌شود، زیرا با توانایی در ایجاد اشتغال، افزایش تولید و جذب سرمایه‌گذاری، می‌تواند به رشد پایدار اقتصادی کمک کند. مشارکت فعال بخش خصوصی در اقتصاد نیازمند فضای کسب‌وکار مناسب، قوانین حمایتی و دسترسی به منابع مالی است. در این راستا، سیاست‌هایی مانند تأمین مالی از طریق صندوق توسعه ملی و تشویق سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بزرگ و کوچک، نقش مهمی در تقویت توان بخش خصوصی دارند.

یکی از چالش‌های اصلی در حمایت از بخش خصوصی، رقابت ناعادلانه با شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی است که دسترسی بیشتری به منابع و امکانات دارند. برای ایجاد فضای رقابتی سالم، ضروری است که حمایت‌های دولت از

بخش خصوصی به گونه‌ای باشد که این بخش بتواند در بازارهای داخلی و بین‌المللی رقابت کند. همچنین، رفع موانع مالیاتی، اصلاح ساختارهای بانکی و تسهیل صدور مجوزها از دیگر مواردی است که می‌تواند به توسعه بخش خصوصی کمک کند.

در نهایت، تقویت بخش خصوصی نیازمند اصلاحات ساختاری و افزایش اعتماد بین دولت و فعالان اقتصادی است. ایجاد چارچوب‌های قانونی و مالی مناسب، به همراه نظارت بر اجرای درست سیاست‌ها، می‌تواند به افزایش نقش بخش خصوصی در رشد اقتصادی منجر شود. این اقدامات نه تنها اقتصاد کشور را پویا می‌کند، بلکه به توزیع عادلانه‌تر منابع و فرصت‌ها نیز کمک می‌کند.

3- پررنگ کردن نقش مردم در اقتصاد

نقش مردم در اقتصاد و تولید یکی از مهم‌ترین عوامل در تقویت بنیان‌های اقتصادی و ایجاد رشد پایدار است. مشارکت مردم، به‌ویژه از طریق سرمایه‌گذاری‌های کوچک و متوسط، می‌تواند به ایجاد اشتغال، افزایش تولید و کاهش فقر کمک کند. سیاست‌هایی که بر مردمی کردن اقتصاد تأکید دارند، نقش مردم را در توسعه و رونق اقتصادی برجسته می‌کنند. این مشارکت می‌تواند از طریق کارهای خانگی، تعاونی‌ها و صنایع کوچک و بزرگ شکل بگیرد و به تقویت ثبات اقتصادی کشور منجر شود. برای افزایش مشارکت اقتصادی مردم، دولت و نهادهای اقتصادی باید با ارائه راهکارهای عملی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب، دسترسی مردم به فرصت‌های اقتصادی را تسهیل کنند. ایجاد تعاونی‌ها، ارائه تسهیلات بانکی، و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از جمله راه‌هایی هستند که می‌توانند به جذب سرمایه‌های مردمی و هدایت آن‌ها به سمت فعالیت‌های مولد کمک کنند. همچنین، اطلاع‌رسانی مناسب و تدوین نقشه راه برای نشان دادن مسیرهای سرمایه‌گذاری و مشارکت اقتصادی به مردم از اهمیت بالایی برخوردار است.

در نهایت، تکیه بر توانایی‌ها و سرمایه‌های مردم برای رشد تولید و مهار تورم یک ضرورت اساسی است. تجربه‌های گذشته نشان داده که وقتی مردم به عنوان نیروی محرک اقتصادی فعال می‌شوند، اقتصاد کشور قوی‌تر و پویاتر می‌شود. مشارکت مردم در اقتصاد، به‌ویژه در شرایط بحرانی و فشارهای بین‌المللی، می‌تواند به کاهش وابستگی به منابع دولتی و افزایش تاب‌آوری اقتصادی منجر شود.

4- لزوم کاهش تصدی‌گری (غیر از موارد خاص) و افزایش عملکرد نظارتی دولت

نقش و عملکرد دولت در اقتصاد همواره از موضوعات کلیدی در سیاست‌های کلان کشورها بوده است. در سیاست‌های اقتصادی ایران، کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش نظارت به‌جای دخالت مستقیم، یکی از اصول مهم برای دستیابی به رشد و پایداری اقتصادی است. دولت باید به‌عنوان نهاد نظارتی و راهبردی عمل کند و فضا را

برای فعالیت بخش خصوصی و مردم فراهم سازد. از سوی دیگر، وظیفه دولت این است که در موارد خاص که بخش خصوصی قادر به سرمایه‌گذاری یا مدیریت نیست، به‌طور موقت وارد عمل شود.

رقابت ناعادلانه دولت با بخش خصوصی، همراه با تصدی‌گری بیش از حد دولت در برخی حوزه‌ها، مانع از رشد بخش خصوصی و مشارکت کامل آن در اقتصاد شده است. برای حل این مشکل، لازم است دولت به‌جای دخالت مستقیم، نظارت بیشتری بر فرآیندهای اقتصادی داشته و تنها در موارد ضروری نقش اجرایی ایفا کند. در همین راستا، کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش نظارت کارآمد بر اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی ضروری است.

در نهایت، دولت باید نقش حمایتی خود را از تولید و بخش خصوصی حفظ کند، اما به‌گونه‌ای که از دخالت بیش از حد جلوگیری شده و فضا برای رشد بخش خصوصی و مردمی شدن اقتصاد باز باشد. علاوه بر این که، موارد مرتبط با امنیت ملی و حوزه حاکمیتی در اختیار دولت است و دولت نباید در این موارد تصدی‌گری خود را کنار بگذارد.

5- ضرورت آسیب‌شناسی عملکرد گذشته در خصوصی‌سازی

مشکلات و چالش‌های مرتبط با خصوصی‌سازی و عملکرد دولت در این حوزه از موضوعات پیچیده و حساس در اقتصاد کشورها است. خصوصی‌سازی به‌عنوان راه‌حلی برای کاهش نقش دولت در اقتصاد و افزایش بهره‌وری مطرح شده است، اما در عمل اجرای این سیاست‌ها با مشکلات متعددی مواجه بوده است. یکی از این چالش‌ها، واگذاری نادرست دارایی‌ها به افرادی است که توانایی یا صلاحیت کافی برای مدیریت آن‌ها را ندارند و باعث شکست پروژه‌ها و نارضایتی عمومی شده است.

علاوه بر این، نبود نظارت کافی بر فرآیند خصوصی‌سازی و ضعف در اجرای اصول اولیه این سیاست‌ها، به سوءاستفاده و فساد منجر شده است. در برخی موارد، واگذاری‌ها به افرادی صورت گرفته که به‌جای بهبود بهره‌وری و تولید، تنها به دنبال منافع شخصی بوده‌اند. این موضوع نه تنها به بدبینی نسبت به خصوصی‌سازی منجر شده، بلکه اهداف اصلی آن را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است.

برای حل این مشکلات، نیاز به بازنگری و اصلاح فرآیندهای خصوصی‌سازی وجود دارد. نظارت دقیق‌تر، شفافیت در واگذاری‌ها و انتخاب افراد یا شرکت‌های واجد شرایط برای مدیریت دارایی‌ها از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود این فرآیند کمک کند. همچنین، ضروری است که دولت‌ها از سوءاستفاده‌ها و انحرافات احتمالی جلوگیری کنند تا خصوصی‌سازی به‌عنوان ابزاری کارآمد برای رشد اقتصادی و افزایش بهره‌وری عمل کند.

6- پرهیز از رقابت دولت با بخش خصوصی

یکی از چالش‌های مهم در اقتصاد کشور، رقابت ناعادلانه شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی با بخش خصوصی است. رقابت سالم میان بنگاه‌های اقتصادی می‌تواند به افزایش بهره‌وری، نوآوری و کارایی منجر شود، اما این رقابت باید به‌درستی تنظیم شود تا از ناعادلانه شدن آن جلوگیری کند. در برخی موارد، رقابت ناعادلانه بین بخش دولتی و خصوصی، به‌ویژه به‌خاطر دسترسی بیشتر شرکت‌های دولتی به منابع، امکانات و حمایت‌های دولتی، باعث تضعیف بخش خصوصی شده است. این موضوع می‌تواند بخش خصوصی را از دستیابی به سهم عادلانه خود در اقتصاد محروم کند.

برای بهبود این وضعیت، دولت باید نقش حمایتی خود را به‌گونه‌ای تنظیم کند که به‌جای دخالت مستقیم در اقتصاد و رقابت با بخش خصوصی، به تنظیم رقابت سالم و جلوگیری از انحصار در بازارها بپردازد. همچنین، بخش دولتی و خصوصی می‌توانند در حوزه‌های مشخصی به‌عنوان مکمل یکدیگر عمل کنند، به‌ویژه در پروژه‌های بزرگ و بین‌المللی که نیازمند همکاری دو بخش است.

در نهایت، تفکیک درست نقش‌ها و ایجاد تعادل میان بخش دولتی و خصوصی به‌گونه‌ای که نه دولت مداخله بیش از حد داشته باشد و نه بخش خصوصی از حمایت لازم محروم شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این تعادل می‌تواند هم به افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی کمک کند و هم رقابت سالمی میان این دو بخش برقرار سازد.

7- تکمیل عملکرد بخش خصوصی با بخش تعاونی

تکمیل عملکرد بخش خصوصی با بخش تعاونی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور داشته باشد. این دو بخش هر کدام ویژگی‌ها و مزایای خاص خود را دارند، اما وقتی به‌طور همزمان و مکمل با یکدیگر عمل کنند، می‌توانند به بهبود و تعادل در اقتصاد و جامعه کمک کنند. بخش خصوصی با بهره‌گیری از منابع مالی داخلی و توانایی‌های نیروی کار داخلی، می‌تواند به تقویت اقتصاد مقاومتی کمک کند. این مشارکت نه تنها موجب رشد تولید و اشتغال می‌شود، بلکه آسیب‌پذیری اقتصادی کشور را در برابر تحریم‌ها و شوک‌های خارجی کاهش می‌دهد. همچنین، ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی و دانش‌بنیان می‌تواند به کاهش وابستگی به صادرات نفتی کمک کرده و اقتصاد کشور را به سمت استقلال و خودکفایی سوق دهد.

در مقابل، بخش تعاونی بر اصل همکاری و مشارکت اعضا تأکید دارد و به‌طور معمول هدفش رفع نیازهای جمعی، ایجاد عدالت اجتماعی و بهبود وضعیت اقتصادی اعضای خود است. علاوه بر این، بخش تعاونی به‌ویژه در مناطق روستایی و کم‌برخوردار، می‌تواند فرصت‌های شغلی و درآمدی را برای اعضای خود فراهم آورد. این بخش از آن جهت که هدفش ارتقای وضعیت اجتماعی اعضای خود است، به‌ویژه در جوامع کم‌درآمد و آسیب‌پذیر بسیار تأثیرگذار است.

در مجموع، ترکیب و تکمیل عملکرد بخش خصوصی و بخش تعاونی می‌تواند به توسعه متوازن و پایدار اقتصادی و اجتماعی منجر شود. در حالی که بخش خصوصی به دنبال رشد اقتصادی، افزایش بهره‌وری و رقابت است، بخش تعاونی می‌تواند به عدالت اجتماعی، کاهش فقر و توزیع عادلانه‌تر منابع کمک کند. همکاری این دو بخش باعث ایجاد تعادل در استفاده از منابع، ارتقای سطح زندگی مردم و دستیابی به اهداف کلان اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

8- التزام به شاخص عدالت

توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی به‌عنوان دو رکن اساسی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی باید همواره در کنار هم مورد توجه قرار گیرند. رشد اقتصادی بدون توجه به عدالت اجتماعی ممکن است به نابرابری‌ها و شکاف‌های اجتماعی بیشتر منجر شود، در حالی که توسعه پایدار زمانی محقق می‌شود که همزمان با افزایش تولید و رشد اقتصادی، توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها نیز صورت گیرد. یکی از اهداف کلیدی در سیاست‌های اقتصادی، ایجاد تعادل میان بخش‌های خصوصی، تعاونی و دولتی است تا همه اقشار جامعه از منافع رشد اقتصادی بهره‌مند شوند.

رشد اقتصادی به‌تنهایی کافی نیست و باید با عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه فرصت‌ها همراه باشد. برای اینکه رشد اقتصادی تأثیرات واقعی و ملموسی بر زندگی مردم بگذارد، لازم است دولت برابری فرصت‌ها و دسترسی عادلانه به منابع را تضمین کند. برنامه‌های توسعه‌ای همچون برنامه هفتم، که بر اهدافی مانند تکریمی کردن تورم و اصلاح ساختارهای مالی و مالیاتی تمرکز دارند، می‌توانند به تقویت این روند کمک کنند.

برای دستیابی به عدالت اجتماعی، لازم است فرصت‌های شغلی و امکانات اقتصادی به‌صورت عادلانه میان اقشار مختلف توزیع شود. ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای مهارت‌آموزی، تسهیل دسترسی به منابع مالی و فراهم‌سازی فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای طبقات کم‌درآمد از جمله اقداماتی است که می‌تواند به عدالت در توسعه اقتصادی کمک کند. در نهایت، تزریق منابع مالی به بخش‌های خصوصی و تعاونی، همراه با رعایت عدالت در تخصیص این منابع، نقش مهمی در کاهش نابرابری‌ها و تقویت مشارکت همه‌جانبه در اقتصاد دارد. این رویکرد می‌تواند به ایجاد یک اقتصاد قوی‌تر و عادلانه‌تر منجر شود که در آن هم رشد اقتصادی و هم عدالت اجتماعی تحقق پیدا می‌کند.

9- آموزش و توسعه سواد اقتصادی جامعه

یکی از چالش‌های عدم توسعه بخش خصوصی و تعاونی در ایران، ضعف در سواد مالی و اقتصادی جامعه است. آموزش یکی از محورهای کلیدی در توانمندسازی نیروی کار و افزایش مشارکت عمومی در اقتصاد است. جوانان و نیروی انسانی تحصیل‌کرده با یادگیری مهارت‌های جدید و کاربردی می‌توانند در حوزه‌های تولیدی و صنعتی نقشی مؤثر ایفا کنند. مهارت‌آموزی نه تنها فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد می‌کند، بلکه به توسعه بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله شرکت‌های دانش‌بنیان و کسب‌وکارهای نوآورانه نیز کمک می‌کند.

برای تسهیل مشارکت مردم در اقتصاد، نیاز به ایجاد بسترهای مناسب و حمایت‌های دولتی وجود دارد. دولت باید از طریق ارائه آموزش‌های مهارتی، رفع موانع قانونی و ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری، مردم را تشویق به ورود به عرصه‌های اقتصادی کند. یکی از نمونه‌های موفق در این زمینه، شرکت‌های دانش‌بنیان هستند که توانسته‌اند با جلب مشارکت مردم در حوزه‌های فناوری و تولید، رشد قابل توجهی در اقتصاد کشور ایجاد کنند. همچنین، سرمایه‌های مردمی می‌توانند نقش مهمی در پروژه‌های تولیدی و صنعتی ایفا کنند و از این طریق به شکوفایی اقتصاد کشور کمک کنند.

10- شفافیت اطلاعات و مبارزه با فساد

شفافیت اطلاعات و دسترسی عمومی یکی از اصول کلیدی در اقتصاد مدرن است که می‌تواند به بهبود عملکرد اقتصادی و کاهش فساد کمک کند. زمانی که اطلاعات اقتصادی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و آمارهای مرتبط به‌صورت شفاف و به‌روز در دسترس عموم قرار گیرد، امکان سوءاستفاده و ویژه‌خواری به حداقل می‌رسد. شفاف‌سازی اطلاعات به فعالان اقتصادی این امکان را می‌دهد که با اطلاعات کامل و صحیح تصمیم‌گیری کنند و به‌صورت عادلانه از فرصت‌های موجود بهره‌مند شوند.

یکی از مشکلاتی که تاکنون وجود داشته، محدود بودن اطلاعات اقتصادی به گروه‌های خاص یا افراد خاص بوده است که این امر زمینه‌ساز فساد و ایجاد انحصار شده است. دسترسی عمومی به اطلاعات و آمارهای اقتصادی می‌تواند رقابت سالم را در بازار تقویت کند و موجب شود که تمام افراد و کسب‌وکارها در شرایط برابر به فرصت‌های اقتصادی دسترسی داشته باشند.

برای ارتقای شفافیت، لازم است که دولت و نهادهای مرتبط با اقتصاد، آمارها و داده‌های خود را به‌صورت منظم و به‌روز منتشر کنند و دسترسی به آن‌ها را برای همگان آسان‌تر کنند. این اقدامات به ایجاد اعتماد عمومی کمک کرده و زمینه‌ساز افزایش سرمایه‌گذاری و مشارکت گسترده‌تر مردم در اقتصاد می‌شود.

علاوه بر این، مبارزه با فساد، قاچاق و حمایت از تولید از الزامات حیاتی برای بهبود فضای کسب‌وکار و تقویت بخش تولیدی هر کشور است. فساد اقتصادی، رشوه و قاچاق، آفات مهمی هستند که موجب تضعیف بخش تولیدی و کاهش اعتماد عمومی به نظام اقتصادی می‌شوند. برای مقابله با این مشکلات، دولت باید قوانین سختگیرانه‌تری را در زمینه فساد و قاچاق اعمال کند تا اقتصاد کشور از این تهدیدات محافظت شود.

11- ضرورت هماهنگی بین قوای برای تقویت بخش خصوصی

هماهنگی بین قوای سه‌گانه (مجریه، مقننه و قضائیه) برای تقویت بخش خصوصی از اهمیت بالایی برخوردار است. این هماهنگی می‌تواند منجر به ایجاد فضای مناسب برای فعالیت اقتصادی، کاهش موانع و تسهیل فرآیندهای تجاری و تولیدی شود. هماهنگی میان قوای سه‌گانه می‌تواند به کاهش موانع قانونی، بوروکراسی و پیچیدگی‌های

اداری کمک کند. این موانع معمولاً باعث کندی در فرآیند ثبت شرکت‌ها، اخذ مجوزها، تأمین منابع مالی و انجام پروژه‌ها می‌شود.

قوه مجریه به عنوان مجری سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی، نقشی کلیدی در ایجاد و اجرای طرح‌ها و تصمیمات مرتبط با بخش خصوصی دارد. اما این سیاست‌ها باید با حمایت و نظارت قوه مقننه و همکاری قوه قضائیه همراه باشند. قوه مقننه مسئول تصویب قوانین و مقررات است که می‌تواند اثرات زیادی بر شرایط کسب‌وکار، مالیات، حمایت‌های دولتی و دیگر زمینه‌های اقتصادی داشته باشد. در صورتی که قوانین به‌طور هماهنگ با سیاست‌های اجرایی و قضائی طراحی و تصویب شوند، بخش خصوصی می‌تواند با اطمینان بیشتری به سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت‌های اقتصادی خود بپردازد. قوه قضائیه باید قوانین مربوط به حقوق مالکیت، قراردادها، حل‌وفصل اختلافات تجاری و حمایت از سرمایه‌گذاران را به‌طور مؤثر اجرا کند. این هماهنگی به بخش خصوصی اطمینان می‌دهد که حقوق قانونی آن‌ها حفظ خواهد شد.

12- اهمیت بخش خصوصی به عنوان شرط لازم در تحقق اهداف کلان ملی

رشد اقتصادی و آینده‌نگری از عناصر کلیدی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی هر کشور است. رشد سریع و پایدار اقتصادی نیازمند سیاست‌ها و برنامه‌های منسجم است که بتوانند تولید را افزایش دهند، اشتغال ایجاد کنند و وضعیت معیشتی مردم را بهبود بخشند. یکی از اهداف مهم سیاست‌های کلان، به‌ویژه در برنامه‌های توسعه‌ای، دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصدی یا بیشتر است. این رشد در بلندمدت می‌تواند تأثیرات مثبتی بر رفاه عمومی و ثبات اقتصادی داشته باشد. بخش خصوصی می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری و ایجاد کسب‌وکارهای جدید، میزان تولید و خدمات را افزایش دهد. این امر منجر به رشد اقتصادی پایدار و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر می‌شود. رشد بخش خصوصی به ویژه در زمینه‌های صنعتی، فناوری، و خدمات، می‌تواند موجب کاهش نرخ بیکاری و ارتقاء سطح معیشت مردم شود.

برای تحقق رشد اقتصادی پایدار و رسیدن به اهداف بلندمدت، نیاز به اصلاحات ساختاری، بهره‌وری بیشتر در بخش‌های تولیدی و جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی است. همچنین، توانمندسازی نیروی انسانی، حمایت از نوآوری و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان می‌تواند موتور محرکه‌ای برای رشد سریع‌تر اقتصادی باشد و کشور را به سمت توسعه و پیشرفت پایدار هدایت کند. در مجموع، بخش خصوصی با فراهم آوردن فرصت‌های شغلی، تقویت رقابت، جذب سرمایه، نوآوری و توسعه فناوری، کاهش وابستگی به دولت، و تقویت بخش‌های مختلف اقتصادی، به تحقق اهداف کلان ملی کمک می‌کند و از این رو، جایگاه بسیار مهمی در فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور دارد.

الزامات تحقق اقتصاد بخش خصوصی در نگاه مقام معظم رهبری

در گام بعدی تحلیل مضمون، پس از دسته‌بندی اولیه مفاهیم در قالب 12 مضمون، مرحله دیگری از بازنگری و تجزیه و تحلیل انجام شد تا بتوانیم این مفاهیم را در سطحی کلان‌تر و منسجم‌تر گروه‌بندی کنیم. هدف از این مرحله، ساده‌سازی و یکپارچه‌سازی مفاهیم برای ارائه یک چارچوب منظم‌تر بود که بتواند تمامی جنبه‌های سیاست‌های خصوصی‌سازی و مردمی کردن اقتصاد را به‌صورت جامع پوشش دهد.

در این گام، 12 شاخص استخراج‌شده (که به لحاظ روش شناسی از آن تحت عنوان مضامین سازمان دهنده یاد می‌شود) در مرحله قبل با بررسی دقیق‌تر و تجزیه و تحلیل عمیق، مجدداً در ۴ مضمون کلان‌تر دسته‌بندی شدند. این ۴ مضمون نه تنها تمام جزئیات مفاهیم قبلی را حفظ کردند، بلکه توانستند به شکلی منسجم‌تر و یکپارچه‌تر ابعاد مختلف موضوع بحث را پوشش دهند و از آنها میتوان به عنوان الزامات تحقق اقتصاد بخش خصوصی در نگاه مقام معظم رهبری نام برد:

1) بسیج امکانات قانونی، مالی و آموزش عمومی در ارتقای بخش خصوصی برای تحقق اهداف ملی

بخش خصوصی به عنوان یکی از ارکان اصلی در اقتصاد، نیازمند حمایت‌های دولتی و قانونی است تا بتواند در محیطی رقابتی و سالم فعالیت کند. رفع موانع مالیاتی، اصلاح قوانین بانکی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب از جمله اقداماتی است که دولت باید انجام دهد تا بخش خصوصی بتواند با کارایی بیشتری به ایفای نقش بپردازد. این حمایت‌ها شامل دسترسی به منابع مالی، تسهیلات بانکی و رفع چالش‌های قانونی و اداری نیز می‌شود. سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی، از جمله صنایع تولیدی و شرکت‌های دانش‌بنیان، می‌تواند به رشد اقتصادی قابل‌توجهی منجر شود. تأمین مالی از طریق بانک‌ها، صندوق توسعه ملی و سایر نهادهای مالی، ابزارهای مهمی برای حمایت از پروژه‌های کلان و همچنین کسب‌وکارهای کوچک و متوسط هستند. همچنین، وجود زیرساخت‌های مناسب حقوقی و مالی می‌تواند مشوق بخش خصوصی برای ورود به حوزه‌های جدید و گسترش فعالیت‌های اقتصادی باشد.

یکی از چالش‌های مهم در این زمینه، ایجاد شرایطی است که سرمایه‌گذاری‌ها به سمت تولید و فناوری‌های نوین هدایت شوند. حمایت دولت از تولید داخلی و استفاده از ظرفیت‌های نوآورانه، به‌ویژه در حوزه‌های دانش‌بنیان، می‌تواند باعث افزایش بهره‌وری و رشد تولید شود. در کنار آن، آموزش و توانمندسازی سواد اقتصادی جامعه، نقش مؤثری در توسعه بخش خصوصی دارد.

2) پرهیز از تصدی‌گری و نقش رقابتی دولت با بخش خصوصی و تأکید بر نقش نظارتی آن

یکی از مشکلات بخش خصوصی، رقابت ناعادلانه شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی با بخش خصوصی است که مانع از رقابت سالم در بازار می‌شود. پرهیز از تصدی‌گری و تأکید بر نقش نظارتی دولت در کنار فراهم کردن فضای

رقابتی برای بخش خصوصی از اصول کلیدی برای ایجاد یک اقتصاد پویا، کارآمد و رقابتی است. دولت نباید به جای بخش خصوصی وارد عرصه‌های تولیدی و خدماتی شود، زیرا این کار باعث انحصار دولتی، کاهش رقابت و افزایش بوروکراسی می‌شود. بخش خصوصی به دلیل ویژگی‌هایی چون انگیزه‌های سودآوری، انعطاف‌پذیری و ظرفیت برای نوآوری، می‌تواند به‌طور مؤثرتر و کارآمدتر نیازهای بازار را تأمین کند.

محدود کردن تصدی‌گری دولت می‌تواند منابع عمومی را به سمت فعالیت‌هایی که در آن‌ها بخش خصوصی توانمندی بیشتری دارد هدایت کند. به این ترتیب، دولت باید به‌جای تصدی‌گری، سیاست‌گذاری و تنظیم قواعد بازار را بر عهده گیرد. در واقع، دولت باید نقش نظارتی ایفا کند تا مطمئن شود که بازارها به‌طور شفاف و عادلانه عمل می‌کنند و رفتارهای ضد رقابتی مانند انحصار و فساد در آن‌ها شکل نگیرد. نظارت درست دولت می‌تواند به حفظ رقابت و تحقق عدالت اقتصادی کمک کند.

دولت باید اطمینان حاصل کند که سیاست‌ها و قوانین تدوین‌شده برای رقابت و حمایت از بخش خصوصی به‌درستی در عمل پیاده‌سازی می‌شود. نظارت مستمر و دقیق بر عملکرد بخش خصوصی به دولت کمک می‌کند تا در صورت لزوم اصلاحات لازم را در سیاست‌ها و مقررات ایجاد کند.

(3) آسیب شناسی اجرای اصل 44 قانون اساسی با تاکید بر شاخص عدالت و مبارزه با فساد

این مضمون به بررسی و تحلیل سیاست‌های کلی اقتصادی کشور، چالش‌های ساختاری و اصلاحاتی که برای بهبود وضعیت اقتصادی لازم است، می‌پردازد. در این بخش، سیاست‌های کلان مانند اصل 44 قانون اساسی که بر واگذاری مدیریت‌های اقتصادی به مردم و کاهش تصدی‌گری دولت تأکید دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. اصل 44 به عنوان یکی از مهم‌ترین اصلاحات ساختاری اقتصادی، تلاش می‌کند تا با کاهش نقش دولت در مدیریت اقتصادی و تقویت بخش خصوصی، رقابت و کارایی را افزایش دهد. با این حال، اجرای این سیاست‌ها با چالش‌هایی همراه بوده است. مشکلات مربوط به واگذاری‌های نادرست، فساد در فرایندهای خصوصی‌سازی و نبود نظارت کافی از جمله مسائلی است که این اصلاحات را با موانعی مواجه کرده است.

در بسیاری از موارد، دولت باید حمایت‌های هدفمند از قشر ضعیف را در نظر بگیرد تا این اقشار از خدمات و منابع خصوصی بهره‌مند شوند، اما اگر این حمایت‌ها به درستی اجرایی نشود، منافع اقتصادی خصوصی‌سازی ممکن است به گروه‌های خاص و اقلیت تعلق گیرد و عدالت اجتماعی خدشه‌دار شود. تمرکز ثروت، بی‌توجهی به حقوق اقشار ضعیف، فساد، انحصارها و کاهش دسترسی به خدمات از جمله چالش‌هایی است که می‌تواند به‌ویژه در زمینه شاخص عدالت اجتماعی به وجود آید. برای حل این مسائل، ضروری است که دولت نظارت مؤثر، شفافیت و سیاست‌های حمایتی دقیقی را پیاده‌سازی کند تا منافع عمومی در فرآیند خصوصی‌سازی حفظ شود و عدالت اجتماعی به درستی تحقق یابد.

علاوه بر این، مبارزه با فساد و قاچاق نیز یکی از جنبه‌های کلیدی در رشد اقتصادی کشور و نقش بخش خصوصی است. دولت باید با اصلاحات ساختاری و تقویت نظارت بر بازار، مانع از سوءاستفاده‌ها و نشت سرمایه به بخش‌های غیرمولد شود. همکاری بین دولت و بخش خصوصی برای ایجاد رقابت سالم و کاهش انحصار، به رشد پایدار اقتصادی و مقاومت بیشتر کشور در برابر تهدیدات خارجی منجر می‌شود.

شفافیت اطلاعات و دسترسی عمومی به داده‌های اقتصادی نقش مهمی در اصلاحات کلان دارد. نبود شفافیت منجر به فساد و سوءاستفاده‌های گسترده در برخی از بخش‌های اقتصادی می‌شود و جلوگیری از آن، یکی از اولویت‌های اصلی برای اصلاح ساختار اقتصادی است. در کنار آن، رشد اقتصادی و آینده‌نگری نیز بخشی از این عنوان است که بر ضرورت برنامه‌ریزی دقیق و اجرای سیاست‌های اصلاحی برای دستیابی به رشد پایدار و افزایش بهره‌وری در اقتصاد تاکید دارد.

4) تعریف نقش مکمل مردم و تعاونی‌ها برای اقتصاد بخش خصوصی

این مضمون به اهمیت مشارکت فعال مردم و تقویت بخش تعاونی به عنوان دو عامل اصلی در رشد و توسعه بخش خصوصی می‌پردازد. این بخش به چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای مشارکت مردم در اقتصاد، ارتقای توانمندی‌های آن‌ها و حمایت از بخش خصوصی در انجام فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی متمرکز است.

مشارکت مردمی از طریق سرمایه‌گذاری‌های کوچک و متوسط، نقش مهمی در افزایش تولید و اشتغال‌زایی دارد. تکیه بر نیروی کار داخلی، توانمندسازی مردم از طریق آموزش‌های مهارتی و تخصصی و ارائه فرصت‌های سرمایه‌گذاری به اقشار مختلف جامعه، راهکارهایی برای تقویت این مشارکت است. تجربه موفق تعاونی‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان نشان می‌دهد که با جذب سرمایه‌های مردمی و نوآوری‌های فناورانه می‌توان اقتصاد کشور را پویا کرد.

به صورت کلی، مضامین فراگیر و سازمان دهنده در جدول ذیل مشخص شده اند:

جدول 12. شاخص‌ها و الزامات اقتصاد بخش خصوصی از منظر مقام معظم رهبری در یک نگاه

مضامین سازمان دهنده (شاخص‌ها)	مضامین فراگیر (الزامات)
ضرورت مشوق‌های مالی و حمایت‌های قانونی دولت از توانمندسازی بخش خصوصی	بسیج امکانات قانونی، مالی و آموزش عمومی در ارتقای بخش خصوصی برای تحقق اهداف ملی
آموزش و توسعه سواد اقتصادی جامعه	
ضرورت هماهنگی بین قوه‌ای برای تقویت بخش خصوصی	
اهمیت بخش خصوصی به عنوان شرط لازم در تحقق اهداف کلان ملی	
لزوم کاهش تصدی‌گری (غیر از موارد خاص) و افزایش عملکرد نظارتی دولت	پرهیز از تصدی‌گری و نقش رقابتی دولت با بخش خصوصی و تاکید بر نقش نظارتی آن
پرهیز از رقابت دولت با بخش خصوصی	
مبنا قرار گرفتن سیاست‌های اصل ۴۴ و اجرای صحیح آن	

آسیب شناسی اجرای اصل 44 قانون اساسی با تاکید بر شاخص عدالت و مبارزه با فساد	ضرورت آسیب شناسی عملکرد گذشته در خصوصی سازی
	التزام به شاخص عدالت
	شفافیت اطلاعات و مبارزه با فساد
تعریف نقش مکمل مردم و تعاونی‌ها برای اقتصاد بخش خصوصی	پررنگ کردن نقش مردم در اقتصاد
	تکمیل عملکرد بخش خصوصی با بخش تعاونی

فرجام

پژوهش حاضر با هدف دستیابی به شاکله ای از منظومه فکری مقام معظم رهبری در رابطه با جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد ایران و همچنین الزامات تحقق آن به انجام رسید. ادبیات نظری و چارچوب مفهومی موضوع نشان می دهد که چهار الگوی رایج در خصوص نقش خصوصی در اقتصاد قابل گزارش است که شامل الگوی آنگلو ساکسون (لیبرال)، سرمایه داری اجتماعی، سوسیال دموکرات و سرمایه داری دولتی (کنفسیوسی) می شود. علاوه بر آنکه تقریر صحیح از اقتصاد اسلامی می تواند نزدیک ترین مبنای نظری مرتبط با دیدگاه رهبر معظم انقلاب و ابلاغیه اقتصاد مقاومتی تلقی گردد. ذیل هر یک از این الگوهای سیاستگذاری اقتصادی می توان طیفی از مجموعه اقتصادهای پیشرفته، در حال توسعه و نه چندان توسعه یافته را مدنظر قرار داد.

از جمله مهم ترین دلالت های مستخرج از بررسی این الگوهای متعارف را میتوان ذیل موارد زیر در نظر آورد:

الگوی آنگلو ساکسون (لیبرال) به نوعی قائل به نقش محدود شده دولت و انجام وظیفه پشتیبانی از برقراری شرایط حداکثری رقابت است. در نتیجه چنین رویکردی، مبارزه با اختلاف طبقاتی و بهبود عدالت توزیعی منابع جریان می یابد. همچنین بهره برداری از بخش خصوصی در افزایش و متنوع سازی همبستگی های بین المللی و اتصال بازارهای (به ویژه مالی، تجاری) داخلی به خارجی است. با این وجود لزوم آمادگی دولت برای مدیریت بحران های طبیعی در بازارها مورد توجه جدی قرار می گیرد.

الگوی سرمایه داری اجتماعی از سویی به هم آهنگی و مشارکت فعال همه ذی نفعان دولتی و غیردولتی در موفقیت تجربه حکمرانی اقتصادی کشورهای پیشرفته اشاره دارد و از سوی دیگر به مدیریت بخش خصوصی در رابطه با تأمین اجتماعی کارگران اصرار می ورزد.

الگوی سوسیال دموکرات یکی از وظایف اصلی دولت ها را التزام آور ساختن اقدامات تحقیق و توسعه برای بخش خصوصی می داند. همچنانکه الگوی سرمایه داری دولتی (کنفسیوسی) نیز به اصل مداخله استراتژیک دولت در اقتصاد بنا شده است.

تحلیل روشمند بیانات و ابلاغ اسناد رسمی بالادستی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی و آرای نخبگانی مبتنی بر آن حاوی مهم ترین عناصر مورد نظر در این دیدگاه و مرتبط با جایگاه بخش خصوصی در اقتصاد ایران است. مواردی از قبیل مبنا قرارگرفتن سیاست های کلی اصل 44 قانون اساسی و اجرای صحیح آن، ضرورت تخصیص مشوق های مالی (اعم یارانه و مالیات) و همچنین حمایت های قانونی دولت از توانمند سازی بخش خصوصی، تأکید بر اقتصاد مردمی به عنوان ابتکاری نزدیک به ادبیات اقتصاد بخش خصوصی و با تفاوت های مهم ولی نه چندان زیاد، لزوم کاهش تصدی گری (به غیر موارد خاص) و افزایش عملکرد نظارتی دولت، ضرورت آسیب شناسی عملکردهای گذشته در مواجهه با بخش خصوصی، پرهیز از رقابت دولت با بخش خصوصی، تکمیل عملکرد بخش خصوصی با بخش تعاونی، التزام به شاخص عدالت، آموزش و توسعه سواد اقتصادی جامعه، شفافیت اطلاعات و مبارزه با فساد، ضرورت هماهنگی میان قوای سه گانه و در نهایت توجه به بخش خصوصی به عنوان شرط لازم در تحقق اهداف کلان ملی (همچون رشد بالای اقتصادی، تورم کاهش یافته و اشتغال کامل) مستخرج از بررسی 390 مضمون پایه بیانات رهبر معظم انقلاب و 32 مضمون مصاحبه های نخبگانی بوده است.

منابع و مآخذ

- آخوندی، عباس (۱۳۹۱)، «بخش خصوصی: تلاش برای ارائه یک تعریف»، تهران: اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی تهران.
- رنانی، محسن (۱۳۷۶)، بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارآیی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir>
- صدر، محمدباقر. (۱۹۸۲). اقتصادنا. قم: مؤسسه نشر آثار اسلامی.
- صدیقی، کورس؛ صدیقی، کاوس و صدیقی، شهریار (۱۳۹۴)، «حوزه‌های چالشی و الزامات توسعه بخش خصوصی در برنامه ششم توسعه (فضاسازی‌ها، جهت‌گیری‌ها و سیاست‌ها)»، طرح مطالعاتی توسعه بخش خصوصی در برنامه ششم اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی تهران، گزارش نهایی، ویرایش دوم.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روش کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، دو فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۹۸-۱۵۱.
- کمالی، یحیی؛ شیخ‌زاده، صدیقه جوشانی و حسین عسکری، فرزانه (۱۴۰۰)، «شناسایی و دسته‌بندی معیارهایی برای تدوین سیاست‌های عمومی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۲۱۰-۲۴۸.
- مصلی‌نژاد، عباس و اکبری، سمانه (۱۳۹۱)، «نقش دولت در توسعه اقتصادی ترکیه در سه دهه اخیر»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۲.
- نجفی خواه، محسن (۱۳۹۵)، «مرز میان بخش عمومی و بخش خصوصی در حقوق ایران با تأکید بر برنامه خصوصی‌سازی و برون‌سپاری»، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، دوره ۲۱، شماره ۴.
- نصیرزاده، غلامرضا (۱۳۸۳). خصوصی سازی شرکت‌های دولتی. تهران: انتشارات کمال علم.

- Amsden, Alice H. (1989). *Asia's Next Giant: South Korea and Late Industrialization*. Oxford University Press.
- Atlı, Altay (2011), "Businessmen and Turkey's Foreign Policy", Policy Brief, International Policy and Leadership Institute.
- Attride-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.
- Boyatzis, R. E. (1998), *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Brown, L. Carl; Pope, Hugh; Pope, Nicole (1999). "Turkey Unveiled: A History of Modern Turkey". *Foreign Affairs*. 78 (4): 145.
- Chang, Ha-Joon. (2017). *State and Market: The Role of Government in East Asia*. Anthem Press.
- Cheng, Li., & Wang, Min. (2015). *Economic Models in East Asia: Confucian Paradigm*. Routledge.
- Endler, John. (2014). *Comparative Analysis of Economic Systems*.
- Ertuna, Özer. (1998). Constraints of Privatization: The Turkish case. Retrieved from <http://www.nioclibrary.com/privatization/e035.pdf>
- Esmer, Tolga U. (May 2007). "Turkey from Empire to Revolutionary Republic: The Emergence of the Turkish Nation from 1789 to Present: Akşin, Sina: New York: New York University Press, 335 pp.
- Goodin, Robert E., et al. (1999). *The Real Worlds of Welfare Capitalism*. Cambridge University Press.
- Kakonen, Jyrki (2013), "BRICS as a NEW Constellation in International Relation", University of Tampere, Tallinn University.
- Karataş, C. (2001). Privatization in Turkey: Implementation, Politics of Privatization and Performance Results. *Journal of International Development*, 13, 93-121. Retrieved from <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1002/jid.759>
- Kohei, Imai. 2022. "Economic Diplomacy on Turkish Foreign Policy under AKP." IDE Discussion Paper no. 856. <http://doi.org/10.20561/00053081>
- Koslowski, Peter. (1998). *The Social Market Economy: Theory and Ethics of the Economic Order*. Springer.
- Kutlay, Mustafa. 2011. "Economy as the 'Practical Hand' of 'New Turkish Foreign Policy': A Political Economy Explanation", *Insight Turkey*, Vol. 13, No.1, pp. 67-88.



- Lee, Jang., et al. (2018). *Comparative Analysis of Global Economic Systems*. Cambridge University Press.
- Lin, Justin Yifu (2012) "China and the Global Economy" Reuven Glick and Mark M. Spiegel, eds, *Asia's Role in the Post-Crisis Global Economy*, 2011 Asia Economic Policy Conference Proceedings, San Francisco: Federal Reserve Bank of San Francisco.
- Luca, Davide (2015) Votes and regional economic growth: evidence from Turkey. *World Development*, 78. pp. 477-495. ISSN 0305-750X
- Ministry of Economy (2014). "Economic Outlook" , available at: http://www.economy.gov.tr/files/economic_outlook.ppt
- Muresan, Valeriu. (2014). *Social Cohesion and Economic Development in the European Context*. Springer.
- Ögürücü Mehmet & Raymond & Saner (2008), "Fine-tuning Turkey's economic diplomacy", *EurasiaCritic Magazine*.
- Park, Sung Ho. (2017). *Culture and Economy in Asia: The Confucian Influence*. Oxford University Press.
- Silver, Jennifer. (2013). *The Private Sector in Welfare Systems*. Oxford University Press.
- Vallee, Shahin (2010). Turkey's Economic and Financial Diplomacy, *Turkish Policy Quarterly*, volume 9, number 4.
- Williams, Richard. (2016). *Economy and Social Justice in the Modern World*. Cambridge University